



جمهوری اسلامی ایران

وزارت امور خارجه

گزارش سالانه نقض حقوق بشر توسط آمریکا

سپتامبر ۲۰۲۴ – سپتامبر ۲۰۲۵

معاونت امور حقوقی و بین‌المللی



گزارش سالانه
نقض حقوق بشر توسط آمریکا

سپتامبر ۲۰۲۴ – سپتامبر ۲۰۲۵

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران
معاونت امور حقوقی و بین‌المللی

بر اساس تبصره سوم قانون «افشای نقض حقوق بشر توسط آمریکا و انگلیس در جهان امروز» مصوبه سوم اردیبهشت ۱۳۹۱ مجلس شورای اسلامی، وزارت امور خارجه موظف است سالانه گزارش نقض حقوق بشر در ایالات متحده آمریکا را تهیه و در روز سیزدهم آبان ماه منتشر نماید

فهرست مطالب

۷	پیام دکتر کاظم غریب آبادی معاون امور حقوقی و بین المللی وزارت امور خارجه
۹	چکیده
۱۱	بخش اول: نقض حقوق بشر در سطح ملی
۱۳	فصل اول : نقض حق حیات، آزادی و امنیت فردی
۱۳	۱. خشونت مسلحانه
۱۴	۲. تیراندازی دسته جمعی
۱۵	۳. خشونت پلیس
۱۷	۴. استقرار گارد ملی
۱۹	۵. مجازات اعدام
۲۰	فصل دوم: نقض حقوق زندانیان
۲۰	۱. شرایط غیرانسانی زندان‌ها
۲۱	۲. بازداشت پیش از محاکمه
۲۳	۳. استفاده از سلول انفرادی
۲۴	۴. زندان گوانتانامو
۲۷	فصل سوم : نقض آزادی بیان و تجمعات مسالمت آمیز
۲۷	۱. نقض آزادی بیان
۳۱	۲. نقض آزادی تجمعات مسالمت آمی
۳۳	۳. محدود کردن رسانه ها
۳۵	فصل چهارم : تبعیض و نژادپرستی ساختاری
۳۵	۱. تبعیض و شکاف اقتصادی
۳۸	۲. تبعیض و شکاف قضایی
۴۰	۳. افزایش جرایم ناشی از نفرت
۴۲	۴. تبعیض و حقوق بومیان
۴۵	فصل پنجم: نقض حقوق مهاجران و پناهجویان
۴۵	۱. نظامی سازی سیاست مهاجرتی
۴۸	۲. شرایط نامناسب بازداشتگاه های مهاجران
۴۹	۳. اخراج‌های اجباری به کشورهای ثالث
۵۳	۴. بازداشت و نقض حقوق ایرانیان مهاجر مقیم آمریکا
۵۵	فصل ششم: نقض حقوق زنان
۵۵	۱. خشونت علیه زنان
۵۵	۲. خشونت خانگی
۵۷	۳. نابرابری اقتصادی زنان

۵۸	فصل هفتم: حقوق کودکان
۵۹	۱. تأثیر سیاست‌های مهاجرتی بر کودکان
۵۹	۲. نگهداری کودکان در بازداشتگاه‌های مرزی
۶۰	۳. تیراندازی در مدارس
۶۰	۴. کار پنهان کودک
۶۱	۵. تبعیض نژادی و کودکان
۶۲	۶. محاکمه کودکان به‌عنوان بزرگسال
۶۳	فصل هشتم: نابرابری و توزیع ناعادلانه ثروت
۶۳	۱. شکاف اقتصادی ساختاری
۶۴	۲. بحران فقر و بی‌خانمانی
۶۷	۳. کاهش بودجه سلامت و کمک‌های رفاهی
۷۱	بخش دوم: نقض حقوق بشر در سطح فراملی و بین‌المللی
۷۳	فصل اول : حمایت از رژیم صهیونیستی در نسل‌کشی غزه
۷۳	۱. حمایت تسلیحاتی از رژیم صهیونیستی در نسل‌کشی غزه
۷۵	۲. حمایت تکنولوژیک از رژیم صهیونیستی در نسل‌کشی غزه
۷۶	۳. حمایت سیاسی از رژیم صهیونیستی در نسل‌کشی غزه
۷۸	۴. تحریم قضات دیوان کیفری بین‌المللی
	۵. تحریم گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل در خصوص وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطینی اشغالی
۸۱	۶. تحریم و سرکوب مدافعان حقوق بشر فلسطینیان
۸۳	فصل دوم: عملیات نظامی فرامرزی و تلفات غیرنظامیان
۸۶	۱. حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران
۸۷	۲. همکاری با رژیم اسرائیل در تجاوز نظامی به ایران
۹۰	فصل سوم: اقدامات قهرآمیز یکجانبه
۹۰	۱. اعمال تحریم‌های همه‌جانبه علیه ایران
۹۳	۲. اعمال تحریم علیه سایر کشورها
۹۴	فصل چهارم: خروج از سازمان‌های بین‌المللی
۹۴	۱. خروج از سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)
۹۵	۲. خروج از سازمان بهداشت جهانی
۹۶	۳. خروج از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد
۹۷	۴. قطع کمک مالی ایالات متحده آمریکا
۱۰۳	نتیجه‌گیری

پیام دکتر کاظم غریب‌آبادی، معاون امور حقوقی و بین‌المللی

وزارت امور خارجه

امروزه انحراف مباحث حقوق بشری از حوزه انسانی و تبدیل آن به ابزار قدرت و اعمال فشار در عرصه مناسبات میان دولت‌ها یکی از جدی‌ترین تهدیداتی است که حقوق بشر با آن مواجه است و ممکن است این پدیده و دستاورد بشری که ریشه در باورها و اندیشه‌های انسانی و دینی و اخلاقی نسل‌های مختلف بشر دارد، را از مسیر طبیعی و اخلاقی خود خارج نماید.

داعیه دفاع از حقوق بشر یکی از مهمترین شعارها و ادعاهای فاقد اعتبار مقامات انگلیسی در نظام بین‌الملل به حساب می‌آید. اما علی‌رغم تمام این ادعاها، اقدامات ضدحقوق بشری انگلیس در همه ابعاد داخلی و بین‌المللی مؤید این واقعیت است که دولتمردان این کشور که همواره خود را مدعی حقوق بشر معرفی می‌کنند و به حقوق بشر و تحولات حقوق بشری در دیگر کشورها براساس ترجیحات و منافع سیاسی خود نگاه می‌کنند، در واقع حقوق بشر را ابزاری برای ادامه سیاست‌های استعماری گذشته خود، اما در شکلی جدید و به ظاهر اخلاقی و انسانی، برای سلطه ذهنی و فکری و شناختی بر دیگر ملت‌ها، مورد سوءاستفاده قرار می‌دهند.

در گزارش پیش‌رو، تلاش شده است تا با استناد به آخرین گزارش‌های رسمی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی حقوق بشری و منابع معتبر راستی‌آزمایی شده بین‌المللی، بخشی از موارد نقض حقوق بشر توسط انگلیس در بعد داخلی و بین‌المللی در بازه زمانی یک ساله مورد توجه قرار گیرد. این گزارش در واقع یکی از ده‌ها دلیلی است که ادعاهای حقوق بشری انگلیس نسبت به دیگر کشورها را بی اعتبار می‌کند.

چکیده

ادعای ایالات متحده آمریکا در زمینه دفاع از حقوق بشر، علی‌رغم آن که یکی از شعارهای محوری سیاست خارجی این کشور در عرصه بین‌الملل به شمار می‌رود، در عمل فاقد پشتوانه‌ی واقعی است و منطبق بر معیارهای جهانی حقوق بشر نمی‌باشد. نه‌تنها وضعیت داخلی حقوق بشر در ایالات متحده با چالش‌ها و موارد متعدد نقض مواجه است، بلکه عملکرد این کشور در سطح بین‌المللی نیز گواهی روشن بر استفاده ابزاری و گزینشی از مفهوم حقوق بشر است.

راهبردهای مداخله‌جویانه و نظامی‌گرایانه ایالات متحده، که با توسل به زور و با اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی همراه است، به‌ویژه در قبال کشورهای مستقل، نشان‌دهنده بهره‌برداری ابزاری از مفهوم حقوق بشر برای تأمین منافع ژئوپلیتیکی و اقتصادی است. دخالت‌های مکرر این کشور در امور داخلی سایر دولت‌ها، بی‌ثبات‌سازی ساختارهای حاکمیتی، و حمایت از اقدامات ناقض حقوق بشر در دیگر مناطق جهان، از جمله شواهدی است که ادعاهای حقوق بشری آن را زیر سؤال می‌برد.

این گزارش وقایع رخ داده از سپتامبر ۲۰۲۴ تا سپتامبر ۲۰۲۵ را پوشش می‌دهد، بنابراین توصیه می‌شود که در ادامه گزارش‌های سال‌های گذشته در نظر گرفته شود تا نگاه جامعی نسبت به روند نقض حقوق بشر این کشور برای خواننده ترسیم شد. در طول بازه زمانی تهیه گزارش اقدامات ضدحقوق بشری ایالات متحده آمریکا در عرصه داخلی و بین‌المللی و رویکرد ریاکارانه این کشور در ادعای رهبری حقوق بشر جهانی به‌طور بارزی ادامه یافته است. مصادیق حقوق بشر در سطح داخلی آمریکا با افزایش خشونت مسلحانه، استفاده غیرقانونی از قوای قهریه توسط پلیس آمریکا علیه اقلیت‌ها و تبعیض هدفمند علیه سیاهپوستان به وسیله پلیس و دستگاه قضایی، فقر و بی‌خانمانی و نابرابری، رفتار خشونت آمیز با زندانیان، خشونت علیه زنان، نظامی سازی

سیاست مهاجرتی، نقض حقوق کودکان، نقض حقوق بومیان، تبعیض نژادی، سرکوب آزادی بیان و تجمعات مسالمت‌آمیز و ... افزایش یافته است.

آمریکا با بهره‌برداری ابزاری از مفاهیم حقوق بشر، به‌عنوان پوششی برای مداخلات خود و همدستی آشکار با رژیم صهیونیستی در نقض سیستماتیک حقوق بشر فلسطینیان و نسل‌کشی غزه عمل کرده است. این نقض‌ها شامل حمایت سیاسی و نظامی بی‌قید و شرط از نسل‌کشی رژیم اسرائیل در غزه است.

آشکار شدن سیاست عدم پابندی ایالات متحده به چارچوب‌ها و موازین بین‌المللی حقوق بشر، که با خروج این کشور از شورای حقوق بشر به صورت رسمی اعلام گردید، نه‌تنها حکایت از فرار این کشور از نظارت سازوکارهای حقوق بشری بر وضعیت حقوق بشر در این کشور دارد، بلکه به نظر می‌رسد با هدف تضعیف اعتبار و کارآمدی نهادهای بین‌المللی حقوق بشری انجام شده که نشان‌دهنده تداوم سیاست‌های خصمانه، یک‌جانبه‌گرایانه و ضد حقوق بشری این کشور است.

بخش اول:

نقض حقوق بشر در سطح ملی

فصل اول: نقض حق حیات، آزادی و امنیت فردی

۱. خشونت مسلحانه

خشونت مسلحانه در ایالات متحده آمریکا همچنان یکی از جدی‌ترین تهدیدها علیه حق حیات، آزادی و امنیت فردی به شمار می‌رود. با وجود تعهدات بین‌المللی این کشور، ایالات متحده تاکنون در کنترل و مقابله مؤثر با این پدیده ناکام بوده است که این امر منجر به تداوم و افزایش موارد مرگ و میر قابل پیشگیری شده است. در حالی که مقام‌های آمریکایی بر متمم دوم قانون اساسی و حق مالکیت سلاح تأکید دارند، گسترش بی‌رویه و گسترده سلاح‌های گرم، به‌ویژه سلاح‌های شبه‌نظامی، به‌طور مستقیم با تعهد این کشور برای حفاظت از حق ذاتی حیات در تعارض قرار دارد.

مطابق گزارش‌ها، به ازای هر ۱۰۰ نفر در آمریکا، ۱۲۰ قبضه سلاح گرم وجود دارد؛ آماري که ایالات متحده را به تنها کشوری در جهان تبدیل کرده است که تعداد سلاح‌های گرم آن از جمعیتش بیشتر است. تبعات جسمی و روانی بحران خشونت مسلحانه به شکل نامتناسبی بر دوش جوانان این کشور قرار دارد.

کارشناسان بر این باورند که دسترسی آسان به سلاح گرم نقش قابل توجهی در میزان بالای مرگ و میر ناشی از اقدام به خودکشی دارد؛ به گونه‌ای که تقریباً ۹۰٪ از خودکشی‌های انجام شده با استفاده از سلاح گرم منجر به مرگ می‌شود. گزارش موسسات حقوق بشری حاکی از آن است که خودکشی یکی از بحران‌های رو به رشد در ایالات متحده است و اسلحه‌ها این بحران را تشدید می‌کنند.^۱

در بازه زمانی تهیه گزارش، ایالات متحده با آمار نگران‌کننده‌ای از خشونت‌های مرتبط با سلاح گرم مواجه بوده است:^۲

1. <https://publichealth.jhu.edu/2025/new-report-highlights-us-2023-gun-deaths-suicide-by-firearm-at-record-levels-for-third-straight-year>

2. <https://www.gunviolencearchive.org/>

تعداد کل قربانیان (شامل قتل عمد، غیرعمد، و استفاده دفاعی): ۱۰,۸۷۱ نفر جان خود را از دست داده‌اند.

* تعداد کل مجروحان: ۱۹,۸۶۷

* تیراندازی‌های جمعی: ۳۱۵ مورد

* قتل‌های جمعی: ۱۰ مورد

* قتل/خودکشی: ۴۸۰ مورد

* استفاده دفاعی از سلاح: ۸۵۸ مورد

* شلیک‌های غیرعمد: ۹۸۰ مورد

۲. تیراندازی دسته جمعی

تیراندازی‌های دسته‌جمعی، به عنوان یکی از چالش‌های برجسته حقوق بشری و امنیت عمومی در ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۲۵ به شمار می‌روند. طبق داده‌های به روز شده آرشیو خشونت مسلحانه^۱ (GVA) در بازه زمانی تهیه این گزارش ۳۱۵ حادثه تیراندازی جمعی ثبت شده است.

از میان حوادث برجسته و شاخص در این دوره، می‌توان به تیراندازی در ساختمان اداری در منهتن در تاریخ ۲۸ جولای ۲۰۲۵ اشاره کرد که منجر به کشته شدن چهار نفر گردید. همچنین در تعطیلات آخر هفته جولای ۲۰۲۵، مصادف با جشن استقلال آمریکا، شهر شیکاگو شاهد وقوع چندین تیراندازی بود که دست کم ۵۵ نفر مجروح و ۸ نفر کشته بر جای گذاشت. در رویدادی دیگر، یک ساعت قبل از آغاز رسمی تعطیلات، تیراندازی جمعی در منطقه ریور نورث به زخمی شدن ۱۸ نفر و کشته شدن ۴ نفر انجامید. تیراندازی در یک مرکز خرید واقع در ایندیاناپولیس در ماه ژوئن نیز منجر به ۷ کشته و ۹ زخمی شد. و در هوستون، دست کم یک نفر کشته و ۱۵ نفر مجروح گزارش شده است.

شهر واشنگتن دی‌سی به لحاظ نرخ وقوع تیراندازی (۶ مورد تیراندازی در مجموع، تقریباً ۱ مورد در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر) در وضعیت بحرانی قرار دارد.

افزایش خشونت در محیط های آموزشی منجر به بروز نگرانی های گسترده در میان کادر آموزشی شده و بیش از ۲۰ درصد معلمان اعلام کرده اند که به دلیل نگرانی های امنیتی درصدد ترک شغل خود هستند. این وضعیت منجر به شکل گیری جنبش های فعال دانش آموزی و معلمی با هدف بهبود امنیت مدارس شده است.^۱

۳. خشونت پلیس

خشونت پلیس به عنوان یک معضل ساختاری و عمیق در حوزه تحقق حقوق بشر، به ویژه حق حیات، آزادی و امنیت شخصی، در ایالات متحده آمریکا به شدت برجسته است. الگوهای مکرر استفاده نامتناسب و کشنده از زور، به ویژه در جوامع رنگین پوست و حاشیه نشین، بازتاب دهنده نظام تبعیض نژادی سازمان یافته و نقص بنیادین در نظام عدالت کیفری کشور است. این وضعیت منجر به کاهش شدید اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی شده و نشانگر عدم التزام دولت فدرال به توصیه های متعدد کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در زمینه تصویب و اجرای استانداردهای ملی محدودکننده استفاده از زور می باشد. تحلیل داده های آماری نشان می دهد که خشونت پلیس علیه اقلیت های نژادی، به ویژه سیاه پوستان، به طور سیستماتیک و نامتناسبی رخ می دهد. علی رغم اعتراضات گسترده پس از قتل جورج فلوید در سال ۲۰۱۹ و اقدامات اصلاحی در حوزه آموزش و پاسخگویی پلیس، میزان قتل های مرتبط با پلیس هر سال افزایش یافته است. این روند به ویژه در ایالت های تحت کنترل حزب جمهوری خواه شدت بیشتری دارد و افراد سیاه پوست بیشترین نرخ قربانی شدن توسط نیروهای انتظامی را دارا هستند.

مطابق داده های سال ۲۰۲۵، افراد سیاه پوست علی رغم تشکیل تنها ۱۴ درصد جمعیت کل، حدود ۲۲ درصد از قربانیان استفاده از نیروی کشنده پلیس را تشکیل می دهند. احتمال کشته شدن سیاه پوستان توسط پلیس ۲.۸

1. <http://edition.cnn.com/us/school-shootings-fast-facts-dg>

برابر بیشتر از سفیدپوستان است، که این آمار نشان‌دهنده وجود نابرابری‌های ساختاری و تبعیض سیستماتیک در اجرای قانون است. در سال جاری، پلیس ایالات متحده ۹۵۸ کشته بر جای گذاشته است و تنها در ۲ روز از سال جاری هیچ حادثه خشونت‌باری گزارش نشده است.^۱

از لحاظ حقوقی، اجرای ناقص و ناکافی قانون «گزارش‌دهی مرگ در بازداشت»^۲ که به‌منظور شفاف‌سازی و ثبت دقیق مرگ‌های ناشی از عملکرد نیروهای انتظامی تدوین شده، به تداوم فقدان پاسخگویی قانونی دامن زده است. همچنین، ناکامی کنگره در تصویب «قانون عدالت در پلیس»^۳ که به دنبال ایجاد چارچوب قانونی برای ممنوعیت پروفایل نژادی، افزایش پاسخگویی و اصلاحات ساختاری در پلیس است، مانع از تحقق تغییرات اساسی شده است.^۴ در این بین، دفتر کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در گزارش‌های خود به مسئله طبقه‌بندی نادرست و گزارش‌دهی ناکافی مرگ‌ومیر افراد آفریقایی تبار توسط نیروهای اجرای قانون اشاره کرده است. سازوکار بین‌المللی مستقل کارشناسان برای پیشبرد عدالت نژادی و برابری در اجرای قانون، گزارشگر ویژه در امور اقلیت‌ها و کمیسر عالی حقوق بشر نگرانی خود را درباره قتل‌های پلیس و اعمال خشونت علیه آمریکایی‌های آفریقایی تبار ابراز کرده اند.^۵ در همین چارچوب، دستور اجرایی صادره توسط رئیس‌جمهور ایالات متحده در آوریل ۲۰۲۵، که دامنه نظارت فدرال بر نیروهای انتظامی ایالتی و محلی را گسترش می‌دهد، مورد انتقاد کارشناسان حقوق بشر قرار گرفته است. این دستور که زمینه‌ساز سوءاستفاده و بازگشت آشکار به پذیرش مجازات انبوه از طریق افزایش بودجه و حمایت‌های دیگر از پلیس و زندان‌ها، همراه با لحن تفرقه‌انگیز شهروندان قانونمند در برابر «جنایتکاران خطرناک» است،

1. <https://mappingpoliceviolence.org>

2. Death in Custody Reporting Act

3. (George Floyd Justice in Policing Act)

4. <https://www.amnesty.org/en/documents/pol10/8515/2025/en/>

5. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

نگران‌کننده می باشد. دستور رئیس جمهور آمریکا همچنین وعده حمایت قانونی به افسرانی که به سوءرفتار یا خشونت پلیسی متهم شده‌اند، می‌دهد. این دستور اجرایی بازتابی است از تغییر اولویت‌ها در شاخه اجرایی به ویژه در وزارت دادگستری که پرونده‌های حقوق مدنی، از جمله پرونده‌های اصلاح پلیس و توافق‌های مصالحه را متوقف کرده و کنار گذاشته است، که این موضوع به طور نگران‌کننده‌ای نشان می‌دهد سوءرفتار پلیس با پیامد مواجه نخواهد شد.^۱ سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری در این خصوص اعلام کرده‌اند «دستور اجرایی رئیس‌جمهور ترامپ در حوزه عملیات پلیسی، تهدیدی است برای تحمیل دوره‌ای گسترده‌تر از جرم‌انگاری انبوه، در حالی که به نیروهای انتظامی سراسر کشور این پیام را می‌رساند که نظارت فدرال وجود نخواهد داشت و نقض حقوق آنان بی‌پیامد خواهد بود»، «اقدامات ترامپ در به‌کارگیری نیروهای نظامی در نقش‌های انتظامی داخلی و پیگرد قضایی مقامات محلی معترض به سیاست‌های او، زمینه‌ساز سوءاستفاده و مصونیت از پاسخگویی است، نه تضمین امنیت عمومی بیشتر».^۲

این تحولات در کنار کاهش چشمگیر پرونده‌های حقوق مدنی و توقف توافقات مصالحه در وزارت دادگستری، نشانه‌ای از بازگشت به سیاست‌های جرم‌انگاری گسترده و مصونیت پلیسی است که پیامدهای عمیق و منفی بر ساختار حقوق بشر و امنیت عمومی خواهد داشت.

۴. استقرار گارد ملی

در ماه‌های اخیر، دولت ایالات متحده استقرار نیروهای گارد ملی در واشنگتن دی‌سی را به عنوان پاسخی به آنچه که «افزایش خشونت و ناامنی» در پایتخت خوانده است، می‌داند. این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که رئیس‌جمهور آمریکا کلان‌شهرهای تحت مدیریت دموکرات‌ها را به عنوان «شهرهای بی‌قانون» و «شکست‌خورده» معرفی کرده است. چنین بیانیه‌ها و اقدامات، علاوه بر بار

1. <https://www.hrw.org/news/2025/05/27/trumps-policing-policies-threaten-human-rights>

2. <https://www.hrw.org/news/2025/05/01/trumps-order-policing-recipe-abuse>

سیاسی، ابعاد عمیق حقوق بشری و قانونی دارد که قابل توجه است. گزارش‌ها نشان دهنده نارضایتی شدید از حضور نیروهای گارد ملی در واشنگتن دی سی هستند؛ منتقدان می‌گویند که نیروهای گارد ملی در مناطق گردشگری و نه مناطق جرم خیز مستقر هستند.

برای نمونه، رئیس‌جمهور آمریکا، در ۱۱ آگوست ۲۰۲۵، از استقرار نیروهای گارد ملی در واشنگتن خبر داد و ادعا کرد که افزایش خشونت در پایتخت آمریکا اکنون به طور فوری کارمندان دولت، شهروندان و گردشگران را به خطر می‌اندازد، حمل و نقل امن و ایمن و عملکرد صحیح دولت فدرال را مختل می‌کند و منابع عمومی حیاتی را به سمت واکنش اضطراری و اقدامات امنیتی سوق می‌دهد. این در حالیکه به گفته سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری میزان جرم و جنایت در واشنگتن سال‌هاست که در حال کاهش است و دولت منطقه‌ای درخواست مداخله نظامی نکرده است، دخالت ارتش در اجرای قانون غیرنظامی خطرناک و غیرقابل توجیه است. اقدامات دولت ترامپ برای استقرار نیروهای نظامی در شهرهایی با جمعیت عمدتاً رنگین‌پوست، مانند لس‌آنجلس در ماه ژوئن و اکنون واشنگتن دی سی، پتانسیل خشونت را تشدید می‌کند و میلیون‌ها دلار هزینه دارد که می‌توانست صرف خدمات اولیه، مانند غذا و مسکن مقرون به صرفه شود که بسیاری از مردم به شدت به آن نیاز دارند علاوه بر این، گزارش‌ها حاکی از آن است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، مجوز اعزام ۳۰۰ نیروی گارد ملی را به شیکاگو صادر کرده است؛ دستور رئیس‌جمهور آمریکا ساعاتی پس از آن صادر شد که مسئولان اداره مهاجرت از درگیری با معترضان در این شهر تحت کنترل دموکرات‌ها خبر دادند؛ مقام‌های بلندپایه ایالت ایلینوی و رهبران محلی هفته‌هاست که از برنامه‌های آقای ترامپ برای استقرار نیروهای گارد ملی انتقاد می‌کنند و آن را سواستفاده از قدرت می‌خوانند. فرماندار دموکرات ایالت ایلینوی که شهر شیکاگو در آن قرار دارد گفته، دونالد ترامپ «سعی در ایجاد بحران دارد.» به‌کارگیری نیروهای نظامی در اجرای

وظایف انتظامی و غیرنظامی، منافی اصول اساسی حقوق بشر، به ویژه حق بر امنیت شخصی، آزادی تجمع و حق اعتراضات مسالمت آمیز است. این نوع استقرار، خطر نقض حقوق بنیادین مانند حق بر آزادی بیان، حق تجمع و جلوگیری از سوءاستفاده نیروهای نظامی در برابر شهروندان غیرمسلح را افزایش می دهد.

۵. مجازات اعدام

مجازات اعدام در حقوق بین الملل شناسایی شده است و اجرای آن از جمله حق حاکمیتی کشورها مطابق با حقوق بین الملل است ولی اجرای این مجازات در آمریکا نشان دهنده بکارگیری نامناسب و نادرست این موضوع در این کشور است.

گزارش های متعددی از تأثیر نامتناسب این مجازات بر اقلیت های قومی و نژادی منتشر شده است؛ به طوری که گروه های اقلیت به طور ناعادلانه ای در معرض صدور حکم اعدام قرار گرفته اند و موارد متعددی از اعدام افرادی با وجود شک های جدی و مستند درباره روند عادلانه دادرسی و نقض های جدی در نظام قضایی گزارش شده است.

در این بین، نحوه اعدام زندانیان نیز از مسائل چالش برانگیز دیگر در زندان های ایالات متحده آمریکا می باشد، بدین معنا که نحوه اعدام برخی از زندانیان به گونه ای است که موجبات آزار و اذیت بیش از حد آنها را فراهم می کند. به عنوان نمونه، اخیراً در ایالت آلاباما، دو اعدام با استفاده از گاز نیتروژن، روشی آزمایش نشده و غیر انسانی، انجام شده است.^۱ در جدیدترین آمارهای اعلام شده توسط مرکز اطلاعات مجازات اعدام در ایالات متحده آمریکا، از ابتدای سال ۲۰۲۵ میلادی تا ۵ آگوست ۲۰۲۵ میلادی، تنها در ۱۰ ایالت از مجموع ۵۰ ایالت آمریکا، تعداد ۲۸ نفر اعدام شده اند. ^۲ این رقم، نه تنها از کل اعدام های دو سال گذشته (۲۵ مورد در هر سال ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴) فراتر رفته، بلکه بالاترین میزان اعدام های سالانه در این کشور از سال ۲۰۱۵ به این سو را نشان می دهد

1. www.hrw.org/sites/default/files/media_2025

2. deathpenaltyinfo.org/executions/2025#issues

فصل دوم: نقض حقوق زندانیان

۱. شرایط غیرانسانی زندان‌ها

ایالات متحده آمریکا دارای یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین نظام‌های زندانبانی در جهان است که شامل زندان‌های فدرال، ایالتی و محلی می‌شود. بررسی وضعیت زندان‌ها و بازداشتگاه‌های این کشور در سال ۲۰۲۵ حاکی از وجود ضعف‌های ساختاری عمیق در رعایت تعهدات بین‌المللی حقوق بشر است. شرایط غیرانسانی نگهداری زندانیان، استفاده گسترده و مکرر از سلول‌های انفرادی و استمرار بازداشت‌های نامحدود در بازداشتگاه گوانتانامو، نمونه‌هایی بارز از نقض سیستماتیک حقوق بشر به شمار می‌آیند. این رویه‌ها نمایانگر نظامی است که بر مجازات و کنترل سیاسی تأکید دارد و به جای تأکید بر کرامت انسانی، عدالت و قانون، به سرکوب و مصلحت‌های سیاسی اولویت می‌دهد. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، نظام بهداشت و درمان در زندان‌های ایالات متحده با کمبودها و نواقص ساختاری جدی مواجه است و شرایط فعلی به شکلی خطرناک و غیرانسانی ارزیابی می‌شود. این وضعیت به طور مستمر رو به وخامت گذاشته و باعث افزایش رنج و آسیب‌های متعدد به سلامت جسمی و روانی زندانیان شده است.

مطابق برخی گزارش‌ها، مراقبت‌های پزشکی، دندان‌پزشکی و روان‌درمانی هزاران زندانی در ایالت آلاسکا به شدت ناکافی است و نیاز فوری به اصلاحات بنیادین در سیستم بهداشت و درمان اداره اصلاح و نگهداری زندانیان (DOC) این ایالت احساس می‌شود.^۱ این کاستی‌ها نقض آشکار تعهدات حقوق بشری و استانداردهای بین‌المللی مرتبط با حقوق زندانیان و حق دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی انسانی و مناسب محسوب می‌شوند.

گزارش رسمی دفتر بازرسی کل وزارت دادگستری ایالات متحده با عنوان «بازرسی‌های همزمان از عملیات خدمات غذایی اداره فدرال زندان‌ها (BOP)»

1. <https://www.aclu.org/press-releases/class-action-suit-filed-against-alaska-doc-after-decades-of-inadequate-health-care-for-incarcerated-alaskans>

منتشر شده در تاریخ ۱۷ ژوئن ۲۰۲۵ میلادی، نشان از وخامت اوضاع تغذیه در برخی از زندان‌های اداره فدرال زندان‌های ایالات متحده آمریکا دارد. در این گزارش آمده است که «نگران‌کننده‌ترین نکته این است که در طول بازرسی ما از زندان تالاهاسی، نان کپک‌زده‌ای که به زندانیان داده می‌شد، سبزیجات فاسد در یخچال آماده‌سازی غذا، انبار غذا با حشرات داخل و روی غذا، ظروف آسیب‌دیده و تاب‌خورده غذا مشاهده کردیم. علاوه بر این، در زندان تالاهاسی و در طول بازرسی‌های قبلی از سایر مؤسسات، ما انواع مختلفی از مشکلات را که مدیریت خدمات غذایی را مختل می‌کرد، شناسایی کردیم.»^۱

در سال ۲۰۲۵، زندان‌های لس‌آنجلس شاهد مرگ ۲۶ زندانی بوده‌اند که این رقم، به عنوان دومین بالاترین نرخ مرگ‌ومیر در تاریخ ثبت‌شده این سیستم، نمایانگر بحران جدی حقوق بشری در بزرگ‌ترین شبکه زندان‌های ایالات متحده است. این مرگ‌ومیرها، نتیجه مستقیم سیاست‌ها و شرایط ساختاری نظام زندانبانی است که با ازدحام شدید، بی‌توجهی سیستماتیک به سلامت و رفاه زندانیان، سوءرفتار گسترده و فقدان دسترسی به مراقبت‌های پزشکی و روانی استاندارد همراه است. ازدحام بیش از ظرفیت طراحی‌شده، باعث ایجاد شرایط زیستی غیرانسانی، از جمله تهویه ناکافی و شیوع گسترده بیماری‌های واگیردار شده و حقوق بنیادین زندانیان از جمله حق حیات، حق سلامت و برخورداری از شرایط انسانی نگهداری را به شدت نقض می‌کند.

۲. بازداشت پیش از محاکمه

بازداشت پیش از محاکمه و چندگانگی نظام عدالت کیفری در ایالات متحده باعث تشدید بحران حقوق قانونی زندانیان است. بیشتر افراد در زندان‌های آمریکا از نظر قانونی بی‌گناه هستند، بخش عمده‌ای از زندانیان پیش از محاکمه در بازداشت به سر می‌برند و قانونی فرض می‌شوند تا زمانی که جرم‌شان ثابت شود. ایالات متحده تنها یک نظام عدالت کیفری ندارد؛ بلکه هزاران نظام مختلف

1. www.bop.gov/resources/pdfs/legal_guide

در سطح فدرال، ایالتی، محلی و ... وجود دارد. این نظام‌ها در مجموع نزدیک به ۲ میلیون نفر را در مکان‌های مختلف نگهداری می‌کنند.^۱

گزارش‌های معتبر حقایق نگران‌کننده‌ای را درباره وضعیت ۳۴ هزار جوان محبوس در ایالات متحده افشا کرده‌اند که نشان‌دهنده نقض گسترده حقوق کودکان و نوجوانان در نظام کیفری این کشور است. بخش قابل توجهی از این افراد به دلیل «جدی‌ترین تخلفات» که حتی طبق قانون جرم محسوب نمی‌شوند، در بازداشت به سر می‌برند. به عنوان نمونه، حدود ۳ هزار جوان به علت نقض شرایط آزادی مشروط خود و نه به اتهام ارتکاب جرم جدید، در زندان نگهداری می‌شوند.

علاوه بر این، تقریباً ۸۰۰ جوان به خاطر «تخلفات وضعیتی» که عمدتاً رفتارهای خاصی هستند که برای بزرگسالان جرم تلقی نمی‌شود، مانند فرار از منزل، ترک تحصیل یا رفتارهای بی‌قانونی بازداشت شده‌اند. تقریباً از هر ۱۲ جوانی که به جرم یا تخلفی دستگیر شده است، یک نفر در زندان یا بازداشتگاه بزرگسالان نگهداری می‌شود و اکثر باقی‌مانده‌ها در مراکز اصلاح و تربیت نوجوانان هستند که شباهت زیادی به زندان‌ها و بازداشتگاه‌های بزرگسالان دارند. اکثر نوجوانان بازداشت‌شده به دلیل جرایمی غیرمرتبط زندانی شده‌اند، و ۱ نفر از هر ۴ نفر به دلیل اقداماتی در بازداشت به سر می‌برند که طبق قانون حتی «جرم» محسوب نمی‌شوند. ۳۹۸۰۰ نوجوان به دلیل تخلفاتی بازداشت شده‌اند که اصولاً جرم نیستند، و ۴۹۱۰۰ نفر دیگر پناهجویانی هستند که در انتظار انتقال به نزد خانواده یا آشنایان خود به سر می‌برند.^۲ این وضعیت بحران‌زا نقض آشکار تعهدات حقوق بشری ایالات متحده در زمینه حق بر آزادی و حق دادرسی عادلانه محسوب می‌شود و نیازمند اصلاحات فوری و بنیادین در سیاست‌های کیفری و اجتماعی کشور است.

1. <https://www.prisonpolicy.org/reports/pie2025.html>

2. <https://www.prisonpolicy.org/reports/pie2025.html>

۳. استفاده از سلول انفرادی

استفاده گسترده و سیستماتیک از سلول انفرادی به عنوان ابزاری برای مجازات و شکنجه روانی در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های ایالات متحده، یک بحران حقوق بشری عمیق و مستمر را رقم زده است. گزارش‌های مستند نشان می‌دهند که در طول سه دهه گذشته، این مراکز به بزرگ‌ترین اماکن بستری افراد مبتلا به بیماری‌های روانی در کشور بدل شده‌اند. هزاران زندانی مبتلا به اختلالات روانی شدید در شرایطی نامناسب و فاقد حمایت‌های تخصصی لازم در سلول‌های انفرادی نگهداری می‌شوند. به طور قابل توجه، تعداد افراد دارای بیماری روانی که در زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها نگهداری می‌شوند، حدود ده برابر تعداد بیماران روانی بستری در بیمارستان‌های تخصصی ایالتی است. این روند، به ویژه برای افراد مبتلا به بیماری‌های روانی که به جای دریافت درمان، در شرایط انزوا و فشارهای روانی شدید قرار دارند، پیامدهای جبران‌ناپذیری در زمینه سلامت روانی و جسمی آنان به همراه دارد و ضرورت بازنگری فوری و اتخاذ سیاست‌های جایگزین انسانی و درمانی را در نظام اصلاح و بازپروری ایالات متحده برجسته می‌سازد.

در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های آمریکا، ده‌ها هزار زندانی در سلول انفرادی نگهداری می‌شوند؛ سلول‌های کوچک با حبس ۲۲ تا ۲۴ ساعت در روز و تماس انسانی حداقلی. اکثر زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها با کمبود نیروی متخصص سلامت روان مواجه‌اند و کارکنان موجود اغلب با محدودیت‌هایی در ارائه درمان روبه‌رو هستند. در برخی از این مراکز، درمان افراد در انفرادی، محدود به بررسی‌های هفتگی یا ماهانه سلامت روان است که از طریق دریچه‌های تغذیه در درهای سلول انجام می‌شود.

زندانیان مبتلا به بیماری‌های روانی زمینه‌ای که در سلول‌های انفرادی نگهداری می‌شوند، در معرض خطر بالای خودآسیبی و خودکشی قرار دارند. نگرانی قابل توجه این است که زندانیانی که به خودآسیبی دست می‌زنند،

به جای دریافت حمایت درمانی، غالباً به عنوان تنبیه مجدد به سلول انفرادی منتقل می‌شوند. همچنین، افرادی که تشخیص داده می‌شوند در معرض خطر خودکشی هستند، معمولاً در «سلول‌های خالی» فضاهای کاملاً خالی و بدون هیچ امکانات نگهداری می‌شوند، اقدامی که عملاً به منزله حبس انفرادی شدید و شکنجه روانی تلقی می‌شود.^۱

بر اساس گزارش‌های مستند، زندانیان سیاه‌پوست در ایالات متحده به صورت نامتناسب و غیرمتعادل در معرض حبس طولانی‌مدت در سلول‌های انفرادی قرار دارند؛ به گونه‌ای که برخی از این زندانیان بیش از ده سال از مدت حبس خود را در سلول‌های کوچک با ابعاد تقریباً ۱۰ در ۸ فوت سپری می‌کنند.

این وضعیت نشان‌دهنده وجود تبعیض سیستماتیک و نابرابری ساختاری در نظام زندانبانی آمریکا است که نه تنها نقض اصول عدالت کیفری و برابری قانونی، بلکه تخطی از استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر و ممنوعیت رفتارهای تحقیرآمیز و تبعیض‌آمیز را در پی دارد.

۴. زندان گوانتانامو

استفاده مستمر ایالات متحده از زندان گوانتانامو به عنوان یک مرکز بازداشت فراسرزمینی، نمونه‌ای بارز از نقض جدی و سازمان‌یافته حقوق بشر است که با انتقادات گسترده نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های حقوق بشری و سازوکارهای نظارتی سازمان ملل متحد مواجه شده است. بسیاری از افراد بازداشت‌شده در این زندان، سال‌ها در وضعیت بلاتکلیف و بدون طرح اتهام رسمی یا دسترسی به محاکمه عادلانه نگهداری شده‌اند، که این اقدام ناقض اصول بنیادین حقوق دادرسی منصفانه، حق آزادی، و ممنوعیت بازداشت خودسرانه مطابق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است.

گزارش‌های متعدد منتشرشده از سوی نهادهای مستقل، از جمله گزارشگران ویژه سازمان ملل، حاکی از اعمال شکنجه، بدرفتاری سیستماتیک، و شرایط

1. <https://solitarywatch.org/facts/faq/>

نگهداری غیرانسانی و تحقیرآمیز در این مرکز بازداشت است. مواردی چون بازجویی‌های خشن، حبس انفرادی طولانی‌مدت، محرومیت از خواب، نگهداری در دمای بسیار پایین یا بالا، و بی‌توجهی به نیازهای درمانی جسمی و روانی از جمله رویه‌های مستندشده در این زندان هستند.

استفاده از گوانتانامو از سوی آمریکا برای بازداشت مهاجران که باید ماهیت مدنی و غیرتنبیهی داشته باشد باعث نگرانی مدافعان حقوق بشر شده است. این پایگاه طی دو دهه گذشته به دلیل بازداشت نامحدود زندانیان جنگ علیه تروریسم، که برخی از آنها مورد آزار و شکنجه قرار گرفته‌اند، مرکز بحث‌های زیادی بوده است. مراقبت‌های پزشکی ناکافی است و وضعیت سلامت بازداشت‌شدگان به دلیل مدت طولانی بازداشتشان وخیم‌تر شده است.

در حال حاضر رئیس‌جمهور ایالات متحده از پایگاه نظامی گوانتانامو به‌عنوان مرکز بازداشت اتباع خارجی از ۲۶ کشور مختلف استفاده می‌کند، که در میان آنان افرادی با محکومیت‌های کیفری سنگین نیز حضور دارند. فهرست جامع ملیت‌های بازداشت‌شدگان منتشرشده توسط وزارت امنیت داخلی آمریکا نشان می‌دهد، که گوانتانامو محل نگهداری بازداشت‌شدگانی از تمامی قاره‌ها به جز قطب جنوب است، که این امر ماهیت جهانی و فراملی این مرکز بازداشت را برجسته می‌سازد. فعالان حقوق بشری و مدنی با انتقاد شدید از این رویه، بازداشت مهاجران در گوانتانامو را عملی تنبیهی، خودسرانه و ناقض حقوق قانونی دانسته‌اند. آنها تأکید دارند که بر اساس قوانین فدرال ایالات متحده، دولت مجاز نیست افراد در انتظار دیپورت را در خارج از قلمرو ملی نگهداری کند، به ویژه در شرایطی که این بازداشت‌ها بدون دسترسی به دادرسی عادلانه و با محرومیت‌های گسترده همراه است.^۱

در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۵، رئیس‌جمهور ایالات متحده با صدور فرمانی اجرایی، دستور احداث یک مرکز بازداشت بزرگ با ظرفیت ۳۰ هزار تخت در پایگاه نیروی دریایی گوانتانامو را صادر کرد؛ اقدامی که با هدف بازداشت گسترده

مهاجران صورت گرفته و موجی از انتقادات حقوق بشری را در سطح ملی و

1. <https://www.cbsnews.com/news/trump-guantanamo-detain-foreigners-from-26-countries>

بین‌المللی به همراه داشته است. این تصمیم در راستای سیاست‌های سخت‌گیرانه مهاجرتی دولت آمریکا، نگرانی‌های جدی را درباره نقض سیستماتیک حقوق پناهنجویان و مهاجران برانگیخته است. بر اساس گزارش سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری «تام گوانتانامو مترادف با شرم و ننگ است، محلی که در حافظه جهانی به عنوان نماد شکنجه، بازداشت نامحدود و انکار عدالت ثبت شده است. استفاده دوباره از این مکان برای بازداشت مهاجران، خطر تکرار همان الگوهای سرکوب و نقض فاحش حقوق بشر را در پی دارد.»^۱

بر اساس گزارش کمیته بین‌المللی رفع تبعیض نژادی بازداشت‌های خودسرانه افراد غیرشهروند در مرکز بازداشت گوانتانامو ادامه دارد، که بدون دسترسی مؤثر و برابر به نظام عادی عدالت کیفری صورت می‌گیرد و گزارش‌هایی درباره کمبود خدمات پزشکی مناسب نیز وجود دارد. علاوه بر این، به گفته گزارشگر ویژه در زمینه ترویج و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در مقابله با تروریسم، کمبودهای ساختاری قابل توجهی در زمینه دسترسی به عدالت، حقوق بهداشتی و حق خانواده باقی مانده است. بی‌قانونی کل ساختار بازداشتگاه گوانتانامو را فراگرفته است و این وضعیت زندانیان را در معرض سوءاستفاده‌های حقوق بشری قرار داده و منجر به شرایط و رویه‌هایی شده که به بازداشت‌های خودسرانه دامن می‌زند. هیچ‌یک از بازداشت‌شدگان سابق برای جرایم سیستماتیک مربوط به انتقال‌های غیرقانونی، شکنجه، رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز و بازداشت‌های خودسرانه، غرامت دریافت نکرده‌اند. گزارشگر ویژه همچنین تأکید کرده است که آثار تجمعی انتقال‌های غیرقانونی گذشته، ناپدیدسازی، بازداشت انفرادی، شکنجه و بدرفتاری‌های سیستماتیک و بازداشت مستمر پیامدهای شدید و طولانی‌مدتی بر سلامت روانی و جسمی بازداشت‌شدگان داشته است.^۲

1. <https://www.hrw.org/news/2025/01/30/us-dont-send-migrants-black-hole-guantanamo>

2. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

فصل سوم: نقض آزادی بیان و تجمعات مسالمت آمیز

۱. نقض آزادی بیان

ایالات متحده به‌طور مستمر با اتهامات جدی نقض آزادی بیان مواجه است که ناشی از برخوردهای سرکوبگرانه با منتقدان، اعمال فشار بر رسانه‌ها و دخالت در سیاست‌های تعدیل محتوا در شرکت‌های فناوری است. این روند بخشی از یک ساختار سازمان‌یافته مهندسی روایت است که هدف آن کنترل صدای مخالفان داخلی، مدیریت گفتمان عمومی آنلاین و حفظ تسلط راهبردی بر نحوه بحث درباره موضوعات کلان سیاسی و امنیتی از جمله جنگ‌ها، مداخلات نظامی و روابط خارجی است.

در ماه‌های اخیر، اعتراضات گسترده دانشجویی در دانشگاه‌های مختلف آمریکا علیه جنگ و نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در غزه به‌طور گسترده با واکنش‌های شدید نیروهای انتظامی مواجه شده است. استفاده از گاز اشک‌آور و باتوم برای پراکنده کردن تجمع‌کنندگان، منجر به صدها بازداشت و ضرب و جرح دانشجویان و استادان شده است. اتهامات مطرح شده علیه بازداشت‌شدگان شامل «ورود غیرمجاز به اماکن»، «اخلال در نظم عمومی» و «حمله به مأموران پلیس» است که بر مبنای گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری و نهادهای بین‌المللی، فاقد مشروعیت قانونی بوده و در بسیاری موارد نقض آشکار حقوق بنیادین فردی به شمار می‌رود.

همچنین شواهد موثقی وجود دارد که نشان می‌دهد بازداشت‌ها و اخراج‌های گسترده دانشجویان و استادان غیرشهروند به عنوان بخشی از سیاست سرکوب فعالان فلسطینی در مراکز علمی و پژوهشی آمریکا برنامه‌ریزی شده است. وزارت امنیت داخلی ایالات متحده^۱ (DHS) بدون ارائه مستندات معتبر، مدعی است که فعالیت‌های اعتراضی این دانشجویان و پژوهشگران به منافع و سیاست خارجی کشور آسیب وارد می‌کند؛ ادعایی که از سوی ناظران مستقل و مدافعان حقوق بشر قویاً رد شده است.

1. Department of Homeland Security

در این بین، گزارشگر ویژه حق آموزش نسبت به سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات دانشجویی در دانشگاه‌ها، به ویژه خشونت پلیس، بازداشت‌ها، نظارت و اقدامات انضباطی علیه معترضان مسالمت‌آمیز ابراز نگرانی کرد. وی برخورد نابرابر با معترضان، به ویژه دانشجویان طرفدار فلسطین را محکوم کرده و هشدار داد که این حملات نشانه‌ای از تضعیف آزادی‌های فکری و اصول دموکراتیک در محیط‌های آموزشی است.^۱

لغو صدها ویزای تحصیلی مرتبط با این سرکوب، نشان‌دهنده تلاش سیستماتیک دولت برای ایجاد رعب و محدودسازی فضای آزادی بیان و اعتراض در دانشگاه‌هاست. این اقدامات مغایر با تعهدات حقوق بشری بین‌المللی آمریکا در حمایت از آزادی‌های مدنی و آزادی بیان است. نمونه‌های شاخص از هدف قرار گرفتن دانشجویان:

محمود خلیل: دانشجوی فارغ‌التحصیل دانشگاه کلمبیا و مقیم دائم آمریکا که به عنوان سخنگوی معترضان دانشگاهی فعالیت می‌کرد، در تاریخ ۸ مارس ۲۰۲۵ بازداشت شد. این دستگیری به عنوان “اولین مورد از بازداشت‌های متعدد آینده” توصیف شد. بازداشت وی نمادی از تلاش گسترده‌تر دولت ترامپ برای سرکوب همبستگی با مردم فلسطین است.^۲

رومیس اوزتورک: دانشجوی دکترای ترکیه‌ای در دانشگاه تافتس، تنها به دلیل نوشتن یک یادداشت انتقادی در مورد عدم پاسخگویی دانشگاه به مطالبات دانشجویان در قبال غزه، توسط شش مأمور لباس شخصی ICE در نزدیکی خانه‌اش بازداشت شد. این موارد نشان‌دهنده یک الگوی هدفمند علیه دانشجویانی است که از پیشینه‌های آفریقایی، عربی، آسیایی، خاورمیانه‌ای و مسلمان هستند.

گزارش‌ها حاکی از آن است که ویزای بسیاری از دانشجویان از ژانویه ۲۰۲۵ باطل شده است، در حالی که بسیاری از آن‌ها هرگز در تظاهرات شرکت نکرده و هیچ اطلاعاتی مبنی بر ابطال ویزای خود دریافت نکرده بودند.

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

2. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2025/06/usa-mahmoud-khalil-released/>

علاوه بر این، دانشگاه کلمبیا بیش از ۷۰ دانشجوی را به دلیل شرکت در اعتراضات حامی فلسطین با مجازات‌هایی مانند تعلیق، اخراج و حتی لغو مدرک تحصیلی تنبیه کرده است. طبق گزارش‌ها، حدود دو سوم این دانشجویان با تعلیق دوساله مواجه شده‌اند، در حالی که برخی دیگر از ادامه تحصیل محروم شده‌اند. این اقدامات در پی تجمعات ماه می در کتابخانه باتلر انجام شد که طی آن دست کم ۸۰ نفر بازداشت شدند. دانشگاه اعلام کرده که این تجمعات نظم پردیس را مختل کرده‌اند و با سیاست‌های داخلی مغایرت دارند.

در واکنش به این اقدام، رویه داران ویژه سازمان ملل ویژه ضمن ابراز نگرانی جدی، اعلام کردند که اخراج افراد به ابزاری برای سانسور صدای منتقدان تبدیل شده است، امری که به آزادی بیان و تجمع لطمه می‌زند. آنها از ایالات متحده خواستند که فوراً اقدامات تلافی‌جویانه علیه دانشجویانی که از حقوق فلسطینی‌ها حمایت می‌کنند را متوقف کرده و به آزادی‌های بیان و تجمع مسالمت‌آمیز احترام بگذارد.^۱

علاوه بر این، در پی کاهش صدها میلیون دلاری بودجه تحقیقات فدرال دانشگاه‌ها توسط دولت ترامپ، برخی مؤسسات آموزشی از جمله دانشگاه کلمبیا به اتخاذ تدابیر امنیتی سخت‌گیرانه‌تر روی آورده‌اند. این دانشگاه شمار نیروهای امنیتی خود را افزایش داده و به شدت نسبت به اعتراضات دانشجویی واکنش نشان داده است.

سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری در واکنش به این اقدامات اعلام کرده‌اند؛ بازداشت‌ها و اخراج‌های دانشجویان و پژوهشگران غیرشهروند به دلیل ابراز دیدگاه‌های سیاسی‌شان، فضایی از ترس و اضطراب را در دانشگاه‌های سراسر ایالات متحده ایجاد کرده است. این اقدامات، حمله‌ای آشکار به آزادی بیان و تهدیدی جدی برای بنیادهای یک جامعه دموکراتیک و آزاد است.

علاوه بر این، برخوردهای امنیتی با خبرنگاران پوشش‌دهنده اعتراضات نیز نگران‌کننده است. گزارش‌های متعدد حاکی از آن است که خبرنگاران در حین

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

انجام وظایف حرفه‌ای خود با ممانعت‌های جدی، بازداشت‌های غیرقانونی و حتی خشونت فیزیکی از سوی نیروهای پلیس مواجه شده‌اند. بر اساس گزارش کمیته حفاظت از خبرنگاران (CPJ)، حداقل هفت مورد بازداشت یا تهدید به بازداشت خبرنگاران هنگام پوشش اعتراضات در اماکن عمومی ثبت شده است.^۱

علاوه بر این، دولت ایالات متحده، در میانه سرکوب‌های غیرقانونی مستمر، به استفاده از ابزارهای نظارتی خودکار مبتنی بر هوش مصنوعی روی آورده است. این فناوری‌ها به‌طور خاص برای نظارت و ارزیابی افرادی که برای حقوق فلسطینیان فعالیت می‌کنند، به کار گرفته می‌شوند. سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری این اقدام را بسیار نگران‌کننده اعلام، و تصریح کرده‌اند دولت ایالات متحده، در بستر یک برنامه اخراج دسته‌جمعی و سرکوب ابراز عقیده در حمایت از فلسطین، از فناوری‌های تهاجمی هوش مصنوعی استفاده می‌کند که به نقض حقوق بشر منجر می‌شود. این فناوری‌ها به مقامات این امکان را می‌دهند که دانشجویان بین‌المللی و دیگر گروه‌های مهاجر به حاشیه رانده‌شده را با سرعت و در مقیاسی بی‌سابقه ردیابی و هدف قرار دهند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که فناوری‌های ارائه‌شده توسط شرکت‌های پالانتیر (Palantir) و بیبل استریت (Babel Street)، به‌ویژه در چارچوب ابتکار سرکوب‌گرانه دستگیری و ابطال^۲، به نقض گسترده حقوق بشر دامن می‌زند. این ابزارها با ایجاد یک فضای نظارتی فراگیر، جوّی از ترس و ارباب را در میان جوامع مهاجر و دانشگاهی حاکم کرده، و زمینه را برای بازداشت‌های خودسرانه و اخراج‌های دسته‌جمعی فراهم آورده‌اند. این اقدامات منجر به الگویی از بازداشت‌های غیرقانونی و اخراج‌های دسته‌جمعی شده و «اثر بازدارنده»^۳ شدیدی بر جوامع مهاجر و دانشجویان بین‌المللی در سراسر دانشگاه‌های کشور داشته است.^۴

1. <https://cpj.org/2025/06/get-ready-la-journalists-warn-of-potential-violence-against-press-ahead-of-nationwide-protests/>

2. Catch and Revoke

3. chilling effect

4. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2025/08/usa-global-tech-made-by-palantir-and-babel-street-pose-surveillance-threats-to-pro-palestine-student-protestors-migrants>

این اقدامات سرکوبگرانه، هم در بعد سرکوب آزادی بیان دانشجویان و پژوهشگران و هم در حوزه ممانعت از فعالیت رسانه‌ای مستقل، نقض آشکار استانداردهای حقوق بشر و تعهدات بین‌المللی ایالات متحده در حمایت از آزادی‌های مدنی به شمار می‌رود و نشان‌دهنده روند نگران‌کننده‌ای در محدودسازی فضای آزادی بیان است.

۲. نقض آزادی تجمعات مسالمت آمیز

در سال ۲۰۲۵، حق اساسی تجمعات مسالمت‌آمیز در ایالات متحده با موجی از محدودیت‌های حقوقی و اجرایی مواجه شده است. مجالس قانون‌گذاری در سطوح فدرال، ایالتی و محلی اقدام به تصویب و اجرای قوانین متعددی کرده‌اند که دامنه فعالیت‌های اعتراضی را به شدت محدود می‌کند. این قوانین شامل مقررات جدید در زمینه صدور مجوز تجمعات، افزایش جرائم مربوط به برگزاری اعتراضات بدون مجوز و اعمال مجازات‌های شدیدتر برای معترضان است. نیروهای انتظامی در این سال از روش‌های سرکوب‌گرانه و خشونت‌آمیز بهره برده‌اند که توسط نهادهای بین‌المللی حقوق بشری به شدت محکوم شده است. استفاده از ابزارهایی همچون گاز اشک‌آور، باتوم و بازداشت‌های گسترده علیه معترضان، موجی از نگرانی‌ها را در مورد نقض حق آزادی بیان و تجمع در سطح ملی و بین‌المللی برانگیخته است.

در بازه زمانی تهیه گزارش، نهادهای انتظامی آمریکا در سطوح شهری، ایالتی و فدرال بارها به اعمال خشونت نامتناسب، بازداشت‌های گروهی و اقدامات ارعابی علیه معترضان متهم شده‌اند. این برخوردهای سرکوبگرانه به ویژه در اعتراضاتی صورت گرفته است که موضوعات حساس و مورد توجه بین‌المللی همچون محکومیت نسل‌کشی در غزه، نقد سیاست‌های مهاجرتی، سیاست خارجی ایالات متحده و اعتراضات زیست‌محیطی را هدف قرار داده‌اند. سازمان‌های حقوق بشری داخلی و بین‌المللی این رفتارها را نقض آشکار حق آزادی تجمع و بیان دانسته و نسبت به تداوم الگوی برخوردهای امنیتی شدید با

معترضان ابراز نگرانی کرده‌اند. استفاده مکرر از گاز اشک‌آور، باتوم و بازداشت‌های گسترده بدون رعایت استانداردهای حقوقی، ضمن ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه مدنی، مانع از تحقق مشارکت دموکراتیک و حق اعتراض مسالمت‌آمیز شده است. این روند همچنین شکاف‌های عمیق ساختاری در نظام حقوقی و اجرایی آمریکا را در زمینه تضمین حقوق بنیادین شهروندان برجسته می‌سازد. در بازه زمانی تهیه گزارش، دانشجویان و کارکنان دانشگاه‌های سراسر ایالات متحده به‌منظور اعتراض به نسل‌کشی اسرائیل در غزه و نقش حمایتی دولت آمریکا در این بحران، دست به برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز زدند. خواسته‌های این معترضان شامل صدور بی‌نامه‌های رسمی از سوی مؤسسات آموزشی برای درخواست آتش‌بس فوری، فشار بر دولت برای پایان ارسال تسلیحات به اسرائیل و قطع همکاری و سرمایه‌گذاری دانشگاه‌ها در شرکت‌هایی بود که از این درگیری‌ها منتفع می‌شوند. با این حال، این اعتراضات مسالمت‌آمیز با واکنش شدید مسئولان دانشگاه‌ها و نیروهای انتظامی مواجه گردید. گزارش‌ها حاکی از استفاده مکرر از تجهیزات ضدشورش توسط پلیس، از جمله باتوم، گلوله‌های لاستیکی، گاز فلفل و گاز اشک‌آور برای پراکنده کردن تجمعات و بازداشت شرکت‌کنندگان است. دست‌کم ۳۱۰۰ نفر از دانشجویان، کارکنان و حامیان این حرکت‌ها بازداشت یا توقیف شده‌اند.^۱ در این بین کارشناسان سازمان ملل متحد نسبت به فراخواندن نیروهای انتظامی برای پراکنده کردن این اعتراضات انتقاد کردند.

بر اساس گزارش‌ها بیش از ۴۰ نفر که به جنگ و وخامت بحران انسانی در غزه اعتراض داشتند، در مقابل هتل ترامپ در شهر نیویورک بازداشت شدند. صدها نفر در این تظاهرات شرکت کردند تا خواستار پایان جنگ در غزه و فشار دولت آمریکا بر رژیم صهیونیستی برای ورود کمک‌های بشردوستانه بیشتر به این منطقه شوند.^۲ افسران اداره پلیس نیویورک چند دقیقه بعد شروع به بازداشت معترضان به بهانه مسدود کردن خیابان کردند.

1. <https://www.amnesty.org/en/documents/pol10/8515/2025/en/>

2. <https://www.theguardian.com/us-news/2025/aug/04/gaza-protest-trump-hotel-new-york>

علاوه بر اعتراضات دانشجویی علیه نسل کشی غزه، گزارش‌ها از وخامت چشمگیر وضعیت اعتراضات گسترده علیه سیاست‌های مهاجرتی در ایالات متحده حکایت دارد. در سال ۲۰۲۵، در پی وعده دولت و مقامات قضایی آمریکا برای برخورد شدید با معترضان این سیاست‌ها، اعزام نیروهای گارد ملی به لس‌آنجلس با واکنش‌های تند و انتقادات گسترده از سوی گروه‌های حقوق بشری مواجه شد. گزارش‌ها حاکی است که استفاده گسترده از روش‌های سرکوبگرانه و «مشت آهنین» توسط نیروهای انتظامی در لس‌آنجلس، نه تنها موجب ترس و مرعوب شدن معترضان نشده، بلکه دامنه اعتراضات را به نیویورک نیز کشانده است.

۳. محدود کردن رسانه‌ها

محدودیت رسانه در دوران دولت جدید آمریکا به‌طور گسترده به عنوان نقض آزادی مطبوعات و آزادی بیان شناخته شده است، که به‌طور وسیع به عنوان نقض اصول بنیادین آزادی بیان و مطبوعات شناخته می‌شود. دولت آمریکا در این دوره، رسانه‌های دارای بودجه عمومی و همچنین نهادهایی را که به پوشش اخبار مرتبط با امور فدرال، به‌ویژه در کاخ سفید و پنتاگون می‌پرداختند، به‌طور مشخص هدف قرار داده است. از جمله اقدامات اولیه دولت، امضای فرمان اجرایی در ماه فوریه بود که منجر به محرومیت Associated Press از حضور در نشست‌های خبری کاخ سفید شد، اقدامی که انتقادات فراوانی در داخل و خارج کشور برانگیخت. هدف از این اقدام تضعیف و از بین بردن مطبوعات مستقل است. این حملات شامل کاهش ۱۰۱ میلیارد دلاری بودجه پخش عمومی برای ایستگاه‌های NPR و PBS، و همچنین طرح یک شکایت ۱۰ میلیارد دلاری افترا علیه روزنامه Wall Street Journal می‌شود. این دستور که رسانه‌ها را به عدم ارائه گزارش‌های «منصفانه، دقیق یا بی‌طرف» متهم کرده بود، به‌وضوح ناقض متمم اول قانون اساسی آمریکا است.

علاوه بر این قطع بودجه رسانه‌ها به‌ویژه در مناطق روستایی، دسترسی میلیون‌ها آمریکایی به اخبار محلی و محتوای آموزشی را تهدید می‌کند.^۱ این اقدامات به طور کلی تهدیدی جدی برای آزادی مطبوعات و استقلال رسانه‌ها در آمریکا تلقی می‌شوند و موجب نگرانی فعالان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و بخش بزرگی از جامعه جهانی شده است.

1. <https://www.aclu.org/news/free-speech/trumps-attacks-on-press-freedom-escalate-npr-pbs-funding-cuts-explained>

فصل چهارم: تبعیض و نژادپرستی ساختاری

۱. تبعیض و شکاف اقتصادی

تبعیض و نابرابری از چالش‌های تاریخی و ریشه‌دار در ایالات متحده به شمار می‌روند که طی دو سال اخیر شدت یافته‌اند. نابرابری‌های موجود علیه شهروندان آفریقایی‌تبار، لاتین‌تبار و سایر اقلیت‌های رنگین‌پوست، صرفاً مجموعه‌ای از رویدادهای پراکنده و اتفاقی نیستند، بلکه بخشی از یک ساختار سیستماتیک و نهادی‌اند که ریشه در میراث تاریخی برده‌داری، تبعیض نژادی و سیاست‌های هدفمند دولتی دارد. در سال ۲۰۲۵، این زخم‌های تاریخی نه تنها التیام نیافته‌اند، بلکه روندی معکوس یافته و جریان‌ات سیاسی قدرتمند با طرح‌های سیاستی جامع در راستای نهادینه‌سازی و تشدید نابرابری‌های نژادی و اجتماعی در جامعه آمریکایی حرکت می‌کنند، که تهدیدی جدی برای تحقق عدالت اجتماعی و حقوق برابر شهروندان به شمار می‌رود.

شکاف فاحش ثروت میان جوامع سیاه‌پوست و سفیدپوست در آمریکا گواهی بر طراحی ناعادلانه ساختارهای اقتصادی و اجتماعی است که توانایی تحقق برابری واقعی را ندارند. این نظام‌های اقتصادی و اجتماعی، با تقویت چرخه‌های معیوب فقر و تبعیض، فرصت‌های رشد و شکوفایی فردی و جمعی را برای اقلیت‌های نژادی به‌ویژه سیاه‌پوستان به‌شدت محدود می‌کنند.

در بازه زمانی تهیه گزارش، نابرابری اقتصادی به‌طور برجسته‌ای بر جوامع سیاه‌پوست و دیگر اقلیت‌ها تأثیر منفی گذاشته و شکاف ثروت میان سیاهان و سفیدپوستان همچنان بدون تغییر چشمگیر باقی مانده است، که نشان‌دهنده ناکامی سیاست‌ها در کاهش این نابرابری‌های عمیق و پایدار است. این روند نه تنها عدالت اجتماعی را تهدید می‌کند، بلکه به تداوم تبعیض ساختاری در تمامی ابعاد زندگی افراد منجر می‌شود.

در ایالات متحده آمریکا، بسیاری از کارگران، به ویژه در بخش‌های خدماتی، کشاورزی و مشاغل کم‌درآمد، با دستمزدهای ناکافی، نبود امنیت شغلی، و محدودیت دسترسی به مزایای اجتماعی روبرو هستند. کارگران مهاجر و

اقلیت‌های نژادی، اغلب با تبعیض نظام‌مند در استخدام، ترفیع، و شرایط کاری ناعادلانه مواجه هستند. این چالش‌ها نه تنها حقوق اولیه نیروی کار در این کشور را نقض می‌کند، بلکه شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه آمریکا را نیز عمیق‌تر می‌سازد.

بر اساس گزارش‌های معتبر، افراد سیاه‌پوست در آمریکا همچنان با نرخ بیکاری بالاتر و دستمزدهای پایین‌تری نسبت به افراد سفیدپوست مواجه هستند، صرف‌نظر از سطح تحصیلات یا گروه سنی. اگرچه از سال ۱۹۶۳ تاکنون تعداد قابل توجهی از آمریکایی‌های سیاه‌پوست موفق به کسب مدارک دانشگاهی و تحصیلات تکمیلی شده‌اند، اما شکاف چشمگیری در دسترسی به فرصت‌های شغلی برابر و دریافت درآمد عادلانه بین کارکنان سیاه‌پوست و سفیدپوست همچنان پابرجاست. آمارها نشان می‌دهد که به طور متوسط، افراد سیاه‌پوست حدود ۲۰ درصد کمتر از هم‌تایان سفیدپوست خود درآمد کسب می‌کنند که این موضوع نمادی از تبعیض سیستماتیک در بازار کار و ساختارهای اقتصادی آمریکا است و مانع پیشرفت اقتصادی و اجتماعی این گروه می‌شود.

علاوه بر این، سیاست‌ها و ساختارهای اقتصادی فدرال در ایالات متحده به شکل نامتناسبی بر کارگران سیاه‌پوست تأثیر منفی می‌گذارند و در تداوم و تشدید نابرابری‌های اقتصادی نقش اساسی ایفا می‌کنند. تفاوت قابل توجه دستمزدها بین مشاغل که عمدتاً توسط افراد سیاه‌پوست و سفیدپوست انجام می‌شود، به همراه حداقل دستمزدهای ناکافی، یکی از عوامل کلیدی در حفظ و تعمیق شکاف ثروت بین این دو گروه است. علاوه بر این، بدهی‌های دانشجویی بالاتر در میان آمریکایی‌های سیاه‌پوست، همراه با فرصت‌های محدودتر برای کسب درآمد مناسب، منجر به دشواری در بازپرداخت بدهی‌ها و کاهش امکان ایجاد ثروت و پیشرفت مالی شده است. این شرایط ترکیبی، نابرابری اقتصادی را تقویت کرده و دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی را برای سیاه‌پوستان بیش از پیش محدود می‌کند.^۱

1. <https://www.fpwa.org/resource-center/blogs/new-2024-data-highlights-ongoing-economic-disparities-faced-by-black-people-due-to-systemic-discrimination/>

نژادپرستی نظامند و نابرابری‌های ساختاری در بازار کار ایالات متحده موجب می‌شود که هرگونه ضعف یا نوسان در عملکرد کلی اقتصاد، در وهله نخست بر کارگران سیاه‌پوست تأثیر بگذارد. افت اقتصادی، ابتدا خود را در زندگی کارگران سیاه‌پوست نشان می‌دهد، نه به دلیل ضعف فردی، بلکه به دلیل تبعیض نهادینه‌شده‌ای که فرصت‌های شغلی را ناعادلانه توزیع می‌کند. در این زمینه، آمارها نیز حاکی از یک روند نگران‌کننده‌اند. نرخ بیکاری در میان مردان سیاه‌پوست از ۵.۲ درصد در ماه مه به ۶.۹ درصد در ماه‌های اخیر افزایش یافته است، افزایشی که نشانه‌ای از آسیب‌پذیری این گروه در شرایط رکود یا سیاست‌های ریاضتی است.

بر اساس گزارش‌ها، لغو فرمان اجرایی ۱۱۲۴۶ توسط دونالد ترامپ، از جهات مختلف، منجر به تشدید تبعیض نژادی در محیط کار ایالات متحده آمریکا می‌شود. اول این که لغو فرمان اجرایی ۱۱۲۴۶ سبب کاهش دسترسی شغلی جوامع سیاه‌پوست و لاتین‌تبار این کشور می‌گردد بدین ترتیب که کارگران سیاه‌پوست و لاتین‌تبار، از نظر تاریخی با تبعیض در استخدام مواجه بوده‌اند، و مطالعات نشان می‌دهد که رزومه‌هایی با نام‌های «قومی و نژادی» کمتر از رزومه‌هایی با نام‌های سفیدپوستان مورد نظر قرار می‌گیرند. بدیهی است بدون اقدام مثبت (حمایتی) ذیل فرمان اجرایی ۱۱۲۴۶، چنین تعصباتی می‌تواند بدون پاسخگویی، ادامه یابد. دوم این که لغو این فرمان، فرصت‌های ارتقاء شغلی اقلیت‌های نژادی از جمله سیاه‌پوستان و لاتین‌تبارها در بازار کار آمریکا را کاهش می‌دهد؛ به نحوی که این فرمان می‌تواند به طور نامتناسبی بر متخصصان سیاه‌پوست و لاتین‌تبار که سعی در ورود به نقش‌های رهبری دارند تأثیر بگذارد، زیرا برنامه‌های استخدام و ارتقاء متمرکز بر تنوع، احتمالاً کنار گذاشته خواهند شد. در نهایت، لغو فرمان اجرایی ۱۱۲۴۶ توسط ترامپ، سبب کاهش فرصت‌های تجاری جوامع سیاه‌پوست و لاتین‌تبار ایالات متحده آمریکا نیز می‌شود. تا قبل از لغو این فرمان، بسیاری از مشاغل متعلق به سیاه‌پوستان

و لاتین تبارها از برنامه‌های تنوع تأمین‌کنندگان فدرال که اولویت را به اعطای قراردادهای شرکت‌های متعلق به اقلیت‌ها می‌دهند، بهره‌مند می‌شدند. بدون این ملاحظات، این مشاغل ممکن است برای رقابت برای قراردادهای فدرال با مشکل مواجه شوند.^۱

هم‌زمان، کاهش قابل توجه مشاغل دولتی، که یکی از منابع اصلی اشتغال زنان سیاه‌پوست محسوب می‌شود، وضعیت را وخیم‌تر کرده است. در دوره بین فوریه تا مارس ۲۰۲۵، زمانی که بخش عمده‌ای از اخراج‌ها تحت سیاست‌های وزارت جدید «بهره‌وری دولت» (DOGE) رخ داد، حدود ۲۶۶ هزار زن سیاه‌پوست از بازار کار حذف شدند؛ رقمی معادل ۲.۵۲ درصد از کل اشتغال این گروه. این آمار، بازتابی از سیاست‌هایی است که بدون توجه به تبعات اجتماعی و نژادی‌شان اتخاذ شده و به تعمیق شکاف‌های موجود در جامعه آمریکا منجر می‌شود.^۲

۲. تبعیض و شکاف قضایی

سیستم قضایی و انتظامی آمریکا همواره یکی از اصلی‌ترین بسترهای اعمال تبعیض سیستماتیک بوده است. وقایع سال‌های اخیر و تداوم آن در سال ۲۰۲۵، نشان‌دهنده عمق این بحران است. اقلیت‌های رنگین‌پوست که با نرخ‌های بسیار بالاتری از فقر مواجه هستند به طور چشمگیری در زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها هستند. این نابرابری‌های نژادی به ویژه برای آمریکایی‌های سیاه‌پوست برجسته است، که ۴۱٪ از جمعیت زندانیان و بازداشتگاه‌ها را تشکیل می‌دهند، در حالی که تنها ۱۴٪ از کل جمعیت ایالات متحده را شامل می‌شوند.^۳

آمارهای مستمر و معتبر حاکی از آن است که شهروندان سیاه‌پوست آمریکا به طور نامتناسبی و به مراتب بیشتر از سفیدپوستان، در معرض خشونت مرگبار

1. https://racism.org/index.php?option=com_content&view=article&id=12465:executive-order-14173&catid=476&utm_source=newsletter_291&utm_medium=email&utm_campaign=march-2025-race-

2. <https://19thnews.org/2025/07/black-women-unemployment-jobs-warning-sign/#:~:text=Economists%20say%20it's%20a%20warning,of%20strain%20in%20the%20economy.>

3. <https://www.prisonpolicy.org/reports/pie2025.html>

پلیس قرار دارند. این واقعیت تلخ، علیرغم موج گسترده اعتراضات اجتماعی و حرکات مدنی برجسته‌ای همچون جنبش «جان سیاه‌پوستان مهم است» (Black Lives Matter)، همچنان بدون پاسخ اصلاحی مؤثر باقی مانده است. در حالی که این جنبش‌ها خواستار بازنگری اساسی در ساختار و عملکرد نهادهای انتظامی بوده‌اند، واقعیت سیاست‌گذاری‌ها خلاف این جهت را نشان می‌دهد. پروژه‌های کلان مانند «پروژه ۲۰۲۵» ضمن اولویت دادن به افزایش بودجه نهادهای پلیسی و توسعه ظرفیت زندان‌ها، منابع مالی حیاتی را که می‌توانست در جهت برنامه‌های اجتماعی، پیشگیری از جرم و توانمندسازی جوامع آسیب‌پذیر اختصاص یابد، کاهش می‌دهند. این سیاست‌های نابرابر و مجازات‌محور نه تنها باعث تشدید بی‌اعتمادی میان اقلیت‌های رنگین‌پوست و سیستم عدالت کیفری می‌شوند، بلکه به تداوم چرخه خشونت، بی‌عدالتی و نابرابری ساختاری دامن می‌زنند؛ امری که ماهیت عمیق بحران تبعیض و شکاف قضایی در ایالات متحده را به وضوح نمایان می‌سازد.

علاوه بر این، گزارش‌های متعدد و مستند نشان می‌دهد که زندانیان آفریقایی‌تبار و لاتین‌تبار به شکلی نامتناسب بخش بزرگی از جمعیت زندانیان ایالات متحده را تشکیل می‌دهند. این الگوی نژادی در بازداشت و محکومیت، نتیجه‌ای مستقیم از دهه‌ها سیاست‌گذاری تبعیض‌آمیز، به‌ویژه سیاست‌هایی چون «جنگ علیه مواد مخدر» است که به‌طور سیستماتیک و هدفمند جوامع رنگین‌پوست را هدف قرار داده است.

مطالعات حقوقی و جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که برای جرائم یکسان، متهمان سیاه‌پوست نه تنها با احتمال بیشتری بازداشت می‌شوند، بلکه در مراحل دادرسی نیز با احکام سنگین‌تر نسبت به هم‌تایان سفیدپوست مواجه‌اند. این نابرابری در صدور احکام، به‌ویژه در جرائم مواد مخدر، مالکیت سلاح و جرائم غیرخشونت‌آمیز مشهود است و نشانگر تعمیق شکاف عدالت در سیستم قضایی آمریکاست. این روند بازتابی از نژادپرستی ساختاری در نهادهای قضایی و انتظامی

آمریکا است؛ پدیده‌ای که نه تنها عدالت کیفری را مخدوش می‌سازد، بلکه به تداوم نابرابری اجتماعی، چرخه فقر، بی‌ثباتی خانوادگی و آسیب‌پذیری مزمن جوامع رنگین‌پوست دامن می‌زند.

عدالت نژادی همچنان یکی از نگرانی‌های اساسی در زمینه حقوق بشر در ایالات متحده باقی مانده است. برای نمونه، بی‌کیفرمانی در مواجهه با جنایات تاریخی، به ویژه کشتار نژادی تالسا^۱ در سال ۱۹۲۱، نمایانگر ناتوانی و عدم تمایل سیستم قضایی آمریکا در پاسخگویی به ظلم‌های ساختاری است. دادگاه عالی او کلاهما با رد دادخواست بازماندگان این فاجعه انسانی، بار دیگر این پیام تلخ را به جامعه سیاه‌پوستان منتقل کرد که عدالت و جبران خسارت برای قربانیان خشونت‌های نژادی، به‌ویژه زمانی که متوجه جوامع رنگین‌پوست است، دست‌نیافتنی و غیرقابل تحقق است.^۲

این حکم نه تنها نقض حقوق بنیادین قربانیان و بازماندگان است، بلکه نشانه‌ای است از تداوم نژادپرستی سیستماتیک و بی‌توجهی به تاریخ سرکوب و خشونت نژادی در ایالات متحده. بی‌کیفرمانی در برابر چنین جنایاتی باعث تقویت حس بی‌اعتمادی به نظام قضایی، افزایش نابرابری‌ها و حفظ فضای تبعیض و بی‌عدالتی در جامعه می‌شود.

۳. افزایش جرایم ناشی از نفرت

افزایش جرایم ناشی از تبعیض در ایالات متحده نشان‌دهنده چالشی جدی در زمینه حقوق بشر و عدالت اجتماعی است که به طور مستقیم کرامت و حقوق اساسی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این روند نه تنها بازتابی از تبعیض ساختاری و سیستماتیک در جامعه است، بلکه پیامدهای مخربی بر امنیت روانی و فیزیکی گروه‌های مختلف به ویژه اقلیت‌های نژادی، مذهبی دارد.

به گزارش منتشره «اتحاد تحقیقات جرم و عدالت ایالات متحده»^۳ تحت عنوان «جرایم ناشی از نفرت در شهرهای بزرگ آمریکا در سال ۲۰۲۴» که

1. Tulsa Race Massacre

2. <https://www.hrw.org/world-report/2025/country-chapters/united-states>

3. U.S. Crime and Justice Research Alliance

مبتنی بر داده‌های جرایم ناشی از نفرت ارائه شده توسط اداره تحقیقات فدرال آمریکا^۱ (FBI) می‌باشد، جرایم ناشی از نفرت علیه لاتین‌تبارها در شهرهای بزرگ آمریکا در سال ۲۰۲۴ میلادی به ۱۷۳ رسید. در همین حال، جرایم ناشی از نفرت علیه آسیایی‌ها در شهرهای بزرگ به ۱۱۳ مورد در سال ۲۰۲۴ میلادی رسیده است. علاوه بر اینها، اداره تحقیقات فدرال آمریکا، میزان جرایم ناشی از نفرت علیه سیاه‌پوستان در سال ۲۰۲۴ میلادی را ۴۵۳ مورد گزارش کرده است. ضمن این که در همین سال، جرایم ناشی از نفرت علیه اعراب در این شهرها، ۵۲ مورد بوده است. شایان ذکر است که موارد اعلام شده تنها بخشی از جرائم ناشی از نفرت علیه اقلیت‌های نژادی ایالات متحده آمریکا می‌باشد زیرا اولاً آمار ارائه شده تنها مربوط به شهرهای بزرگ ایالات متحده آمریکا بوده و کل جامعه آمریکا را پوشش نمی‌دهد و ثانیاً، بسیاری از قربانیان این نقض آشکار حقوق بشر به دلیل ترس از عواقب بعدی اعلام جرم و برخوردهای نژادپرستانه پلیس آمریکا، از پیگیری قضایی خودداری می‌کنند.^۲

در این بین، کمیته حقوق بشر و کمیته رفع تبعیض نژادی ابراز نگرانی عمیق خود را نسبت به استمرار وقوع جرائم ناشی از نفرت، از جمله تیراندازی‌های جمعی و گسترش سخنان نفرت‌پراکنانه علیه افراد دارای منشأ آفریقایی و آسیایی، اعضای جوامع بومی، مسلمانان و افراد با ریشه‌های لاتین، مهاجران و پناهجویان، اعلام نمودند. این موارد در سطوح مختلف، از جمله توسط مقامات عالی‌رتبه، سیاستمداران، شخصیت‌های عمومی، و در رسانه‌های جمعی و پلتفرم‌های فضای مجازی مشاهده شده است. علاوه بر این، گزارشگر ویژه اقلیت‌ها به افزایش چشمگیر سخنان ضد آسیایی، اسلام‌هراسی، و اظهارات تحقیرآمیز علیه جوامع عرب و دیگر اقلیت‌ها اشاره نموده که الگوریتم‌های برخی شبکه‌های اجتماعی به گسترش تعصبات، نژادپرستی و انتشار اطلاعات نادرست

1. Federal Bureau of Investigation (FBI)

2. <https://crimeandjusticeresearchalliance.org>

دامن می‌زند.^۱

۴. تبعیض و حقوق بومیان

نژادپرستی نظام‌مند در ایالات متحده به شکل مستمر و سیستماتیک موجب نقض حقوق بشر مردمان بومی آمریکا شده است. این گروه‌های بومی، علی‌رغم تاریخچه غنی فرهنگی و حق حاکمیت خود، همچنان با تبعیض ساختاری و موانع جدی در حوزه‌های حیاتی مانند آموزش، خدمات بهداشتی، فرصت‌های شغلی و دسترسی به مسکن مناسب مواجه‌اند.

کمبود منابع آموزشی با کیفیت، نرخ بالای ترک تحصیل، کمبود مراقبت‌های بهداشتی متناسب با نیازهای فرهنگی و جغرافیایی، و نرخ بالای بیکاری در میان بومیان از جمله مصادیق بارز این تبعیض سیستماتیک است. همچنین، شرایط نامناسب مسکن و دسترسی محدود به خدمات پایه‌ای باعث تداوم وضعیت بحرانی و عدم بهره‌مندی کامل از حقوق اولیه انسانی برای مردمان بومی شده است

حقوق زنان بومی در آمریکا به‌طور گسترده نقض می‌شود. این نقض‌ها شامل خشونت‌های فیزیکی و جنسی، قتل‌های غیرقابل توجیه، ناپدیدشدن‌های مشکوک و فقدان حمایت‌های قانونی و اجتماعی کافی است. همچنین کمبود داده‌های جامع و منابع لازم برای پیگیری و تحقیق موثر در این پرونده‌ها، شرایط را برای ادامه این وضعیت نامساعد فراهم کرده است. تبعیض سیستماتیک و فقدان دسترسی به عدالت و خدمات بهداشتی و حمایتی، زنان بومی را در معرض آسیب‌های جدی و پایدار قرار داده است که نقض آشکار حقوق بشر آنان محسوب می‌شود. در این بین کمیته حقوق بشر نگرانی خود را درباره ادامه‌دار بودن خشونت علیه زنان و تأثیر نامتناسب این خشونت‌ها، قتل‌ها و ناپدیدشدن‌ها بر زنان و دختران بومی ابراز کرده است. این کمیته همچنین نسبت به نبود داده‌های جامع درباره زنان بومی مقتول و مفقود و کمبود منابع کافی برای

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

تحقیقات مؤثر و متناسب با فرهنگ در این پرونده‌ها ابراز نگرانی نموده است.^۱ تصمیم دولت ایالات متحده برای اجازه دادن به شرکت Lithium Americas جهت استخراج معدن در تیکر پس در نوادا، حقوق مردم بومی را نقض کرده است زیرا رضایت آزاد، پیشین و آگاهانه آن‌ها کسب نشده است. این پروژه نشان می‌دهد که قوانین معدنی ایالات متحده و روند صدور مجوز چگونه حقوق مردم بومی را نادیده می‌گیرند، ساکنان همچنین نگران تهدید این معدن برای حقوق خود در زمینه سلامت، محیط زیست سالم و آب هستند.^۲ در این بین، کمیته رفع تبعیض نژادی نسبت به ادعاهایی مبنی بر عدم اقدام ایالات متحده در احترام به پیمان‌های دوجانبه با مردمان بومی، موانع شناسایی آنان، تفسیر محدودکننده اصل رضایت آزاد، قبلی و آگاهانه و فقدان مشاوره به موقع و معنادار با آنها ابراز نگرانی کرد. همچنین این کمیته نگرانی خود را درباره تأثیرات منفی صنایع استخراجی و پروژه‌های زیرساختی بر حقوق و سبک زندگی مردمان بومی اعلام نموده است.^۳

بر اساس گزارش‌های منتشر شده، کنگره ایالات متحده در حال بررسی طرحی برای کاهش بیش از ۱ میلیارد دلار از بودجه «شرکت برای پخش عمومی» (CPB) است. این اقدام که بخشی از تلاش‌های دولت فدرال برای کنترل بدهی ۳۷ تریلیون دلاری کشور عنوان شده، پیامدهای گسترده و نگران‌کننده‌ای برای جوامع بومی آمریکا خواهد داشت. طبق پیش‌بینی‌ها، در صورت تصویب این کاهش بودجه، تا ۹۰ درصد از ۵۹ ایستگاه رادیویی قبیله‌ای که از این بودجه بهره‌مند می‌شوند، ناچار به تعطیلی خواهند شد. این ایستگاه‌ها منابع حیاتی برای بومیان محسوب می‌شوند و نقشی اساسی در تضمین حق دسترسی به اطلاعات، هشدارهای اضطراری، اخبار محلی، برنامه‌های آموزشی و حفظ زبان‌ها و فرهنگ‌های بومی ایفا می‌کنند. محروم‌سازی ناگهانی این جوامع از دسترسی

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

2. <https://www.hrw.org/news/2025/02/06/us-lithium-mine-permit-violates-indigenous-peoples-rights>

3. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

به رسانه‌های بومی، نه تنها نقض حق بنیادین اطلاعات و آزادی بیان است، بلکه تهدیدی علیه حق مشارکت سیاسی، سلامت عمومی، و حق فرهنگی مردمان بومی نیز به شمار می‌رود. این تصمیم می‌تواند به خاموشی بلندمدت صدای بومیان در رسانه‌ها منجر شود، آن هم در شرایطی که بسیاری از این جوامع پیش‌تر با انزوا، تبعیض و فقدان زیرساخت‌های ارتباطی مناسب روبه‌رو هستند. علاوه بر این، ایده بازگشایی زندان آلکاتراز به عنوان بازداشتگاهی برای مهاجران و مجرمان خشن، واکنش‌های شدید و گسترده‌ای را در میان بومیان منطقه خلیج سانفرانسیسکو و فعالان حقوق بومیان برانگیخته است. این جزیره که پس از تعطیلی زندان در سال ۱۹۶۳ به نمادی تاریخی از مقاومت بومیان آمریکا تبدیل شده، جایگاه ویژه‌ای در حافظه جمعی و هویت فرهنگی این جوامع دارد. در نوامبر ۱۹۶۹، گروهی از فعالان بومی برای ۱۹ ماه بر آلکاتراز مسلط شدند و خواستار به رسمیت شناختن حقوق بومیان و بازگرداندن منابع به آن‌ها شدند؛ اقدامی که به عنوان یکی از مهم‌ترین حرکت‌های مدرن مقاومت بومیان آمریکا شناخته می‌شود. استفاده مجدد از این مکان به عنوان بازداشتگاه مهاجران، نه تنها توهینی عمیق به تاریخ و هویت بومیان است، بلکه تکرار سابقه خشونت و سرکوب تاریخی ایالت علیه گروه‌های بومی را به نمایش می‌گذارد.^۱

1. <https://www.theguardian.com/us-news/2025/aug/02/trump-alcataz-indigenous-people>

فصل پنجم: نقض حقوق مهاجران و پناجویان

۱. نظامی سازی سیاست مهاجرتی

در بازه زمانی تهیه گزارش بحران انسانی مرتبط با مهاجران در ایالات متحده به سطحی نگران کننده و بی سابقه از نقض حقوق بشر رسیده است. مهاجران، به ویژه کودکان و خانواده ها، در مناطق مرزی با شرایطی مواجه هستند که از منظر قوانین بین المللی حقوق بشر، غیر انسانی و تحقیر آمیز تلقی می شود. این وضعیت شامل بازداشت های طولانی مدت در مراکز فاقد استانداردهای لازم، رفتارهای خشونت آمیز و محرومیت از دسترسی به حقوق اساسی نظیر مراقبت های بهداشتی، آموزش و حمایت های روانی و اجتماعی است.

گروه های حقوق بشری می گویند که اتکا به پایگاه های نظامی برای بازداشت مهاجران به طور عمیق نگران کننده است و خطر عادی سازی استفاده از زیرساخت های نظامی برای اجرای قانون غیر نظامی را به همراه دارد. اعضای اتحادیه آزادی های مدنی آمریکا (ACLU) در نیوجرسی گفته اند: آنچه می بینیم، زیاده روی است که نباید در مورد استفاده از تاسیسات نظامی یا منابع نظامی برای بازداشت مهاجران، آن را عادی سازی کنیم.

در روز تحلیف، دولت آمریکا وضعیت اضطراری ملی در مرز جنوبی اعلام کرد و با ادعای نادرست درباره یک تهاجم، افزایش قابل توجهی در تعداد نیروهای گارد ملی فدرال شده تحت عنوان قانون Title ۱۰ در مرز ایجاد کرد. از آن زمان، وی خودروهای رزمی را به جوامع مرزی ارسال کرده است. این نیروها در ساخت و حمل مصالح دیوار مرزی، کمک به نظارت و کشف، و پشتیبانی لجستیکی از نهادهای مدنی مانند اداره مهاجرت و گمرک (ICE) و حفاظت گمرکی و مرزی (CBP) نقش داشته اند. اما اقدامات او شرایط زندگی جوامع مدنی در مرز را بدتر کرده است. مرز جنوبی آمریکا محل زندگی حدود ۱۹ میلیون نفر است، علاوه بر افراد معمولی و تجاری که هر روز از مرز عبور می کنند. در سال های اخیر، شهروندان آمریکایی و دیگر ساکنان مرزی با نظارت های گسترده اجرای قانون،

پلیس فدرال تهاجمی، ایستگاه‌های بازرسی مرزی که برای دسترسی به خدمات پزشکی و امور روزمره باید از آن عبور کنند، و تخریب محیط زیست ناشی از ساخت دیوار مرزی مواجهه بوده‌اند.

علاوه بر این در تاریخ ۱۱ آوریل ۲۰۲۵، رئیس جمهور آمریکا یادداشتی صادر کرد که به وزارت دفاع اجازه استفاده و نظارت بر اراضی عمومی مدنی در طول مرز، از جمله «Roosevelt Reservation» در نیومکزیکو و به جز مناطق رزرو بومیان فدرال، برای فعالیت‌های نظامی را می‌دهد. دستور رئیس جمهور به وزیر دفاع اجازه می‌دهد «فعالیت‌های نظامی که به طور معقول لازم و مناسب هستند» را تعیین کند، از جمله اقداماتی برای «حفاظت و حفظ امنیت تأسیسات نظامی» و منع ورود افراد به «مناطق دفاع ملی» جدید تعیین شده. به عبارت دیگر، ترامپ در حال گشودن دروازه به نقشی گسترده‌تر برای ارتش است که فراتر از حمایت‌های لجستیکی رفته و احتمالاً فراتر از منطقه مشخص شده نیز خواهد بود. این سیاست جدید پیامدهای جدی برای ساکنان مرزی دارد که در این منطقه نظامی شده گسترده‌تر زندگی می‌کنند، مناطقی که شامل شهرهایی مانند سن دیگو، کالیفرنیا؛ نوگالس، آریزونا؛ ال پاسو، تگزاس و دیگر جوامع پرجمعیت و پررونق است. مردم این مناطق اکنون ممکن است به خاطر ورود غیرعمدی به «مناطق دفاع ملی» تعیین شده با تعقیب قضایی فدرال مواجه شوند.^۱

از سوی دیگر، استقرار نیروهای مسلح در مرزهای جنوب غربی کشور، نگرانی‌های جدی درباره نظامی‌سازی پاسخ به پدیده مهاجرت و تهدید حقوق اولیه انسان‌ها را برانگیخته است. سیاست‌های رسمی استفاده از زور در این مناطق، اولویت را به «حفاظت از امنیت پرسنل وزارت امنیت داخلی و نیروهای نظامی» می‌دهد، که به زعم ناظران حقوق بشری، می‌تواند به تساهل در استفاده از سلاح‌های مرگ‌بار در برخورد با مهاجران منجر شود.^۲

1. <https://www.aclu.org/news/national-security/trumps-expanded-domestic-military-use-should-worry-us-all>

2. <https://www.hrw.org/news/2025/02/20/ten-harmful-trump-administration-immigration-and-refugee-policies>

در پنج ماه نخست سال ۲۰۲۵، ده‌ها هزار نفر از مهاجرانی که توسط اداره مهاجرت و گمرک ایالات متحده (ICE) یا سایر نهادهای فدرال بازداشت شده‌اند، به دلیل اتهامات کیفری مشکوک یا ساختگی مرتبط با مهاجرت، به سیستم بازداشت جنایی فدرال منتقل شده‌اند. بر اساس اسناد به‌دست‌آمده از بخش عملیات زندانیان وابسته به سرویس مارشال‌های ایالات متحده، حدود ۲۰,۰۰۰ نفر از ژانویه تا پایان ماه مه ۲۰۲۵ به دلیل اتهامات مرتبط با مهاجرت، در بازداشت‌های مقدماتی فدرال ثبت شده‌اند. این آمار نشان می‌دهد که میزان واقعی بازداشت مهاجران بسیار فراتر از آن چیزی است که در داده‌های رسمی ICE بازتاب می‌یابد.^۱ این روند، بیانگر گسترش فزاینده‌ی استفاده از سازوکارهای کیفری برای کنترل مهاجرت است؛ مسیری که نه تنها حقوق بنیادین مهاجران را تضعیف می‌کند، بلکه با تبدیل پرونده‌های مهاجرتی به موضوعات جنایی، به افزایش بی‌سابقه جمعیت بازداشت‌شده و نقض اصول دادرسی عادلانه منجر می‌شود.

گزارشگر ویژه نژادپرستی، نگرانی خود را نسبت به نژادپرستی سیستماتیک در اداره مهاجرت ابراز داشت، از جمله اقدامات دولت در جهت برون‌سپاری و نظامی‌سازی مرزها برای جلوگیری از مهاجرت که با افزایش استفاده از فناوری‌های نظارتی و دیجیتال همراه است. وی تأکید کرد که سیاست‌های بازدارندگی اغلب تعهدات دولت نسبت به پناهجویان را نادیده می‌گیرند. همچنین این گزارشگر به موارد بازداشت اجباری غیرشهروندان بدون رعایت روند قانونی و بدون دسترسی به نمایندگی حقوقی در مراکز بازداشت با شرایط ناکافی و گاهی خطرناک اشاره کرد.^۲

یکی از ابعاد نگران‌کننده، استفاده از ابزارهای قضایی برای تهدید مهاجران بازداشت‌شده است. دادستان‌های فدرال این اختیار را دارند که مهاجران بازداشت‌شده را با اتهامات کیفری فدرال مواجه سازند، اتهاماتی که می‌توانند

1. https://www.prisonpolicy.org/reports/jails_immigration.html

2. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

منجر به احکام طولانی‌مدت زندان و جریمه‌های سنگین شوند. این تهدید عملاً بسیاری از افراد را از پیگیری درخواست‌های پناهندگی یا احقاق حقوق قانونی خود بازمی‌دارد و آنان را وادار می‌سازد از مسیرهای قانونی عدول کرده و به روند اخراج تن دهند.

این الگو، شباهت قابل‌توجهی با پدیده‌ی شناخته‌شده‌ی «مجازات دادگاه»^۱ در نظام عدالت کیفری دارد؛ وضعیتی که در آن، افراد برای اجتناب از محکومیت‌های سنگین‌تر، ناچار می‌شوند به اتهامات وارد شده اعتراف کنند، حتی در پرونده‌هایی که امکان پیروزی در دادگاه وجود دارد.

۲. شرایط نامناسب بازداشتگاه‌های مهاجران

گزارش‌های متعدد و مستند در سال ۲۰۲۵ از شرایط غیرانسانی در مراکز بازداشت مهاجران در ایالات متحده پرده برداشته‌اند. بر اساس این گزارش‌ها، افراد بازداشت‌شده در معرض ازدحام شدید، دمای غیرقابل‌تحمل (بسیار بالا یا پایین)، و فقدان دسترسی کافی به نیازهای اولیه از جمله غذا، آب آشامیدنی، مراقبت‌های پزشکی و وسایل بهداشتی قرار دارند.

بین ژانویه تا ژوئن ۲۰۲۵، هزاران مهاجر در سه مرکز بازداشت اصلی در ایالت فلوریدا شامل مرکز خدمات کروم شمالی^۲ مرکز انتقالی بروارد^۳ و مرکز بازداشت فدرال^۴ نگهداری شده‌اند.

بر پایه‌ی داده‌های ثبت‌شده، تا ماه مارس ۲۰۲۵، جمعیت بازداشت‌شدگان در مرکز کروم ۲۴۹ درصد افزایش نسبت به پیش از آغاز به کار دولت جدید داشته است. در برخی از روزهای مارس، این مرکز بیش از سه برابر ظرفیت مجاز خود را در بازداشت نگه می‌داشته است. همچنین تا تاریخ ۲۰ ژوئن ۲۰۲۵، تعداد افراد بازداشت‌شده در این سه مرکز، رشدی معادل ۱۱۱ درصد نسبت به روز

1. trial penalty

2. Krome North Service Processing Center

3. Broward Transitional Center (BTC)

4. Federal Detention Center (FDC)

تحلیف دولت جدید نشان می‌دهد.^۱ افراد بازداشت‌شده در این مراکز در شرایطی بسیار شلوغ، غیربهداشتی و غیرانسانی به سر می‌برند. گزارش‌های میدانی و شهادت‌های متعدد، حاکی از رفتار تحقیرآمیز با بازداشت‌شدگان، محرومیت از دسترسی به مراقبت پزشکی فوری و مناسب، و ایجاد آسیب‌های جسمی و روانی جدی بر اثر این شرایط هستند.

رئیس‌جمهور ایالات متحده اخیراً اردوگاه بازداشت مهاجران واقع در اورگلیدز (Everglades) ایالت فلوریدا را «آلکاتراز تمساحی» توصیف کرده است؛ محلی که کارشناسان حقوق بشری آن را کمتر از یک اردوگاه کار اجباری نمی‌دانند. این مرکز بازداشت که قرار است ظرفیت نگهداری تا پنج هزار مهاجر دستگیرشده توسط اداره مهاجرت و گمرک ایالات متحده (ICE) را در دوره انتظار اخراج فراهم کند، میزبان حدود ۷۰۰ مهاجر است. شرایط موجود در این اردوگاه نگرانی‌های جدی درباره نقض حقوق بنیادین بازداشت‌شدگان، از جمله حقوق مربوط به شرایط انسانی نگهداری و دسترسی به خدمات ضروری را به دنبال داشته است.^۲ بازداشت‌شدگان در قفس‌های فلزی نگهداری می‌شوند که در هر یک ده‌ها نفر به‌صورت فشرده جای داده شده‌اند و در چادرهای بزرگ و سنگین، در شرایط گرمای شدید اسکان داده شده‌اند. گزارش‌های متعدد حاکی از آن است که بازداشت‌شدگان و خانواده‌های آنان با مشکلات جدی از جمله دریافت غذای آلوده به کرم، بی‌توجهی و کم‌توجهی پزشکی، سیستم تهویه مطبوع ناکارآمد و تعداد ناکافی توالت‌هایی که اغلب سرریز می‌شوند، مواجه هستند.

۳. اخراج‌های اجباری به کشورهای ثالث

ناپدید شدن اجباری و شکنجه مهاجران توسط یک کشور ثالث به دستور یک کشور اخراج‌کننده، جدیدترین تحوّل تکان‌دهنده در خارجی‌سازی کنترل مهاجرت است که به موجب آن اقدامات امنیتی مرزی یک کشور پذیرنده مهاجر،

1. <https://www.hrw.org/report/2025/07/21/you-feel-like-your-life-is-over/abusive-practices-at-three-florida-immigration>

2. <https://edition.cnn.com/2025/07/01/us/what-is-alligator-alcatraz-florida>

به کشور دیگری واگذار می‌شود. طبق گزارش‌ها آمریکا با السالوادور مخفیانه بر سر شکنجه معامله کرده است. السالوادور و ایالات متحده آمریکا، مخفیانه توافقی را نهایی کردند که بر اساس آن، السالوادور افرادی را از ایالات متحده، به بازداشت نامحدود و بدون ارتباط با دیگران در زندان‌های خود از جمله مرکز مهار تروریسم یا همان سیکات^۱ (CECOT)، منتقل می‌کند. این گزارش به گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر مهاجران، اسنادی را ارائه می‌کند که چگونه کشور السالوادور، حدود ۲۸۸ نفر از بازداشت‌شدگان در ایالات متحده آمریکا را به کشور خود، منتقل و در زندان سیکات زندانی کرده است.^۲ این افراد، در کشور آمریکا تحت «قانون دشمنان بیگانه»^۳ (یک قانون قرن هجدهمی ایالات متحده که برای اخراج افراد بدون محاکمه صرفاً به اتهام عضویت در باندهای تبهکاری استفاده می‌شد) دستگیر شده بودند.^۴

علاوه بر این، ایالات متحده در چارچوب سیاست جدید و بحث‌برانگیز دولت ترامپ، پنج تبعه خارجی را بدون هیچ پیوند معناداری با کشور مقصد، به پادشاهی اسواتینی در جنوب آفریقا اخراج کرده است؛ اقدامی که بخشی از برنامه گسترده‌تر اخراج مهاجران به کشورهای ثالث به شمار می‌رود. این افراد که اهل ویتنام، کوبا، جامائیکا، یمن و لائوس هستند، بنا بر اظهارات مقامات آمریکایی، به دلیل امتناع کشورهای مبدأ از پذیرششان، به وسیله هواپیما به اسواتینی منتقل شده‌اند؛ کشوری کوچک با جمعیتی حدود ۱.۲ میلیون نفر که هیچ توافق رسمی در این خصوص با ایالات متحده ندارد.^۵

بر اساس گزارش‌ها، رواندا توافق‌نامه‌ی با دولت آمریکا با هدف افزایش تلاش‌ها برای اخراج میلیون‌ها مهاجر امضا کرده است. دولت آمریکا پیش از این توافق‌نامه‌هایی را برای اخراج مهاجران به سودان جنوبی و اسواتینی (۲ کشور جنوب صحرای آفریقا) امضا کرده است. رواندا با دولت ترامپ برای پذیرش

1. Centro de Confinamiento del Terrorismo (CECOT)

2. Robert F. Kennedy Human Rights, 2025

3. Alien Enemies Act

4. Robert F. Kennedy Human Rights, 2025

5. <https://www.bbc.com/news/articles/clyze8mvzdgo>

مهاجران اخراجی از ایالات متحده به توافق رسیده است و به سومین کشور آفریقایی تبدیل شده است که این کار را انجام می‌دهد، در حالی که شکایاتی مبنی بر تحت فشار قرار گرفتن دولت‌های این قاره توسط کاخ سفید برای پذیرش آنها وجود دارد. اخراج‌شدگان خارجی آمریکایی، که اصالتاً از کشورهای دیگر هستند، پیش از این به سودان جنوبی و اسواتینی فرستاده شده بودند. این کشور شرق آفریقا «با ایالات متحده برای پذیرش حداکثر ۲۵۰ مهاجر توافق کرده است»، در توافقی که به دولت اجازه می‌دهد «هر فرد پیشنهادی برای اسکان مجدد را تأیید کند».^۱

در یکی از بحث‌برانگیزترین اقدامات اخیر، دولت ایالات متحده به قانون «دشمنان بیگانه» مصوب سال ۱۷۹۸ که یک قانون زمان جنگ و به ندرت به کار گرفته شده است، متوسل شده تا روند اخراج اتباع ونزوئلایی را تسریع بخشد. این کاربرد یک قانون اختیارات جنگی ۲۲۷ ساله، نگرانی‌های قانون اساسی قابل توجهی را در مورد حقوق دادرسی عادلانه تحت متمم پنجم ایجاد کرده است. دیوان عالی مجبور شده است مداخله کند و خواستار اطلاع‌رسانی و فرصت فردی برای اعتراض به اخراج شود، اگرچه اجرای این حمایت‌ها همچنان ناسازگار است.^۲

در این راستا، چندین رویه دار شورای حقوق بشر ابراز نگرانی کردند که قانون «دشمنان خارجی» (Alien Enemies Act) توسط دولت ایالات متحده به نادرستی به کار گرفته شده است تا حق دادرسی عادلانه را نقض کرده و اخراج‌های خودسرانه را امکان‌پذیر سازد، که شامل ناپدید شدن‌های اجباری افراد، از جمله کسانی که در گروه‌های جنایی دخیل نیستند، می‌شود. کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد از دولت ایالات متحده خواست تا حق دادرسی عادلانه را تضمین کند، احکام دادگاه را اجرا نماید، حقوق کودکان را

1. <https://edition.cnn.com/2025/08/05/africa/us-rwanda-migrants-deal-intl>

2. <https://www.npr.org/2025/04/30/g-s1-63415/top-5-immigration-changes-trump-first-100-days>

حفاظت کند و اقدامات اخراج را در مواردی که خطر شکنجه وجود دارد، متوقف سازد.^۱

در میان مجموعه‌ای از فرمان‌های اجرایی مرتبط با مهاجرت که دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ را شکل داده‌اند، فرمان اجرایی شماره ۱۴۱۵۹ به چشم می‌خورد که سیاست بازداشت افرادی را که به ظن نقض قوانین مهاجرت بازداشت شده‌اند، تا زمان تکمیل روند اخراج آنها «تا حدی که قانون اجازه می‌دهد» تعیین می‌کند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که دولت آمریکا پس از نگه‌داشتن مهاجران و پناهجویان در شرایط بازداشت غیرانسانی که گاه به هفته‌ها می‌انجامید، و محروم کردن آنها از دسترسی به روند دادرسی و حق درخواست پناهندگی، اقدام به اخراج این افراد کرده است. گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری اعلام کرده‌اند؛ غیرقابل قبول است که خانواده‌ها بدون هیچ روند قانونی و بدون در نظر گرفتن امنیتشان، به کشوری فرستاده شوند که هرگز خودشان آن را انتخاب نکرده‌اند.

علاوه بر این دولت ترامپ ادعای حق لغو وضعیت قانونی مهاجران را بر اساس بندی از قانون مهاجرت و تابعیت سال ۱۹۵۲ مطرح کرده است که به وزیر امور خارجه اجازه می‌دهد تشخیص دهد حضور یک فرد در کشور «به منافع حیاتی سیاست خارجی ایالات متحده لطمه می‌زند.» این استدلال عمدتاً بدون ارائه توضیح جدی یا ارزیابی فردی و صرفاً با استناد به فعالیت‌های اعتراضی یا ابراز دیدگاه سیاسی افرادی که هدف گرفته شده‌اند، به کار گرفته می‌شود. این ادعای اختیار نامحدود در قالب الگویی قرار می‌گیرد که به تازگی با اخراج ۱۳۷ و نزوئلایی مقیم آمریکا به زندانی در السالوادور، بدون برگزاری جلسه دادرسی و بر اساس تفسیر جنجالی قانون «دشمنان خارجی» سال ۱۷۹۸، به وضوح مشاهده شده است. دولت مدعی است که بر اساس این قانون می‌تواند هر شهروند و نزوئلایی را که عضو گروهی به نام «ترن د آر آگوا» است و این گروه را به دولت و نزوئلا مرتبط می‌داند، اخراج کند.

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

گفتنی است، رئیس جمهور آمریکا طی فرمان مهاجرتی ورود اتباع ۱۲ کشور از جمله ایران را به خاک آمریکا ممنوع اعلام کرد. این فرمان به طور صریح نقض کننده تعهدات حقوق بشری آمریکا از جمله اصول عدم اخراج و تبعیض براساس نژاد یا ملیت است. اعلامیه جهانی حقوق بشر حق ورود و اقامت قانونی در هر کشوری را از جمله حقوق اساسی انسانها برشمرده است.

۴. بازداشت و نقض حقوق ایرانیان مهاجر مقیم آمریکا

وضعیت ایرانیان مقیم ایالات متحده آمریکا در طی سالهای گذشته با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده که پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ و اتخاذ سیاست‌های ضد مهاجرتی توسط وی، مهاجران ایرانی مقیم این کشور بر شدت و پیچیدگی آن افزوده شده است. ضمن این که در نتیجه جنگ تحمیلی رژیم اسرائیل علیه ایران و حمله غیرقانونی آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران نیز، فشار بر جامعه ایرانی مقیم این کشور به طور فزاینده‌ای افزایش یافته و محدودیت‌های بیشتری را به ایرانیان مهاجر به این کشور تحمیل نموده است. وزارت امنیت داخلی ایالات متحده آمریکا^۱ (DHS) در خبری که در تارنمای رسمی خود در تاریخ ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵ میلادی منتشر کرد، اعلام نمود که در روزهای ۲۲ و ۲۳ ژوئن سال ۲۰۲۵ میلادی، در عملیاتی گسترده، ۱۱ تبعه ایرانی را به دلیل حضور غیر قانونی در خاک آمریکا دستگیر کرد. در این خبر ادعا شده است که «مهاجران غیر قانونی مجرم دستگیر شده شامل فردی با روابط پذیرفته شده با حزب الله، یک تروریست شناخته شده یا مظنون، و یک تک تیرانداز سابق ارتش ایران هستند».^۲

برخورد اداره مهاجرت ایالات متحده آمریکا با ایرانیان مقیم این کشور، که گاهی به نقض حقوق مهاجران ایرانی منجر می‌شود، ریشه در ترکیبی از عوامل سیاسی، امنیتی و اجتماعی دارد. در شرایطی که تنش‌های سیاسی بین ایران و آمریکا بالاست، اتباع ایرانی، حتی آن‌هایی که به صورت قانونی در این کشور

1. U.S. Department of Homeland Security (DHS)

2. <https://www.dhs.gov/news/2025/06/24/ice-arrests-11-iranian-nationals-illegally-us-over-weekend>

حضور دارند، گاهی به دلیل ملیّت خود تحت نظارت‌های شدیدتر قرار گرفته و در معرض اتهامات یا بازداشت‌های خودسرانه به دلایل واهی واقع می‌شوند. چنین برخوردهای ناقض حقوق اولیه مهاجران، به ویژه پس از جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران و تهاجم امریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، تشدید شده است. بدیهی است که این رویکرد، که بر پایه ملیّت افراد متمرکز است، می‌تواند منجر به تبعیض نظام‌مند و نقض حقوق اولیه انسانی و مهاجرتی ایرانیان مقیم این کشور شود. رویکردی که بر اساس آن، افراد صرفاً به دلیل هویت ایرانی خود، با چالش‌های بیشتری در زمینه اقامت، اشتغال و امنیت خود، مواجه می‌شوند.

فصل ششم: نقض حقوق زنان

۱. خشونت علیه زنان

آمارهای رسمی سال نشان می‌دهد که خشونت علیه زنان و خشونت‌های جنسیتی و جنسی در ایالات متحده آمریکا همچنان یکی از چالش‌های جدی اجتماعی است. در سال ۲۰۲۵، به صورت کلی ۲۰۴۰۵۵ مورد جرایم جنسی گزارش شده است؛ به عبارت دیگر به طور متوسط روزانه ۵۵۹ مورد یا هر ۲،۵۷ دقیقه یک جرم جنسی رخ داده است. انواع جرایم جنسی گزارش شده شامل ۴۱٪ آزار جنسی و ۳۷٪ تجاوز بوده است. حدود ۸۶٪ قربانیان جرایم جنسی زن بوده‌اند. لازم به ذکر است که نزدیک به ۴۸٪ قربانیان در رده سنی ۱۱ تا ۲۰ سال قرار داشته‌اند و ۱۸٪ نیز کودکان زیر ۱۰ سال بوده‌اند. ایالاتی مانند آلاسکا، داکوتای جنوبی و آرکانزاس بیشترین نرخ تجاوز و مونتانا و یوتا بیشترین میزان آزار جنسی را داشته‌اند.

این ارقام نمایانگر شدت و گستردگی خشونت جنسیتی و جنسی در آمریکا در سال ۲۰۲۵ هستند و نشان می‌دهند که بخش قابل توجهی از قربانیان زنان و نوجوانان هستند.^۱ حدود ۳۵،۶٪ از زنان در آمریکا در طول زندگی خود تجربه خشونت فیزیکی، تجاوز یا آزار جنسی، یا تعقیب از سوی شریک زندگی را داشته‌اند. هر ساله نزدیک به ۱۰ میلیون زن در آمریکا قربانی خشونت خانگی می‌شوند. در نیمه اول سال ۲۰۲۵، نرخ خشونت خانگی در ۹ شهر بزرگ آمریکا به‌طور میانگین ۳٪ نسبت به مدت مشابه در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته است.

۲. خشونت خانگی

خشونت خانگی یکی از چالش‌های کلیدی حوزه زنان است که همچنان در آمریکا رو به تزاید است. آمار نشان می‌دهد حدود ۲۲٪ زنان در ایالات متحده در طول زندگی خود خشونت توسط شریک زندگی را تجربه کرده‌اند.^۲ حدود ۸۱٪

1. <https://www.johnfitch.com/research/sex-offense-study-2025-worst-states-and-statistics/>

2. Margaret Stranka, "Amending the Justice Reinvestment Act to Protect Victims of Domestic Violence," University of Maryland Law Journal of Race, Religion, Gender & Class 19, no. 1 (Spring 2019): 185-200.

از زنان در آمریکا در طول زندگی خود تجربه آزار یا تجاوز جنسی را داشته‌اند. با وجود به روزرسانی‌های اخیر قوانین و سیاست‌ها، بسیاری از راهکارهای دولتی مقابله با خشونت خانگی برای قربانیان در دسترس نبوده یا بی اثر هستند و شمار زیادی از آسیب دیدگان از فرصت‌های محدود موجود نیز محروم می‌شوند.^۱ این معضل همچنان به عنوان یک مشکل جدی فاقد راهکارهای پایدار و کارآمد برای کمک به تمام زنان آسیب دیده باقی است. لازم به ذکر است که از محدودیت‌های مطالعه خشونت خانگی باید به اختلاف بین آمار گزارش شده به مقامات قانونی یا پزشکان با موارد واقعی اشاره کرد. قابل ذکر است که در ایالات متحده «کمتر از ۴۰٪ زنانی که خشونت را تجربه می‌کنند، به دنبال کمک می‌روند»^۲

در نیمه اول سال ۲۰۲۵، خشونت خانگی تنها نوع جرم خشونت‌آمیز بود که ۳٪ نسبت به دوره مشابه در ۲۰۲۴ افزایش داشته است.^۳ قابل ذکر است که مناطق شهری شاهد افزایش موارد خشونت خانگی است.

داده‌های خشونت خانگی معمولاً ناقص گزارش می‌شوند و بین مناطق مختلف تفاوت زیادی وجود دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۵ فقط ۹ شهر از ۴۲ شهر مورد مطالعه (کمتر از ۲۵٪) آمار خشونت خانگی را به طور منظم ثبت کرده‌اند.^۴

هر دقیقه، ۲۰ نفر قربانی خشونت فیزیکی توسط شریک زندگی خود می‌شوند^۵، به گونه‌ای که این آمار به بیش از ۱۰ میلیون قربانی در سال می‌رسد، از هر ۳ زن، ۱ نفر خشونت توسط شریک زندگی را تجربه می‌کند.^۶ زنان ۱۸ تا

1. Jacqueline G. Lee and Bethany L. Backes, "Civil Legal Aid and Domestic Violence: A Review of the Literature and Promising Directions," *Journal of Family Violence* 33, no. 6 (2018): 421–433.

2. Jennifer L. Truman and Rachel E. Morgan, "Nonfatal Domestic Violence," Washington, DC: US Department of Justice, Bureau of Justice Statistics (2014).

3. <https://counciloncj.org/crime-trends-in-u-s-cities-mid-year-2025-update/>

4. <https://www.cdc.gov/intimate-partner-violence/about/index.html>

5. <https://www.cdc.gov/nisvs/about/index.html>

6. <https://www.kff.org/womens-health-policy/issue-brief/womens-experiences-with-intimate-partner-violence/>

۲۴ ساله، بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر خشونت خانگی دارند.^۱ در ۴۲٪ از قتل‌های ناشی از خشونت خانگی، از اسلحه گرم استفاده می‌شود.^۲ ۴۳٪ از زنان در ایالت واشنگتن در طول زندگی خود خشونت توسط شریک زندگی را تجربه می‌کنند. ۳۰٪ از قتل‌های زنان، توسط شرکای زندگی یا خانوادگی آنها انجام می‌شود.^۳ زنان جوان در بحرانی‌ترین سن برای تجربه خشونت خانگی هستند. دسترس بودن اسلحه، خطر تبدیل خشونت به قتل را به شدت افزایش می‌دهد. خشونت خانگی یکی از اصلی‌ترین دلایل قتل زنان در آمریکا محسوب می‌شود. این آمار نشان می‌دهد که خشونت خانگی نه تنها یک مشکل رایج است، بلکه به آسانی می‌تواند به فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر تبدیل شود.

علاوه بر این، خشونت خانگی یکی از عوامل اصلی بی‌خانمانی در میان زنان آمریکایی است. مطابق با گزارش‌ها، بین ۲۰٪ تا ۵۰٪ از زنان بی‌خانمان در آمریکا به‌طور مستقیم به‌دلیل فرار از خشونت خانگی، بی‌خانمان شده‌اند. این آمار نشان‌دهنده نیاز به ایجاد پناهگاه‌ها و حمایت‌های اجتماعی برای زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی است تا از بی‌خانمانی آن‌ها جلوگیری شود.

۳. نابرابری اقتصادی زنان

زنان آمریکایی هنوز با چالش‌های جدی در زمینه دسترسی برابر به درآمد، ثروت، شغل و نقش‌های مدیریتی روبه‌رو هستند. این شکاف در ابعاد مختلفی چون درآمد، ثروت، فرصت‌های شغلی و نرخ فقر قابل مشاهده است. در سال ۲۰۲۵، نابرابری اقتصادی میان زنان و مردان در ایالات متحده آمریکا همچنان یک چالش جدی است که تأثیرات عمیقی بر زندگی حرفه‌ای، مالی و اجتماعی زنان دارد. این نابرابری‌ها به‌ویژه در میان زنان رنگین‌پوست، مادران شاغل و در برخی ایالت‌ها همچنان قابل توجه است.

1. <https://fdfamilylaw.com/shocking-statistics-about-domestic-abuse-infogra/>

2. https://www.aap.org/en/patient-care/intimate-partner-violence/intimate-partner-violence-infographic-series/?srsltid=AfmBOoc73P67wnCdtK3Ai8gHDRvT7573aGTV-JU7At9yOj3LH-vVi_tD

3. <https://www.solid-ground.org/unveiling-the-many-forms-of-domestic-intimate-partner-gender-based-violence/>

طبق گزارش ها، زنانی که شاغل تمام وقت و پاره وقت هستند، در سال ۲۰۲۴ به طور متوسط ۸۵٪ درآمد مردان را دریافت می‌کنند.^۱ زنان شاغل در تمامی مشاغل اعم از نیمه وقت، معادل ۷۵٪ درآمد مردان را به دست آورده‌اند که این رقم نشان‌دهنده آسیب مضاعف ناشی از اشتغال غیرثابت و فصلی است.^۲ تحقیقات نشان می‌دهد که شکاف دستمزد حتی در میان زنان و مردان با سطوح مشابه تحصیلات و تجربه کاری و نژادهای مختلف وجود دارد. برای مثال، زنان آسیایی تبار آمریکایی به‌طور متوسط کمتر از مردان آسیایی تبار آمریکایی درآمد دارند، و این نابرابری در میان زنان سیاه‌پوست، لاتین تبار و بومی تبار به مراتب بیشتر است.

پدیده‌ای به نام «جریمه مادر بودن»^۳ بر درآمد زنان تاثیر می‌گذارد، از جمله مواردی مانند عدم امکان انجام اضافه کاری و کناره گیری از شغل به دلیل نگهداری از فرزندان که نشان می‌دهد مادران شاغل به‌طور متوسط دستمزد کمتری نسبت به زنان بدون فرزند دارند. این تفاوت دستمزد به‌ویژه در زنان زیر ۳۵ سال بیشتر است و می‌تواند تأثیرات منفی بر مسیر شغلی و مالی آن‌ها بگذارد.^۴

قابل ذکر است ۶۷٫۹٪ از شاغلان با حداقل دستمزد را زنان تشکیل می‌دهند.^۵ تنها ۱۰٫۴٪ از مدیران شرکت‌های بزرگ از زنان هستند و زنان بیشتر در کارهایی با دستمزد اندک همانند مراقبت از کودکان و سالمندان حضور دارند.^۶ شکاف ثروت میان سرپرستان خانواده‌های سفیدپوست و زنان سیاه‌پوست یا لاتین تبار به مراتب بیشتر است.^۷

1. <https://www.pewresearch.org/short-reads/2025/03/04/gender-pay-gap-in-us-has-narrowed-slightly-over-2-decades/>

2. https://www.aauw.org/app/uploads/2025/03/The_Simple_Truth_Gender_Pay_Gap_2025.pdf

3. Motherhood Penalty

4. feminist.com/resources/art_speech/family/motherhood.html

5. <https://inequality.org/facts/gender-inequality/>

6. <https://www.weforum.org/publications/global-gender-gap-report-2025/digest/>

7. <https://inequality.org/facts/gender-inequality/>

فصل هفتم: حقوق کودکان

۱. تأثیر سیاست‌های مهاجرتی بر کودکان

گزارش نهادهای بین‌المللی در سال ۲۰۲۵^۱ نشان می‌دهد که سیاست‌های محدودکننده مهاجرت، کودکان مهاجر را در معرض خطر طولانی‌مدت خشونت و شرایط غیرانسانی در مکزیک قرار داده است. گزارش‌های معتبر بین‌المللی در سال ۲۰۲۵^۲ به موضوع کودکان مهاجر و سیاست‌های مهاجرتی دولت آمریکا پرداخته‌اند. گزارش‌ها به شرایط نامناسب بازداشت مهاجران، از جمله کودکان، در مراکز مرزی آمریکا اشاره می‌کنند. سیاست‌های مهاجرتی دولت جدید آمریکا (دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ) شامل اخراج گسترده مهاجران و لغو وضعیت حفاظت موقت برای برخی گروه‌ها بوده که کودکان را در معرض جدایی از خانواده‌ها و بازداشت در شرایط غیرانسانی قرار داده است. این گزارش‌ها به‌طور خاص به نقض حق دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و شرایط نامناسب زندگی در این مراکز اشاره دارند. این گزارش‌ها همچنین به موضوع کودکان مهاجر بدون همراه پرداخته و اعلام می‌کنند که این کودکان در معرض خطر اخراج سریع بدون بررسی دقیق پرونده‌هایشان هستند، که نقض حقوق آن‌ها به حمایت و پناهندگی محسوب می‌شود.

۲. نگهداری کودکان در بازداشتگاه‌های مرزی

گزارش نهاد‌های بین‌المللی در سال ۲۰۲۵^۳ به شرایط غیرانسانی کودکان مهاجر در بازداشتگاه‌های مرزی آمریکا اشاره دارد. کودکان مهاجر در بازداشتگاه‌های مرزی، از جمله در منطقه ال پاسو، تگزاس، با شرایطی مانند ازدحام بیش از حد، عدم دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی کافی و نقض حقوق اولیه مواجه هستند. در برخی گزارش‌ها به‌طور خاص به بازداشتگاه‌های

1. <https://www.amnestyusa.org/wp-content/uploads/2025/04/The-State-of-the-Worlds-Human-Rights-April-2025.pdf>

2. https://www.hrw.org/sites/default/files/media_2025/01/World%20Report%202025.pdf

3. <https://www.amnestyusa.org/wp-content/uploads/2025/05/Dehumanized-by-Design-Human-Rights-Violations-in-El-Paso.pdf>

گمرک و حفاظت مرزی (CBP) اشاره شده است که کودکان در آنها در شرایط غیرانسانی نگهداری می‌شوند. بر اساس گزارش‌های مذکور، کودکان مهاجر، از جمله کودکان بدون همراه، در بازداشتگاه‌های مرزی با کمبود غذا، آب تمیز و امکانات بهداشتی مواجه هستند. این شرایط نقض مواد ۳، ۱۹ و ۲۴ کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک است که به حفاظت از کودکان در برابر خشونت و تضمین حق سلامت و رفاه آنها تأکید دارد.

۳. تیراندازی در مدارس

گزارش مراجع بین‌المللی در سال ۲۰۲۵ به ادامه خشونت مسلحانه در آمریکا اشاره دارند و تأکید می‌کنند که کنگره در سال ۲۰۲۴ نتوانست قوانین فدرال برای کنترل سلاح را تصویب کند. اگرچه داده‌های خاص برای تیراندازی‌های مدارس در سال ۲۰۲۵ در این گزارش‌ها ذکر نشده، اما گزارش‌های دیگر موسسات داخلی آمریکا مانند آرشو خشونت مسلحانه نشان می‌دهد که حوادثی مانند تیراندازی در دبیرستان آلاپاچی جورجیا (۴ کشته، ۹ زخمی) نمونه‌ای از تهدید مداوم علیه کودکان است. گزارشات بین‌المللی به‌طور کلی خشونت مسلحانه را به‌عنوان نقض حقوق بشر کودکان و بزرگسالان در آمریکا برجسته کرده است.

سایر گزارش‌های بین‌المللی در سال ۲۰۲۵ به‌طور کلی به خشونت مسلحانه در آمریکا به‌عنوان یک مسئله حقوق بشری اشاره می‌کنند و تأکید دارند که تیراندازی‌های جمعی، از جمله در مدارس، حقوق اولیه افراد، به‌ویژه کودکان، به حیات و امنیت را نقض می‌کند.

۴. کار پنهان کودک

گزارش مراجع بین‌المللی در سال ۲۰۲۵ به تبعیض علیه کودکان مهاجر و اقلیت‌ها در زمینه‌های مختلف، از جمله شرایط کاری، اشاره می‌کند. گزارش‌ها نشان می‌دهد^۱ که کودکان مهاجر در ایالت‌هایی مانند آیووا و آرکانزاس در

1. Economic Policy Institute. 2025. "Child labor standards: State solutions to the U.S. worker rights crisis," by Nina Mast, July 30, 2025, <https://www.epi.org/publication/child-labor-standards-state-solutions/>. (<https://www.epi.org/publications/>)

مشاغل خطرناک مانند بسته‌بندی گوشت مشغول به کار هستند. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۲۴، یک شرکت در آیووا به دلیل استخدام غیرقانونی ۵۰ کودک جریمه شد و این روند در سال ۲۰۲۵ ادامه دارد.

گزارش‌های دیگر حاکی از آن است که ۱۰ ایالت در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ قوانینی را تصویب کردند که محدودیت‌های کار کودکان را کاهش داده و اجازه کار در شیفت‌های شبانه یا مشاغل خطرناک را می‌دهد. به‌عنوان مثال، در فلوریدا، قانون جدید به کودکان ۱۶ ساله اجازه کار در شیفت‌های شبانه را داده که نقض استانداردهای فدرال است. این روند در سال ۲۰۲۵ نیز گزارش شده است.

علاوه بر این، سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری در سال ۲۰۲۵ به نقض قوانین کار کودکان در آمریکا انتقاد کرده و اعلام کرده اند که برخی ایالتها قوانین حفاظتی برای کودکان در مشاغل خطرناک، مانند کشاورزی و صنایع، را تضعیف کرده‌اند. این موضوع به‌عنوان استثمار کودکان و نقض حقوق آن‌ها به ایمنی و آموزش مطرح شده است.

۵. تبعیض نژادی و کودکان

تبعیض ساختاری علیه کودکان سیاه‌پوست، بومی، و سایر اقلیت‌ها در نظام‌های آموزشی و عدالت کیفری آمریکا وجود دارد. طبق گزارش دیده‌بان حقوق بشر در سال ۲۰۲۵ کودکان اقلیت‌ها در نظام عدالت کیفری با مجازات‌های سخت‌تر و تبعیض بیشتری مواجه هستند، که نقض حق برابری و عدالت آن‌ها محسوب می‌شود. در گزارشی توسط Legal Defense Fund (LDF) به پروژه ۲۰۲۵ و تأثیر بر آموزش کودکان سیاه‌پوست اشاره شده است.^۱ پروژه ۲۰۲۵ پیشنهاد حذف برنامه‌های تنوع و برابری در مدارس را داده که می‌تواند فرصت‌های آموزشی کودکان سیاه‌پوست را محدود کند. این گزارش به حذف

1. Legal Defense Fund (LDF) "Attack on Our Power and Dignity: What Project 2025 Means for Black Communities" Thurgood Marshall Institute: <https://tminstituteldf.org/wp-content/uploads/2024/10/Attack-on-Our-Power-and-Dignity.pdf>

داده‌های نژادی از سیستم‌های آموزشی فدرال اشاره می‌کند، که مانع شناسایی و رفع تبعیض علیه دانش‌آموزان سیاه‌پوست می‌شود. همچنین پروژه ۲۰۲۵ پیشنهاد کرده که کمک‌های مالی فدرال برای دانشجویان اقلیت‌ها کاهش یابد، که این امر مستقیماً بر کودکان و نوجوانان سیاه‌پوست و بومی که به دنبال ادامه تحصیل هستند، تأثیر می‌گذارد.

۶. محاکمه کودکان به‌عنوان بزرگسال

طبق گزارش‌های نهاد‌های حقوق بشری در سال ۲۰۲۵ در هر ۵۰ ایالت آمریکا، کودکان (افراد زیر ۱۸ سال) می‌توانند به‌عنوان بزرگسال در دادگاه‌های کیفری محاکمه شوند. این بدان معناست که حتی اگر فرد در زمان ارتکاب جرم کودک یا نوجوان باشد، بدون در نظر گرفتن سن یا شرایط رشدی او ممکن است با مجازات‌های سنگین بزرگسالان مواجه شود.

ایالات متحده تنها کشوری در جهان است که کودکان را به حبس ابد بدون امکان آزادی مشروط محکوم می‌کند. این مجازات به این معناست که یک کودک مجرم ممکن است تا پایان عمر در زندان بماند، بدون هیچ فرصتی برای بازنگری یا آزادی، حتی اگر رفتار او اصلاح شود. این سیاست با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، از جمله کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل^۱ مغایرت دارد، زیرا این کنوانسیون بر بازپروری و ادغام مجدد کودکان در جامعه تأکید دارد.

۱. آمریکا تنها کشور عضو سازمان ملل متحد است که هرگز کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک ۱۹۸۹ را تصویب نکرده‌است.

فصل هشتم: نابرابری و توزیع ناعادلانه ثروت

۱. شکاف اقتصادی ساختاری

در ایالات متحده آمریکا، تبعیض ساختاری و شکاف اقتصادی به عنوان یکی از مسائل اساسی حقوق بشری مطرح است. این شکاف عمیق به ویژه در توزیع نابرابر ثروت و درآمد، دسترسی محدود به فرصت‌های آموزشی و شغلی، و تفاوت چشمگیر در امید به زندگی نمود پیدا می‌کند. سهم ثروتمندان از ثروت ملی به طور پیوسته افزایش می‌یابد، در حالی که اقشار کم‌درآمد با کاهش سهم خود مواجه هستند، وضعیتی که به تعمیق نابرابری طبقاتی منجر شده است.

در سال گذشته، مجموعاً ۳۶۵ میلیارد دلار به ثروت ۱۰ ثروتمند برتر آمریکا افزوده شده است و بر اساس لایحه جدید بودجه و مالیاتی دولت، این گروه از تخفیفات مالیاتی قابل توجهی نیز بهره‌مند خواهند شد. برای درک میزان این نابرابری، لازم است بدانیم که ۱۰ کارگر آمریکایی با درآمد متوسط، به طور جمعی به ۷۲۶ هزار سال زمان نیاز دارند تا بتوانند این مقدار ثروت را کسب کنند. در حالی که ثروت میلیاردرها به شکل نجومی رشد کرده، بخش عمده‌ای از مردم عادی با مشکلات معیشتی جدی مواجه هستند.

بر اساس تحلیل جدید دفتر بودجه کنگره آمریکا (CBO)، لایحه موسوم به «لایحه بزرگ زیبا» به طور میانگین منابع مالی خانوارهای آمریکایی را افزایش خواهد داد، اما این منافع به صورت نابرابر توزیع خواهد شد. طبق یافته‌های CBO، منابع مالی خانوارهای ۱۰ درصد کم‌درآمد جامعه تا سال ۲۰۳۳، با کاهشی معادل ۴ درصد مواجه خواهد شد، در حالی که ۱۰ درصد پردرآمد جامعه در همین بازه زمانی به دلیل کاهش مالیات‌ها، حدود ۲ درصد افزایش منابع خواهند داشت. این تحلیل نشان می‌دهد که منافع این لایحه به شکلی نامتناسب به اقشار ثروتمند جامعه خواهد رسید، به طوری که تنها ۱۰ درصد از افراد پردرآمد، نزدیک به دو سوم (۶۵ درصد) از کل ارزش اقتصادی قانون را دریافت می‌کنند. در مقابل، خانوارهای ۲۰ درصد کم‌درآمد جامعه در سال

۲۰۲۶ به دلیل کاهش پوشش مدیکید^۱، کوپن‌های غذایی و سایر تغییرات، به طور متوسط حدود ۱۰۳۵ دلار از منابع خود را از دست خواهند داد.^۲ این روند نابرابر، نگرانی‌های جدی در خصوص افزایش شکاف‌های اقتصادی و نقض عدالت اجتماعی و حقوق بشر در ایالات متحده ایجاد کرده است.

۲. بحران فقر و بی‌خانمانی

فقر و بی‌خانمانی در ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از بحران‌های عمیق و ساختاری، میلیون‌ها نفر را از بهره‌مندی کامل و برابر از حقوق بنیادین انسانی محروم ساخته است. نابرابری‌های سیستماتیک، توزیع ناعادلانه ثروت و عدم دسترسی برابر به مسکن مناسب، عوامل اصلی تداوم شرایط فقر و بی‌خانمانی در این کشور به شمار می‌آیند. این شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی گسترده باعث شده است که میلیون‌ها آمریکایی زیر خط فقر زندگی کنند و بسیاری از شهروندان عادی با بدهی‌های سنگین و بی‌سابقه‌ای مواجه باشند که ثبات اقتصادی و امنیت آنان را به شدت به مخاطره می‌اندازد. چنین وضعیتی نقض آشکار حقوق بشر، به ویژه حق بر مسکن و زندگی با کرامت انسانی است و چالش‌های عمیقی را برای عدالت اجتماعی و رفاه عمومی در آمریکا ایجاد کرده است.

در سال ۲۰۲۵ حداقل دستمزد فدرال برای هر خانوار زیر خط فقر قرار دارد. در ۲۰ ایالتی که هنوز از حداقل دستمزد فدرال استفاده می‌کنند، ۱۱.۸ میلیون کارگر کمتر از ۱۷ دلار در ساعت درآمد دارند که بیش از ۱ از هر ۵ کارگر در آن ایالت‌هاست. این ایالت‌ها عمدتاً در منطقه جنوب آمریکا واقع شده‌اند. رکود حداقل دستمزد فدرال به سیاست‌گذاران جنوب اجازه می‌دهد تا دستمزدهای پایین را در اقتصاد خود حفظ کنند. حتی با در نظر گرفتن تفاوت‌های هزینه زندگی بین مناطق، دستمزد کارگران جنوب کمتر است. بخشی از این موضوع به سیاست‌هایی بازمی‌گردد که دستمزدها را پایین نگه می‌دارند، مانند حداقل

1. Medicaid

2. <https://edition.cnn.com/2025/05/21/business/billionaire-tax-cut-trump>

دستمزد پایین، و به همین دلیل کارگران جنوب نسبت به سایر مناطق با فقر بیشتری مواجه‌اند.^۱

گزارش‌ها نشان می‌دهد که طرح‌های بودجه‌ای جمهوری خواهان در سال ۲۰۲۵، بخش‌های مختلف شبکه حمایت اجتماعی را تضعیف کرده و دسترسی به این خدمات حیاتی را به طور چشمگیری محدود خواهند کرد. این طرح‌ها شامل کاهش بودجه برنامه Medicaid و اعمال شرایط سخت‌تر برای بهره‌مندی از برنامه‌های Medicaid و SNAP است. چنین اقداماتی به طور مستقیم به کارگران کم‌درآمد و خانواده‌های آنان آسیب خواهد رساند، چرا که این برنامه‌های حمایتی نقشی اساسی در ارتقاء سطح زندگی میلیون‌ها کارگر و افراد آسیب‌پذیر دارند که درآمد کافی برای تأمین نیازهای اساسی خود ندارند. اگر این سیاست‌ها به اجرا برسد، ترکیب کاهش مالیات برای ثروتمندان و کاهش حمایت‌های Medicaid، عملاً منجر به کاهش درآمد واقعی کارگران در ۴۰ درصد پایین توزیع درآمدی خواهد شد، در حالی که سود قابل توجهی نصیب ۱ درصد ثروتمند جامعه می‌شود. این کاهش حمایت‌های اجتماعی به‌ویژه برای جوامع رنگین‌پوست و کودکان آنان پیامدهای سنگین‌تری خواهد داشت، چرا که این گروه‌ها بیش از سایر اقشار به برنامه Medicaid وابسته هستند و در معرض خطر افزایش نابرابری‌های ساختاری و نقض حقوق اقتصادی و اجتماعی خود قرار می‌گیرند.^۲

جمهوری خواهان کاهش مزایا و سخت‌تر کردن شرایط بهره‌مندی از برنامه‌های حمایتی را به عنوان ابزاری برای تشویق افراد به اشتغال معرفی می‌کنند. آنان استدلال می‌کنند که مزایای گسترده برنامه‌های Medicaid و SNAP می‌تواند موجب ایجاد وابستگی به کمک‌های دولتی شده و انگیزه افراد را برای یافتن شغل کاهش دهد. این دیدگاه اما واقعیت‌های ملموس را

1. <https://www.epi.org/blog/the-federal-minimum-wage-is-officially-a-poverty-wage-in-2025/>

2. <https://www.epi.org/blog/the-federal-minimum-wage-is-officially-a-poverty-wage-in-2025/>

نادیده می‌گیرد؛ زیرا طبق داده‌ها، تقریباً دو سوم از ثبت‌نام‌کنندگان Medicaid که سالمند نیستند، و بیش از ۸۵ درصد از بزرگسالان در سن کار که از برنامه SNAP بهره‌مند می‌شوند، در حقیقت مشغول به کار هستند. این آمار نشان می‌دهد که بسیاری از دریافت‌کنندگان این حمایت‌ها، در شرایط دشوار اقتصادی و اشتغال ناپایدار قرار دارند و کمک‌های دولتی نقش حیاتی در تأمین حداقل نیازهای زندگی آنان ایفا می‌کند.^۱

در حوزه مسکن، بر اساس گزارش‌های معتبر، طرح جدید دولت ایالات متحده آمریکا مبنی بر محدود کردن دوره دریافت کمک‌های مسکن فدرال به دو سال، تهدیدی جدی برای سرپناه و امنیت مسکن حدود ۱.۴ میلیون خانواده کم‌درآمد محسوب می‌شود. گزارشی از دانشگاه نیویورک هشدار می‌دهد که نزدیک به ۷۰ درصد این خانوارها بیش از دو سال به حمایت‌های وزارت مسکن و توسعه شهری (HUD) وابسته بوده‌اند. در حال حاضر، HUD از طریق کوپن‌های اجاره و برنامه‌های مسکن عمومی به تقریباً ۴.۹ میلیون خانوار خدمات ارائه می‌کند. این گزارش تأکید دارد که اعمال محدودیت زمانی گسترده، منجر به «اختلال و جابجایی قابل توجه» خواهد شد و به این نکته اشاره می‌کند که این سیاست تاکنون به صورت گسترده مورد آزمایش قرار نگرفته است و بسیاری از طرح‌های آزمایشی محدودیت زمانی پیش‌تر متوقف شده‌اند. همچنین، این اقدام از هدف بنیادین HUD یعنی حمایت پایدار از خانواده‌های آسیب‌پذیر فاصله می‌گیرد و می‌تواند قراردادهای این وزارتخانه با مالکان خصوصی را نیز به مخاطره اندازد. منتقدان نگران هستند که محدودیت زمانی در دریافت کمک‌های مسکن، مسیر تلاش‌های خانواده‌ها برای خودکفایی را مختل ساخته و اهداف اعلام شده حامیان این محدودیت را ناکام گذارد.^۲

کارشناسان مسکن پیش‌بینی می‌کنند که اجرای این سیاست منجر به افزایش قابل توجه بی‌خانمانی، جابجایی اجباری خانواده‌ها و ناپایداری در بازار

1. <https://www.epi.org/blog/the-federal-minimum-wage-is-officially-a-poverty-wage-in-2025/>

2. <https://apnews.com/article/hud-section-8-vouchers-trump-budget-cuts>

اجاره خواهد شد. در حال حاضر، حدود ۲۵ میلیون نفر در آمریکا با بحران مسکن مقرون به صرفه دست و پنجه نرم می کنند و تنها در سال گذشته بیش از ۵۸۰ هزار نفر بی خانمان گزارش شده اند.

۳. کاهش بودجه سلامت و کمک های رفاهی

دولت ایالات متحده با تصویب و اجرای لایحه ای موسوم به «لایحه بزرگ زیبا» موجب کاهش قابل توجه بودجه اختصاص یافته به برنامه های بیمه سلامت دولتی شد. این اقدام، میلیون ها شهروند آمریکایی را در معرض خطر از دست دادن پوشش بیمه ای ضروری قرار داده و پیامدهای جدی برای سلامت عمومی، به ویژه در میان اقشار آسیب پذیر و کم درآمد، به همراه دارد.

بر اساس برآوردهای رسمی، تصویب بسته سیاست گذاری داخلی پیشنهادی جمهوری خواهان می تواند نزدیک به ۱۱.۸ میلیون نفر از شهروندان ایالات متحده، شامل بزرگسالان و کودکان، را در معرض از دست دادن پوشش بیمه سلامت قرار دهد. این کاهش پوشش به صورت تدریجی در طول یک دهه اتفاق خواهد افتاد و بخش قابل توجهی از دستاوردهای برنامه های مراقبت های بهداشتی فدرال مانند Medicaid، قانون مراقبت مقرون به صرفه (Obamacare) و برنامه بیمه سلامت کودکان را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

این لایحه که با هدف صرفه جویی تقریباً یک تریلیون دلاری در بودجه فدرال طراحی شده است، ثبت نام در برنامه های مذکور را کاهش می دهد و احتمالاً روند افزایش نرخ پوشش بیمه درمانی را که طی سال های اخیر به دست آمده، معکوس خواهد کرد. هم اکنون نزدیک به ۷۸ میلیون بزرگسال و کودک در برنامه Medicaid ثبت نام کرده اند و ۲۴ میلیون نفر نیز از طریق بازارهای بیمه سلامت تحت قانون مراقبت مقرون به صرفه (ACA) بیمه شده اند.^۲

بر اساس گزارش ها، دولت آمریکا بودجه مجموعه ای از برنامه های بهداشتی مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری ها را مسدود کرده است. براین اساس، این

1. The Big Beautiful Bill

2. <https://apnews.com/article/gop-bill-trump-medicaid-cuts-coverage-health-bb4f090d2706ffb3d5652e70f246a10e>

شامل مسدود شدن بودجه برنامه های جلوگیری از خشونت جوانان، تحقیقات در زمینه جلوگیری از جراحات با سلاح گرم و مرگ و میر و تلاش های مرتبط با بیماری دیابت و بیماری های مزمن کلیه و استفاده از تنباکو است. رقم دقیق بودجه مسدود شده مشخص نیست اما ممکن است تا ۲۰۰ میلیون دلار باشد. این در حالی است که کاخ سفید پیشتر گفته بود که قصد دارد بودجه بهداشتی آمریکا در سال آینده را بیش از ۲۵ درصد کاهش دهد، در حالی که موسسه ملی سلامت و مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری ها با میلیاردها دلار کاهش بودجه روبرو می شوند.^۱

علاوه بر این، یک سند داخلی دولت ترامپ از برنامه ریزی برای کاهش تقریباً یک سوم از بودجه بهداشت و درمان فدرال خبر می دهد که می تواند منجر به حذف ده ها میلیارد دلار بودجه در هر سال شود. این طرح که در تاریخ ۱۰ آوریل ۲۰۲۵ به وزارت بهداشت و خدمات انسانی آمریکا (HHS) ارسال شده، کاهش عمده در برنامه ها و سازمان های بهداشتی را پیشنهاد می کند، از جمله کاهش ۴۰ درصدی بودجه مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری ها (CDC)؛ این طرح شامل حذف برنامه های CDC با تمرکز بر پیشگیری از بیماری های مزمن، پیشگیری از ایدز، و خشونت با اسلحه می شود. علاوه بر این، مؤسسات ملی بهداشت (NIH) با کاهش ۴۰ درصدی مواجه خواهد شد و ۲۷ مؤسسه تحقیقاتی آن به تنها هشت مؤسسه کاهش می یابد.^۲

گفتنی است، ایده جدید مالیاتی دونالد ترامپ که به تازگی به تصویب رسیده است، نگرانی های عمیقی را در میان فعالان حقوق بشری، جامعه مدنی و سیاستمداران به وجود آورده است. این طرح با کاهش ۴.۵ تریلیون دلاری مالیات ها، به طور همزمان باعث کاهش ۱.۲ تریلیون دلاری بودجه برنامه های حیاتی خدمات رفاهی می شود. بر اساس گزارش دفتر بودجه کنگره، اجرای این

1. <https://www.timeslive.co.za/news/world/2025-08-04-trump-administration-blocks-cdc-health-programmes-funding-wsj/>

2. <https://edition.cnn.com/2025/04/16/politics/trump-rfk-jr-budget-cut-health>

قانون که درست پیش از تعطیلات چهارم جولای تصویب شد، حدود ۱۱ میلیون آمریکایی را در معرض از دست دادن بیمه درمانی قرار داده و میلیون‌ها نفر دیگر را از دریافت کمک‌های غذایی محروم خواهد کرد. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد تنها یک‌سوم مردم آمریکا از جزئیات این طرح آگاه‌اند، در حالی که بدهی ملی این کشور به رقم بی‌سابقه ۳۶ تریلیون دلار رسیده و پیش‌بینی می‌شود این لایحه بیش از ۳.۳ تریلیون دلار دیگر به بدهی ملی اضافه کند. این سیاست‌ها، سلامت، امنیت و رفاه اقشار آسیب‌پذیر جامعه را به طور جدی تهدید می‌کند و آینده‌ای ناامیدکننده برای میلیون‌ها شهروند آمریکایی رقم می‌زند.

مثالی دیگر از محدود شدن دسترسی به مواد غذایی، کاهش گسترده و بی‌سابقه کمک‌های برنامه فدرال SNAP است که برای حمایت از بیش از ۴۰ میلیون آمریکایی در تأمین غذای خود طراحی شده بود و اکنون در حال تغییر چشم‌انداز خرده‌فروشی در آمریکا است. این سیاست جدید، که بزرگ‌ترین کاهش در تاریخ این برنامه محسوب می‌شود، تحلیلگران را بر آن داشته است که پیش‌بینی کنند حدود ۲.۴ میلیون آمریکایی از دریافت کوپن غذا محروم خواهند شد و خانوارها ممکن است ماهانه تا ۲۳۱ دلار از مزایای حیاتی خود را از دست بدهند.^۱

1. <https://edition.cnn.com/2025/08/11/politics/food-stamps-work-requirements-trump-bill>

بخش دوم:

نقض حقوق بشر در سطح فراملی و

بین المللی

فصل اول : حمایت از رژیم صهیونیستی در نسل کشی غزه

۱. حمایت تسلیحاتی از رژیم صهیونیستی در نسل کشی غزه

ایالات متحده آمریکا، به عنوان بزرگترین تأمین کننده تسلیحات نظامی برای رژیم صهیونیستی، طی سال های متمادی با ارائه کمک های مالی، فنی و نظامی گسترده، نقش برجسته ای در تقویت توان دفاعی و نظامی این رژیم ایفا کرده است. این حمایت ها شامل فروش و انتقال انواع تسلیحات پیشرفته از جمله موشک ها، هواپیماهای جنگی و تجهیزات نظامی پیچیده است که به طور مستقیم به افزایش قابلیت های نظامی رژیم مذکور منجر شده اند.

از منظر حقوق بشری، این همکاری نظامی که شامل تأمین سامانه های موشکی دفاعی مانند گنبد آهنین، بمب های هدایت شونده دقیق، بالگردهای سنگین سی اچ ۵۳ و آپاچی ای اچ ۶۴، گلوله های توپخانه ای ۱۵۵ میلیمتری، بمب های سنگر شکن و خودروهای زرهی پیشرفته می شود، به روشنی موید نقش ایالات متحده در استمرار چرخه خشونت ها و پیامدهای فاجعه بار آن برای غیرنظامیان و نقض حقوق بشر در سرزمین های اشغالی فلسطین است. حمایت نظامی گسترده آمریکا، با تقویت توان نظامی رژیم اشغالگر، عملاً بستر بروز و تشدید نقض های مستمر حقوق بشری و قوانین بین المللی بشردوستانه علیه ساکنان غیرنظامی را فراهم می آورد.

در جریان نسل کشی رژیم صهیونیستی در غزه، حمایت های تسلیحاتی آمریکا به یکی از عوامل موثر در تقویت توان نظامی اسرائیل تبدیل شده و به گسترش عملیات نظامی منجر شده است که به کشته و زخمی شدن هزاران غیرنظامی فلسطینی انجامیده است. سازمان های حقوق بشری و بین المللی بارها نسبت به استفاده رژیم اسرائیل از این تسلیحات در حملات گسترده به مناطق مسکونی و زیرساخت های حیاتی غزه هشدار داده اند و آن را نقض قوانین بین المللی حقوق بشر و قوانین بشردوستانه بین المللی دانسته اند.

بر اساس گزارش مؤسسه تحقیقات صلح استکهلم (SIPRI)، ایالات متحده حدود ۶۶٪ از واردات عمده تسلیحات اسرائیل بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ را تأمین کرده است. این موضوع نقش مهم صادرات تسلیحات آمریکا در تجهیز نیروهای نظامی اسرائیل را نشان می‌دهد.^۱

نمونه شاخص فروش تسلیحات آمریکا به رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۵ بسته تسلیحاتی ۸ میلیارد دلاری (ژانویه ۲۰۲۵):

این بسته حمایتی شامل موشک‌های هواپه‌ه‌وای AIM-120C-8، گلوله‌های توپخانه ۱۵۵ میلی‌متری، موشک‌های AGM-114 Hellfire، بمب‌ها و تسلیحات انفجاری و سامانه‌های هدایت‌گر و ... است.^۲

فروش مهمات دقیق ۷.۴ میلیارد دلاری (فوریه ۲۰۲۵):

فروش ۳ هزار فروند موشک AGM-114 Hellfire به ارزش ۶۶۰ میلیون دلار و فروش بمب‌ها، مهمات، کیت‌های هدایت، موشک‌ها و تجهیزات پشتیبانی مرتبط به ارزش کلی ۶,۷۵ میلیارد دلار به رژیم صهیونیستی فروش اضطراری تسلیحات ۳ میلیارد دلاری (مارس ۲۰۲۵)

- فروش اضطراری نزدیک به ۳ میلیارد دلاری به اسرائیل شامل: فروش ۳۵ هزار و ۵۲۹ بمب چندمنظوره با وزن حدود یک تن و ۴۰۰۰ بمب سنگر

- تصویب فروش بسته‌های هدایت بمب و حمایت‌های مرتبط به ارزش ۵۱۰

میلیون دلار

علاوه بر موارد مذکور، اشغال طولانی‌مدت سرزمین‌های فلسطینی و اجرای مکرر عملیات‌های نظامی، بستری فراهم آورده است که رژیم صهیونیستی بتواند فناوری‌های نظامی پیشرفته را در شرایط واقعی میدان نبرد آزمایش و بهینه‌سازی نماید. این فناوری‌ها شامل سامانه‌های دفاع هوایی پیچیده، پهپادهای پیشرفته، ابزارهای هدف‌گیری مبتنی بر هوش مصنوعی و برنامه توسعه جنگنده‌های نسل

1. <https://www.sipri.org/media/press-release/2025/ukraine-worlds-biggest-arms-importer-united-states-dominance-global-arms-exports-grows>.

2. <https://www.reuters.com/business/aerospace-defense/us-plans-8-billion-arms-sale-israel-axios-reports-2025-01-04/>

پنجم F-35 است که تحت هدایت و مدیریت ایالات متحده آمریکا اجرا می‌شود. این تسلیحات و فناوری‌ها پس از آزمایش میدانی، به عنوان تجهیزات «آزموده شده در میدان نبرد» به بازارهای جهانی معرفی و تبلیغ می‌شوند.^۱ اسرائیل در حال حاضر از بزرگ‌ترین برنامه‌های خرید و توسعه تجهیزات دفاعی در تاریخ برخوردار است که برنامه تولید جنگنده‌های نسل پنجم F-35، تحت مدیریت شرکت لاکهید مارتین مستقر در ایالات متحده، به همراه مشارکت بیش از ۱,۶۵۰ شرکت پیمانکار دیگر، نمونه بارزی از آن است.

۲. حمایت تکنولوژیک از رژیم صهیونیستی در نسل کشی غزه

شرکت‌های بزرگ فناوری آمریکایی نقش قابل توجهی در حمایت تکنولوژیک از رژیم صهیونیستی ایفا کرده‌اند. این همکاری‌ها در حوزه‌های مختلفی از جمله امنیت سایبری، نظارت پیشرفته، پردازش داده، هوش مصنوعی و توسعه زیرساخت‌های نظامی صورت گرفته است. شرکت‌هایی مانند مایکروسافت، گوگل، آمازون و اوراکل، با راهاندازی مراکز تحقیق و توسعه در اسرائیل، انتقال فناوری و ارائه خدمات ابری به نهادهای نظامی و امنیتی اسرائیل، به تقویت ظرفیت‌های فنی این رژیم کمک کرده‌اند. این پشتیبانی‌ها، به‌ویژه در زمینه نظارت گسترده، کنترل جمعیت و توسعه ابزارهای نظامی هوشمند، در تداوم سیاست‌های سرکوب‌گرانه و اشغال‌گرانه اسرائیل علیه مردم فلسطین نقش بسزایی داشته‌اند.

شرکت پالانتیر (Palantir) با ابزار هوش مصنوعی موسوم به “Lavender” در کارآمدسازی کشتار دسته‌جمعی نقش دارد. مایکروسافت از طریق خدمات ابری Azure و شرکت‌های گوگل و آمازون با مشارکت در پروژه Nimbus، زیرساخت‌های فناوری مورد نیاز ارتش اسرائیل را فراهم می‌کنند. این وضعیت، جنایات جنگی قرن ۲۱ را به یک شراکت عمومی-خصوصی بین رژیم صهیونیستی و ایالات متحده تبدیل کرده است.^۲

1. <https://www.ohchr.org/sites/default/files/documents/hrbodies/hrcouncil/sessions-regular/session59/advance-version/a-hrc-59-23-aev.pdf>

2. <https://www.aljazeera.com/opinions/2025/9/4/how-to-stop-israel-from-starving-gaza>

چندین دهه است که شرکت کاترپیلار، از طریق برنامه تأمین مالی نظامی خارجی ایالات متحده و همچنین نماینده انحصاری که طبق قوانین اسرائیل به نیروی نظامی این کشور واگذار شده است، تجهیزات مورد استفاده برای تخریب منازل و زیرساخت‌های فلسطینیان را در اختیار رژیم صهیونیستی قرار می‌دهد. در همکاری با شرکت‌هایی همچون صنایع هوافضای رژیم صهیونیستی، سیستم‌های البیت و شرکت رادا الکترونیک اینداستریز متعلق به لئوناردو DRS، رژیم صهیونیستی بولدوزر مدل D9 کاترپیلار را به عنوان سلاحی خودکار و کنترل از راه دور توسعه داده است که از سال ۲۰۰۰ تاکنون در بسیاری از عملیات نظامی به کار گرفته شده و در پاکسازی خطوط نفوذ، «خنثی‌سازی» مناطق و کشته‌سازی فلسطینیان نقش داشته است.^۱

علاوه بر این، مایکروسافت از سال ۱۹۹۱ در رژیم صهیونیستی فعالیت دارد و بزرگ‌ترین مرکز خود در خارج از ایالات متحده را در این کشور توسعه داده است. فناوری‌های این شرکت در نهادهایی نظیر سازمان زندان‌ها، پلیس، دانشگاه‌ها و مدارس – از جمله در شهرک‌های غیرقانونی – به کار گرفته می‌شوند. از سال ۲۰۰۳، مایکروسافت به یکپارچه‌سازی سامانه‌ها و فناوری‌های غیرنظامی خود در ساختار نظامی رژیم صهیونیستی پرداخته و در همین راستا، اقدام به خرید استارت‌آپ‌های رژیم صهیونیستی فعال در حوزه امنیت سایبری و نظارت کرده است.

۳. حمایت سیاسی از رژیم صهیونیستی در نسل‌کشی غزه

اسرائیل، با حمایت و همراهی ایالات متحده، در نوار غزه دست به ارتکاب جنایات نسل‌کشی زده است؛ این اقدامات شامل محاصره و گرسنگی دادن جمعی به ساکنان، انجام کشتارهای گسترده و نابودی فیزیکی زیرساخت‌های حیاتی غزه می‌شود. در این فرایند، اسرائیل مسئول اجرای مستقیم این اقدامات است، در حالی که دولت آمریکا نقش تأمین مالی این عملیات را ایفا کرده و با

1. <https://www.ohchr.org/sites/default/files/documents/hrbodies/hrcouncil/sessions-regular/session59/advance-version/a-hrc-59-23-aev.pdf>

استفاده از حق وتوی خود در سازمان ملل متحد، حمایت دیپلماتیک لازم برای تداوم این سیاست‌ها را فراهم می‌آورد.

ایالات متحده با بهره‌گیری از قدرت خود، به‌ویژه حق وتوی خود در شورای امنیت سازمان ملل متحد (UNSC)، نقش فعال و تعیین‌کننده‌ای در همدستی با رژیم صهیونیستی در ارتکاب نسل‌کشی علیه فلسطینیان ایفا کرده و حتی ابتدایی‌ترین اقدامات بشردوستانه را نیز مسدود ساخته است. در دسامبر گذشته، مجمع عمومی سازمان ملل با رأی مثبت ۱۷۲ کشور که بیش از ۹۰ درصد جمعیت جهان را نمایندگی می‌کنند حق فلسطینیان برای تعیین سرنوشت خود را به رسمیت شناخت. در مقابل، اسرائیل و ایالات متحده به طور عملی در انزوای دیپلماتیک قرار گرفتند. این اکثریت‌های قاطع بارها و به طور مکرر در سطوح بین‌المللی، به نمایندگی از حقوق فلسطینیان، مخالفت جدی خود را با اقدامات اشغال‌گرانه و نقض مستمر حقوق بشر توسط رژیم اسرائیل اعلام کرده‌اند.

نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که ۵۸ درصد از شهروندان آمریکایی خواهان به رسمیت شناختن دولت فلسطین توسط سازمان ملل هستند، در حالی که تنها ۳۳ درصد مخالف این امرند. همچنین، ۶۰ درصد از آمریکایی‌ها با اقدامات نظامی اسرائیل در غزه مخالفت خود را اعلام کرده‌اند که این امر بیانگر تغییر قابل توجه در افکار عمومی نسبت به سیاست‌های آمریکا در قبال فلسطین است.^۱

علاوه بر موارد فوق، ۱۹ گزارشگر ویژه سازمان ملل به همراه ۴ گروه کاری و ۲ کارشناس مستقل شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نسبت به فعالیت‌های بنیاد بشردوستانه غزه (GHF) که در فوریه ۲۰۲۵ توسط رژیم صهیونیستی و با حمایت آمریکا برای توزیع ظاهری کمک در غزه تأسیس شد، خواستار انحلال فوری این نهاد شدند. این کارشناسان تأکید کردند که بنیاد بشردوستانه غزه نمونه‌ای به‌شدت نگران‌کننده از چگونگی سوءاستفاده از امدادسانی بشردوستانه برای اهداف مخفی نظامی و ژئوپلیتیکی است و نقض جدی حقوق بین‌الملل

1. <https://www.aljazeera.com/opinions/2025/9/4/how-to-stop-israel-from-starving-gaza>

به شمار می‌رود. درگیر بودن نهادهای اطلاعاتی اسرائیل، پیمانکاران آمریکایی و نهادهای غیردولتی نامشخص، نیاز فوری به نظارت و اقدام بین‌المللی تحت نظارت سازمان ملل را نشان می‌دهد. از زمان تأسیس GHF که مسئولیت‌هایی را از نهادهایی مانند آژانس امداد و کار سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی (آنروا) بر عهده گرفته، نیروهای اسرائیلی و پیمانکاران نظامی خارجی به شلیک کور به سمت مردمی که در «مراکز توزیع کمک» حضور دارند ادامه داده‌اند. این تحولات فاجعه‌بار در حالی رخ می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد جمعیت غزه آواره شده‌اند و شمار قربانیان اکنون به بیش از ۶۰ هزار نفر رسیده است. تنها در هفته‌های اخیر، وزارت بهداشت غزه گزارش داده که ۱۸۰ نفر - از جمله ۹۳ کودک - به دلیل سوءتغذیه جان باخته‌اند.^۱

۴. تحریم قضات دیوان کیفری بین‌المللی

در ماه نوامبر سال ۲۰۲۴ میلادی، دیوان کیفری بین‌المللی در ارتباط با درگیری در غزه، با استناد به اتهامات جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، حکم جلب بنیامین نتانیاهو^۲، نخست‌وزیر اسرائیل، و یوآو گالانت^۳، وزیر دفاع سابق، را به همراه یکی از فرماندهان سابق حماس صادر کرد. در واکنش به این اقدام دیوان کیفری بین‌المللی، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در تاریخ ۶ فوریه ۲۰۲۵ میلادی، با صدور فرمان اجرایی ۱۴۲۰۳، تحریم‌های شدیدی را علیه قضات و مقامات دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) اعمال کرد. در مقدمه این فرمان اجرایی آمده است «من، دونالد جی. ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، دریافته‌ام که دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC)، که توسط اساسنامه رم تأسیس شده است، در اقدامات نامشروع و بی‌اساسی علیه آمریکا و متحد نزدیک ما اسرائیل دست داشته است. دیوان کیفری بین‌المللی، بدون هیچ مبنای مشروعی، صلاحیت خود را در مورد پرسنل ایالات متحده و برخی از متحدانش،

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/08/un-experts-call-immediate-dismantling-gaza-humanitarian-foundation>

2. Benjamin Netanyahu

3. Yoav Gallant

از جمله اسرائیل، اعمال کرده و تحقیقات اولیه‌ای را در مورد آنها آغاز کرده است و با صدور احکام بازداشت بی‌اساس علیه بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل و یوآو گالانت، وزیر دفاع سابق، از قدرت خود سوءاستفاده بیشتری کرده است. دیوان کیفری بین‌المللی هیچ صلاحیتی در مورد ایالات متحده یا اسرائیل ندارد، زیرا هیچ یک از این دو کشور عضو اساسنامه رم یا عضو دیوان کیفری بین‌المللی نیستند. هیچ یک از این دو کشور هرگز صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی را به رسمیت نشناخته‌اند و هر دو کشور، دارای دموکراسی‌های پررونقی با ارتش‌هایی هستند که کاملاً به قوانین جنگ پایبند هستند. اقدامات اخیر دیوان کیفری بین‌المللی علیه اسرائیل و ایالات متحده، سابقه خطرناکی را ایجاد کرده است و مستقیماً پرسنل فعلی و سابق ایالات متحده، از جمله اعضای فعال نیروهای مسلح، را با قرار دادن آنها در معرض آزار و اذیت، سوءاستفاده و دستگیری احتمالی، به خطر می‌اندازد. این رفتار بدخواهانه به نوبه خود، حاکمیت ایالات متحده را تهدید می‌کند و اقدامات حیاتی امنیتی ملی و سیاست خارجی دولت ایالات متحده و متحدان ما، از جمله اسرائیل، را تضعیف می‌کند^۱....» در ادامه این فرمان اجرایی آمده است «ایالات متحده به صراحت با هرگونه اقدام دیوان کیفری بین‌المللی علیه ایالات متحده، اسرائیل یا هر متحد دیگر ایالات متحده که به صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی رضایت نداده است، مخالف است و از متحدان خود نیز انتظار دارد که با آن مخالفت کنند. ایالات متحده همچنان به پاسخگویی و ایجاد صلح‌آمیز نظم بین‌المللی متعهد است، اما دیوان کیفری بین‌المللی و کشورهای عضو اساسنامه رم باید به تصمیمات ایالات متحده و سایر کشورها مبنی بر عدم اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، مطابق با حقوق حاکمیتی مربوطه خود، احترام بگذارند. ایالات متحده عواقب ملموس و قابل توجهی را بر مسئولان تخلفات دیوان کیفری بین‌المللی اعمال خواهد کرد که برخی از آنها ممکن است شامل مسدود کردن اموال و دارایی‌ها و همچنین

1. <https://www.whitehouse.gov/presidential-actions/2025/02/imposing-sanctions-on-the-international-criminal-court>

تعليق ورود مقامات، کارمندان و نمایندگان دیوان کیفری بین‌المللی و همچنین اعضای خانواده درجه یک آنها به ایالات متحده باشد، زیرا ورود آنها به کشور ما برای منافع ایالات متحده مضر خواهد بود.»

سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۰ آگوست ۲۰۲۵ میلادی در خبری با عنوان «دیوان کیفری بین‌المللی: تحریم‌های جدید آمریکا "حمله‌ای آشکار" به استقلال قضایی است»، نسبت به این فرمان اجرایی، واکنش نشان داد و بیان نمود که این دادگاه که با حمایت سازمان ملل متحد فعالیت می‌کند، تحریم‌ها را به عنوان حمله‌ای آشکار علیه استقلال یک نهاد قضایی بی‌طرف، محکوم کرد. این اقدامات همچنین توهینی به کشورهای عضو دیوان، نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین، و مهم‌تر از همه، میلیون‌ها قربانی بی‌گناه در سراسر جهان محسوب می‌شود. دیوان تکرار کرد که قاطعانه از پرسنل خود و قربانیان فجاج غیرقابل تصور حمایت می‌کند و به انجام وظایف خود، بدون دلسردی و کاملاً مطابق با چارچوب قانونی خود که توسط کشورهای عضو پذیرفته شده است، و بدون توجه به هیچ‌گونه محدودیت، فشار یا تهدیدی ادامه خواهد داد. دیوان کیفری بین‌المللی، از کشورهای عضو و همه کسانی که ارزش‌های انسانیت و حاکمیت قانون را گرامی می‌دارند، خواستار حمایت قاطع و مستمر از دیوان و فعالیت‌های آن که تنها در جهت منافع قربانیان جرایم بین‌المللی انجام می‌شود، گردید. سازمان ملل متحد بر نقش کلیدی دیوان کیفری بین‌المللی در عدالت کیفری بین‌المللی تأکید کرد و نگرانی خود را نسبت به اعمال تحریم‌های بیشتر ابراز داشت. استفان دوجاریک^۱، سخنگوی سازمان ملل، در جمع خبرنگاران در نیویورک گفت که این تصمیم موانع جدی برای عملکرد دفتر دادستان و احترام به تمامی پرونده‌هایی که در حال حاضر در دیوان مطرح هستند، ایجاد می‌کند. استقلال قضایی یک اصل اساسی است که باید مورد احترام قرار گیرد، و این گونه اقدامات، پایه‌های عدالت بین‌المللی را تضعیف می‌کند.^۲

1. Stéphane Dujarric

2. <https://news.un.org/en/story/>

همچنین، کارشناسان سازمان ملل متحد در بیانیه‌ای که در تاریخ ۱۰ فوریه ۲۰۲۵ میلادی منتشر نمودند، این اقدام ایالات متحده آمریکا را محکوم، و این فرمان اجرایی را حمله به حاکمیت قانون جهانی و عدالت کیفری بین‌المللی دانستند. از منظر ایشان، محدودیت‌های مالی که این اقدام اعمال خواهد کرد، دیوان کیفری بین‌المللی و تحقیقات آن در مورد جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در سراسر جهان، از جمله جنایات علیه زنان و کودکان را تضعیف کرده و تلاش چندین دهه‌ای برای قرار دادن قانون در جایگاه بالاتر از زور و وحشیگری را به سخره می‌گیرد. به گفته کارشناسان سازمان ملل متحد، عدالت باید بدون استثناء برای همه به طور مساوی اعمال شود. پایبندی به حقوق بین‌الملل یک فرآیند انتخابی نیست، بلکه یک مسئولیت مشترک است که امنیت جهانی، از جمله امنیت ایالات متحده را تقویت می‌کند، نه اینکه آن را تهدید کند. کارشناسان از ابراز همبستگی و حمایت از دیوان کیفری بین‌المللی از سوی سایر کشورهای عضو سازمان ملل استقبال کردند و بر شناخت جامعه جهانی از نقش حیاتی این دادگاه تأکید نمودند. در نهایت کارشناسان اظهار داشتند: «اعمال تحریم بر کارکنان دیوان به دلیل انجام وظایف حرفه‌ای‌شان، نقض آشکار حقوق بشر محسوب می‌شود و اصول استقلال قضایی و حاکمیت قانون را تضعیف می‌کند.» از منظر کارشناسان سازمان ملل متحد، تحریم‌های آمریکا علیه دیوان کیفری بین‌المللی تحت ماده ۷۰ اساسنامه رم، مصداق جرایم علیه اجرای عدالت می‌باشد. ماده ۷۰، تلاش برای اخلال یا ارعاب یک مقام دیوان یا انتقام‌جویی از یک مقام دیوان به دلیل وظایف انجام شده توسط آن مقام را جرم‌نگاری می‌کند^۱

۵. تحریم گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل در خصوص

وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطینی اشغالی

وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا با صدور بیانیه خبری در تاریخ ۹ جولای ۲۰۲۵ میلادی، تحریم‌هایی را علیه خانم فرانچسکا آلبانیز^۲، «گزارشگر

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases>

2. Francesca Paola Albanese

ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل در خصوص وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطینی اشغالی از سال ۱۹۶۷^۱، اعمال کرد. در این بیانیه تأکید شده که آلبانیز، گزارشگر ویژه سازمان ملل، به دلیل همکاری مستقیم با دیوان کیفری بین‌المللی در پیگرد قانونی اتباع آمریکایی و اسرائیلی آن هم بدون کسب رضایت این کشورها، مورد انتقاد شدید ایالات متحده قرار گرفته است. از جمله موارد مورد ادعا، توصیه آلبانیز به دیوان کیفری بین‌المللی برای صدور حکم بازداشت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، و یوآو گالانت، وزیر دفاع سابق این رژیم و ارسال نامه‌های تهدیدآمیز به شرکت‌های بین‌المللی است.^۲

کارشناسان سازمان ملل متحد در ۸ آگوست ۲۰۲۵ میلادی، در بیانیه‌ای، تحریم‌های آمریکا علیه گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در خصوص حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، فرانچسکا آلبانیز را محکوم کردند. در این بیانیه آمده است «ما بدون قید و شرط تصمیم ایالات متحده برای اعمال تحریم بر گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین را محکوم می‌کنیم و تعهد خود را به دفاع از اصول اساسی حقوق بشر در برابر تلاش‌ها برای تضعیف آنها و ارباب یا ساکت کردن کسانی که برای دفاع از آنها تلاش می‌کنند، مجدداً تأیید می‌کنیم. ما همبستگی کامل خود را با فرانچسکا آلبانیز، که مأموریت و گزارش‌دهی او برای حفظ استانداردهای قانونی بین‌المللی و پاسخگویی ضروری است، ابراز می‌کنیم. در بخش دیگری از این بیانیه آمده است «تحریم گزارشگر ویژه به دلیل انجام این مسئولیت که توسط شورای حقوق بشر به آن مأمور شده است، حمله مستقیم به تمامیت سیستم حقوق بشر سازمان ملل است. این اقدامات، قوانین بین‌المللی، از جمله کنوانسیون ۱۹۴۶ در مورد امتیازات و مصونیت‌های سازمان ملل را نقض می‌کند. کنوانسیون ۱۹۴۶ به کارشناسان سازمان ملل امتیازات و مصونیت‌هایی را اعطا می‌کند که برای

1. Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in the Palestinian Territories Occupied since 1967

2. <https://www.state.gov/releases/office-of-the-spokesperson>

انجام مستقل وظایف‌شان ضروری است. نقض این چارچوب، پیام خطرناکی را ارسال می‌کند، استقلال سیستم رویه‌های ویژه را تهدید می‌کند و تأثیر منفی بر حمایت جهانی از حقوق بشر دارد. کشورهایی که با نظرات کارشناسان سازمان ملل مخالف هستند، باید از طریق فرآیندهای تثبیت‌شده گفتگوی دیپلماتیک، به طور سازنده با آنها تعامل کنند. در نهایت، این بیانیه تأکید می‌کند که «هدف قرار دادن گزارشگر ویژه را نمی‌توان از جنایات فاحش بین‌المللی و نقض حقوق بشر علیه فلسطینیان و تلاش‌های دیرینه برای سلب مشروعیت از کسانی که از حقوق آنها دفاع می‌کنند، جدا کرد. تعصب و تهدیدهایی که مدافعان حقوق بشر، چه محققان، چه فعالان جامعه مدنی، چه نمایندگان سازمان ملل، با آن مواجه هستند، جدا کرد. مقامات یا کارشناسان، منعکس‌کننده راهبرد گسترده‌تری برای خاموش کردن مخالفان و محافظت از ساختارهای قدرت سوء استفاده‌گر در برابر بررسی دقیق هستند. ما از همه کشورها می‌خواهیم که این تحریم‌ها را صریحاً محکوم کرده و از همکاری در اجرای آنها خودداری کنند و تعهد خود را به گزارشگران ویژه سازمان ملل، کارگروه‌ها و کارشناسان مستقل، از جمله گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطینی اشغال شده از سال ۱۹۶۷، مجدداً تأیید کنند.»^۱

۶. تحریم و سرکوب مدافعان حقوق بشر فلسطینیان

دولت آمریکا در ادامه رویکرد تحریم و سرکوب، چند سازمان حقوق بشری از جمله گروه «الحق»، «مرکز حقوق بشر فلسطین (PCHR)» «مرکز حقوق بشر المیزان» و «الضمیر» را به دلیل حمایت آنها از فعالیت‌های دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) در مورد اوضاع در سرزمین‌های اشغالی فلسطین تحریم کرد، این نهادها، از معتبرترین منابع مستندسازی نقض حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی بوده و اسناد مهمی درباره حملات اسرائیل علیه غیرنظامیان در غزه به ICC ارائه کرده‌اند. این اقدام نمونه‌ای تاسف‌بار از سرکوب مداوم مدافعان حقوق

1. <https://www.ohchr.org/en/statements/2025/08/us-sanctions-special-rapporteur-francesca-albanese-threaten-human-rights-system>

بشر فلسطینی و حامیان فلسطین در آمریکا و سایر نقاط جهان است. این تحریم‌ها عملیات روزمره این سازمان‌های حقوق بشری را دشوارتر کرده و بر کارکنان، جامعه تحت حمایت و تأمین‌کنندگان خدمات آن‌ها تأثیر منفی خواهد گذاشت.^۱

تحریم این سازمان‌ها تحت فرمان اجرایی ۱۴۲۰۳، در شرایطی صورت گرفته که بسیاری از کشورها، اقدامات اسرائیل در غزه از جمله کشتار غیرنظامیان، هدف قرار دادن خبرنگاران و کارکنان پزشکی و ایجاد قطعی را محکوم کرده‌اند. کارشناسان سازمان ملل اعلام کردند که این تحریم‌ها نقض آشکار آزادی بیان و تشکل محسوب می‌شود و بخشی از تلاش ایالات متحده برای تضعیف پاسخگویی بین‌المللی و ساکت کردن صدای حامیان فلسطین است. آن‌ها تأکید کردند: این سازمان‌ها به دلیل فعالیت مؤثر در مستندسازی جنایات جنگی، باید مورد حمایت و تأمین مالی قرار گیرند، نه مجازات. اقدام آمریکا در این زمینه، مایه تأسف و نگران‌کننده است.^۲

در واکنش به تحریم این سازمان‌های حقوق بشری، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، تحریم‌های ایالات متحده علیه این گروه‌های حقوق بشری فلسطینی را «غیرقابل قبول» دانست و خواستار لغو آنها در پی خشم جهانی نسبت به این اقدام آمریکا شد. کمیسر عالی حقوق بشر اعلام کرد «این سازمان‌های مردم‌نهاد در طول دهه‌ها، نقش حیاتی در زمینه حقوق بشر، به ویژه در راستای تحقق پاسخگویی در قبال نقض حقوق بشر ایفا کرده‌اند». وی تصریح کرد «زمانی که قوانین بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشری به‌طور هدفمند در غزه و کرانه باختری نقض می‌شوند، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند». «این اقدامات علیه سازمان‌هایی که برای ترویج احترام به حقوق بشر تلاش می‌کنند، کاملاً مغایر با اصول حاکمیت قانون و ارزش‌هایی است که ایالات متحده سال‌ها از آن‌ها حمایت

1. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2025/07/us-lift-sanctions-on-leading-palestinian-human-rights-organization/>

2. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/09/un-experts-dismayed-us-sanctions-against-palestinian-human-rights>

و دفاع کرده است.» وی از دولت ایالات متحده مصرانه درخواست کرده که این تحریم‌ها و همچنین تحریم‌های پیشین علیه گزارشگر ویژه سازمان ملل در خصوص وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطینی اشغالی از سال ۱۹۶۷ و نیز تحریم‌های اعمال شده علیه برخی قضات و دادستان‌های دادگاه کیفری بین‌المللی را فوراً لغو نماید.^۱

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/09/turk-calls-us-withdraw-sanctions-against-palestinian-rights-groups>

فصل دوم: عملیات نظامی فرامرزی و تلفات غیرنظامیان

۱. حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران

در ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵ میلادی (۱ تیر ۱۴۰۴)، آمریکا به دستور مستقیم دونالد ترامپ، تأسیسات هسته‌ای فردو، و همچنین دو مرکز دیگر در نطنز و اصفهان را مورد حمله نظامی قرار داد.

حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران نه تنها نقض آشکار حقوق بین‌الملل و حاکمیت ملی جمهوری اسلامی ایران است، بلکه مصداق بارز نقض حقوق بشر محسوب می‌شود. آمریکا که خود بزرگ‌ترین زرادخانه هسته‌ای جهان را در اختیار دارد و تنها کشوری است که از سلاح اتمی برای نابودی جمعی استفاده کرده، امروز به خود اجازه می‌دهد تأسیسات صلح‌آمیز یک کشور عضو NPT و تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بمباران کند؛ آن هم در شرایطی که بارها و به‌صراحت، استفاده ایران از فناوری هسته‌ای، صلح‌آمیز اعلام شده و هیچ مدرکی دال بر انحراف در برنامه هسته‌ای آن ارائه نشده است.

این حمله، نه فقط زیر پا گذاشتن منشور ملل متحد و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل است، بلکه جان هزاران نیروی فنی، علمی و غیرنظامی را به خطر انداخت و و ضربه‌ای جدی به حق مسلم و مشروع ملت ایران برای دستیابی به توسعه و پیشرفت وارد ساخت؛ حقی که بر اساس اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، منشور سازمان ملل متحد و تعهدات بین‌المللی ایران در چارچوب معاهده NPT به رسمیت شناخته شده و این اقدام تجاوزکارانه آن را به‌طور آشکار نقض کرده است. آمریکا، با وقاحت تمام، این جنایت را «عملی موفقیت‌آمیز در راستای حفظ صلح» قلمداد می‌کند؛ در حالی که خود بزرگ‌ترین تهدید صلح جهانی است.

۲. همکاری با رژیم اسرائیل در تجاوز نظامی به ایران

رژیم اسرائیل علیرغم وجود قوانین و مقررات متعدد بین‌المللی در ممانعت از تجاوز و جنگ کشورها علیه یکدیگر، در ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵، به صورت غیر قانونی به ایران حمله کرد. این جنگ تحمیلی، ۱۲ روز به طول انجامید. این جنگ ظالمانه خسارات متعددی به همراه داشت به نحوی که در جریان این جنگ، شهروندان ایرانی زیادی شهید شدند که در بین آنها تعدادی از مقامات عالی‌رتبه نظامی، دانشمندان و اساتید دانشگاه، زنان، کودکان و مردم عادی حضور داشتند. علاوه بر خسارات جانی، این تهاجم ظالمانه، به تعداد قابل توجهی از زیرساخت‌های نظامی و غیر نظامی و مناطق مسکونی ایران آسیب رساند.

مشارکت و مداخله مستقیم ایالات متحده آمریکا در تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی علیه ایران، که از ۱۳ تا ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵ انجام شد، یکی از جدی‌ترین نقض‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه و اصول حقوق بشر از زمان تأسیس نظم حقوقی پس از جنگ جهانی دوم به شمار می‌رود.

در جریان تجاوز ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی با همکاری آمریکا، زیرساخت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، و سایت‌های هسته‌ای صلح آمیز از جمله نطنز، فردو، آب سنگین اراک و اصفهان به طور مستقیم هدف حملات قرار گرفتند. این اقدامات، با توجه به حساسیت و خطر بالقوه نشت مواد پرتوزا، تهدیدی جدی و بی‌سابقه برای سلامت مردم ایران و امنیت زیست‌محیطی منطقه به شمار می‌آید. علاوه بر این، این حملات نقض آشکار حق بر سلامت و حتی حق بر زندگی مردم ایران است. نشت احتمالی مواد رادیواکتیو و سمی ناشی از این حملات می‌تواند سلامت عمومی، منابع آبی، هوا و خاک را به شدت آلوده کند و خطرات فراوانی برای اقشار آسیب‌پذیر مانند کودکان، سالمندان و بیماران به همراه داشته باشد.

تعهد دولت‌ها به جلوگیری از خطرات فرامرزی ناشی از آلودگی‌های زیست محیطی و رادیواکتیو، در اصول استکهلم ۱۹۷۲، ريو ۱۹۹۲ و نظر مشورتی

دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۲۵ به‌عنوان تعهدات الزام‌آور بین‌المللی شناخته شده است. عدم رعایت این تعهدات در جریان این حملات می‌تواند مسئولیت بین‌المللی گسترده‌ای را برای رژیم صهیونیستی و همکاران آن به دنبال داشته باشد.

۳. هدف قرار دادن غیرنظامیان به بهانه مبارزه با تروریسم

آمریکا در ادامه اقدامات فرامزی خود، چند قایق ونزوئلایی را مورد حمله قرار داد که این اقدام با واکنش شدید کارشناسان حقوق بشر همراه شد؛ آنها این حملات را نقض آشکار حق حیات و قوانین بین‌المللی دانسته و خواستار تحقیقات مستقل و پاسخگویی مسئولان مربوطه شدند. کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل متحد هشدار دادند که حملات مرگبار ایالات متحده در چارچوب (تروریسم مرتبط با مواد مخدر)، از جمله حمله به یک شناور مظنون، ناقض حق بنیادین حیات است. این کارشناسان تأکید کردند که استفاده از زور مرگبار بدون رعایت اصول حقوق بین‌الملل و حقوق بشر، از جمله الزامات شفافیت، پاسخگویی، و ارزیابی مشروعیت هدف، ممکن است معادل اعدام فراقضایی تلقی شود. آنها خواستار تحقیقات مستقل، شفاف و بی‌طرفانه در خصوص این حمله شده و نسبت به گسترش رویه‌های نظامی فاقد نظارت قانونی هشدار دادند.

کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل، حمله مرگبار ایالات متحده به دو قایق غیرنظامی در آب‌های کارائیب در سپتامبر ۲۰۲۵ که منجر به کشته شدن ۱۴ نفر شد را اعدام فراقضایی و نقض جدی حقوق بین‌الملل توصیف کردند. آنان تأکید کردند که حقوق بین‌الملل اجازه قتل هدفمند مظنونان به قاچاق مواد مخدر را نمی‌دهد و اقدامات جنایی باید از طریق مجاری قانونی و با رعایت اصل حاکمیت قانون پیگیری شود. به گفته این کارشناسان، استفاده از زور مرگبار در آب‌های بین‌المللی تنها در شرایط دفاع شخصی یا دفاع از دیگران در برابر تهدید فوری به حیات مجاز است. همچنین، این حملات برخلاف قوانین بین‌المللی دریاها و منشور سازمان ملل صورت گرفته و ممکن است به منزله نقض حاکمیت

کشورها و استفاده غیرقانونی از زور تلقی شود. ایالات متحده پیش از این ترن د آراگوا را به انجام «تهاجم» یا «تهاجم غارتگرانه» به ایالات متحده، به دستور دولت ونزوئلا، متهم کرده است. کارشناسان گفتند: «هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد این گروه در حال انجام حمله مسلحانه علیه ایالات متحده است که به ایالات متحده اجازه می‌دهد در دفاع ملی از نیروی نظامی علیه آن استفاده کند.»^۱

علاوه بر این، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد نگرانی عمیق خود را نسبت به استفاده ایالات متحده آمریکا از پهپادهای مسلح در عملیات‌های ضدتروریسم فراملی جهت انجام قتل‌های هدفمند ابراز داشت. این کمیته به‌ویژه نسبت به نبود شفافیت در معیارهای حقوقی و سیاست‌های مربوط به حملات پهپادی، احتمال تغییر این معیارها بر اساس برنامه‌های محرمانه و فقدان مسئولیت‌پذیری در قبال تلفات جانی و آسیب‌های جدی به غیرنظامیان نگرانی داشت.^۲

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/09/us-war-narco-terrorists-violates-right-life-warn-un-experts-after-deadly>

2. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

فصل سوم: اقدامات قهرآمیز یکجانبه

۱. اعمال تحریم‌های همه‌جانبه علیه ایران

تحریم‌های همه‌جانبه ایالات متحده علیه ایران، فراتر از یک ابزار فشار سیاسی، به مثابه نقض نظام‌مند و گسترده حقوق مردم ایران عمل می‌کند. این تحریم‌ها که بخش‌های اقتصادی، مالی و بانکی، تجارت بین‌المللی، دارو و درمان و بسیاری از شئون دیگر زندگی مردم ایران را تحت تأثیر قرار داده، ضمن کاهش شدید درآمد ملی و افزایش تورم و بیکاری در کشور، حق معیشت، رفاه و توسعه را از میلیون‌ها شهروند ایرانی را نقض کرده است. تأثیر این محدودیت‌ها بر امنیت غذایی و دسترسی به کالاهای اساسی و دارو، تأثیر منفی داشته و به وضوح، با اصول حقوق بین‌المللی و موازین حقوق بشر در تضاد می‌باشد.

در جدیدترین گزارشی که کنگره ایالات متحده آمریکا در زمینه تحریم‌های آمریکا علیه ایران در تاریخ ۱۹ آگوست ۲۰۲۵ میلادی منتشر کرده نیز، بر اثرات منفی این تحریم‌ها بر اقتصاد و معیشت ایرانیان تأکید شده است. در این گزارش بیان شده است که از زمان انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی، ایالات متحده از انواع مختلف تحریم‌ها به عنوان ابزارهای کلیدی سیاست خود در قبال دولت ایران استفاده کرده است. تحریم‌های اقتصادی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، نقشی پررنگ و تعیین‌کننده ایفا کرده است. از زمان آغاز اعمال تحریم‌های گسترده علیه ایران، این اقدامات نه تنها بر اقتصاد کشور، بلکه بر زندگی روزمره شهروندان، روابط بین‌المللی و چشم‌اندازهای توسعه‌ای ایران تأثیرات عمیقی گذاشته است.

در این گزارش در خصوص ماهیت تحریم‌های اعمالی توسط ایالات متحده آمریکا علیه ایران، چنین بیان شده است «تحریم‌های اولیه، محدودیت‌هایی را بر آن رفتارها و اشخاصی که مستقیماً با آن‌ها درگیر هستند، اعمال می‌کنند و تحریم‌های ثانویه، به دنبال بازدارندگی طرف‌های ثالث از تعامل با اهداف اولیه هستند. تحریم‌های اولیه و ثانویه ممکن است شامل مسدود کردن دارایی‌های

مستقر در ایالات متحده، ممنوعیت تراکنش با اشخاص آمریکایی، محدود کردن استفاده از ابزارهای مالی ایالات متحده، جلوگیری از ورود به ایالات متحده و پیگرد قانونی نقض‌ها و گریز از تحریم‌ها باشد. تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران، احتمالاً گسترده‌ترین و جامع‌ترین مجموعه‌ای از تحریم‌هایی است که ایالات متحده علیه هر کشوری اعمال می‌کند. هزاران نفر (ایرانی و غیرایرانی) به دلیل ارتباط با ایران در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند.

قانون ایالات متحده تحریم‌هایی را مجاز می‌کند که موارد زیر را هدف قرار می‌دهند: بخش انرژی ایران، از جمله شرکت‌های خارجی که در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند و نهادهایی که نفت ایران را می‌خرند، می‌فروشند یا حمل می‌کنند؛ بخش مالی ایران، از جمله بانک مرکزی آن؛ بخش‌های اضافی اقتصاد ایران، از جمله حمل و نقل، ساخت و ساز، معدن، نساجی، خودرو و تولید، و همچنین نهادهایی که با این بخش‌ها تراکنش انجام می‌دهند یا در غیر این صورت از آن‌ها حمایت می‌کنند؛ و بسیاری از اجزای دولت ایران، از جمله نهادهایی که با آن‌ها تراکنش انجام می‌دهند، یا در غیر این صورت از آن‌ها حمایت می‌کنند.

در گزارش حاضر، تنها به اسامی تحریم‌های اعمال شده توسط ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۲۵ میلادی که توسط وزارت امور خارجه این کشور در تاریخ ۲۱ آگوست ۲۰۲۵ میلادی، رسماً اعلام شده، اکتفا می‌گردد که به تنهایی، ۱۹ تحریم به شرح ذیل را شامل می‌شود:

* ۲۴ فوریه ۲۰۲۵: تحریم نهادهایی که در تجارت نفت ایران فعالیت داشته‌اند
 * ۲۴ فوریه ۲۰۲۵: تحریم تجارت نفت ایران برای بازگرداندن حداکثر فشار.
 * ۱۳ مارس ۲۰۲۵: تحریم وزیر نفت ایران و "ناوگان سایه" برای اعمال حداکثر فشار.

* ۱۳ مارس ۲۰۲۵: تحریم ارائه‌دهندگان خدمات که تجارت نفت خام ایران را تسهیل می‌کنند.

* ۲۰ مارس ۲۰۲۵: تحریم نهادهای اضافی که در تجارت نفت ایران فعالیت داشته‌اند.

* ۱۰ آوریل ۲۰۲۵: تحریم شبکه نفتی ایران برای اعمال حداکثر فشار بیشتر
 * ۱۶ آوریل ۲۰۲۵: تحریم یک پالایشگاه چینی (Teapot) برای افزایش فشار بر ایران.

* ۲۲ آوریل ۲۰۲۵: تحریم شبکه حمل و نقل گاز مایع (LPG) برای افزایش فشار بر ایران.

* ۳۰ آوریل ۲۰۲۵: اعمال تحریم‌های حداکثر فشار بر تاجران غیرقانونی محصولات نفتی و پتروشیمی ایران.

* ۸ می ۲۰۲۵: تحریم سومین پالایشگاه چینی (Teapot) به دلیل نقض تحریم‌های ایران.

* ۳ جولای ۲۰۲۵: هدف قرار دادن شبکه‌های متنوعی که تجارت نفت ایران را تسهیل می‌کنند.

* ۳۰ جولای ۲۰۲۵: تحریم تسهیل‌کنندگان تجارت نفت و پتروشیمی ایران
 * ۲۱ آگوست ۲۰۲۵: تحریم شبکه نفتی ایران برای اعمال حداکثر فشار بیشتر

تحریم‌های اشاره شده در بالا، به عنوان تحریم‌های اعمال شده در سال ۲۰۲۵ میلادی، تنها بخشی از صدها تحریمی هستند که ایالات متحده آمریکا از ابتدای انقلاب اسلامی علیه جمهوری اسلامی ایران وضع نموده است. تحریم‌های یک‌جانبه این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران، تأثیرات مخرب و گسترده‌ای بر حقوق بنیادین شهروندان ایرانی داشته است. این تحریم‌ها با هدف قرار دادن نظام‌مند بخش‌های حیاتی کشور از جمله بخش‌های انرژی، بانکی و تجاری، به طور مستقیم دسترسی مردم به دارو، تجهیزات پزشکی، غذا و سایر نیازهای حیاتی زندگی را محدود کرده است. از منظر حقوق بین‌الملل، این اقدامات نقض فاحش ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (حق بر استاندارد مناسب زندگی شامل خوراک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات ضروری) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود که به نوبه خود، کاهش درآمد ملی، افزایش تورم و بیکاری، و محرومیت از خدمات درمانی

تنها مصادیق کوچکی از مجازات جمعی است که ایالات متحده آمریکا علیه ایرانیان اعمال می‌کند.

این تحریم‌ها نه تنها بحران‌های انسانی در حوزه سلامت و امنیت غذایی را به همراه دارد، بلکه حق توسعه و پیشرفت اقتصادی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را نیز، نقض می‌کند. تبعات این منفی این تحریم‌های ظالمانه، از جمله محدودیت دسترسی به فناوری، سرمایه‌گذاری خارجی و بازارهای جهانی، مانع رشد پایدار و بهبود استانداردهای زندگی در ایران شده و اثرات بلندمدت این سیاست‌ها بر آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه از جمله کودکان، بیماران و سالخوردگان غیرقابل انکار است. چنین اقداماتی نه تنها مشروعیت حقوقی ندارند، بلکه با اصول بشردوستانه و تعهدات بین‌المللی در جلوگیری از رنج غیرنظامیان در تناقض آشکار می‌باشد.

۲.۱ اعمال تحریم علیه سایر کشورها

تحریم‌های اقتصادی و مالی به عنوان ابزاری کلیدی در سیاست خارجی ایالات متحده برای تأثیرگذاری بر رفتار دولت‌های خارجی به شمار می‌آید. این ابزار، فراتر از محدودیت‌های اعمال شده بر جمهوری اسلامی ایران، طیف وسیعی از کشورها از جمله روسیه، کره شمالی، ونزوئلا و ... را نیز هدف قرار داده است. دفتر کنترل دارایی‌های خارجی (OFAC) ایالات متحده آمریکا که مسئولیت اجرای برنامه‌های تحریمی متنوعی را بر عهده دارد، اهداف سیاست خارجی و امنیت ملی ایالات متحده را دنبال می‌کند. این تحریم‌ها می‌توانند جامع یا گزینشی باشند و از طریق مسدود کردن دارایی‌ها و اعمال محدودیت‌های تجاری اجرا می‌شوند. دفتر کنترل دارایی‌های خارجی، برنامه‌های تحریمی متعددی را در سطح جهان مدیریت می‌کند که شامل تحریم‌های مرتبط با روسیه، ایران، کره شمالی، کوبا، مبارزه با مواد مخدر و تحریم‌های مرتبط با فضای سایبری است. همچنین، تحریم‌های مرتبط با ونزوئلا از جمله برنامه‌های مهم این دفتر محسوب می‌شود. این اقدامات ابزاری قدرتمند برای اعمال نفوذ آمریکا در سطح بین‌المللی به شمار می‌روند.

فصل چهارم: خروج از سازمان های بین المللی

۱. خروج از سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)

ایالات متحده آمریکا در تاریخ ۲۲ جولای ۲۰۲۵ میلادی، رسماً از سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد^۱ (یونسکو) خارج شد. در بیانیه خبری وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، دلیل خروج ایالات متحده آمریکا از این سازمان این گونه بیان شده است «یونسکو برای پیشبرد اهداف اجتماعی و فرهنگی تفرقه‌انگیز تلاش می‌کند و تمرکز بیش از حد بر اهداف توسعه پایدار سازمان ملل، یک دستور کار جهانی و ایدئولوژیک برای توسعه بین‌المللی با سیاست خارجی ما مبنی بر «اول آمریکا» در تضاد است. تصمیم یونسکو برای پذیرش «دولت فلسطین» به عنوان یک کشور عضو، اقدامی مسئله‌ساز، مغایر با سیاست ایالات متحده، و عاملی برای گسترش گفتمان ضد اسرائیلی در داخل سازمان بوده است. از این پس، مشارکت ایالات متحده در سازمان‌های بین‌المللی بر پیشبرد صریح و قاطع منافع آمریکا متمرکز خواهد بود»^۲ به طور کلی، خروج ایالات متحده از یونسکو را می‌توان در چارچوب پشتیبانی همه‌جانبه این کشور از سیاست‌های رژیم صهیونیستی تفسیر کرد. این اقدام آمریکا، نشان‌دهنده رویکردی است که در آن واشنگتن با کنش‌های بین‌المللی مغایر با منافع اسرائیل به مقابله برمی‌خیزد و عملاً خود را به شریک راهبردی این رژیم در انجام جنایات جنگی علیه فلسطینیان، مبدل نموده است.

مدیرکل سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، آدری آزولای^۳، یک روز پس از خروج ایالات متحده آمریکا، در بیانیه‌ای ضمن ابراز تأسف از این تصمیم، تبعات این تصمیم را این گونه بیان می‌کند «این تصمیم با اصول اساسی چندجانبه‌گرایی مغایرت دارد و ممکن است در درجه اول

1. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

2. <https://www.state.gov/releases/office-of-the-spokesperson/2025/07/the-united-states-withdraws-from-the-united-nations-educational-scientific-and-cultural-organization-unesco>

3. Audrey Azoulay

بر بسیاری از شرکای ما در ایالات متحده آمریکا (جوامعی که به دنبال ثبت مکان در فهرست میراث جهانی، وضعیت شهر خلاق و کرسی‌های دانشگاهی هستند) تأثیر بگذارد... دلایل مطرح شده توسط ایالات متحده برای خروج از این سازمان، همان دلایل هفت سال پیش است، اگرچه اوضاع عمیقاً تغییر کرده، تنش‌های سیاسی فروکش کرده و یونسکو امروز یک مجمع نادر برای اجماع در مورد چندجانبه‌گرایی ملموس و عمل‌محور است. ... یونسکو با وجود کاهش اجتناب‌ناپذیر منابع، به انجام این مأموریت‌ها ادامه خواهد داد.^۱ خروج ایالات متحده از نهادهای بین‌المللی از جمله یونسکو، به نوبه خود، نشان‌دهنده رویکرد ابزاری ایالات متحده آمریکا نسبت به نهادهای بین‌المللی است به نحوی که این کشور، تنها تا زمانی که این نهادها در راستای تأمین منافع آن عمل کنند، به همکاری با آنها ادامه می‌دهد و در صورت اتخاذ مواضع مستقل یا انتقادی، به خروج یا تهدید به قطع کمک‌های مالی متوسل می‌شود.

۲. خروج از سازمان بهداشت جهانی

در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ میلادی، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا با صدور یک فرمان اجرایی، ایالات متحده آمریکا را از سازمان بهداشت جهانی خارج نمود.^۲

بنابه گزارش خبری «فدراسیون جهانی انجمن بهداشت عمومی»^۳، تصمیم دولت ایالات متحده برای قطع روابط با سازمان بهداشت جهانی (WHO) پیامدهای گسترده‌ای برای سلامت عمومی در ایالات متحده و جهان دارد. خروج ایالات متحده از سازمان بهداشت جهانی، ابتکارات حیاتی سلامت را به خطر می‌اندازد، همکاری‌های بین‌المللی را تضعیف می‌کند و تلاش‌ها برای مقابله با چالش‌های مبرم جهانی را تضعیف می‌کند. با توجه به این که ایالات متحده از

1. <https://www.state.gov/releases/office-of-the-spokesperson/2025/07/the-united-states-withdraws-from-the-united-nations-educational-scientific-and-cultural-organization-unesco>

2. <https://www.whitehouse.gov/presidential-actions/2025/01/withdrawing-the-united-states-from-the-worldhealth-organization/> (accessed on 3 August 2025)

3. World Federation of Public Health Association

نظر تاریخی، بزرگترین کمک‌کننده به سازمان بهداشت جهانی بوده و ۱۵ درصد از بودجه آن را تأمین می‌کند، این اقدام شکاف مالی قابل توجهی ایجاد می‌کند که بر برنامه‌های این سازمان در سراسر جهان تأثیر می‌گذارد. خروج ایالات متحده از سازمان بهداشت جهانی، دارای اثرات جانبی نیز می‌باشد. به عنوان مثال، سازمان‌های مردم‌نهاد که داروهای نجات‌بخش ایدز را در چندین کشور آفریقایی ارائه می‌دهند، اکنون به دلیل کمبود بودجه مجبور به جیره‌بندی منابع شده‌اند. در کشورهای جنوب صحرای آفریقا، جایی که ۶۷ درصد از افراد مبتلا به ایدز در آن زندگی می‌کنند، این امر می‌تواند دهه‌ها پیشرفت در مبارزه با این بیماری همه‌گیر را معکوس کند.^۱

۳. خروج از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۲۵ میلادی، با صدور یک فرمان اجرایی با عنوان «خروج ایالات متحده از و پایان دادن به تأمین مالی برخی از سازمان‌های ملل متحد و بررسی حمایت ایالات متحده از همه سازمان‌های بین‌المللی»، از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، خارج شد. در این فرمان، ترامپ دلیل خود برای اتخاذ این تصمیم را این گونه بیان می‌کند «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد با اجازه دادن به ناقضان حقوق بشر برای استفاده از این سازمان برای محافظت از خود در برابر بررسی دقیق، از آنها محافظت کرده است...»

فرمان اجرایی دونالد ترامپ مبنی بر خروج ایالات متحده از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، نه تنها گامی به عقب در مسیر صیانت از ارزش‌های جهانی حقوق بشر محسوب می‌شود، بلکه نمایانگر تلاش این کشور برای فرار از پاسخگویی نسبت به رفتارهای ناقض حقوق بشر در داخل و خارج از مرزهایش است. این تصمیم در حالی اتخاذ می‌شود که ایالات متحده طی سال‌های اخیر، به‌ویژه با جنایات اسرائیل در غزه، حمایت بی‌قید و شرط خود از رژیم

1. <https://www.wfp.org/us-withdrawl-from-who/>

2. United Nations Human Rights Council

صهیونیستی را به‌طور گسترده نشان داده و بارها از سازوکارهای بین‌المللی برای جلوگیری از پاسخگویی این رژیم سوءاستفاده کرده است.

استدلال مطرح‌شده در این فرمان - مبنی بر اینکه شورای حقوق بشر به محلی برای پناه گرفتن ناقضان حقوق بشر بدل شده - بیشتر تلاشی برای فرافکنی و نادیده‌انگاری واقعیات تلخ رفتارهای ایالات متحده در عرصه داخلی و بین‌المللی است. آنچه ترامپ آن را «نقص عملکرد شورا» می‌نامد، در واقع واکنشی به افزایش فشارها و انتقادات بین‌المللی نسبت به عملکرد تبعیض‌آمیز، خشونت‌بار و گاه مرگ‌بار نهادهای داخلی آمریکا، به‌ویژه در قبال سیاه‌پوستان، مهاجران، بومیان و سایر اقلیت‌های نژادی و مذهبی است.

گفتنی است، ایالات متحده آمریکا در اقدامی مغایر با الزامات همکاری سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشر، طی نامه‌ای رسمی به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد اعلام کرد که از ارائه گزارش ملی خود در چارچوب سازوکار بررسی دوره‌ای جهانی (UPR) خودداری خواهد کرد.

خروج از شورای حقوق بشر، نه تنها نشان‌دهنده بی‌میلی آمریکا به اصلاح عملکرد خود، بلکه حاکی از بی‌اعتنایی ساختاری این کشور به اصول و قواعد بین‌المللی در حوزه حقوق بشر است. این اقدام عملاً به منزله‌ی کاهش شفافیت، قطع همکاری با نهادهای نظارتی و تقویت زمینه برای استمرار و تشدید نقض حقوق بشر در داخل خاک آمریکاست.

۴. قطع کمک مالی ایالات متحده آمریکا

در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۲۵ میلادی، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا با صدور یک فرمان اجرایی با عنوان «خروج ایالات متحده و پایان دادن به تأمین مالی برخی از سازمان‌های ملل متحد و بررسی حمایت ایالات متحده از همه سازمان‌های بین‌المللی»، کمک‌های مالی به آژانس امداد و کار سازمان ملل متحد برای پناهندگان فلسطینی در خاور نزدیک^۱ (آنروا) را قطع نمود. در

1. United Nations Relief and Works Agency for Palestine Refugees in the Near East

این فرمان، ترامپ دلیل خود برای این تصمیم را این گونه بیان می‌کند «طبق گزارش‌ها، آنروا، توسط اعضای گروه‌هایی که مدت‌هاست توسط وزیر امور خارجه (وزیر) به عنوان سازمان‌های تروریستی خارجی تعیین شده‌اند، نفوذ کرده است و کارمندان آنروا در حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ دست داشتند...»^۱

فرمان اجرایی اخیر دونالد ترامپ در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۲۵ مبنی بر قطع کامل کمک‌های مالی ایالات متحده به آژانس امداد و کار سازمان ملل متحد برای پناهندگان فلسطینی (آنروا)، نه تنها اقدامی مغایر با اصول اولیه حقوق بشر و قوانین بین‌المللی بشردوستانه محسوب می‌شود، بلکه به روشنی بیانگر حمایت ساختاریافته و نظام‌مند واشنگتن از جنایت‌های رژیم صهیونیستی علیه ملت مظلوم فلسطین است. این اقدام در شرایطی صورت می‌گیرد که میلیون‌ها آواره فلسطینی برای تأمین نیازهای اولیه زندگی خود از جمله غذا، آموزش، بهداشت و سرپناه، به خدمات آنروا وابسته‌اند. قطع این کمک‌ها به معنای محروم‌سازی عمده یک ملت دردمند از حقوق اولیه انسانی است و آشکارا با اهداف بشردوستانه‌ای که آمریکا مدعی آن است، در تضاد کامل قرار دارد.

همانطور که بیش از ۳۰ کارشناس مستقل سازمان ملل در نامه‌ای که اوایل سالجاری میلادی به ایالات متحده ارسال کردند، اشاره کردند، تصمیمات آمریکا برای تعلیق کمک‌های خارجی «با فقدان شفافیت و وضوح، عدم مشورت، به ویژه با سازمان‌های جامعه مدنی داخلی و دیگر انجمن‌های متأثر... و اقدامات به ظاهر خودسرانه و گسترده‌ای که به جای رویکردهای قانونی، لازم، متناسب و اندازه‌گیری شده که به روند قانونی و حاکمیت قانون احترام می‌گذارند، اتخاذ شده‌اند، همراه بوده است. بر اساس نظر این کارشناسان مستقل، اقدامات مقامات آمریکایی «عمیقاً بر اعمال آزادی تشکیل انجمن‌ها و سایر حقوق تأثیر می‌گذارد» و ممکن است به آسانی منجر به انحلال دامنه وسیعی از سازمان‌های

1. <https://www.whitehouse.gov/presidential-actions/2025/02/withdrawing-the-united-states-from-and-ending-funding-to-certain-united-nations-organizations-and-reviewing-united-states-support-to-all-international-organizations>

جامعه مدنی شده و به تبع آن فضای مدنی در چندین کشور کوچک‌تر شود. از زمان امضای دستور اجرایی شماره ۱۴۱۶۹ توسط رئیس‌جمهور آمریکا در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ که کمک‌های خارجی را تا پایان بررسی معلق کرده است، تقریباً هر ساعت نزدیک به ۱۰۰ نفر جان خود را از دست می‌دهند. این کارشناسان در نامه‌ای به دولت آمریکا خواستار واکنش فوری شدند. برآوردها حاکی از بیش از ۳۵۰ هزار کشته ناشی از قطع کمک‌ها است که بیش از ۲۰۰ هزار نفر از آنها کودک هستند. به گفته این کارشناسان؛ تصمیم تأسفبرانگیز دولت آمریکا برای تعلیق کمک‌های خارجی یک وضعیت اضطراری انسانی است، نه صرفاً یک تغییر سیاست. آمار جدید ارائه شده به کارشناسان، تأثیر مخرب توقف کمک‌های آمریکا و کاهش بودجه سازمان‌های ملل را نشان می‌دهد. صندوق جمعیت سازمان ملل (UNFPA) تخمین زده که حداقل ۳۲ میلیون نفر دسترسی به خدمات سلامت جنسی و باروری خود را از دست خواهند داد. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) اعلام کرده که ۱۲.۸ میلیون آواره ممکن است خدمات بهداشتی حیاتی را از دست بدهند، و سازمان بین‌المللی مهاجرت می‌گوید ۱۰ میلیون نفر ممکن است از دریافت کمک‌های اضطراری محروم شوند.

بر اساس گزارش گزارشگر ویژه تجمعات مسالمت آمیز، کاهش بی سابقه کمک‌های بین‌المللی، معماری جهانی حقوق بشر و توسعه را در بلاتکلیفی عمیقی قرار داده است و تهدیدی وجودی برای کل اکوسیستم فضای مدنی ایجاد کرده و دهه‌ها دستاورد را تهدید می‌کند و حقوق بشر و تلاش‌های بشردوستانه را به خطر می‌اندازد و در نتیجه میلیون‌ها نفر را که به نیازهای بشردوستانه وابسته هستند در معرض خطر قرار می‌دهد و منجر به میلیون‌ها مرگ قابل پیشگیری می‌شود.

بحران کمک‌های جهانی پس از آن تشدید شد که ایالات متحده آمریکا به طور خودسرانه و ناگهانی کمک‌های خارجی را مسدود یا قطع کرد و آژانس

توسعه بین المللی ایالات متحده (و اخیراً دفتر دموکراسی، حقوق بشر و کار) را پس از صدور چندین فرمان اجرایی توسط رئیس جمهور آمریکا از ژانویه ۲۰۲۵ منحل کرد.^۱ دولت ایالات متحده با دامن زدن به بدنام‌سازی کمک‌های خارجی به منظور توجیه قطع آن‌ها، باعث افزایش کارزارهای تخریبی علیه اصل کمک‌رسانی، کارکنان و نهادهای امدادی، و دریافت‌کنندگان کمک‌ها، از جمله سازمان‌های جامعه مدنی در سراسر جهان شده است. این روند موجب تقویت و جسور شدن عواملی شده که جامعه مدنی را تهدید می‌کنند. در نتیجه، سازمان‌های جامعه مدنی هدف محدودیت‌های قانونی، جرم‌انگاری و تحقیقات مزاحم قرار گرفته‌اند و با فرسایش اعتماد عمومی روبه‌رو هستند. این وضعیت اغلب با روایت‌های دولتی و رسانه‌ای پشتیبانی می‌شود که سازمان‌های غیردولتی و فعالان حقوق بشر را به عنوان «عوامل خارجی»، «مجرم» یا «تهدید امنیتی» معرفی می‌کنند. اتهامات بی‌اساس دولت ایالات متحده و سیاستمداران ارشد که کمک‌های خارجی را به پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم مرتبط می‌کنند، باعث شده است تا فعالان جامعه مدنی تحت تهدید، تحقیقات و نظارت گسترده قرار بگیرند.^۲

سازمان ملل متحد در گزارشی تکان‌دهنده اعلام کرد که با قطع کمک‌های ۴ میلیارد دلاری آمریکا در زمینه مبارزه با اچ‌آی‌وی، جهان با خطر مرگ بیش از ۴ میلیون نفر و ابتلای ۶ میلیون نفر دیگر به این بیماری تا سال ۲۰۲۹ روبرو است. برنامه پِپفار (PEPFAR) که طی سال‌های گذشته نقشی حیاتی در نجات جان بیش از ۲۰ میلیون نفر داشته، پس از دستور رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر توقف کمک‌های خارجی، به‌طور ناگهانی متوقف شده است. این برنامه تأمین‌کننده ۹۹.۹ درصد داروهای پیشگیری از اچ‌آی‌وی در کشورهایی مانند نیجریه بوده است. پیامدهای این تصمیم هم‌اکنون در مناطق آسیب‌پذیر جهان قابل مشاهده

1. Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, A/80/219

2. Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, A/80/219

است. کلینیک‌های درمانی در آفریقا و آسیا که بیشترین آمار ابتلا به اچ‌آی‌وی را دارند، در حال تعطیلی هستند و هزاران بیمار از دسترسی به خدمات درمانی محروم شده‌اند. مدیر برنامه ایدز سازمان ملل (UNAIDS) با ابراز نگرانی عمیق از این وضعیت اظهار داشت: «در حالی که با کمک داروهای نوین مانند سانلکا به پایان دادن به بحران ایدز نزدیک شده بودیم، متأسفانه ایالات متحده در حال کناره‌گیری از این مبارزه جهانی است.

گفتنی است، نظرسنجی‌های جهانی درباره تأثیر تعلیق کمک‌های توسعه‌ای ایالات متحده به طور مداوم نشان داده‌اند که سازمان‌هایی که پیش‌تر به طور مستقیم و یا غیرمستقیم توسط آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا (USAID) تأمین مالی می‌شدند، اکنون برای بقا مبارزه می‌کنند و برنامه‌های آنها به طور گسترده‌ای مختل شده است. این سازمان‌ها گزارش داده‌اند که منابع مالی بسیار محدودی برای ادامه فعالیت دارند و در معرض تعطیلی دائمی قرار دارند. بسیاری مجبور شده‌اند فوراً فعالیت‌های خود را متوقف کنند، کارکنان خود را اخراج کنند (در برخی موارد بیش از ۸۰ درصد از کارکنان سازمان‌های غیردولتی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند) و فعالیت‌های خود را به طور قابل توجهی کاهش دهند، که این موضوع باعث شده جوامع محلی از خدمات حیاتی و نجات‌بخش محروم شوند. سازمان‌های غیردولتی ملی و محلی به‌ویژه آنهایی که در فضاهای مدنی محدود و مناطق درگیر فعالیت می‌کنند، بیشترین آسیب را دیده‌اند.^۱

بر اساس نظرسنجی انجام‌شده در تاریخ ۱۸ فوریه ۲۰۲۵، دولت ایالات متحده میلیون‌ها دلار به سازمان‌های غیردولتی بدهکار است که این موضوع تأثیر مستقیمی بر نقدینگی و توان مالی آنها گذاشته است. ۵۵ درصد از سازمان‌های غیردولتی گزارش داده‌اند که این وضعیت تأثیر منفی بر منابع انسانی آنها داشته است، ۶۷ درصد اعلام کرده‌اند که خدمات حیاتی خود را یا کاهش داده‌اند یا به‌طور کامل متوقف کرده‌اند؛ این امر میلیون‌ها فرد و جامعه

1. Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, A/80/219

آسیب‌پذیر را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از نتایج کلیدی این نظرسنجی این بود که دستاوردهای دهه گذشته در زمینه پاسخگویی، هماهنگی و بهره‌وری در حال از بین رفتن است. این یافته‌ها نشان‌دهنده عواقب شدید و سیستماتیک تعلیق ناگهانی کمک‌های آمریکا است، که نه تنها بر سازمان‌های غیردولتی بلکه بر زندگی میلیون‌ها نفر در سراسر جهان تأثیر گذاشته است.

وضعیت وخیم‌تر شده است زیرا سازوکارهای چندجانبه با کاهش عمده بودجه و تضعیف سیستماتیک مواجه هستند. سازمان ملل متحد با کاهش بودجه بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شده است، چرا که کشورها نتوانسته‌اند سهم خود را برای سال ۲۰۲۵ پرداخت کنند و بارها نیز در پرداخت به موقع دچار تأخیر شده‌اند، ایالات متحده به‌عنوان بزرگ‌ترین بدهکار، از پرداخت سهم مالی خود به سازمان ملل خودداری کرده و این موضوع تأثیر منفی قابل توجهی بر عملکرد و پایداری مالی این نهاد بین‌المللی گذاشته است.

یک نظرسنجی از سازمان‌های جامعه مدنی فعال در زمینه مبارزه با فساد، که توسط ائتلاف دوستان جامعه مدنی کنوانسیون سازمان ملل علیه فساد در سه ماهه اول سال ۲۰۲۵ انجام شد، نشان داد که توقف ناگهانی بودجه توسط ایالات متحده تأثیرات قابل توجه و فوری بر سازمان‌های غیردولتی فعال در مبارزه با فساد داشته است.^۱

1. Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, A/80/219

نتیجه گیری

بررسی جامع عملکرد ایالات متحده آمریکا در حوزه حقوق بشر، هم در سطح داخلی و هم در عرصه بین‌المللی، بیانگر این است که ادعاهای این کشور در زمینه دفاع از حقوق بشر با چالش‌های جدی از منظر حقوق بین‌الملل و اصول جهانی حقوق بشر مواجه است. شواهد متعدد حاکی از آن است که ایالات متحده به‌صورت نظام‌مند و مستمر، رویکردی دوگانه، ابزاری و گزینشی نسبت به مفاهیم و سازوکارهای حقوق بشری در پیش گرفته و از آن به‌عنوان ابزاری سیاسی و ژئوپلیتیکی در راستای تأمین منافع ملی و سلطه‌گرایی خود استفاده می‌کند.

در حوزه داخلی، نقض‌های گسترده و مستند حقوق بشر شامل نابرابری نژادی ساختاری، خشونت نظام‌مند پلیس علیه اقلیت‌ها، نقض حقوق مهاجران، زندانیان، زنان، کودکان، بومیان و اقشار محروم، و محدودسازی آزادی‌های بنیادین از جمله آزادی بیان و حق تجمع مسالمت‌آمیز، همگی نشان‌دهنده وضعیت وخیم رعایت حقوق بشر در داخل این کشور هستند. بسیاری از این موارد با گزارش‌های نهادهای بین‌المللی حقوق بشری، از جمله شورای حقوق بشر سازمان ملل، گزارشگران ویژه سازمان ملل و ... مورد تایید است.

در سطح بین‌المللی نیز، مداخلات نظامی، اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و اقدامات بی‌ثبات‌کننده در کشورهای مستقل، حمایت بی‌قید و شرط از رژیم اسرائیل در ارتکاب نقض‌های فاحش حقوق بشری علیه مردم فلسطین، به‌ویژه در غزه، گویای آن است که ایالات متحده از سازوکارهای حقوق بشر صرفاً در مواقعی بهره‌برداری می‌کند که در راستای منافع سیاسی و استراتژیک خود باشد. این رویکرد نه تنها با اصول بنیادین منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مغایرت دارد، بلکه موجب تضييع اعتبار و کارکرد نهادهای بین‌المللی نیز می‌شود.



Islamic Republic of Iran
Ministry of Foreign Affairs

Annual Report on Human Rights Violations by the United States of America

Septembre 2024 – Septembre 2025

Deputy for International and Legal Affairs

In the Name of God

**Annual Report on
Human Rights Violations
by the United States of America**

September 2024 – 2025

**Islamic Republic of Iran
Ministry of Foreign Affairs**

Office of the Deputy Minister for Legal and International Affairs

“In compliance with Note 3 of the Law entitled ‘Disclosure of Human Rights Violations by the United States and the United Kingdom in Today’s World,’ adopted by the Islamic Consultative Assembly on April 22, 2012, the Ministry of Foreign Affairs is obligated to compile an annual report on human rights violations in the United States and to publish it on November 4th.”

Table of Contents

Message from the Dr. Kazem Gharibabadi, Deputy Foreign Minister for Legal and International Affairs	5
Summary	7
Part One: Human Rights Violations at the Domestic Level	9
Chapter One: The Right to Life, Liberty, and Personal Security	11
1. Armed Violence	11
2. Mass Shootings	12
3. Police Violence	13
4. Deployment of the National Guard	16
5. The Death Penalty	18
Chapter Two: Conditions in Prisons and Detention Centers	19
1. Inhumane Prison Conditions	19
3. Solitary Confinement	22
4. Guantánamo Bay Prison	24
Chapter Three: Freedom of Expression and Peaceful Assembly	28
1. Violation of Freedom of Expression	28
2. Suppression of Peaceful Protests	32
3. Restrictions on the Media	35
Chapter Four: Discrimination and Structural Racism	37
1. Economic Discrimination and Inequality	37
2. Discrimination and the Judicial Gap	40
3. Rise in Hate Crimes	43
4. Discrimination and Indigenous Rights	44
Chapter Five: Rights of Migrants and Refugees	48
1. Militarization of Immigration Policy	48
2. Inhumane Conditions in Immigration Detention Centers	52
3. Forced deportations to third countries	53
4. Arrest and Violation of the Rights of Iranian Immigrants Living in the United States	56
Chapter Six: Rights of Women	58
1. Gender-based and Sexual Violence	58
2. Domestic Violence	59
3. Economic Inequality of Women	61

Chapter Seven: Rights of Children	63
1. The Impact of Immigration Policies on Children	63
2. Detention of Children in Border Detention	64
3. School Shootings	64
4. Hidden Child Labor	65
5. Racial Discrimination and Children	66
6. Children Tried as Adults	67
Chapter 8: Inequality and Unfair Distribution of Wealth	68
1. Structural Economic Gap	68
2. Poverty and Homelessness Crisis	69
3. Health and Welfare Budget Cuts	73
Part 2: United States Human Rights Violations Abroad	77
Chapter One: Support for the Zionist Regime in the Gaza Genocide	79
1. Arms Support for the Zionist Regime in the Gaza Genocide	79
2. Technological Support for the Zionist Regime in the Gaza Genocide	81
3. Political Support for the Zionist Regime in the Gaza Genocide	83
4. Sanctions on ICC Judges	85
5. Sanctions on the UN Human Rights Council Special Rapporteur on the situation of human rights in the occupied Palestinian territories	89
6. Sanctions and Repression of Palestinian Human Rights Defenders	91
Chapter Two: Cross-border military operations and civilian casualties	94
Attack on Iranian Nuclear Facilities	94
Cooperation with the Israeli regime in military aggression against Iran	95
Targeting Civilians Under the Pretext of Fighting Terrorism	96
Chapter Three: Unilateral Coercive Measures	99
Imposing Comprehensive Sanctions on Iran	99
Sanctions against other countries	103
Chapter 4: Withdrawal from International Organizations	104
Withdrawal from the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)	104
Withdrawing from the World Health Organization	105
Withdrawing from the UN Human Rights Council	106
Cutting off US funding	108
Conclusion	114

**Message from the Dr. Kazem Gharibabadi,
Deputy Foreign Minister for Legal and
International Affairs**

Today, the distortion of human rights discourse, diverting it from its humanitarian foundation and transforming it into an instrument of power and coercion in intergovernmental relations, constitutes one of the gravest threats facing the concept of human rights. Such instrumentalization risks depriving this noble human endeavor of its natural, institutionalized, and universally accepted course.

The historical record of Western countries, particularly the United Kingdom, which portray themselves as the guardians of human rights principles across the globe, and consistently employ human rights as a pretext and lever of pressure to interfere in the internal affairs of other nations, demonstrates their selective and politicized interpretation of human rights. Given these realities, the Supreme Leader of the Islamic Revolution has continuously emphasized the importance of exposing human rights violations committed by those very governments that, under the guise of defending human rights, interfere in the domestic affairs of others. In this regard, evidence points to the growing direct and indirect involvement of British

officials and institutions in gross and systematic violations of human rights, both within and beyond the country's borders.

The present report, with reference to the latest official reports of various United Nations-affiliated human rights bodies as well as other credible and accessible international sources, seeks to highlight and draw attention to a selection of these violations, particularly in areas such as women's rights, immigrants, and institutionalized racism in the United Kingdom, covering the period from September 2024 to September 2025. It is self-evident that this document does not encompass all human rights violations perpetrated by the British Government; rather, it aims to present only the most substantiated and prominent cases.

Summary

The United States' claims of defending human rights - although presented as one of the central tenets of its foreign policy - in practice lack genuine foundation and fail to align with universal human rights standards. Not only does the domestic human rights situation in the United States face serious challenges and numerous violations, but the country's international conduct also serves as clear evidence of its selective and instrumental use of the human rights concept.

The interventionist and militaristic strategies of the United States - often enforced through the use of force, political coercion, and economic pressure, especially against independent nations - demonstrate how human rights have been exploited as a tool to secure its geopolitical and economic interests. The country's repeated interference in the internal affairs of other states, destabilization of legitimate governments, and support for human rights violators in various regions are among the key indicators that invalidate its human rights claims.

During the period covered by this report, the United States' anti-human rights actions both domestically and internationally - along with its hypocritical claim to global human rights leadership - have persisted in a striking manner. Domestically, the scope of violations has widened, including increased gun violence, unlawful use of force by police against minorities, deliberate discrimination against Black Americans by police and the judiciary, poverty,

homelessness, inequality, mistreatment of prisoners, violence against women, militarization of immigration policies, violations of the rights of children and Indigenous peoples, racial discrimination, and suppression of free expression and peaceful assembly.

The United States has exploited the concept of human rights as a pretext for interventionism and open complicity with the Zionist regime in systematically violating the human rights of Palestinians and perpetrating genocide in Gaza. These violations include the United States' unconditional political and military support for Israel's genocidal campaign in Gaza.

The United States' formal withdrawal from the Human Rights Council clearly demonstrated its refusal to submit to international human rights monitoring mechanisms. This act not only revealed its intent to evade scrutiny of its domestic human rights situation but also appeared aimed at weakening the credibility and effectiveness of international human rights institutions. It reflects the continuation of Washington's hostile, unilateral, and anti-human rights polici

Part One:

**Human Rights Violations at the
Domestic Level**

Chapter One: The Right to Life, Liberty, and Personal Security

1. Armed Violence

Armed violence in the United States continues to represent one of the most serious threats to the right to life, liberty, and personal security. Despite its international obligations, the United States has failed to take effective measures to control and counter this phenomenon, resulting in a persistent and increasing number of preventable deaths. While American officials emphasize the Second Amendment and the right to bear arms, the uncontrolled and widespread proliferation of firearms — particularly semi-automatic weapons — directly contradicts the state's duty to protect the inherent right to life.

Reports indicate that there are approximately 120 firearms for every 100 people in the United States, making it the only country in the world where the number of guns exceeds its population. The physical and psychological consequences of gun violence fall disproportionately upon the country's youth.

Experts believe that easy access to firearms contributes significantly to the high rate of firearm-related suicides — nearly 90% of which result in death. Human rights organizations have identified suicide as a growing crisis in the United States, exacerbated by the prevalence of guns.¹

During the reporting period, the United States recorded alarming figures related to gun-related violence:²

1. <https://publichealth.jhu.edu/2025/new-report-highlights-us-2023-gun-deaths-suicide-by-firearm-at-record-levels-for-third-straight-year>

2. <https://www.gunviolencearchive.org/>

Total fatalities (including homicide, manslaughter, and defensive use): 10,871 deaths

- * Total injuries: 19,867 persons

- * Mass shootings: 315 incidents

- * Mass murders: 10 incidents

- * Murder–suicide cases: 480 incidents

- * Defensive firearm use: 858 cases

- * Unintentional discharges: 980 cases

2. Mass Shootings

Mass shootings remain among the most critical human rights and public security challenges facing the United States in 2025. According to updated data from the Gun Violence Archive (GVA), 315 mass shooting incidents were recorded during the reporting period.

Notable examples include the July 28, 2025 shooting in a Manhattan office building that left four people dead; multiple shootings in Chicago over the Independence Day weekend that killed eight and injured at least fifty-five; a mass shooting in the River North area one hour before the holiday officially began, injuring eighteen and killing four; a June shooting at an Indianapolis shopping mall resulting in seven deaths and nine injuries; and another in Houston that left one person dead and fifteen injured.

Washington, D.C., has reached a critical threshold with six recorded shootings — approximately one for every 100,000 residents. The rise of violence in educational settings has caused widespread concern among educators, with more

than 20% of teachers indicating their intention to leave the profession due to safety fears. These developments have led to the emergence of active student and teacher movements advocating for improved school security¹.

3. Police Violence

Police violence remains a deep-rooted and structural problem within the United States, particularly regarding the realization of the rights to life, liberty, and personal security. Repeated patterns of disproportionate and lethal use of force, especially in communities of color and marginalized areas, reflect an organized system of racial discrimination and a fundamental failure in the nation's criminal justice structure. This condition has severely eroded public trust in state institutions and demonstrates the federal government's persistent non-compliance with numerous recommendations made by the United Nations Human Rights Committee concerning the adoption and enforcement of national standards restricting the use of force.

Statistical analysis shows that police violence against racial minorities—particularly African Americans—occurs systematically and disproportionately. Despite widespread protests following the killing of George Floyd in 2019 and certain reform initiatives in police training and accountability, the number of police-related killings has increased each year. The trend is notably more severe in states governed by the Republican Party, where African Americans represent the highest rate of victims of police violence.

1. <http://edition.cnn.com/us/school-shootings-fast-facts-dg>

According to 2025 data, although African Americans constitute only about 14 percent of the total population, they account for approximately 22 percent of those killed by police use of lethal force. The likelihood of an African American being killed by police is 2.8 times higher than that of a white person—evidence of entrenched structural inequality and systemic discrimination in law enforcement. In 2025, police in the United States killed 958 people; only two days in the entire year passed without a reported incident of deadly police violence¹.

Legally, the deficient implementation of the Death in Custody Reporting Act, which was enacted to ensure transparency and accurate recording of deaths caused by law-enforcement actions, has perpetuated the absence of accountability. Likewise, Congress's failure to pass the Justice in Policing Act, intended to prohibit racial profiling and establish stronger accountability and structural reforms, has hindered meaningful change².

The Office of the High Commissioner for Human Rights has also criticized the misclassification and under-reporting of deaths of African-descended persons by law-enforcement officers. Independent UN experts, including the International Independent Expert Mechanism to Advance Racial Justice and Equality in Law Enforcement, the Special Rapporteur on Minority Issues, and the High Commissioner for Human Rights, have all expressed grave concern over police killings and violence targeting African Americans³.

1. <https://mappingpoliceviolence.org>

2. <https://www.amnesty.org/en/documents/pol10/8515/2025/en/>

3. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

In this context, the executive order issued by the US President in April 2025, which expands the scope of federal oversight of state and local law enforcement, has been criticized by human rights experts. The order is worrisome, as it opens the door to abuse and a clear return to the acceptance of mass punishment through increased funding and other support for police and prisons, combined with a divisive tone from law-abiding citizens against “dangerous criminals.” The US President’s order also promises legal protections for officers accused of police misconduct or violence. The executive order reflects a shift in priorities in the executive branch, particularly in the Department of Justice, which has halted and abandoned civil rights cases, including police reform cases and settlement agreements, which is a worrying sign that police misconduct will not face consequences¹. International human rights organizations have stated in this regard that “President Trump’s executive order on policing threatens to impose a broader era of mass criminalization, while sending a message to law enforcement agencies across the country that there will be no federal oversight and that violations of their rights will go unpunished.” “Trump’s actions in deploying military forces in domestic law enforcement roles and prosecuting local officials who oppose his policies are paving the way for abuse and impunity, not greater public safety².”

These developments, along with a dramatic decline in civil rights cases and a halt to settlement agreements at the

1. <https://www.hrw.org/news/2025/05/27/trumps-policing-policies-threaten-human-rights>

2. <https://www.hrw.org/news/2025/05/01/trumps-order-policing-recipe-abuse>

Department of Justice, signal a return to policies of mass criminalization and police immunity that will have profound and negative consequences for the fabric of human rights and public safety.

4. Deployment of the National Guard

In recent months, the U.S. Government has deployed National Guard troops in Washington, D.C., citing “increased violence and insecurity” in the capital. The President has described major Democrat-run cities as “lawless” and “failed.” These statements and actions, beyond their political dimension, carry significant human-rights and legal implications. Reports show widespread public dissatisfaction with the Guard’s presence, as troops have been stationed primarily in tourist areas rather than high-crime districts.

On 11 August 2025, the U.S. President announced the deployment, claiming that rising violence in Washington endangered federal employees, citizens, and visitors, disrupted safe transportation and the functioning of the federal government, and diverted public resources toward emergency responses. Yet international human-rights organizations noted that crime rates in Washington have been decreasing for years and that the local government never requested military intervention. They emphasized that the use of the military in civilian law enforcement is dangerous and unjustifiable. Trump’s decision to send troops to majority-minority cities such as Los Angeles (June 2025) and now Washington, D.C., risks escalating violence

and wastes millions of dollars that could be devoted to essential services such as food and affordable housing.

In addition, reports indicate that US President Donald Trump has authorized the deployment of 300 National Guard troops to Chicago; the US President's order came hours after immigration officials reported clashes with protesters in the Democratic-controlled city. Senior Illinois state and local leaders have criticized Mr. Trump's plans to deploy the National Guard for weeks, calling it an abuse of power. The Democratic governor of Illinois, where Chicago is located, said Donald Trump is "trying to create a crisis." The use of military forces in the performance of law enforcement and civilian duties violates fundamental human rights, in particular the right to personal security, freedom of assembly and the right to peaceful protest. Such deployments increase the risk of violations of fundamental rights such as the right to freedom of expression, the right to assembly and the prevention of abuse by military forces against unarmed citizens.

The use of military forces for civilian law-enforcement tasks contravenes fundamental human-rights principles—particularly the right to personal security, freedom of assembly, and the right to peaceful protest. Such deployment undermines the rule of law and the separation of powers, signaling an alarming trend toward the militarization of domestic policy and the effective suspension of civil rights.

5. The Death Penalty

The death penalty is recognized in international law and its implementation is a sovereign right of states in accordance with international law, but its implementation in the United States demonstrates its inappropriate and incorrect application in this country. Numerous reports have been published of the disproportionate impact of this punishment on ethnic and racial minorities; minority groups have been unfairly subjected to the death penalty, and numerous cases of executions of individuals despite serious and documented doubts about the fairness of the trial process and serious shortcomings in the judicial system have been reported.

Meanwhile, the manner in which prisoners are executed is another challenging issue in US prisons, meaning that the manner in which some prisoners are executed is in a way that causes excessive harassment. For example, two executions were recently carried out in Alabama using nitrogen gas, an untested and inhumane method¹. According to the most recent statistics released by the Death Penalty Information Center in the United States, from the beginning of 2025 to August 5, 2025, 28 people were executed in just 10 of the 50 states². This figure not only exceeds the total executions in the previous two years (25 in each of 2023 and 2024), but also represents the highest annual execution rate in the country since 2015.

1. www.hrw.org/sites/default/files/media_2025

2. deathpenaltyinfo.org/executions/2025#issues

Chapter Two: Conditions in Prisons and Detention Centers

1. Inhumane Prison Conditions

The United States operates one of the world's largest and most complex prison systems, encompassing federal, state, and local facilities. Studying the conditions in these prisons and detention centers in 2025 reveal profound structural deficiencies and widespread violations of international human-rights obligations.

Inhumane prison conditions, repeated use of solitary confinement, and indefinite detention at Guantánamo Bay exemplify the systemic nature of these abuses. These practices reflect a system that emphasizes punishment and political control, prioritizing repression and political expediency over human dignity, justice, and the law.

Reports indicate serious deficiencies in prison healthcare services. The dangerous and inhumane conditions have led to severe physical and psychological suffering on inmates.

In Alaska, for instance, medical, dental, and psychiatric care in the Department of Corrections facilities are grossly inadequate, constituting a clear breach of international standards guaranteeing humane treatment and access to health care.¹ These shortcomings are a clear violation of human rights obligations and international standards related to prisoners' rights and the right to access humane and appropriate health care.

The official report of the US Department of Justice's Office of Inspector General, entitled "Concurrent Inspections of

1. <https://www.aclu.org/press-releases/class-action-suit-filed-against-alaska-doc-after-decades-of-inadequate-health-care-for-incarcerated-alaskans>

Food Service Operations of the Federal Bureau of Prisons (BOP),” released on June 17, 2025, shows the deteriorating nutritional conditions in some prisons of the US Federal Bureau of Prisons. The report states that “most disturbingly, during our inspection of the Tallahassee prison, we observed moldy bread being served to prisoners, rotten vegetables in the food preparation refrigerator, a food pantry with insects in and on the food, and damaged and warped food containers. In addition, at the Tallahassee prison and during previous inspections of other institutions, we identified a variety of problems that disrupted the management of food services¹.

In 2025, prisons in Los Angeles recorded 26 inmate deaths—the second-highest mortality rate in the system’s history—reflecting a serious human-rights crisis in the largest network of U.S. prisons. These deaths stem directly from overcrowding, systemic neglect of inmates’ health and welfare, wide abuse, and lack of access to proper medical and psychological services. Overcrowding has produced inhumane living conditions, poor ventilation, and widespread infectious disease, gravely violating inmates’ rights to life, health, and humane treatment.

2. Pre-Trial Detention

Pre-trial detention and the fragmented criminal-justice system of the United States have deepened the crisis of legal rights for detainees. A majority of incarcerated individuals are legally presumed innocent; most remain in custody awaiting trial. The United States does not have a single

1. www.bop.gov/resources/pdfs/legal_guide

criminal-justice system but thousands of separate ones—federal, state, and local—holding nearly two million people in confinement¹.

Credible reports reveal disturbing facts about some 34,000 youths held in U.S. facilities, evidencing widespread violations of children’s rights. Many are detained for non-criminal conduct or minor technical violations. About 3,000 are incarcerated merely for breaching parole conditions, not for committing new offenses.

Approximately one in 12 youth arrested for a crime or offense is held in an adult prison or detention center, and most of the remainder are in juvenile correctional facilities that closely resemble adult prisons and detention centers. Most juveniles arrested are incarcerated for unrelated offenses, and 1 in 4 are in custody for actions that are not even considered “crimes” under the law. Around 3,800 minors are imprisoned for acts that are not legally crimes, and 4,100 asylum-seeking children remain detained pending family reunification. This crisis represents a flagrant violation of U.S. human-rights obligations concerning the right to liberty and fair trial, calling for urgent and fundamental reform of criminal and social policy². The punitive treatment of minors for non-criminal behavior highlights disproportionate reliance on incarceration instead of supportive, rehabilitative approaches.

1. <https://www.prisonpolicy.org/reports/pie2025.html>

2. <https://www.prisonpolicy.org/reports/pie2025.html>

3. Solitary Confinement

The widespread and systematic use of solitary confinement as a tool of punishment and psychological coercion has created a profound, ongoing human-rights crisis. Evidence shows that over the past three decades, U.S. prisons and detention centers have effectively become the nation's largest facilities for housing individuals with severe mental illness. Thousands of such prisoners are kept in isolation without adequate specialized support; the number of mentally ill inmates is roughly ten times that of patients in state psychiatric hospitals. This practice not only blatantly violates international human rights standards, including the Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment but it also showcases the failure of the criminal systems in providing appropriate health and mental services to the vulnerable prisoners.

This brings about some irreparable mental and physical consequences to those prisoners who suffer from mental diseases and are under severe mental pressures in isolation instead of receiving treatment which need to be reviewed urgently and amend the United States' rehabilitation system by adopting alternative humanitarian and health-related policies.

There are tens of thousands of prisoners placed in solitary confinement of the United States' prisons and detention centers: small cells for detentions upto 22 to 24 hours with minimum human contact. Most prisons and

detention centers are understaffed with mental health professionals, and existing staff often face limitations in providing treatment. In some of these facilities, treatment for individuals in solitary confinement is limited to weekly or monthly mental health checks delivered through feeding ports in cell doors. Many of these facilities are severely understaffed with mental health professionals, and existing staff often face structural limitations in providing the necessary treatment.

Mentally ill prisoners placed in solitary confinement face heightened risk of self-harm and suicide. Disturbingly, those who attempt self-harm are often punished with further isolation rather than receiving medical attention. Additionally, individuals who are identified as being at risk of suicide are often held in “empty cells,” completely empty spaces with no facilities, a practice that amounts to severe solitary confinement and psychological torture.¹

According to documented reports, black prisoners in the United States are disproportionately and disproportionately subjected to prolonged solitary confinement, with some serving more than ten years of their sentences in small cells measuring approximately 10 by 8 feet.

This situation demonstrates the existence of systematic discrimination and structural inequality in the American prison system, which not only violates the principles of criminal justice and legal equality, but also violates international human rights standards and the prohibition of degrading and discriminatory treatment. Substantial

1. <https://solitarywatch.org/facts/faq/>

reforms and adherence to independent oversight are essential to eliminate these discriminations and ensure equal rights for prisoners.

4. Guantánamo Bay Prison

The continued operation of the Guantánamo Bay detention facility as an offshore prison remains a clear example of organized and long-term human-rights violations, widely condemned by international institutions, human-rights organizations, and UN mechanisms. Many detainees have been held for years without formal charges or access to fair trial, violating fundamental guarantees of liberty and due process under the International Covenant on Civil and Political Rights.

Multiple independent UN reports, including the United Nations Special Rapporteurs, have documented torture, systematic mistreatment, and degrading conditions in the facility, including harsh interrogation, prolonged isolation, sleep deprivation, exposure to extreme temperatures, and denial of medical and psychological care.

The Committee on the Elimination of Racial Discrimination has noted the ongoing arbitrary detention of non-citizens there, without effective or equal access to ordinary justice, and reports of inadequate medical care. The Special Rapporteur on the Promotion and Protection of Human Rights while Countering Terrorism has similarly cited structural deficiencies in access to justice, health rights, and family contact. Lawlessness pervades the entire structure of the Guantanamo detention facility, exposing prisoners to human

rights abuses and leading to conditions and procedures that fuel arbitrary detention. No former detainee has ever received compensation for unlawful rendition, torture, or arbitrary detention. The cumulative effects of these abuses have caused lasting physical and psychological harm.

The US use of Guantanamo Bay for immigration detention, which should be civil and non-punitive in nature, has raised concerns among human rights defenders. The base has been the focus of much debate over the past two decades for its indefinite detention of prisoners of war on terrorism, some of whom have been subjected to torture. Medical care is inadequate, and the health of detainees has deteriorated due to their long detention.

The US President currently uses the Guantanamo Bay military base as a detention center for foreign nationals from 26 different countries, including those with serious criminal convictions. A comprehensive list of detainees' nationalities published by the US Department of Homeland Security shows that Guantanamo Bay houses detainees from every continent except Antarctica, highlighting the global and transnational nature of the detention center. Human rights and civil rights activists have strongly criticized the practice, calling it punitive, arbitrary, and a violation of constitutional rights. They emphasize that under U.S. federal law, the government is not allowed to hold people awaiting deportation outside national territory, especially when such detentions are carried out without access to a fair trial and with widespread deprivations.¹

1. <https://www.cbsnews.com/news/trump-guantanamo-detain-foreigners-from-26-countries>

On 29 January 2025, the U.S. President issued an executive order authorizing construction of a new 30,000-bed detention center at Guantánamo, aimed at large-scale migrant detention. International human-rights organizations have warned:

“The name Guantánamo is synonymous with shame and disgrace—a symbol of torture, indefinite detention, and denial of justice. Reusing it to hold migrants risks repeating the same patterns of repression and grave human-rights violations.”¹

According to the report of the Committee on the Elimination of Racial Discrimination, the arbitrary detention of non-citizens at the Guantanamo Bay detention facility continues, without effective and equal access to the ordinary criminal justice system, and reports indicate a lack of adequate medical services.

Furthermore, according to the Special Rapporteur on the promotion and protection of human rights and fundamental freedoms while countering terrorism, there remain significant structural shortcomings in access to justice, health rights, and family life.

Lawlessness has engulfed the entire structure of the Guantanamo detention facility, exposing detainees to human rights abuses and resulting in conditions and practices that perpetuate arbitrary detention. None of the former detainees have received compensation for the systematic crimes related to unlawful transfers, torture, cruel, inhuman or degrading treatment, and arbitrary detention. The Special

1. <https://www.hrw.org/news/2025/01/30/us-dont-send-migrants-black-hole-guantanamo>

Rapporteur has also emphasized that the cumulative effects of past unlawful transfers, enforced disappearances, solitary confinement, torture, and systematic ill-treatment, as well as continued detention, have had severe and long-lasting impacts on the mental and physical health of the detainees¹.

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

Chapter Three: Freedom of Expression and Peaceful Assembly

1. Violation of Freedom of Expression

The United States continues to face serious accusations of violating freedom of expression through the suppression of dissent, pressure on the media, and interference with content-moderation policies of technology companies. These practices form part of an organized system of narrative control aimed at silencing domestic opposition, shaping online discourse, and maintaining strategic dominance over debates concerning wars, military interventions, and foreign relations.

Recent months have seen widespread student protests across U.S. universities condemning Israel's war and genocide in Gaza, met with heavy-handed police responses, including tear gas, batons, mass arrests, and physical assaults on students and faculty. Charges such as "unauthorized entry," "disturbing the peace," and "assaulting an officer" have been widely used, though human-rights organizations consider them illegitimate and in clear violation of fundamental freedoms.

Strong evidences show targeted arrests and expulsions of non-citizen students and scholars as part of a broader campaign against pro-Palestinian activism. The Department of Homeland Security (DHS) has alleged—without credible evidence—that these protests threaten U.S. national interests, a claim strongly refuted by independent observers.

Special Rapporteur on the right to education have expressed concern over violent crackdowns on campus

protests, police brutality, detentions, surveillance, and disciplinary measures against peaceful demonstrators—especially pro-Palestinian students—warning that such acts undermine academic freedom and democratic values¹.

Notable examples of student targeting:

Mahmoud Khalil: A Columbia University graduate student and permanent resident who served as a spokesperson for campus protesters was arrested on March 8, 2025. The arrest was described as “the first of many to come.” His arrest is symbolic of the Trump administration’s broader effort to suppress solidarity with the Palestinian people².

Rumisa Ozturk: A Turkish doctoral student at Tufts University was arrested by six plainclothes ICE agents near her home for writing a critical note about the university’s failure to respond to students’ demands for Gaza. The Department of Homeland Security alleged, without providing any evidence, that she was “engaged in activities in support of Hamas.” These cases demonstrate a pattern of targeting students of African, Arab, Asian, Middle Eastern, and Muslim backgrounds.

Reports indicate that many students have been revoked since January 2025, many of whom never participated in the protests and had not received any notice of their visa revocation.

In addition, Columbia University has punished more than 70 students with sanctions such as suspension, expulsion, and even revocation of their degrees for participating in

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

2. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2025/06/usa-mahmoud-khalil-released/>

pro-Palestinian protests. About two-thirds of these students reportedly faced two-year suspensions, while others were barred from continuing their studies. The measures followed protests at Butler Library in May, during which at least 80 people were arrested. The university said the protests disrupted campus order and were contrary to internal policies.

In response, UN Special Rapporteurs expressed serious concerns that expulsions have become a tool to censor critical voices, undermining freedom of expression and assembly. They called on the United States to immediately stop retaliatory measures against students who support Palestinian rights and to respect freedoms of expression and peaceful assembly¹.

In addition, following the Trump administration's cuts of hundreds of millions of dollars in federal research funding to universities, some educational institutions, including Columbia University, have taken stricter security measures. The university has increased its security forces and responded strongly to student protests.

In response to these measures, international human rights organizations have stated that the arrests and expulsions of non-citizen students and researchers for expressing their political views have created a climate of fear and anxiety on campuses across the United States. These measures are a clear attack on freedom of expression and a serious threat to the foundations of a democratic and free society.

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

In addition, security encounters with journalists covering the protests are also of concern. There are numerous reports that journalists have faced serious obstacles, unlawful detentions, and even physical violence by police forces while carrying out their professional duties. According to the Committee to Protect Journalists (CPJ), at least seven cases of journalists being arrested or threatened with arrest while covering protests in public places have been documented¹.

In addition, the US government, amid the ongoing illegal crackdown, has turned to the use of automated surveillance tools based on artificial intelligence. These technologies are specifically used to monitor and evaluate individuals working for Palestinian rights. International human rights organizations have expressed deep concern, stating that the US government is using invasive artificial intelligence technologies in the context of a program of mass deportations and suppression of pro-Palestinian expression of opinion, which leads to human rights violations. These technologies allow authorities to track and target international students and other marginalized immigrant groups at unprecedented speed and scale. Reports show that technologies provided by companies such as Palantir and Babel Street, particularly in the context of the repressive Catch and Revoke initiative, are fueling widespread human rights abuses. By creating a pervasive surveillance environment, these tools have created a climate of fear and intimidation among immigrant and academic communities, paving the way for arbitrary

1. <https://cpj.org/2025/06/get-ready-la-journalists-warn-of-potential-violence-against-press-ahead-of-nationwide-protests/>

detentions and mass expulsions. These actions have led to a pattern of unlawful detentions and mass expulsions, and have had a severe “chilling effect” on immigrant and international student communities across the country’s universities¹.

These repressive measures, both in terms of suppressing the freedom of expression of students and researchers and in terms of preventing independent media activity, are a clear violation of human rights standards and the United States’ international obligations to support civil liberties, and indicate a worrying trend in restricting the space for freedom of expression.

2. Suppression of Peaceful Protests

In 2025, the fundamental right to peaceful assembly in the United States has faced a wave of legal and administrative restrictions. Legislatures at the federal, state, and local levels have enacted and implemented numerous laws that severely restrict the scope of protest activities. These laws include new regulations on issuing assembly permits, increasing the penalties for holding unlicensed protests, and imposing harsher penalties on protesters. Law enforcement has used repressive and violent methods this year that have been strongly condemned by international human rights organizations. The use of tools such as tear gas, batons, and mass arrests against protesters has sparked a wave of concerns about violations of the rights to freedom of expression and assembly at the national and international levels.

1. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2025/08/usa-global-tech-made-by-palann-tir-and-babel-street-pose-surveillance-threats-to-pro-palestine-student-protestors-migrants>

In 2025, US law enforcement agencies at the municipal, state, and federal levels have been repeatedly accused of using disproportionate force, mass arrests, and intimidation against protesters. These repressive measures have been particularly effective in protests that have targeted sensitive and internationally significant issues, such as condemning the genocide in Gaza, criticizing immigration policies, U.S. foreign policy, and environmental protests. Domestic and international human rights organizations have called these actions a clear violation of the right to freedom of assembly and expression, and have expressed concern about the continuing pattern of violent security crackdowns on protesters. The repeated use of tear gas, batons, and widespread arrests without due process of law have created a climate of fear and intimidation in civil society, hindering democratic participation and the right to peaceful protest. This trend also highlights deep structural gaps in the U.S. legal and executive systems in guaranteeing the fundamental rights of citizens.

During the reporting period, students and staff at universities across the United States held peaceful rallies to protest Israel's genocide in Gaza and the U.S. government's supporting role in this crisis. The protesters' demands included official statements from educational institutions calling for an immediate ceasefire, pressure on the government to end arms sales to Israel, and a cut in university funding and investments in companies that profit from the conflict. However, these peaceful protests were

met with a strong response from university officials and law enforcement. Reports indicated that police repeatedly used riot gear, including batons, rubber bullets, pepper spray, and tear gas, to disperse the rallies and arrest participants. At least 3,100 students, staff, and supporters of the movements were arrested or detained. Meanwhile, UN experts criticized the use of law enforcement to disperse the protests.¹

More than 40 people were reportedly arrested in front of the Trump Hotel in New York City protesting the war and the worsening humanitarian crisis in Gaza. Hundreds of people took part in the demonstration to demand an end to the war in Gaza and pressure the US government on the Zionist regime to allow more humanitarian aid into the region². A few minutes later, New York City Police Department officers began arresting protesters for blocking the street.

In addition to the student protests against the genocide in Gaza, reports indicate a significant deterioration in the situation of widespread protests against immigration policies in the United States. In 2025, following the promise of the US government and judicial authorities to deal harshly with protesters of these policies, the deployment of National Guard troops to Los Angeles was met with strong reactions and widespread criticism from human rights groups. Reports indicate that the widespread use of repressive methods and an “iron fist” by law enforcement in Los Angeles has not only caused fear and intimidation of protesters, but has also spread the scope of the protests to New York.

1. <https://www.amnesty.org/en/documents/pol10/8515/2025/en/>

2. <https://www.theguardian.com/us-news/2025/aug/04/gaza-protest-trump-hotel-new-york>

According to a report by human rights organizations, Trump claims the right to punish and deport non-citizen dissidents without providing an acceptable justification. These actions not only violate the rights of those targeted, but also constitute a broader threat to the right to free speech by intimidating others and forcing them to silence.

3. Restrictions on the Media

The new administration's media restrictions have been widely seen as a violation of the fundamental principles of freedom of the press and freedom of expression. The administration has specifically targeted publicly funded media outlets as well as those covering federal affairs, particularly the White House and the Pentagon. Among the administration's early actions was an executive order in February that barred the Associated Press from White House briefings, a move that has drawn widespread criticism at home and abroad. The move is aimed at undermining and destroying the independent press. The attacks include a \$1.1 billion cut in public broadcasting funding for NPR and PBS, as well as a \$10 billion defamation lawsuit against the Wall Street Journal. The order, which accused the media of failing to report "fairly, accurately, or impartially," is a clear violation of the First Amendment to the U.S. Constitution. In addition, media budget cuts, especially in rural areas, threaten millions of Americans' access to local news and educational content¹. These measures are generally

1. <https://www.aclu.org/news/free-speech/trumps-attacks-on-press-freedom-escalate-npr-pbs-funding-cuts-explained>

considered a serious threat to press freedom and media independence in the United States, and have raised concerns among human rights activists, journalists, and a large part of the international community¹.

1. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2025/08/usa-global-tech-made-by-palann-tir-and-babel-street-pose-surveillance-threats-to-pro-palestine-student-protestors-migrants/>

Chapter Four: Discrimination and Structural Racism

1. Economic Discrimination and Inequality

Discrimination and inequality are historical and deep-rooted challenges in the United States that have intensified over the past two years. The inequalities that exist against African Americans, Latinos, and other minorities of color are not simply a series of sporadic and accidental events, but are part of a systematic and institutional structure rooted in the historical legacy of slavery, racial discrimination, and targeted government policies. In 2025, these historical wounds have not only not healed, but have reversed course, and powerful political currents with comprehensive policy plans are moving towards institutionalizing and exacerbating racial and social inequalities in American society, which is a serious threat to the realization of social justice and equal rights for citizens. The huge wealth gap between black and white communities in America is a testament to the unfair design of economic and social structures that are incapable of achieving true equality. These economic and social systems severely limit opportunities for individual and collective growth and prosperity for racial minorities, especially blacks, by reinforcing vicious cycles of poverty and discrimination.

In 2025, economic inequality disproportionately affects black and other minority communities, and the wealth gap between blacks and whites remains remarkably unchanged, demonstrating the failure of policies to reduce these deep and persistent inequalities. This trend not only threatens

social justice, but also perpetuates structural discrimination in all aspects of people's lives.

According to credible reports, black people in the United States continue to face higher unemployment rates and lower wages than white people, regardless of education level or age group. Although a significant number of black Americans have earned college and graduate degrees since 1963, a significant gap in access to equal job opportunities and fair wages persists between black and white workers. Statistics show that, on average, black people earn about 20 percent less than their white counterparts, a symbol of systematic discrimination in the American labor market and economic structures that hinders the economic and social advancement of this group.

In addition, federal economic policies and structures in the United States disproportionately affect black workers and play a key role in perpetuating and exacerbating economic inequalities. The significant wage gap between jobs predominantly held by black and white people, along with inadequate minimum wages, is a key factor in maintaining and deepening the wealth gap between the two groups. In addition, higher student debt among black Americans, coupled with fewer opportunities to earn a decent living, has led to difficulty repaying debt and reduced opportunities for wealth creation and financial advancement. This combination has exacerbated economic inequality and further limited equal access to economic opportunities for black people.¹

1. <https://www.fpwa.org/resource-center/blogs/new-2024-data-highlights-ongoing-economic-disparities-faced-by-black-people-due-to-systemic-discrimination/>

Systemic racism and structural inequalities in the U.S. labor market mean that any weakness or fluctuations in the overall performance of the economy primarily affect black workers. The economic downturn is felt first in the lives of black workers, not because of individual weakness, but because of institutionalized discrimination that unfairly distributes job opportunities. In this regard, the statistics also show a disturbing trend. The unemployment rate among black men has risen from 5.2 percent in May to 6.9 percent in recent months, a rise that signals the group's vulnerability to recessions or austerity policies.

According to reports, the revocation of Executive Order 11246 by Donald Trump has, in several respects, exacerbated racial discrimination in the U.S. workplace. The repeal of Executive Order 11246 reduces employment opportunities for Black and Latino communities in the United States. Historically, Black and Latino workers have faced discrimination in hiring, and studies show that résumés with ethnic or minority-sounding names are less likely to receive callbacks than those with traditionally white names. It is evident that without affirmative (supportive) measures under Executive Order 11246, such biases can persist without accountability. The repeal of this order diminishes opportunities for career advancement for racial minorities, including Black and Latino individuals, in the U.S. labor market. The removal of diversity-focused hiring and promotion programs is likely to disproportionately affect Black and Latino professionals seeking to enter leadership roles. The repeal of Executive Order 11246 by

Trump has also reduced business opportunities for Black- and Latino-owned enterprises in the United States. Prior to its repeal, many such businesses benefited from federal supplier diversity programs, which prioritized contracts for minority-owned companies. Without these considerations, these businesses may now face significant challenges competing for federal contracts¹.

At the same time, the significant decline in government jobs, a major source of employment for black women, has exacerbated the situation. Between February and March 2025, when the bulk of the layoffs occurred under the new Department of Government Productivity (DOGE) policies, some 266,000 black women were removed from the workforce, representing 2.52 percent of total employment for this group. This statistic reflects policies that are being implemented without considering their social and racial consequences and that are deepening the divisions in American society.²

2. Discrimination and the Judicial Gap

The American justice and law enforcement system has always been a major platform for systemic discrimination. The events of recent years, and their persistence in 2025, demonstrate the depth of this crisis. Minorities of color, who face much higher rates of poverty, are disproportionately represented in prisons and detention centers. These racial disparities are especially pronounced for black Americans,

1. https://racism.org/index.php?option=com_content&view=article&id=12465:executive-order-

2. <https://19thnews.org/2025/07/black-women-unemployment-jobs-warning->

who make up 41% of the prison and detention population, while comprising only 14% of the total U.S. population.¹

Consistent and credible statistics indicate that black Americans are disproportionately and far more likely than whites to be subjected to deadly police violence. This stark reality remains unaddressed, despite a massive wave of social protests and prominent civil movements such as the Black Lives Matter movement. While these movements have called for a fundamental overhaul of the structure and functioning of law enforcement, the reality of policymaking suggests otherwise. Megaprojects like Project 2025 prioritize increasing police budgets and expanding prison capacity while reducing critical funding that could be allocated to social programs, crime prevention, and the empowerment of vulnerable communities. These unequal and punitive policies not only exacerbate distrust between minorities of color and the criminal justice system, but also perpetuate cycles of violence, injustice, and structural inequality, which clearly demonstrate the deep nature of the crisis of discrimination and the justice gap in the United States.

In addition, numerous and well-documented reports show that African-American and Latino prisoners constitute a disproportionately large portion of the U.S. prison population. This racial pattern of arrest and sentencing is a direct result of decades of discriminatory policies, particularly those such as the “war on drugs,” which have systematically and purposefully targeted communities of color.

1. <https://www.prisonpolicy.org/reports/pie2025.html>

Legal and sociological studies show that for the same crimes, black defendants are not only more likely to be arrested but also face heavier sentences than their white counterparts. This disparity in sentencing is particularly evident for drug offenses, gun possession, and nonviolent crimes, and is indicative of a deepening justice gap in the American justice system.

This trend reflects structural racism in American law enforcement and judicial institutions, a phenomenon that not only distorts criminal justice but also perpetuates social inequality, cycles of poverty, family instability, and chronic vulnerability in communities of color.

For example, impunity for historical crimes, particularly the 1921 Tulsa Massacre, reflects the inability and unwillingness of the American justice system to address structural injustices. By dismissing the lawsuit of survivors of this human tragedy, the Oklahoma Supreme Court once again sent a bitter message to the black community that justice and reparations for victims of racial violence, especially when it targets communities of color, are unattainable and unachievable¹.

This ruling not only violates the fundamental rights of victims and survivors, but also reflects the persistence of systemic racism and disregard for the history of racial oppression and violence in the United States. Impunity for such crimes reinforces distrust in the justice system, increases inequalities, and perpetuates a climate of discrimination and injustice in society.

1. <https://www.hrw.org/world-report/2025/country-chapters/united-states>

3. Rise in Hate Crimes

The rise in hate crimes in the United States represents a serious challenge to human rights and social justice, directly affecting the dignity and fundamental rights of individuals. This trend not only reflects structural and systematic discrimination in society, but also has devastating consequences for the psychological and physical safety of various groups, especially racial and religious minorities.

According to the report published by the United States Crime and Justice Research Alliance entitled “Hate Crimes in Major U.S. Cities in 2024”, which is based on hate crime data provided by the (FBI), the number of hate crimes against Latinos in major U.S. cities reached 173 cases in 2024. Meanwhile, hate crimes against Asians in major cities amounted to 113 cases in 2024. In addition, the FBI reported 453 hate crimes against African Americans in the same year. It was also reported that hate crimes against Arabs in these cities totaled 52 cases in 2024.

It is noteworthy that the figures mentioned above represent only a portion of the hate crimes committed against racial minorities in the United States. This is because, first, the data presented covers only major U.S. cities and does not reflect the entire country; and second, many victims of these blatant human rights violations refrain from filing legal complaints due to fear of retaliation or racist treatment by U.S. police authorities.¹

The Human Rights Committee and the Committee on the Elimination of Racial Discrimination expressed their

1. <https://crimeandjusticeresearchalliance.org>

deep concern at the continued occurrence of hate crimes, including mass shootings and the spread of hate speech against people of African and Asian descent, members of indigenous communities, Muslims and people of Latino origin, migrants and refugees. These incidents have been observed at various levels, including by high-ranking officials, politicians, public figures, and in the mass media and social media platforms. In addition, the Special Rapporteur on Minorities has noted a significant increase in anti-Asian, Islamophobic, and derogatory remarks against Arab and other minority communities, with some social media algorithms fueling the spread of prejudice, racism, and misinformation.¹

4. Discrimination and Indigenous Rights

Systemic racism in the United States has consistently and systematically violated the human rights of Indigenous peoples. Despite their rich cultural history and sovereignty, these indigenous groups continue to face structural discrimination and serious barriers in vital areas such as education, health services, employment opportunities, and access to adequate housing.

The rights of Indigenous women in the United States are widely violated. These violations include physical and sexual violence, unjustified killings, suspicious disappearances, and the lack of adequate legal and social protection. The lack of comprehensive data and the resources necessary to effectively pursue and investigate these cases has created

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

the conditions for this unfavorable situation to continue. Systematic discrimination and lack of access to justice, health and support services have exposed indigenous women to serious and lasting harm which is a clear violation of their human rights. In the meantime, the Human Rights Committee expressed its concern about the persistence of violence against women and the disproportionate impact of this violence, killings and disappearances on indigenous women and girls. The Committee also expressed concern about the lack of comprehensive data on murdered and missing indigenous women and the lack of adequate resources for effective and culturally appropriate investigations into these cases.¹

The lack of quality educational resources, high dropout rates, lack of health care tailored to cultural and geographical needs, and high unemployment rates among indigenous people are among the clearest examples of this systematic discrimination. Inadequate housing conditions and limited access to basic services have also perpetuated the crisis and the lack of full enjoyment of basic human rights by indigenous peoples.

For example, the decision of the United States government to allow Lithium Americas to mine in Ticker Pass, Nevada, violated the rights of indigenous peoples because their free, prior and informed consent was not obtained. The project

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

highlights how U.S. mining laws and permitting processes disregard the rights of indigenous peoples, and residents are concerned that the mine threatens their rights to health, a healthy environment, and water¹.

Meanwhile, the Committee on the Elimination of Racial Discrimination expressed concern over allegations that the United States has failed to honor bilateral treaties with indigenous peoples, barriers to their identification, a restrictive interpretation of the principle of free, prior, and informed consent, and a lack of timely and meaningful consultation with them. The committee also expressed concern about the negative impacts of extractive industries and infrastructure projects on indigenous peoples' rights and livelihoods.²

According to published reports, the U.S. Congress is considering a plan to cut more than \$1 billion from the Corporation for Public Broadcasting (CPB). The move, part of the federal government's efforts to control the nation's \$37 trillion debt, would have far-reaching and troubling consequences for indigenous communities. If the budget cuts are approved, up to 90 percent of the 59 tribal radio stations that benefit from this funding will be forced to close. These stations are vital resources for Indigenous peoples and play a key role in ensuring their right to information, emergency alerts, local news, educational programming, and the preservation of Indigenous languages and cultures.

1. <https://www.hrw.org/news/2025/02/06/us-lithium-mine-permit-violates-indigenous-peoples-rights>

2. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

The sudden denial of access to Indigenous media by these communities is not only a violation of their fundamental rights to information and freedom of expression, but also a threat to their rights to political participation, public health, and cultural rights. This decision could lead to a long-term silencing of Indigenous voices in the media, especially when many of these communities already face isolation, discrimination, and a lack of adequate communications infrastructure.

Additionally, the idea of reopening Alcatraz as a detention center for immigrants and violent criminals has sparked widespread backlash among Bay Area Native Americans and Native rights activists. The island, which has become a historic symbol of Native American resistance since the prison closed in 1963, holds a special place in the collective memory and cultural identity of these communities. In November 1969, a group of Native activists occupied Alcatraz for 19 months, demanding recognition of Native American rights and the return of resources, an act that has been recognized as one of the most significant modern acts of Native American resistance. Reusing the site as an immigration detention center is not only a profound affront to Native American history and identity, but also a repetition of the state's history of violence and oppression against Native groups¹.

1. <https://www.theguardian.com/us-news/2025/aug/02/trump-alcatraz-indigenous-people>

Chapter Five: Rights of Migrants and Refugees

1. Militarization of Immigration Policy

During the reporting period, the humanitarian crisis concerning migrants in the United States has reached an alarming and unprecedented level of human-rights violations. Migrants—particularly children and families—are exposed to conditions in border areas that are deemed inhuman and degrading under international human-rights standards. These include prolonged detention in substandard facilities, violent treatment, and denial of access to essential rights such as health care, education, and psychological or social support.

Human-rights groups have expressed grave concern over the use of military bases to detain migrants, warning that this practice risks normalizing the use of military infrastructure for civilian law enforcement. Members of the American Civil Liberties Union (ACLU) in New Jersey stated:

“What we are witnessing is excessive and deeply troubling. The use of military facilities or resources for the detention of migrants must never be normalized.”

On Inauguration Day, the new U.S. administration declared a national emergency at the southern border, falsely citing an “invasion,” and significantly increased the number of federally mobilized National Guard troops under Title 10 authority along the border. Since then, combat vehicles have been deployed to border communities. These troops have participated in construction and transport of materials for the border wall, surveillance and detection operations, and

logistical support for civilian agencies such as Immigration and Customs Enforcement (ICE) and Customs and Border Protection (CBP). However, these measures have worsened living conditions for border communities. The southern border region is home to roughly 19 million people, including citizens and cross-border commuters. In recent years, residents have faced extensive surveillance, intrusive federal policing, border checkpoints interfering with access to medical services and daily needs, and environmental destruction caused by border-wall construction.

Furthermore, on 11 April 2025, the U.S. President issued a memorandum authorizing the Department of Defense to use and oversee civilian public lands along the border—including the Roosevelt Reservation in New Mexico, excluding federally recognized Native American reservations—for military activity. The order allows the Secretary of Defense to determine “military activities reasonably necessary and appropriate,” including measures for the “protection and security of military installations” and to bar entry into newly designated “national defense areas.” In practice, this policy opens the door to an expanded military role that extends well beyond logistical support and potentially beyond the designated border zone. It carries serious implications for residents of heavily militarized areas, including major cities such as San Diego, California; Nogales, Arizona; and El Paso, Texas. People in these communities may now face federal prosecution for inadvertently entering these “national defense areas.”

The deployment of armed forces along the southwestern border has also raised profound concerns about the militarization of migration control and the threat it poses to basic human rights. Official use-of-force policies in these regions prioritize “the protection of Department of Homeland Security personnel and military forces,” which, according to human-rights observers, could lead to tolerance or authorization of deadly force against migrants.

According to official ICE data, an average of 57,200 people were in immigration detention as of June 2025. However, independent and more comprehensive estimates indicate that the actual number, within the framework known as “cimmigration” (the merger of immigration enforcement and criminal law), is approximately 45 percent higher—around 83,400 individuals. This conservative estimate still reveals that the real number of detained migrants far exceeds official figures.

In the first five months of 2025, tens of thousands of migrants detained by ICE or other federal agencies were transferred into the federal criminal-detention system under questionable or fabricated criminal charges related to immigration. According to documents from the U.S. Marshals Service Prisoner Operations Division, approximately 20,000 people were recorded as held in pretrial federal detention between January and May 2025 for immigration-related charges. These data demonstrate that actual detention levels are far beyond what ICE statistics reflect, illustrating an expanding reliance on criminal mechanisms

to manage migration—a process that undermines migrants’ fundamental rights and transforms immigration cases into criminal matters, thereby fueling record-high detention rates and violations of due-process principles.

The UN Special Rapporteur on Racism expressed concern about systemic racism in U.S. immigration enforcement, including the government’s outsourcing and militarization of border control accompanied by growing use of surveillance and digital technologies. The Rapporteur emphasized that deterrence-based policies routinely disregard U.S. obligations toward asylum seekers and refugees. He also documented cases of mandatory detention of non-citizens without due process and without access to legal counsel, in inadequate and sometimes dangerous facilities.

A substantial portion of these individuals are detained under criminal-law charges linked to immigration rather than purely administrative infractions, and thus do not appear in ICE’s official statistics. This classification conceals the real scale of immigration detention, hinders public oversight and accountability, and inflicts severe harm on those caught within the system.

One especially troubling dimension involves the use of prosecutorial threats against detained migrants. Federal prosecutors have the discretion to file criminal charges carrying lengthy prison terms and heavy fines—pressures that effectively coerce many migrants into abandoning asylum claims or other legal remedies, forcing them to accept deportation.

This pattern mirrors the phenomenon of “plea bargaining” in the criminal-justice system, in which defendants plead guilty to avoid harsher sentences, even when acquittal is possible. In the immigration context, this coercive mechanism undermines fair-hearing guarantees and serves as an administrative tool to expedite removals while marginalizing fundamental rights.

2. Inhumane Conditions in Immigration Detention Centers

Numerous and well-documented reports in 2025 have exposed the inhumane conditions in immigration detention centers in the United States. According to these reports, detainees are subjected to severe overcrowding, unbearable temperatures (very high or low), and lack adequate access to basic needs such as food, drinking water, medical care, and hygiene supplies.

Between January and June 2025, thousands of immigrants were held in three major detention centers in the state of Florida: the North Crom Service Center, the Broward Transit Center, and the Federal Detention Center.

Based on recorded data, by March 2025, the detainee population at the Crom Center had increased by 249 percent compared to before the new administration took office. On some days in March, the center was holding more than three times its authorized capacity. Also, by June 20, 2025, the number of detainees in these three centers had increased by 111 percent compared to the inauguration day of the new administration. Detainees are held in overcrowded, unsanitary, and inhumane conditions. Field reports and

numerous testimonies indicate that detainees are treated in a degrading manner, denied access to immediate and appropriate medical care, and suffer serious physical and psychological harm.

The US President recently described the immigration detention center in the Everglades, Florida, as “the crocodile’s Alcatraz,” a place that human rights experts have described as nothing less than a forced labor camp. The detention center, which is designed to hold up to 5,000 immigrants arrested by US Immigration and Customs Enforcement (ICE) while awaiting deportation, is home to about 700 immigrants. The conditions in the camp have raised serious concerns about violations of the fundamental rights of detainees, including the right to humane conditions of detention and access to essential services. Detainees are held in metal cages, packed dozens of people together, and housed in large, heavy tents in extreme heat. Multiple reports indicate that detainees and their families face serious problems, including worm-infested food, medical neglect and neglect, inefficient air conditioning, and an insufficient number of toilets that often overflow.

3. Forced deportations to third countries

The enforced disappearance and torture of migrants by a third country at the behest of a deporting country is the latest shocking development in the externalization of immigration control, whereby border security measures from a receiving country are handed over to another. The US has reportedly struck a secret deal with El Salvador on

torture. El Salvador and the United States have secretly finalized an agreement under which El Salvador will transfer people from the United States to indefinite, incommunicado detention in its prisons, including the Center for the Containment of Terrorism (CECOT). The report documents how El Salvador has transferred some 288 detainees in the United States to its own country and held them in the CECOT prison. These individuals were arrested in the United States under the “Enemy Aliens Act” (an 18th-century law of the United States that was used to deport individuals without trial simply on charges of membership in criminal gangs).

In addition, the United States has deported five foreign nationals with no meaningful ties to their destination country to the southern African kingdom of Eswatini, part of a broader program of deportations to third countries, as part of the Trump administration’s controversial new policy. The individuals, who are from Vietnam, Cuba, Jamaica, Yemen and Laos, were flown to Eswatini, a small country of about 1.2 million people that has no formal agreement with the United States, after their countries of origin refused to accept them, according to U.S. officials.

Rwanda has reportedly signed an agreement with the U.S. government to step up efforts to deport millions of migrants. The U.S. government has previously signed agreements to deport migrants to South Sudan and Eswatini, two sub-Saharan African.

In one of the most controversial recent moves, the US government has invoked the Alien Enemies Act of 1798, a

wartime law that has rarely been invoked, to expedite the deportation of Venezuelan nationals. This application of a 227-year-old war powers statute has raised significant constitutional concerns about due process rights under the Fifth Amendment. The Supreme Court has been forced to intervene, requiring notice and an individual opportunity to challenge deportations, although the implementation of these protections remains inconsistent.

In this regard, several Human Rights Council practitioners have expressed concern that the Alien Enemies Act has been misused by the US government to violate due process rights and enable arbitrary deportations, including enforced disappearances of individuals, including those not involved in criminal groups. The UN High Commissioner for Human Rights has called on the US government to guarantee the right to a fair trial, enforce court orders, protect children's rights and halt deportations where there is a risk of torture.

Among a series of immigration-related executive orders that have shaped Donald Trump's second term is Executive Order 14159, which establishes a policy of detaining people arrested on suspicion of immigration violations until their removal is completed "to the extent permitted by law." Reports show that the US government has deported migrants and asylum seekers after holding them in inhumane conditions that sometimes last for weeks, and denying them access to due process and the right to seek asylum. Reports from international human rights organizations have said that it is unacceptable that families are sent to a country they never

chose without due process and without consideration for their safety.

4. Arrest and Violation of the Rights of Iranian Immigrants Living in the United States

The situation of Iranians living in the United States has been accompanied by ups and downs over the past years, which has increased in intensity and complexity after Donald Trump came to power and adopted anti-immigration policies by Iranian immigrants living in this country. In addition, as a result of the Israeli regime's imposed war against Iran and the illegal US attack on Iranian nuclear facilities, the pressure on the Iranian community living in this country has increased and has imposed more restrictions on Iranian immigrants to this country.

The United States Department of Homeland Security (DHS) announced in a news release on its official website on June 24, 2025, that on June 22 and 23, 2025, it arrested 11 Iranian nationals for being illegally present in the United States in a large-scale operation. The news release claimed that "the arrested criminal illegal immigrants include an individual with acknowledged ties to Hezbollah, a known or suspected terrorist, and a former sniper in the Iranian military."

The U.S. Immigration and Customs Enforcement's treatment of Iranians residing in the country, which sometimes results in violations of the rights of Iranian immigrants, is rooted in a combination of political, security, and social factors. Amid high political tensions between Iran

and the United States, Iranian nationals, even those legally present in the country, are sometimes subject to increased surveillance due to their nationality and are subject to arbitrary charges or detention on trumped-up grounds. Such violations of the basic rights of immigrants have intensified, especially after the Zionist regime's war against Iran and the US invasion of Iran's nuclear facilities. It is obvious that this approach, which is focused on the nationality of individuals, can lead to systematic discrimination and violation of the basic human and immigration rights of Iranians residing in this country. An approach according to which individuals face greater challenges in terms of residence, employment, and security simply because of their Iranian identity.

Chapter Six: Rights of Women

1. Gender-based and Sexual Violence

Official statistics for the year show that gender-based and sexual violence in the United States continues to be a serious social challenge. In 2025, a total of 204,055 cases of sexual crimes were reported; in other words, an average of 559 cases per day or one sexual crime occurred every 2.57 minutes. The types of sexual crimes reported included 41% of sexual touching and harassment and 37% of rape. About 86% of victims of sexual crimes were women. It should be noted that nearly 48% of victims were between the ages of 11 and 20, and 18% were children under 10. States such as Alaska, South Dakota, and Arkansas had the highest rape rates, and Montana and Utah had the highest rates of sexual touching and harassment.

These figures reflect the severity and prevalence of gender-based and sexual violence in the United States in 2025 and show that a significant portion of the victims are women and adolescents. ¹About 35.6% of women in the United States have experienced physical violence, rape or sexual harassment, or stalking by a romantic partner in their lifetime. Nearly 10 million women in the United States are victims of domestic violence each year. In the first half of 2025, the rate of domestic violence in nine major US cities increased by an average of 3% compared to the same period in 2024.

1. <https://www.johnfitch.com/research/sex-offense-study-2025-worst-states-and-statistics/>

2. Domestic Violence

Domestic violence is a key challenge for women that continues to increase in the United States. Statistics show that about 22% of women in the United States have experienced violence by a romantic partner in their lifetime¹. About 81% of women in the United States have experienced sexual harassment or assault in their lifetime.

Despite recent updates to laws and policies, many government responses to domestic violence are inaccessible or ineffective for victims, and many victims are excluded from the limited opportunities available². This problem remains a serious problem that lacks sustainable and effective solutions to help all affected women. It is worth noting that one of the limitations of studying domestic violence is the discrepancy between the statistics reported to law enforcement or doctors and the actual cases. It is worth noting that in the United States, “fewer than 40% of women who experience violence seek help³.”

In the first half of 2025, domestic violence was the only type of violent crime that increased by 3% compared to the same period in 2024⁴. It is worth noting that urban areas saw an increase in domestic violence cases (for example, a 1.9% increase in California cities between 2021 and 2023),

1. Margaret Stranka, “Amending the Justice Reinvestment Act to Protect Victims of Domestic Violence,” *University of Maryland Law Journal of Race, Religion, Gender & Class* 19, no. 1 (Spring 2019): 185–200.

2. Jacqueline G. Lee and Bethany L. Backes, “Civil Legal Aid and Domestic Violence: A Review of the Literature and Promising Directions,” *Journal of Family Violence* 33, no. 6 (2018): 421–433.

3. Jennifer L. Truman and Rachel E. Morgan, “Nonfatal Domestic Violence,” Washington, DC: US Department of Justice, Bureau of Justice Statistics (2014).

4. <https://counciloncj.org/crime-trends-in-u-s-cities-mid-year-2025-update>

while suburban and rural cities experienced significant decreases (18.6% and 12%, respectively).

Domestic violence data is often underreported and varies widely across regions. Studies show that in 2025, only 9 of the 42 cities studied (less than 25%) regularly recorded domestic violence.¹

Every minute, 20 people are victims of physical violence by their intimate partner², a figure that reaches more than 10 million victims per year³. 1 in 3 women and 1 in 10 men will experience intimate partner violence in their lifetime. Women ages 18 to 24 are most vulnerable to domestic violence⁴. Firearms are used in 42% of domestic violence homicide⁵s. 43% of women in Washington state will experience intimate partner violence in their lifetime. 30% of female homicides are committed by intimate or family partners⁶. Young women are at the most critical age to experience domestic violence. The availability of guns greatly increases the risk of violence turning into murder. Domestic violence is one of the leading causes of female homicide in the United States. These statistics show that domestic violence is not only a common problem, but can easily become a devastating tragedy.

1. <https://www.cdc.gov/intimate-partner-violence/about/index.html>

2. <https://www.cdc.gov/nisvs/about/index.html>

3. <https://www.kff.org/womens-health-policy/issue-brief/womens-experiences-with-intimate-partner-violence/>

4. <https://fdfamilylaw.com/shocking-statistics-about-domestic-abuse-infogra/>

5. https://www.aap.org/en/patient-care/intimate-partner-violence/intimate-partner-violence-infographic-series/?srsltid=AfmBOoc73P67wnCdtK3Ai8gHDRvT7573aGTVJU7At-9yOj3LH-vVi_tD

6. <https://www.solid-ground.org/unveiling-the-many-forms-of-domestic-intimate-partner-gender-based-violence/>

Additionally, domestic violence is a leading cause of homelessness among American women. According to reports, between 20% and 50% of homeless women in the United States became homeless directly as a result of fleeing domestic violence. This statistic highlights the need to provide shelters and social supports for women affected by domestic violence to prevent them from becoming homeless.

3. Economic Inequality of Women

American women still face serious challenges in terms of equal access to income, wealth, jobs, and leadership roles. This gap is visible in various dimensions such as income, wealth, job opportunities, and poverty rates. In 2025, economic inequality between women and men in the United States remains a serious challenge, with profound impacts on women's professional, financial, and social lives. These disparities are particularly significant among women of color, working mothers, and in some states.

Women in full-time and part-time jobs are reported to earn an average of 85% of what men earn in 2024¹. Women in all occupations, including part-time, earned 75% of what men earn, reflecting the double harm of precarious and seasonal employment.²

Research shows that the wage gap exists even among women and men with similar levels of education and

1.<https://www.pewresearch.org/short-reads/2025/03/04/gender-pay-gap-in-us-has-narrowed-slightly-over-2-decades/>

2.https://www.aauw.org/app/uploads/2025/03/The_Simple_Truth_Gender_Pay_Gap_2025.pdf

Motherhood Penalty

work experience and of different races. For example, Asian American women earn less on average than Asian American men, and the gap is even greater among Black, Latina, and Native American women.

A phenomenon called the “motherhood penalty” affects women’s earnings, including things like not being able to work overtime and quitting their jobs to care for children, which shows that working mothers earn less on average than women without children. This wage gap is particularly large for women under 35 and can have a negative impact on their career and financial future.¹

It is worth noting that 67.9% of minimum wage workers are women². Only 10.4% of CEOs are women, and women are more likely to work in low-wage jobs such as childcare and eldercare³. The wealth gap between white heads of household and black or Latina women is even wider.⁴

1. [Feminist.com/resources/art speech/family/motherhood.html](https://feminist.com/resources/art-speech/family/motherhood.html).

2. <https://inequality.org/facts/gender-inequality/>

3. <https://www.weforum.org/publications/global-gender-gap-report-2025/digest/>

4. <https://inequality.org/facts/gender-inequality/>

Chapter Seven: Rights of Children

1. The Impact of Immigration Policies on Children

A report by international organizations in 2025 shows ¹that restrictive immigration policies, such as the presidential order of June 2024, have exposed migrant children to prolonged risk of violence and inhumane conditions in Mexico.

Reputable international reports in 2025 addressed ²the issue of migrant children and the immigration policies of the US government. The reports point to the inadequate conditions of detention of migrants, including children, in US border centers.

The immigration policies of the new US administration (the second term of the presidency of Donald Trump) have included the widespread deportation of migrants and the revocation of temporary protected status for some groups, which have exposed children to separation from their families and detention in inhumane conditions. These reports specifically point to violations of the right to access health care and inadequate living conditions in these centers. The reports also address the issue of unaccompanied migrant children, stating that these children are at risk of being quickly deported without a thorough review of their cases, which is a violation of their rights to protection and asylum.

1. <https://www.amnestyusa.org/wp-content/uploads/2025/04/The-State-of-the-Worlds-Human-Rights-April-2025.pdf>

2. https://www.hrw.org/sites/default/files/media_2025/01/World%20Report%202025.pdf

2. Detention of Children in Border Detention

The 2025 report¹ by international organizations points to the inhumane conditions of migrant children in US border detention. Migrant children in border detention facilities, including in the El Paso, Texas area, face conditions such as overcrowding, lack of access to adequate health care, and violations of basic rights. Some reports specifically point to Customs and Border Protection (CBP) detention facilities where children are held in inhumane conditions. According to the aforementioned reports, migrant children, including unaccompanied children, face a lack of food, clean water, and sanitation facilities in border detention facilities. These conditions violate articles 3, 19, and 24 of the Convention on the Rights of the Child, which emphasize the protection of children from violence and the guarantee of their right to health and well-being.

3. School Shootings

International reports on gun violence in the United States in 2025 point to the continued rise of gun violence and emphasize that Congress failed to pass federal gun control laws in 2024. Although specific data for school shootings in 2025 are not included in these reports, reports from other domestic US institutions, such as the Gun Violence Archive, show that incidents such as the shooting at Alapache High School in Georgia (4 dead, 9 injured) are an example of the ongoing threat against children. International reports have generally highlighted gun violence as a violation of the

1. <https://www.amnestyusa.org/wp-content/uploads/2025/05/Dehumanized-by-Design-Human-Rights-Violations-in-El-Paso.pdf>

human rights of children and adults in the United States.

Other international reports in 2025 generally point to gun violence in the United States as a human rights issue and emphasize that mass shootings, including in schools, violate the basic rights of individuals, especially children, to life and security.

4. Hidden Child Labor

A 2025 report¹ by international authorities highlights discrimination against immigrant and minority children in a variety of areas, including working conditions. Reports show that immigrant children are employed in hazardous jobs such as meatpacking in states such as Iowa and Arkansas. For example, in 2024, a company in Iowa was fined for illegally employing 50 children, a trend that continues in 2025.

Other reports indicate that 10 states passed laws in 2023 and 2024 that relaxed child labor restrictions and allowed night shifts or hazardous jobs. For example, in Florida, a new law allows 16-year-olds to work night shifts, which violates federal standards. This trend was also reported in 2025.

In addition, international human rights organizations have criticized the violation of child labor laws in the United States in 2025, stating that some states have weakened protective laws for children in hazardous jobs, such as agriculture and industry. This has been raised as child exploitation and a violation of their rights to safety and education.

1. Economic Policy Institute. 2025. "Child labor standards: State solutions to the U.S. worker rights crisis," by Nina Mast, July 30, 2025, <https://www.epi.org/publication/child-labor-standards-state-solutions/>. (<https://www.epi.org/publications/>)

5. Racial Discrimination and Children

Structural discrimination against black, indigenous, and other minority children exists in the US education and criminal justice systems. According to the Human Rights Watch report in 2025, minority children in the criminal justice system face harsher punishments and more discrimination, which is a violation of their right to equality and justice. A report by the Legal Defense Fund (LDF) referred to Project 2025 and the impact on the education of black children. ¹Project 2025 proposed eliminating diversity and equity programs in schools, which could limit the educational opportunities of black children. The report cites the removal of racial data from federal education systems, which hinders the identification and elimination of discrimination against Black students. Project 2025 also proposes reducing federal financial aid for minority students, which would directly impact Black and Native American children and youth seeking to continue their education.

In addition, the Committee on the Elimination of Racial Discrimination expressed concern about the disproportionate number of children from racial and ethnic minorities who are separated from their families and placed in the foster care system.

1. Legal Defense Fund (LDF) “Attack on Our Power and Dignity: What Project 2025 Means for Black Communities” Thurgood Marshall Institute: <https://tminstituteldf.org/wp-content/uploads/2024/10/Attack-on-Our-Power-and-Dignity.pdf>

6. Children Tried as Adults

According to human rights organizations, in 2025, children (people under the age of 18) could be tried as adults in criminal courts in all 50 US states. This means that even if a person was a child or a teenager at the time of the crime, they could face severe adult penalties, regardless of their age or developmental status.

The United States is the only country in the world that sentences children to life in prison without the possibility of parole. This means that a child offender could remain in prison for the rest of his or her life, with no chance of rehabilitation or release, even if his or her behavior improves. This policy runs counter to international human rights standards, including the UN Convention on the Rights of the Child, which emphasizes the rehabilitation and reintegration of children into society.

Chapter 8: Inequality and Unfair Distribution of Wealth

1. Structural Economic Gap

In the United States, structural discrimination and economic gap are a fundamental human rights issue. This deep gap is particularly evident in the unequal distribution of wealth and income, limited access to educational and job opportunities, and significant differences in life expectancy. The share of the rich in the national wealth has been steadily increasing, while the share of the low-income groups has been decreasing, a situation that has led to a deepening of class inequality.

In the past year, a total of \$365 billion has been added to the wealth of the top 10 Americans, and under the new budget and tax bill, this group will also benefit from significant tax breaks. To understand the extent of this inequality, it is necessary to know that it would take 726,000 years for 10 middle-income American workers to collectively acquire this amount of wealth. While billionaires' wealth has grown astronomically, the majority of ordinary people are facing serious financial hardship.

According to a new analysis by the Congressional Budget Office (CBO), the so-called "Big Beautiful Bill" will increase the average American household's financial resources, but the benefits will be distributed unevenly. According to the CBO's findings, the financial resources of households in the bottom 10 percent of society will face a 4 percent decline by 2033, while the top 10 percent of society will see a 2 percent increase in resources over the same period due to

tax cuts. The analysis shows that the benefits of the bill will disproportionately go to the wealthiest segments of society, with just the top 10 percent of income earners receiving nearly two-thirds (65 percent) of the total economic value of the law. In contrast, the bottom 20 percent of households will lose an average of \$1,035 in income in 2026 due to cuts to Medicaid, food stamps, and other changes¹. This unequal trend has raised serious concerns about widening economic gaps and violating social justice and human rights in the United States.

2. Poverty and Homelessness Crisis

Poverty and homelessness in the United States, as a deep and structural crisis, have deprived millions of people of the full and equal enjoyment of basic human rights. Systemic inequalities, unfair distribution of wealth, and lack of equal access to adequate housing are the main factors that perpetuate poverty and homelessness in this country. These wide economic and social gaps have caused millions of Americans to live below the poverty line and many ordinary citizens to face heavy and unprecedented debts that severely jeopardize their economic stability and security. This is a clear violation of human rights, especially the right to housing and to a life of human dignity, and poses profound challenges to social justice and the general well-being of the United States.

In 2025, the federal minimum wage will officially be considered a “poverty wage.” The annual income of a single

1. <https://edition.cnn.com/2025/05/21/business/billionaire-tax-cut-trump>

person working full-time, year-round at \$7.25 an hour is now below the poverty line of \$15,650 (based on the Department of Health and Human Services' guidelines). The federal government's poverty calculation methods do not reflect the true distance between the minimum wage and economic security for workers and their families.

In 2025, the federal minimum wage will be below the poverty line for every household. In the 20 states that still use the federal minimum wage, 11.8 million workers earn less than \$17 an hour, more than 1 in 5 workers in those states. These states are mostly located in the South. The federal minimum wage freeze allows Southern policymakers to keep wages low in their economies. Even after accounting for regional differences in the cost of living, Southern workers are paid less. Part of this is due to policies that keep wages low, such as the minimum wage, and Southern workers are more likely to face poverty than other regions.¹

Reports show that Republican budget proposals for 2025 would weaken various parts of the social safety net and significantly limit access to these vital services. These proposals include cuts to Medicaid and stricter eligibility requirements for Medicaid and SNAP. Such measures would directly hurt low-income workers and their families, as these programs play a critical role in raising the standard of living for millions of workers and vulnerable individuals who do not earn enough to meet their basic needs. If implemented, the combination of tax cuts for the wealthy

1. <https://www.epi.org/blog/the-federal-minimum-wage-is-officially-a-poverty-wage-in-2025/>

and cuts to Medicaid would effectively reduce the real incomes of workers in the bottom 40 percent of the income distribution, while the top 1 percent of the population would benefit significantly. These cuts to social protections would be particularly harsh on communities of color and their children, who are more dependent on Medicaid than others and are at risk of increasing structural inequalities and violations of their economic and social rights.¹

Republicans have been promoting benefit cuts and stricter eligibility requirements as a way to encourage people to work. They argue that the broad benefits of Medicaid and SNAP can create dependency on government assistance and discourage people from finding work. This view ignores the hard facts, because according to the data Nearly two-thirds of Medicaid enrollees who are not elderly, and more than 85 percent of working-age adults who receive SNAP, are actually working. These statistics show that many recipients of these benefits are in difficult economic situations and unstable employment, and government assistance plays a vital role in meeting their basic living needs.²

In the area of housing, according to reliable reports, the US government's new plan to limit the period of receiving federal housing assistance to two years poses a serious threat to the shelter and housing security of about 1.4 million low-income families. A report from New York University warns that nearly 70 percent of these households

1. <https://www.epi.org/blog/the-federal-minimum-wage-is-officially-a-poverty-wage-in-2025/>

2. <https://www.epi.org/blog/the-federal-minimum-wage-is-officially-a-poverty-wage-in-2025/>

have been dependent on the Department of Housing and Urban Development (HUD) for more than two years. HUD currently serves approximately 4.9 million households through rental vouchers and public housing programs. The report argues that imposing broad time limits would lead to “significant disruption and displacement,” noting that the policy has not been widely tested and that many time-limit pilot projects have already been halted. It also detracts from HUD’s core goal of providing sustainable support to vulnerable families and could jeopardize the department’s contracts with private landlords. Critics worry that time limits on housing assistance would disrupt families’ efforts to become self-sufficient and defeat the stated goals of the limit’s proponents.¹

Housing experts predict that the policy will lead to a significant increase in homelessness, forced displacement of families, and instability in the rental market. An estimated 25 million people in the United States are already struggling with an affordable housing crisis, with more than 580,000 people reported homeless last year alone.

3. Health and Welfare Budget Cuts

The US government has enacted and implemented a bill known as the “Big Beautiful Bill” that has significantly reduced the budget allocated to government health insurance programs. This measure has put millions of American citizens at risk of losing essential insurance coverage and has serious consequences for public health, especially among vulnerable and low-income groups.

1. <https://apnews.com/article/hud-section-8-vouchers-trump-budget-cuts>

According to official estimates, the passage of the Republican domestic policy package could put nearly 11.8 million US citizens, including adults and children, at risk of losing health insurance coverage. This reduction in coverage will occur gradually over a decade and will affect a significant portion of the achievements of federal health care programs such as Medicaid, the Affordable Care Act (Obamacare), and the Children's Health Insurance Program.

The bill, designed to save the federal government nearly \$1 trillion, would slash enrollment in the programs and likely reverse the increases in health insurance coverage achieved in recent years. Nearly 78 million adults and children are currently enrolled in Medicaid, and 24 million are insured through the health insurance marketplaces under the Affordable Care Act (ACA).¹

The U.S. government has reportedly cut funding for a range of health programs at the Centers for Disease Control and Prevention. This includes programs to prevent youth violence, research to prevent gun injuries and deaths, and efforts to combat diabetes, chronic kidney disease, and tobacco use. The exact amount of funding cut is not known, but it could be as much as \$200 million. This comes after the White House said it planned to slash the US health budget by more than 25% next year, with the National Institutes of Health and the Centers for Disease Control and Prevention facing billions of dollars in cuts.²

1. <https://apnews.com/article/gop-bill-trump-medicaid-cuts-coverage-health-bb4f090d2706ffb3d5652e70f246a10e>

2. <https://www.timeslive.co.za/news/world/2025-08-04-trump-administration-blocks-cdc-health-programmes-funding-wsj/>

In addition, an internal Trump administration document outlines plans to slash the federal health care budget by nearly a third, which could result in tens of billions of dollars in cuts each year. The plan, submitted to the US Department of Health and Human Services (HHS) on April 10, 2025, proposes major cuts to health programs and agencies, including a 40% cut to the Centers for Disease Control and Prevention (CDC); the plan includes eliminating CDC programs focused on chronic disease prevention, AIDS prevention, and gun violence. In addition, the National Institutes of Health (NIH) would face a 40% cut, with its 27 research institutes reduced to just eight.¹

It is worth noting that Donald Trump's new tax idea, which was recently approved, has raised deep concerns among human rights activists, civil society and politicians. The plan, by cutting taxes by \$4.5 trillion, simultaneously reduces the budget for vital welfare programs by \$1.2 trillion. According to the Congressional Budget Office, the implementation of the law, which was passed just before the Fourth of July holiday, will put about 11 million Americans at risk of losing health insurance and deprive millions more of food assistance. Polls show that only a third of Americans are aware of the details of the plan, while the country's national debt has reached an unprecedented \$36 trillion and the bill is expected to add more than \$3.3 trillion to the national debt. These policies, health, It seriously threatens the safety and well-being of vulnerable segments of society and creates a bleak future for millions of Americans.

1. <https://edition.cnn.com/2025/04/16/politics/trump-rfk-jr-budget-cut-health>

Another example of limited access to food is the massive and unprecedented reduction in federal SNAP benefits, which were designed to help more than 40 million Americans buy their food, and is now changing the retail landscape in the United States. The new policy, the largest reduction in the program's history, has analysts predicting that about 2.4 million Americans will lose food stamps and households could lose up to \$231 a month in vital benefits. The cuts will hit low-income families and small independent stores hard, while retail giants like Walmart, which now account for 24 percent of all SNAP purchases, are set to benefit. As people's purchasing power declines, more customers are expected to turn to these stores for better prices, raising concerns about increasing market concentration and economic inequality.¹

1. <https://edition.cnn.com/2025/08/11/politics/food-stamps-work-requirements-trump-bill>

Part 2:

**United States Human Rights
Violations Abroad**

Chapter One: Support for the Zionist Regime in the Gaza Genocide

1. Arms Support for the Zionist Regime in the Gaza Genocide

The United States of America, as the largest supplier of military weapons to the Zionist Regime, has played a prominent role in strengthening the regime's defense and military capabilities over the years by providing extensive financial and military assistance. This support includes the sale and transfer of various advanced weapons, including missiles, warplanes, and sophisticated military equipment, which have directly led to an increase in the regime's military capabilities.

From a human rights perspective, this military cooperation, which includes the provision of missile defense systems such as Iron Dome, precision-guided bombs, CH-53 and Apache AH-64 heavy helicopters, 155mm artillery shells, bunker-busting bombs, and advanced armored vehicles, clearly confirms the role of the United States in perpetuating the cycle of violence and its catastrophic consequences for civilians and human rights violations in the occupied Palestinian territories. By strengthening the military power of the occupying regime, the extensive US military support practically provides the basis for the emergence and escalation of continuous violations of human rights and international humanitarian law against civilian residents.

During the Zionist regime's genocide in Gaza, US arms support has become one of the effective factors in Israel's military power and has led to the expansion of military

operations that have killed and injured thousands of Palestinian civilians. Human rights and international organizations have repeatedly warned against the Israeli regime's use of these weapons in widespread attacks on residential areas and critical infrastructure in Gaza, calling it a violation of international human rights law and international humanitarian law.

According to a report by the Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI), the United States provided about 66% of Israel's major arms imports between 2020 and 2024. This shows the important role of US arms exports in equipping the Israeli military.¹

An example of the US arms sales to the Zionist regime in 2025:

- \$8 billion arms package (January 2025):

This support package includes AIM-120C-8 air-to-air missiles, 155 mm artillery shells, AGM-114 Hellfire missiles, bombs and explosive weapons, guidance systems, and² ...

- \$7.4 billion precision munitions sale (February 2025):

Sale of 3,000 AGM-114 Hellfire missiles worth \$660 million and sales of bombs, ammunition, guidance kits, missiles and related support equipment worth a total of \$6.75 billion to the Zionist regime

- Emergency arms sale worth \$3 billion (March 2025)

- Emergency sales of nearly \$3 billion to Israel including:
Sale of 35,529 multi-purpose bombs weighing about one ton and 4,000 trench bombs

1. <https://www.sipri.org/media/press-release/2025/ukraine-worlds-biggest-arms-importer-united-states-dominance-global-arms-exports-grows>.

2. <https://www.reuters.com/business/aerospace-defense/us-plans-8-billion-arms-sale-israel-axios-reports-2025-01-04/>

- Approval of the sale of bomb guidance packages and related support worth \$510 million

In addition to the above, the long-term occupation of the Palestinian territories and the frequent conduct of military operations have provided a platform for the Zionist regime to test and optimize advanced military technologies in real battlefield conditions. These technologies include sophisticated air defense systems, advanced drones, artificial intelligence-based targeting tools, and the F-35 fifth-generation fighter jet development program, which is being implemented under the leadership and management of the United States.

After field testing, these weapons and technologies are introduced and promoted to the global market as “battle-proven” equipment. Israel currently has one of the largest defense equipment acquisition and development programs in history, a prime example of which is the F-35 fifth-generation fighter jet production program, managed by the US-based Lockheed Martin Corporation, with the participation of more than 1,650 other contractor companies.¹

2. Technological Support for the Zionist Regime in the Gaza Genocide

Large American technology companies have played a significant role in technological support for the Zionist regime. This cooperation has taken place in various areas, including cybersecurity, advanced surveillance, data

1. <https://www.ohchr.org/sites/default/files/documents/hrbodies/hrcouncil/sessions-regular/session59/advance-version/a-hrc-59-23-aev.pdf>

processing, artificial intelligence, and the development of military infrastructure. Companies such as Microsoft, Google, Amazon and Oracle have helped strengthen the regime's technical capabilities by setting up research and development centers in Israel, transferring technology and providing cloud services to the Israeli military and security institutions. This support, especially in the field of mass surveillance, population control and the development of smart military tools, has played a significant role in the continuation of Israel's repressive and occupying policies against the Palestinian people.

Palantir is helping to streamline mass murder with its artificial intelligence tool called "Lavender." Microsoft, through its Azure cloud service, and Google and Amazon, through their partnership in Project Nimbus, are providing the technological infrastructure needed by the Israeli military. This has turned 21st-century war crimes into a public-private partnership between Israel and the United States. ¹For decades, Caterpillar has been providing the Israeli military with equipment used to destroy Palestinian homes and infrastructure through the U.S. Foreign Military Financing program and through the exclusive agency granted to the Israeli military by Israeli law. In collaboration with companies such as Israel Aerospace Industries, Elbit Systems, and Leonardo's Rada Electronics Industries, the Israeli regime has developed the Caterpillar D9 bulldozer as an autonomous, remote-controlled weapon that has been used in many military operations since 2000, helping to clear

1. <https://www.aljazeera.com/opinions/2025/9/4/how-to-stop-israel-from-starving-gaza>

infiltration lines, “neutralize” areas, and kill Palestinians.¹

In addition, Microsoft has been operating in Israel since 1991 and has developed its largest center outside the United States in the country. The company’s technologies are used in institutions such as the prisons organization, the police, universities and schools - including in illegal settlements. Since 2003, Microsoft has been integrating its civilian systems and technologies into the Israeli military structure and, in this regard, has purchased Israeli startups active in the field of cybersecurity and surveillance.

3. Political Support for the Zionist Regime in the Gaza Genocide

Israel, with the support and cooperation of the United States, has committed crimes of genocide in the Gaza Strip; these actions include the blockade and mass starvation of the residents, mass killings and the physical destruction of Gaza’s vital infrastructure. In this process, Israel is responsible for the direct implementation of these measures, while the US government plays the role of financing these operations and, using its veto power in the United Nations, provides the necessary diplomatic support to continue these policies.

The United States, using its power, especially its veto power in the United Nations Security Council (UNSC), has played an active and decisive role in complicity with the Zionist regime in committing genocide against the Palestinians and has blocked even the most basic humanitarian measures. Last December, the UN General Assembly recognized the

1. <https://www.ohchr.org/sites/default/files/documents/hrbodies/hrcouncil/sessions-regular/session59/advance-version/a-hrc-59-23-aev.pdf>

Palestinians' right to self-determination with a positive vote of 172 countries, representing more than 90 percent of the world's population. In contrast, Israel and the United States have been effectively isolated diplomatically. These overwhelming majorities have repeatedly and repeatedly stated their strong opposition to the occupation and the ongoing human rights violations by the Israeli regime at international levels, on behalf of the rights of the Palestinians.

Polls show that 58% of Americans want the UN to recognize the Palestinian state, while only 33% oppose it. Also, 60% of Americans have expressed their opposition to Israel's military actions in Gaza, which indicates a significant shift in public opinion towards US policies towards Palestine.¹

In addition to the above, 19 UN special rapporteurs, along with 4 working groups and 2 independent experts of the UN Human Rights Council, have called for the immediate dissolution of the Gaza Humanitarian Fund (GHF), which was established in February 2025 by the Israeli regime with US support to ostensibly distribute aid in Gaza. These experts emphasized that the Gaza Humanitarian Fund is a deeply disturbing example of how humanitarian aid is being misused for covert military and geopolitical purposes and is a serious violation of international law. The involvement of Israeli intelligence agencies, US contractors and unidentified non-governmental organizations highlights the urgent need for international monitoring and action under the auspices of the UN. Since the establishment of the GHF, which took over responsibilities from agencies

1. <https://www.aljazeera.com/opinions/2025/9/4/how-to-stop-israel-from-starving-gaza>

such as the United Nations Relief and Works Agency for Palestine Refugees (UNRWA), Israeli forces and foreign military contractors have continued to fire indiscriminately at people in “aid distribution centers.” These catastrophic developments come at a time when more than 90 percent of Gaza’s population has been displaced and the death toll has now reached over 60,000. In recent weeks alone, the Gaza Health Ministry has reported that 180 people – including 93 children – have died from malnutrition.¹

4. Sanctions on ICC Judges

In November 2024, the International Criminal Court issued arrest warrants for Israeli Prime Minister Benjamin Netanyahu and former Defense Minister Yoav Gallant, along with a former Hamas commander, in connection with the conflict in Gaza, citing charges of war crimes and crimes against humanity. In response to the ICC’s action, on February 6, 2025, President Donald Trump issued Executive Order 14203, imposing severe sanctions on judges and officials of the International Criminal Court (ICC). The preamble to the executive order states, “I, Donald J. Trump, President of the United States, have found that the International Criminal Court (ICC), established by the Rome Statute, has engaged in illegitimate and baseless actions against the United States and our close ally, Israel. The International Criminal Court has, without any legitimate basis, exercised its jurisdiction over personnel of the United States and some of its allies, including Israel, and has further abused

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/08/un-experts-call-immediate-dismantling-gaza-humanitarian-foundation>

its power by issuing baseless arrest warrants against Israeli Prime Minister Benjamin Netanyahu and former Defense Minister Yoav Gallant. The International Criminal Court has no jurisdiction over the United States or Israel, as neither is a party to the Rome Statute or a member of the International Criminal Court. Neither has ever recognized the jurisdiction of the International Criminal Court, and both are thriving democracies with militaries that fully adhere to the laws of war. The recent actions of the International Criminal Court against Israel and the United States set a dangerous precedent and directly endanger current and former United States personnel, including active-duty members of the armed forces, by exposing them to harassment, abuse, and possible arrest. This malign behavior, in turn, threatens United States sovereignty and undermines critical national security and foreign policy actions of the United States government and our allies, including Israel¹....” The executive order continued, “The United States strongly opposes, and expects our allies to oppose, any action by the International Criminal Court against the United States, Israel, or any other United States ally that has not consented to the jurisdiction of the International Criminal Court. The United States remains committed to accountability and the peaceful establishment of an international order, but the International Criminal Court and States Parties to the Rome Statute must respect decisions by the United States and other States not to exercise the jurisdiction of

1.<https://www.whitehouse.gov/presidential-actions/2025/02/imposing-sanctions-on-the-international-criminal-court>

the International Criminal Court, consistent with their respective sovereign rights.” The United States will impose tangible and significant consequences on those responsible for violations of the ICC, some of which may include freezing property and assets, as well as suspending entry into the United States of officials, employees, and representatives of the ICC, as well as their immediate family members, because their entry into our country would be detrimental to United States interests.”

The United Nations responded to the executive order on August 20, 2025, in a news release titled “International Criminal Court: New US sanctions are a ‘blatant attack’ on judicial independence,” stating that the UN-backed court condemned the sanctions as a blatant attack on the independence of an impartial judicial institution. These measures are also an affront to the Court’s member states, the rules-based international order, and, most importantly, to the millions of innocent victims around the world. The Court reiterated that it firmly supports its personnel and the victims of unimaginable atrocities and will continue to carry out its mandate, without hesitation and in full accordance with its legal framework accepted by its Member States, and regardless of any restrictions, pressures or threats. The ICC called on Member States and all those who cherish the values of humanity and the rule of law to provide resolute and continued support for the Court and its work, which is carried out solely in the interests of victims of international crimes. The United Nations stressed the key role of the ICC in

international criminal justice and expressed concern about the imposition of further sanctions. UN spokesman Stephane Dujarric told reporters in New York that the decision would create serious obstacles to the functioning of the Office of the Prosecutor and respect for all cases currently before the Court. Judicial independence is a fundamental principle that must be respected, and such measures undermine the foundations of international justice.¹

In a statement issued on February 10, 2025, UN experts condemned the US move, calling it an attack on the rule of international law and international criminal justice. In their view, the financial constraints it will impose will undermine the International Criminal Court and its investigations into war crimes and crimes against humanity around the world, including crimes against women and children, and make a mockery of decades of efforts to put the law above force and brutality. According to the UN experts, justice must be applied equally to all, without exception. Adherence to international law is not a selective process, but a shared responsibility that strengthens, not threatens, global security, including that of the United States. Experts call for solidarity. They welcomed the support for the International Criminal Court from other UN member states and stressed the international community's recognition of the court's vital role. Finally, the experts stated: "Imposing sanctions on the Court's staff for the performance of their professional duties constitutes a clear violation of human rights and undermines the principles of judicial independence and the

1. <https://news.un.org/en/story/>

rule of law.” In the view of the UN experts, the US sanctions against the ICC constitute crimes against the administration of justice under Article 70 of the Rome Statute. Article 70 criminalizes attempting to obstruct or intimidate an official of the Court or taking revenge on an official of the Court for the performance of his or her duties.¹

5. Sanctions on the UN Human Rights Council Special Rapporteur on the situation of human rights in the occupied Palestinian territories

The United States Department of State, in a press release issued on July 9, 2025, imposed sanctions on Ms. Francesca Albanese, the “Special Rapporteur of the UN Human Rights Council on the situation of human rights in the occupied Palestinian territories since 1967.” The statement emphasized that Albanese, the UN Special Rapporteur, has been severely criticized by the United States for directly cooperating with the International Criminal Court in the prosecution of American and Israeli nationals without the consent of these countries. Among the allegations are Albanese’s recommendation to the International Criminal Court to issue arrest warrants for Israeli Prime Minister Benjamin Netanyahu and former Defense Minister Yoav Gallant, and for sending threatening letters to international companies.²

On August 8, 2025, UN experts condemned the US sanctions against the UN Special Rapporteur on human rights in the occupied Palestinian territory, Francesca

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases>

2. <https://www.state.gov/releases/office-of-the-spokesperson>

Albanese, in a statement. “We condemn unreservedly the decision by the United States to impose sanctions on the UN Special Rapporteur on human rights in the occupied Palestinian territory, and reaffirm our commitment to defending fundamental human rights principles against efforts to undermine them and to intimidate or silence those who seek to defend them. We express our full solidarity with Francesca Albanese, whose mission and reporting are essential to upholding international legal standards and accountability,” the statement said. “The sanctions imposed on the Special Rapporteur for carrying out this responsibility, as mandated by the Human Rights Council, are a direct attack on the integrity of the UN human rights system.” These actions violate international law, including the 1946 Convention on the Privileges and Immunities of the United Nations. The 1946 Convention grants UN experts privileges and immunities that are essential for the independent exercise of their functions. Violating this framework sends a dangerous message, threatens the independence of the special procedures system and has a negative impact on the global protection of human rights. States that disagree with the opinions of UN experts should engage with them constructively through established processes of diplomatic dialogue. Finally, the statement stresses that “the targeting of the Special Rapporteur cannot be separated from the grave international crimes and human rights violations committed against Palestinians and the long-standing efforts to delegitimize those who defend their rights. The

bias and threats faced by human rights defenders, whether researchers, civil society activists or UN representatives, are inextricably linked to the ongoing human rights abuses and human rights violations committed against Palestinians.” “The sanctions, whether by officials or experts, reflect a broader strategy to silence dissent and shield abusive power structures from scrutiny. We call on all countries to unequivocally condemn these sanctions and refrain from cooperating in their implementation, and to reaffirm their commitment to UN special rapporteurs, working groups and independent experts, including the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Palestinian territories occupied since 1967.”¹

6. Sanctions and Repression of Palestinian Human Rights Defenders

Continuing its approach of sanctions and repression, the US government has sanctioned several human rights organizations, including Al-Haq Group, the Palestinian Center for Human Rights (PCHR), Al-Mizan Center for Human Rights, and Al-Dameer, for their support of the International Criminal Court (ICC)’s work on the situation in the occupied Palestinian territories. These organizations are among the most authoritative sources of documentation of human rights violations in the occupied territories and have provided the ICC with important documents on Israeli attacks on civilians in Gaza. This action is a regrettable example of the ongoing repression of Palestinian human

1. <https://www.ohchr.org/en/statements/2025/08/us-sanctions-special-rapporteur-francesca-albanese-threaten-human-rights-system>

rights defenders and supporters of Palestine in the United States and elsewhere. These sanctions will make the daily operations of these human rights organizations more difficult and will negatively affect their staff, the communities they serve, and the providers they provide services to.¹

The sanctions against these organizations under Executive Order 14203 come at a time when many countries have condemned Israel's actions in Gaza, including the killing of civilians, targeting of journalists and medical workers, and the creation of famine. Experts said the sanctions were a clear violation of freedom of expression and association and part of a US effort to undermine international accountability and silence the voices of Palestinian supporters. They stressed that these organizations should be supported and funded, not punished, for their effective work in documenting war crimes. The US action in this regard is regrettable and worrying².

In response to the sanctions against these human rights organizations, the UN High Commissioner for Human Rights called the US sanctions against these Palestinian human rights groups “unacceptable” and called for their lifting following global outrage over the US action. “These NGOs have played a vital role in the field of human rights for decades, particularly in ensuring accountability for human rights violations,” the High Commissioner for Human Rights said. “This is all the more important when international

1. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2025/07/us-lift-sanctions-on-leading-palestinian-human-rights-organization/>

2. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/09/un-experts-dismayed-us-sanctions-against-palestinian-human-rights>

humanitarian and human rights law is being systematically violated in Gaza and the West Bank, including East Jerusalem,” he said. “These actions against organizations that work to promote respect for human rights are completely inconsistent with the principles of the rule of law and the values that the United States has supported and defended for many years.” He urged the United States government to immediately lift these sanctions, as well as previous sanctions against the UN Special Rapporteur on the situation of human rights in the Palestinian territories occupied since 1967, as well as sanctions against certain judges and prosecutors of the International Criminal Court.¹

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/09/turk-calls-us-withdraw-sanctions-against-palestinian-rights-groups>

Chapter Two: Cross-border military operations and civilian casualties

Attack on Iranian Nuclear Facilities

On June 22, 2025, the United States, under the direct order of Donald Trump, launched a military attack on the Fordow nuclear facility, as well as two other facilities in Natanz and Isfahan.

The US attack on Iranian nuclear facilities is not only a clear violation of international law and the national sovereignty of the Islamic Republic of Iran, but also a clear example of human rights violations. The United States, which has the world's largest nuclear arsenal and is the only country to have used nuclear weapons for mass destruction, today allows itself to bomb the peaceful facilities of a country that is a member of the NPT and is under the supervision of the International Atomic Energy Agency; and this is in a situation where Iran has repeatedly and explicitly declared that its use of nuclear technology is peaceful and no evidence has been provided indicating deviations in its nuclear program.

This attack not only violated the UN Charter and the fundamental principles of international law, but also endangered the lives of thousands of technical, scientific and civilian personnel and dealt a serious blow to the inalienable and legitimate right of the Iranian people to achieve development and progress; a right that is recognized based on the fundamental principles of international law, the UN Charter and Iran's international obligations within the framework of the NPT treaty, and this aggressive act has

clearly violated it. The United States, with all its brazenness, considers this crime a “successful act in maintaining peace”; while it itself is the greatest threat to global peace.

Cooperation with the Israeli regime in military aggression against Iran

Despite the existence of numerous international laws and regulations preventing countries from aggression and war against each other, the Israeli regime illegally attacked Iran on June 13, 2025. This imposed war lasted 12 days. This cruel war caused numerous losses, in such a way that during this war, many Iranian citizens were martyred, among whom were a number of high-ranking military officials, scientists and university professors, women, children and ordinary people. In addition to the casualties, this cruel invasion damaged a significant number of military and civilian infrastructures and residential areas in Iran.

The direct participation and intervention of the United States of America in the military aggression of the Zionist regime against Iran, which took place from June 13 to 24, 2025, is considered one of the most serious violations of international humanitarian law and human rights principles since the establishment of the legal order after World War II.

During the 12-day aggression of the Zionist regime, with the cooperation of the United States, the nuclear infrastructure of the Islamic Republic of Iran, and peaceful nuclear sites including Natanz, Fordow, Arak Heavy Water and Isfahan, were directly targeted by attacks. These actions, given the sensitivity and potential risk of radioactive material leakage,

pose a serious and unprecedented threat to the health of the Iranian people and the environmental security of the region.

In addition, these attacks are a clear violation of the right to health and even the right to life of the Iranian people. The possible leakage of radioactive and toxic materials resulting from these attacks could severely contaminate public health, water resources, air and soil, and pose numerous risks to vulnerable groups such as children, the elderly and the sick.

The commitment of states to prevent transboundary risks from environmental and radioactive pollution is recognized as internationally binding obligations in the Stockholm Principles of 1972, Rio of 1992 and the Advisory Opinion of the International Court of Justice in 2025. Failure to comply with these obligations during these attacks could result in extensive international responsibility for the Zionist regime and its collaborators.

Targeting Civilians Under the Pretext of Fighting Terrorism

The United States, continuing its transnational actions, attacked several Venezuelan boats, which was met with a strong reaction from human rights experts; they considered these attacks to be a clear violation of the right to life and international law and called for an independent investigation and accountability of the relevant authorities. UN human rights experts have warned that the deadly attacks by the United States in the context of the “war on narcoterrorism”, including the recent attack on a suspected vessel, violate the fundamental right to life. The experts stressed that the use of lethal force without respect for the

principles of international and human rights law, including the requirements of transparency, accountability, and assessment of the legitimacy of the target, may amount to extrajudicial executions. They called for an independent, transparent and impartial investigation into the attack and warned against the proliferation of military practices lacking legal oversight.

The United Nations human rights experts described the deadly US attack on two civilian boats in the Caribbean in September 2025, which killed 14 people, as an extrajudicial execution and a serious violation of international law. They stressed that international law does not permit the targeted killing of suspected drug traffickers and that criminal proceedings must be pursued through legal channels and in accordance with the rule of law. According to the experts, the use of lethal force in international waters is permissible only in situations of self-defense or defense of others against an immediate threat to life. The attacks also violated the international law of the sea and the UN Charter and may constitute a violation of state sovereignty and an unlawful use of force. They called on the United States to withdraw from its illegal war on “narcoterrorism,” prosecute the perpetrators, and compensate the families of the victims. The United States has previously accused the Tran de Aragua of carrying out an “invasion” or “predatory invasion” of the United States, at the behest of the Venezuelan government. “There is no evidence that this group is carrying out an armed attack against the United States that would authorize

the United States to use military force against it in national defense,” the experts said.¹

In addition, the UN Human Rights Committee expressed deep concern about the use of armed drones by the United States in transnational counterterrorism operations to carry out targeted killings. The committee was particularly concerned about the lack of transparency in the legal criteria and policies governing drone strikes, the possibility that these criteria could be changed based on secret plans, and the lack of accountability for civilian casualties and serious harm².

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/09/us-war-narco-terrorists-violates-right-life-warn-un-experts-after-deadly>

2. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

Chapter Three: Unilateral Coercive Measures Imposing Comprehensive Sanctions on Iran

The comprehensive sanctions imposed by the United States against Iran, beyond a tool of political pressure, act as a systematic and widespread violation of the rights of the Iranian people. These sanctions, which have affected the economic, financial and banking sectors, international trade, medicine and healthcare, and many other aspects of the lives of the Iranian people, have severely reduced national income and increased inflation and unemployment in the country, and have violated the right to livelihood, welfare and development of millions of Iranian citizens. The impact of these restrictions on food security and access to basic goods and medicine has had a negative impact and is clearly in conflict with the principles of international law and human rights standards.

The most recent report published by the United States Congress on the subject of US sanctions against Iran on August 19, 2025, also emphasizes the negative effects of these sanctions on the economy and livelihoods of Iranians. The report states that since the Iranian Revolution in 1979, the United States has used various types of sanctions as key policy instruments against the Iranian government. Economic sanctions, as one of the main tools of US foreign policy towards Iran, have played a prominent and decisive role. Since the imposition of broad sanctions against Iran, these measures have had a profound impact not only on the country's economy, but also on the daily lives of citizens, international relations, and Iran's development prospects.

Regarding the nature of the sanctions imposed by the United States against Iran, the report states that “primary sanctions impose restrictions on those behaviors and individuals directly involved, and secondary sanctions seek to deter third parties from engaging with the primary targets. Primary and secondary sanctions may include freezing assets located in the United States, prohibiting transactions with U.S. persons, restricting the use of U.S. financial instruments, preventing entry into the United States, and prosecuting violations and evasion of sanctions. U.S. sanctions on Iran are probably the broadest and most comprehensive set of sanctions that the United States has imposed on any country. Thousands of individuals (Iranian and non-Iranian) have been designated for their ties to Iran.

U.S. law authorizes sanctions that target: Iran’s energy sector, including foreign companies that invest in it and entities that buy, sell, or transport Iranian oil; Iran’s financial sector, including its Central Bank; Additional sectors of the Iranian economy, including transportation, construction, mining, textiles, automotive, and manufacturing, as well as entities that transact with or otherwise support these sectors; and many components of the Iranian government, including entities that transact with or otherwise support them.

This report only lists the sanctions imposed by the United States in 2025, as officially announced by the State Department on August 21, 2025, which alone includes 19 sanctions, as follows:

* February 24, 2025: Sanctions on entities involved in the Iranian oil trade.

* February 24, 2025: Sanctions on the Iranian oil trade to restore maximum pressure.

* March 13, 2025: Sanctions on the Iranian Minister of Oil and the Shadow Fleet to apply maximum pressure.

* March 13, 2025: Sanctions on service providers that facilitate Iran's crude oil trade.

* March 20, 2025: Sanctions on additional entities that have been involved in Iran's oil trade.

* April 10, 2025: Sanctions on Iran's oil network to further apply maximum pressure.

* April 16, 2025: Sanctions on a Chinese refinery (Teapot) to increase pressure on Iran.

* April 22, 2025: Sanctions on a liquefied petroleum gas (LPG) transportation network to increase pressure on Iran.

* April 30, 2025: Imposition of maximum pressure sanctions on illegal traders of Iranian oil and petrochemical products.

* May 8, 2025: Sanctions on a third Chinese refinery (Teapot) for violating Iran sanctions.

* July 3, 2025: Targeting various networks that facilitate Iran's oil trade.

* July 30, 2025: Sanctions on facilitators of Iran's oil and petrochemical trade.

* August 21, 2025: Sanctions on Iran's oil network to apply further maximum pressure.

The sanctions mentioned above, as imposed in 2025, are just a few of the hundreds of sanctions that the United States has imposed on the Islamic Republic of Iran since the beginning of the Islamic Revolution. The United States' unilateral sanctions on the Islamic Republic of Iran have had a devastating and widespread impact on the fundamental rights of Iranian citizens. These sanctions have systematically targeted vital sectors of the country, including the energy, banking, and trade sectors, directly limiting people's access to medicine, medical equipment, food, and other essential necessities of life. From the perspective of international law, these measures are considered a gross violation of Article 25 of the Universal Declaration of Human Rights (the right to an adequate standard of living, including food, housing, medical care and essential services) and the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, which in turn, reduces national income, increases inflation and unemployment, and deprives Iranians of health services. These sanctions not only cause humanitarian crises in the areas of health and food security, but also violate the right of the Islamic Republic of Iran to develop and progress economically and socially. The negative effects of these oppressive sanctions, including restrictions on access to technology, foreign investment, and global markets, have hindered sustainable growth and improved living standards in Iran, and the long-term effects of these policies on the most vulnerable groups in society, including children, the sick, and the elderly, are undeniable. Such measures

not only lack legal legitimacy, but also clearly contradict humanitarian principles and international obligations to prevent civilian suffering.

Sanctions against other countries

Economic and financial sanctions are a key tool in US foreign policy to influence the behavior of foreign governments. This tool, beyond the restrictions imposed on the Islamic Republic of Iran, has also targeted a wide range of countries, including Russia, North Korea, Venezuela, and ...

The United States Office of Foreign Assets Control (OFAC), which is responsible for implementing a variety of sanctions programs, pursues US foreign policy and national security objectives. These sanctions can be comprehensive or selective and are implemented through asset freezes and trade restrictions. The Office of Foreign Assets Control manages numerous sanctions programs worldwide, including sanctions related to Russia, Iran, North Korea, Cuba, counternarcotics, and cyberspace sanctions. Also, sanctions related to Venezuela are among the important programs of this office. These actions are a powerful tool for America to exert influence internationally.

Chapter 4: Withdrawal from International Organizations

Withdrawal from the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

On July 22, 2025, the United States officially withdrew from the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO). In a press release from the United States Department of State, the reason for the United States' withdrawal from the organization was stated as follows: "UNESCO strives to advance divisive social and cultural goals, and its excessive focus on the UN Sustainable Development Goals, a global and ideological agenda for international development, is at odds with our 'America First' foreign policy. UNESCO's decision to admit the 'State of Palestine' as a member state has been a problematic move, contrary to U.S. policy, and a factor in the spread of anti-Israel discourse within the organization." "From now on, US participation in international organizations will be focused on the explicit and decisive advancement of US interests." ¹Overall, the US withdrawal from UNESCO can be interpreted in the context of the country's all-out support for the policies of the Zionist regime. This US action reflects an approach in which Washington opposes international actions that are contrary to Israel's interests and has effectively turned itself into a strategic partner of this regime in committing war crimes against the Palestinians.

1. <https://www.state.gov/releases/office-of-the-spokesperson/2025/07/the-united-states-withdraws-from-the-united-nations-educational-scientific-and-cultural-organization-unESCO>

The Director-General of the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO), Audrey Azoulay, expressed regret over the decision in a statement the day after the US withdrawal, stating the consequences of the decision as follows: “This decision contradicts the fundamental principles of multilateralism and may primarily affect many of our partners in the United States (communities seeking World Heritage inscription, Creative City status and university chairs)... The reasons given by the United States for withdrawing from the organization are the same as those given seven years ago, although the situation has changed profoundly, political tensions have subsided and UNESCO today is a rare forum for consensus on concrete and action-oriented multilateralism. ... UNESCO will continue to carry out these missions despite the inevitable reduction in resources¹.” The United States’ withdrawal from international institutions, including UNESCO, in turn, reflects the instrumental approach of the United States towards international institutions, in which the country continues to cooperate with these institutions only as long as they serve its interests, and resorts to withdrawal or threats of cutting off financial assistance if they adopt independent or critical positions.

Withdrawing from the World Health Organization

On January 20, 2025, President Donald Trump issued an executive order to withdraw the United States from the World Health Organization.²

1.<https://www.state.gov/releases/office-of-the-spokesperson/2025/07/the-united-states-withdraws-from-the-united-nations-educational-scientific-and-cultural-organization-unesco>

2.<https://www.whitehouse.gov/presidential-actions/2025/01/withdrawing-the-united-states-from-the-worldhealth-organization/> (accessed on 3 August 2025)

According to a news report by the World Federation of Public Health Associations, the U.S. government's decision to sever ties with the World Health Organization (WHO) has broad implications for public health in the United States and around the world. The U.S. withdrawal from the WHO would jeopardize critical health initiatives, undermine international cooperation, and undermine efforts to address pressing global challenges. Given that the United States has historically been the largest contributor to the WHO, providing 15 percent of its budget, this action would create a significant funding gap that would affect the organization's programs worldwide. The U.S. withdrawal from the WHO would also have knock-on effects. For example, NGOs that provide life-saving AIDS drugs in several African countries are now forced to ration resources due to funding shortages. In sub-Saharan Africa, where 67 percent of people living with AIDS live, this could reverse decades of progress in the fight against the epidemic.¹

Withdrawing from the UN Human Rights Council

On February 4, 2025, President Donald Trump withdrew from the UN Human Rights Council by issuing an executive order titled "Withdrawing the United States from and Ending Funding of Certain United Nations Organizations and Reviewing United States Support for All International Organizations." In the order, Trump explains his reasoning for this decision as follows: "The UN Human Rights Council has protected human rights violators by allowing them to use the organization to shield themselves from scrutiny..."

1. <https://www.wfpha.org/us-withdrawl-from-who/>

Donald Trump's executive order withdrawing the United States from the UN Human Rights Council is not only a step backward in upholding universal human rights values, but also represents the country's attempt to evade accountability for human rights violations at home and abroad. This decision comes at a time when the United States has widely demonstrated its unconditional support for the Zionist regime in recent years, especially with Israel's crimes in Gaza, and has repeatedly abused international mechanisms to prevent the regime from being held accountable.

The argument put forward in this order – that the Human Rights Council has become a haven for human rights violators – is more of an attempt to project and ignore the harsh realities of the United States' domestic and international behavior. What Trump calls the "council's failure" is in fact a response to increasing international pressure and criticism of the discriminatory, violent, and sometimes deadly practices of US domestic institutions, especially against blacks, immigrants, indigenous peoples, and other racial and religious minorities.

It is worth noting that the United States, in a move that contradicts the requirements of cooperation with international human rights mechanisms, announced in an official letter to the UN Human Rights Council that it would refuse to submit its national report within the framework of the Universal Periodic Review (UPR) mechanism.

The withdrawal from the Human Rights Council not only demonstrates the US's unwillingness to improve

its performance, but also its structural disregard for international human rights principles and rules. This action effectively reduces transparency, cuts off cooperation with monitoring bodies, and strengthens the ground for the continuation and escalation of human rights violations within the US.

Cutting off US funding

On February 4, 2025, US President Donald Trump issued an executive order titled “Withdrawing the United States and Ending Funding for Certain United Nations Organizations and Reviewing United States Support for All International Organizations,” cutting off funding to the United Nations Relief and Works Agency for Palestine Refugees in the Near East (UNRWA). In the order, Trump explains his reasoning for this decision as follows: “UNRWA has reportedly been infiltrated by members of groups long designated by the Secretary of State as Foreign Terrorist Organizations, and UNRWA employees were involved in the Hamas attack on Israel on October 7, 2023¹...”

Donald Trump’s recent executive order of February 4, 2025, to completely cut off U.S. funding to the United Nations Relief and Works Agency for Palestine Refugees (UNRWA), is not only a violation of basic human rights and international humanitarian law, but also a clear demonstration of Washington’s structured and systematic support for the crimes of the Zionist regime against the

1. <https://www.whitehouse.gov/presidential-actions/2025/02/withdrawing-the-united-states-from-and-ending-funding-to-certain-united-nations-organizations-and-reviewing-united-states-support-to-all-international-organizations>

oppressed Palestinian people. This action comes at a time when millions of Palestinian refugees depend on UNRWA services to meet their basic needs, including food, education, health, and shelter. Cutting off this aid amounts to the deliberate deprivation of a suffering people of their basic human rights and is clearly at odds with the humanitarian goals that the United States claims to have. As more than 30 independent UN experts pointed out in a letter to the United States earlier this year, US decisions to suspend foreign aid “are characterized by a lack of transparency and clarity, a lack of consultation, in particular with domestic civil society organizations and other affected communities... and seemingly arbitrary and broad-based measures that are not based on a comprehensive approach.”

The measures taken by the US authorities “profoundly affect the exercise of freedom of association and other rights” and could easily lead to the dissolution of a wide range of civil society organizations, thereby reducing the civic space in several countries, according to the independent experts.

Since the US President signed Executive Order 14169 on 20 January 2025, which suspended foreign aid until the end of the review, nearly 100 people have lost their lives almost every hour. The experts called for an immediate response in a letter to the US government. Estimates indicate that more than 350,000 people have died as a result of the aid cuts, more than 200,000 of whom are children. The US government’s regrettable decision to suspend foreign aid is a humanitarian emergency, not simply a policy change, they

said. New figures presented to experts show the devastating impact of the US aid freeze and cuts to UN agencies. The UN Population Fund (UNFPA) estimates that at least 32 million people will lose access to sexual and reproductive health services. The UN High Commissioner for Refugees (UNHCR) said that 12.8 million displaced people could lose vital health services, and the International Organization for Migration said 10 million people could be denied emergency assistance.

According to the report of the Special Rapporteur on peaceful assembly, the unprecedented reduction in international aid is throwing the global architecture of human rights and development into deep uncertainty, posing an existential threat to the entire ecosystem of civil space, jeopardizing decades of gains, jeopardizing human rights and humanitarian efforts, putting millions of people dependent on humanitarian needs at risk and leading to millions of preventable deaths.

The global aid crisis has intensified after the United States arbitrarily and abruptly blocked or cut off foreign aid and dissolved the United States Agency for International Development (and more recently, the Office of Democracy, Human Rights, and Labor) following several executive orders issued by the President effective January 2025¹. By fueling the stigmatization of foreign aid to justify its cuts, the US government has fueled a campaign of sabotage against aid providers, aid workers and agencies, and aid recipients,

1. Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, A/80/219

including civil society organizations around the world. This has empowered and emboldened actors that threaten civil society. As a result, civil society organizations have been targeted by legal restrictions, criminalization, and intrusive investigations, and have faced an erosion of public trust. This is often supported by government and media narratives that portray NGOs and human rights activists as “foreign agents,” “criminals,” or “security threats.” Unfounded accusations by the US government and senior politicians linking foreign aid to money laundering and terrorist financing have led to civil society activists being subjected to threats, investigations and widespread surveillance.¹

The world risks more than 4 million deaths and 6 million new infections by 2029 if the US cuts off \$4 billion in aid to fight HIV, the United Nations said in a shocking report. PEPFAR, which has played a vital role in saving more than 20 million lives over the past few years, has been abruptly halted after the US president ordered a halt to foreign aid. The program provided 99.9 percent of HIV prevention drugs in countries like Nigeria. The consequences of this decision are already being felt in vulnerable parts of the world. Clinics in Africa and Asia, where the number of HIV cases is highest, are closing, leaving thousands of patients without access to treatment. The head of the United Nations AIDS Programme (UNAIDS) expressed deep concern about the situation, saying: “While we were close to ending the AIDS crisis with the help of new drugs like Sanelka, the United

1. Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, A/80/219

States is sadly withdrawing from this global fight.”

Global surveys on the impact of the suspension of US development assistance have consistently shown that organizations that were previously funded directly or indirectly by the United States Agency for International Development (USAID) are now struggling to survive, with their programs widely disrupted. These organizations report that they have very limited funding to continue their activities and are at risk of permanent closure. Many have been forced to immediately cease operations, lay off staff (in some cases, more than 80 percent of NGO staff have been affected), and significantly scale back their operations, depriving local communities of vital and life-saving services. National and local NGOs, especially those operating in restricted civic spaces and conflict zones, have been hit hardest¹.

According to a survey conducted on February 18, 2025, the U.S. government owes NGOs millions of dollars, which has had a direct impact on their liquidity and financial strength. 55 percent of NGOs reported that this had a negative impact on their human resources, 67 percent said they had either reduced or effectively reduced their critical services, and 67 percent said they had have stopped; this has affected millions of individuals and vulnerable communities. A key finding of the survey was that the gains made over the past decade in terms of accountability, coordination

1. Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, A/80/219

and efficiency are being eroded. The findings highlight the severe and systemic consequences of the abrupt suspension of US aid, which has affected not only NGOs but also the lives of millions of people around the world.

The situation has worsened as multilateral mechanisms face deliberate budget cuts and systematic underfunding. The United Nations is facing unprecedented budget cuts as countries have failed to pay their 2025 dues and have repeatedly defaulted on payments. The United States, the largest debtor, has refused to pay its financial contributions to the UN, which has had a significant negative impact on the functioning and financial sustainability of the international body.

A survey of civil society organizations active in the fight against corruption, conducted by the Civil Society Friends of the United Nations Convention against Corruption Coalition in the first quarter of 2025, found that the sudden halt in funding by the United States had significant and immediate impacts on NGOs active in the fight against corruption.¹

1. Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, A/80/219

Conclusion

A comprehensive review of the United States' human rights record, both domestically and internationally, reveals that its claims to defend human rights face serious challenges from the perspective of international law and universal human rights principles. Ample evidence suggests that the United States has systematically and consistently adopted a dual, instrumental, and selective approach to human rights concepts and mechanisms, using them as a political and geopolitical tool to further its national and hegemonic interests.

Domestically, widespread and documented human rights violations, including structural racial inequality, systematic police violence against minorities, violations of the rights of immigrants, prisoners, women, children, indigenous peoples, and disadvantaged groups, and restrictions on fundamental freedoms, including freedom of expression and the right to peaceful assembly, all reflect the dire state of human rights observance within the country. Many of these cases are confirmed by reports from international human rights institutions, including the UN Human Rights Council, UN Special Rapporteurs, etc.

At the international level, military interventions, the imposition of unilateral sanctions and destabilizing measures in independent countries, and unconditional support for the Israeli regime in committing gross human rights violations against the Palestinian people, especially in Gaza, indicate that the United States exploits human

rights mechanisms only when it serves its political and strategic interests. This approach not only contradicts the fundamental principles of the UN Charter, the Universal Declaration of Human Rights, the International Covenants on Civil and Political Rights, and Economic, Social and Cultural Rights, but also undermines the credibility and functioning of international institutions.



République islamique d'Iran
Ministère des Affaires étrangères

Rapport annuel **Violations des droits de l'homme** **par les États-Unis d'Amérique**

Septembre 2024 – Septembre 2025

**Vice-ministère des affaires
juridiques et internationales**

**Au nom de Dieu, le Tout
Miséricordieux, le Très Miséricordieux**

Rapport annuel

Violations des droits de l'homme par les États-Unis d'Amérique

République islamique d'Iran

Ministère des Affaires étrangères

Vice-ministère des affaires juridiques et internationales

Septembre 2024 – Septembre 2025

En vertu de la note 3 de la loi intitulée « Divulgence des violations des droits de l'homme par les États-Unis et le Royaume-Uni dans le monde d'aujourd'hui », adoptée le 23 avril 2012 par l'Assemblée consultative islamique (Majlis-e Shourâ-ye Eslâmi), le ministère des Affaires étrangères est tenu de préparer un rapport annuel sur les violations des droits de l'homme aux États-Unis d'Amérique et de le publier le 4 novembre (13 Âbân).

Table des matières

ssage du Dr. Kazem Gharibabadi, Vice-ministre des Affaires juridiques et internationales	5
Résumé	7
Partie I : Violations des droits de l'homme au niveau national	9
Chapitre I : Droit à la vie, à la liberté et à la sécurité individuelle	11
1. Violence armée	11
2. Fusillades de masse	12
3. Violence policière	13
4. Déploiement de la Garde nationale	16
5. Peine de mort	19
Chapitre II : Situation des prisons et des centres de détention	20
1. Conditions inhumaines de détention	20
2. Détention préventive	22
3. Recours à l'isolement cellulaire	24
4. Prison de Guantanamo	26
Chapitre III : Liberté d'expression et de réunion pacifique	30
Atteintes à la liberté d'expression	30
Exemples représentatifs de ciblage des étudiants	31
Répression des rassemblements pacifiques	35
Restrictions imposées aux médias	38
Chapitre IV : Discrimination et racisme structurel	40
1. Discrimination et fracture économique	40
2. discrimination et à la fracture judiciaire	44
3. Augmentation des crimes motivés par la haine	46
4. Discrimination et droits des peuples autochtones	48
Chapitre V : Droits des migrants et des demandeurs d'asile	52
1. Militarisation de la politique migratoire	52
2. Conditions inhumaines dans les centres de détention pour migrants	57
3. Expulsions forcées vers des pays tiers	59
4. Détention et violation des droits des immigrants iraniens résidant aux États-Unis	64
Chapitre VI : Droits des femmes	66
1. Violences sexistes et sexuelles	66
2. Violences domestiques	67

3. Inégalités économiques entre les femmes et les hommes	69
Chapitre VII : Droits de l'enfant	71
1. Impact des politiques migratoires sur les enfants	71
2. Détention des enfants dans les centres frontaliers	71
3. Fusillades dans les établissements scolaires	72
4. Travail dissimulé des enfants	73
5. Discrimination raciale à l'égard des enfants	73
6. Poursuites pénales contre les enfants	74
Chapitre VIII : Inégalités et répartition injuste de la richesse	76
Fracture économique structurelle	76
La crise de la pauvreté et du sans-abrisme	77
Réduction du budget de la santé et des aides sociales	81
Partie II : Violations des droits de l'homme au niveau international	87
Chapitre I : Soutien militaire des États-Unis à Israël dans le cadre du conflit à Gaza	89
Soutien militaire au régime sioniste dans le génocide à Gaza	89
2. Soutien technologique au régime sioniste dans le génocide à Gaza	92
3. Soutien politique au régime sioniste dans le génocide à Gaza	94
Sanctions contre les juges de la Cour pénale internationale	96
Chapitre II : Opérations militaires transfrontalières et pertes civiles	106
1. Attaque contre les installations nucléaires iraniennes	106
Coopération avec le régime israélien dans l'agression militaire contre l'Iran	107
Ciblage des civils sous prétexte de lutte contre le terrorisme	108
Chapitre III : Mesures coercitives unilatérales	111
Imposition de sanctions globales contre l'Iran	111
2. Imposition de sanctions contre d'autres pays	115
Chapitre 4 : Retrait des organisations internationales	117
Retrait de l'Organisation des Nations Unies pour l'éducation, la science et la culture (UNESCO)	117
Retrait de l'Organisation mondiale de la Santé	119
Retrait du Conseil des droits de l'homme des Nations Unies	120
Arrêt de l'aide financière des États-Unis d'Amérique	122
Conclusion	129

ssage du Dr. Kazem Gharibabadi, Vice-ministre des Affaires juridiques et internationales

De nos jours, le détournement des débats sur les droits de l'homme hors du domaine humanitaire et leur transformation en un instrument de pouvoir et de pression dans le cadre des relations entre États, est l'une des menaces les plus sérieuses auxquelles les droits de l'homme sont confrontés, et pourrait faire dévier ce phénomène humain de sa trajectoire naturelle et institutionnalisée habituelle.

L'histoire des pays occidentaux, y compris le Royaume-Uni, qui se présentent comme les champions de la défense des fondements et des principes des droits de l'homme dans le monde et qui les utilisent constamment comme prétexte et instrument de pression pour s'ingérer et faire des commentaires sur la situation dans d'autres pays, témoigne d'une lecture erronée de ces droits de l'homme par ces pays. Compte tenu de ces réalités, le Guide Suprême a toujours insisté sur la nécessité de dénoncer les violations des droits de l'homme commises par les pays qui se présentent sous le couvert de la défense des droits de l'homme et qui créent les conditions d'une ingérence dans les affaires intérieures d'autres pays. Dans l'intervalle, les preuves et les indices témoignent également d'une tendance

croissante à l'implication directe et indirecte des autorités et des responsables britanniques dans des violations flagrantes et répétées des droits de l'homme à l'intérieur et au-delà des frontières de ce pays.

Dans le présent rapport, un effort a été fait pour examiner et analyser une partie de ces cas de violation, notamment dans des domaines tels que les femmes, les migrants et le racisme institutionnalisé au Royaume-Uni, de septembre 2024 à septembre 2025, en se basant sur les derniers rapports officiels émanant de nombreuses organisations et institutions de défense des droits de l'homme relevant de l'Organisation des Nations Unies, ainsi que sur des sources internationales fiables et accessibles. Il est évident que le contenu de ce rapport ne couvre pas tous les sujets et cas de violation des droits de l'homme par le gouvernement britannique, et que l'on s'est uniquement efforcé de mentionner les cas les plus probants et les plus saillants.

Résumé

La revendication des États-Unis en matière de défense des droits de l'homme, bien qu'elle constitue l'un des slogans centraux de leur politique étrangère sur la scène internationale, ne repose en pratique sur aucun fondement réel et ne correspond pas aux normes universelles des droits de l'homme. Non seulement la situation intérieure des droits de l'homme aux États-Unis est confrontée à de nombreux défis et violations, mais l'action de ce pays à l'échelle internationale témoigne également d'une utilisation instrumentale et sélective du concept de droits de l'homme.

Les stratégies interventionnistes et militaristes des États-Unis, souvent accompagnées de recours à la force et de pressions politiques et économiques, notamment à l'encontre des États indépendants, illustrent une exploitation des droits de l'homme au service d'intérêts géopolitiques et économiques. Les ingérences répétées dans les affaires internes d'autres gouvernements, la déstabilisation des structures étatiques, ainsi que le soutien à des actions violant les droits de l'homme dans diverses régions du monde, sont autant d'éléments qui remettent en cause la crédibilité des revendications américaines en matière de droits de l'homme.

Au cours de la période couverte par le présent rapport, les actions contraires aux droits de l'homme menées par les États-Unis, tant sur le plan national qu'international, ainsi que leur posture hypocrite dans leur prétention à diriger la cause des droits de l'homme à l'échelle mondiale, se sont poursuivies de manière manifeste.

Sur le territoire américain, les violations des droits de l'homme se sont intensifiées, notamment à travers : la montée

de la violence armée ; le recours illégal à la force par la police contre les minorités ; la discrimination ciblée à l'encontre des Afro-Américains par les forces de l'ordre et le système judiciaire ; la pauvreté, le sans-abrisme et les inégalités ; les traitements violents infligés aux détenus ; les violences faites aux femmes ; la militarisation des politiques migratoires ; les atteintes aux droits des enfants et des populations autochtones ; la discrimination raciale ; ainsi que la répression de la liberté d'expression et des rassemblements pacifiques.

Sur le plan international, les États-Unis ont utilisé de manière instrumentale les concepts des droits de l'homme comme prétexte à leurs interventions, en affichant une complicité manifeste avec le régime sioniste dans la violation systématique des droits des Palestiniens et dans le génocide perpétré à Gaza. Ces violations incluent un soutien politique et militaire inconditionnel aux opérations du régime israélien dans la bande de Gaza.

La politique de non-respect des cadres et normes internationales en matière de droits de l'homme s'est révélée de manière explicite avec l'annonce officielle du retrait des États-Unis du Conseil des droits de l'homme. Ce retrait traduit non seulement une volonté d'échapper à la surveillance des mécanismes internationaux sur la situation des droits de l'homme dans ce pays, mais semble également viser à affaiblir la crédibilité et l'efficacité des institutions internationales de défense des droits de l'homme. Cela témoigne de la persistance de politiques hostiles, unilatérales et contraires aux principes des droits de l'homme de ce pays.

Partie I :

**Violations des droits de l'homme au
niveau national**

Chapitre I : Droit à la vie, à la liberté et à la sécurité individuelle

1. Violence armée

La violence armée aux États-Unis demeure l'une des menaces les plus graves contre le droit à la vie, à la liberté et à la sécurité individuelle. Malgré ses engagements internationaux, le pays n'a pas réussi à contrôler efficacement ce phénomène, entraînant une hausse continue des décès évitables. Alors que les autorités américaines invoquent le deuxième amendement et le droit à la possession d'armes, la prolifération incontrôlée des armes à feu — notamment des armes semi-automatiques — entre en contradiction directe avec l'obligation de protéger le droit fondamental à la vie.

Selon les données disponibles, il y aurait 120 armes à feu pour 100 habitants aux États-Unis, ce qui en fait le seul pays au monde où le nombre d'armes dépasse celui de la population. Les jeunes sont particulièrement touchés par les conséquences physiques et psychologiques de cette crise.

Les experts estiment que l'accès facile aux armes joue un rôle majeur dans le taux élevé de suicides : près de 90 % des suicides par arme à feu sont mortels. Les rapports des organisations de défense des droits de l'homme indiquent que le suicide constitue l'une des crises croissantes aux États-Unis, et que les armes à feu aggravent cette crise.¹

Durant la période couverte par le rapport, les États-Unis ont été confrontés à des statistiques préoccupantes concernant les violences liées aux armes à feu :²

1. <https://publichealth.jhu.edu/2025/new-report-highlights-us-2023-gun-deaths-suicide-by-firearm-at-record-levels-for-third-straight-year>

2. <https://www.gunviolencearchive.org/>

- * Décès liés aux armes à feu (homicides, suicides, usage défensif) : 11 197 morts

- * Blessés : 19 867

- * Fusillades de masse : 315 incidents

- * Meurtres collectifs : 10 cas

- * Meurtres-suicides : 480 cas

- * Usage défensif d'armes : 858 cas

- * Tirs accidentels : 980 cas

2. Fusillades de masse

Les fusillades de masse constituent l'un des défis majeurs en matière de droits de l'homme et de sécurité publique aux États-Unis en 2025. Selon les données actualisées de l'Archive de la violence armée (Gun Violence Archive – GVA)¹, 315 fusillades de masse ont été enregistrées durant la période couverte par le présent rapport.

Parmi les événements marquants de cette période, on peut citer la fusillade survenue dans un immeuble de bureaux à Manhattan le 28 juillet 2025, qui a entraîné la mort de quatre personnes.² Par ailleurs, lors du week-end de juillet 2025 coïncidant avec la fête de l'indépendance des États-Unis, la ville de Chicago a été le théâtre de plusieurs fusillades ayant fait au moins 55 blessés et 8 morts. Dans un autre incident, survenu une heure avant le début officiel des festivités, une fusillade de masse dans le quartier de River North a causé la mort de 4 personnes et blessé 18 autres.³ Une fusillade dans un centre commercial situé à Indianapolis, au mois de juin, a

1. Gun Violence Archive

2. <https://www.foxnews.com/us/chicago-bloody-july-fourth-weekend-leaves-55-shot-6-dead-report>

3. *ibid*

également fait 7 morts et 9 blessés.¹ Et à Houston, au moins une personne a été tuée et quinze autres ont été blessées, selon les rapports disponibles.²

La ville de Washington D.C. se trouve dans une situation critique en raison de son taux élevé de fusillades (six incidents recensés au total, soit environ un pour 100 000 habitants). L'augmentation des violences dans les établissements scolaires a suscité de vives inquiétudes parmi le personnel éducatif, plus de 20 % des enseignants ayant déclaré envisager de quitter leur poste pour des raisons de sécurité. Cette situation a conduit à l'émergence de mouvements actifs d'élèves et d'enseignants visant à renforcer la sécurité dans les écoles.³

3. Violence policière

La violence policière constitue un problème structurel et profond dans la réalisation des droits de l'homme aux États-Unis, en particulier le droit à la vie, à la liberté et à la sécurité personnelle. Les schémas récurrents de recours excessif et létal à la force, notamment dans les communautés racisées et marginalisées, reflètent un système de discrimination raciale institutionnalisée et une défaillance fondamentale du système de justice pénale. Cette situation a entraîné une forte érosion de la confiance publique envers les institutions étatiques et témoigne du non-respect par le gouvernement fédéral des nombreuses recommandations du Comité des droits de l'homme des Nations Unies concernant l'adoption et la mise en œuvre de normes nationales limitant l'usage de la force.

1. <https://www.indystar.com/story/news/crime/2025/06/30/indianapolis-shootings-lafayette-road-carriage-house-east-thatcher-golf-course-southeastern-crash/84410023007/>

2. <https://www.nytimes.com/2025/05/04/us/houston-shootings.html>

3. <http://edition.cnn.com/us/school-shootings-fast-facts-dg>

L'analyse des données statistiques révèle que la violence policière à l'encontre des minorités raciales, en particulier les Afro-Américains, se produit de manière systématique et disproportionnée. Malgré les manifestations massives après le meurtre de George Floyd en 2019 et les réformes engagées dans les domaines de la formation et de la responsabilité policière, le nombre de décès liés à des interventions policières continue d'augmenter chaque année. Cette tendance est particulièrement marquée dans les États gouvernés par le Parti républicain, où les Afro-Américains présentent le taux le plus élevé de victimisation par les forces de l'ordre

Selon les données de 2025, bien que les Afro-Américains ne représentent que 14 % de la population totale, ils constituent environ 22 % des victimes de l'usage léthal de la force policière. La probabilité pour un Afro-Américain d'être tué par la police est 2,8 fois plus élevée que pour un Blanc, ce qui illustre l'existence d'inégalités structurelles et de discriminations systémiques dans l'application de la loi. Cette année, la police américaine a causé 958 décès, et seuls deux jours de l'année ont été exempts d'incidents violents.¹

Sur le plan juridique, la mise en œuvre incomplète et insuffisante de la loi sur la déclaration des décès en détention², conçue pour assurer la transparence et l'enregistrement précis des décès causés par les forces de l'ordre, perpétue l'absence de responsabilité légale. Par ailleurs, l'échec du Congrès à adopter la loi sur la justice policière³, visant à interdire le

1. <https://mappingpoliceviolence.org>

2. Death in Custody Reporting Act

3. (George Floyd Justice in Policing Act)

profilage racial, renforcer la responsabilité et introduire des réformes structurelles dans les services de police, empêche la réalisation de changements fondamentaux.¹

Dans ce contexte, le Haut-Commissariat des Nations Unies aux droits de l'homme a souligné le problème de la classification erronée et du sous-signallement des décès d'Afro-descendants causés par les forces de l'ordre. Le mécanisme international indépendant d'experts pour la promotion de la justice raciale et de l'égalité dans l'application de la loi, le rapporteur spécial sur les minorités et le Haut-Commissaire aux droits de l'homme ont exprimé leur inquiétude quant aux homicides policiers et aux actes de violence contre les Afro-Américains.²

Dans ce cadre, le décret exécutif promulgué par le président des États-Unis en avril 2025, qui élargit la surveillance fédérale des forces de l'ordre étatiques et locales, a été critiqué par des experts en droits de l'homme. Ce décret, qui ouvre la voie à des abus et à un retour manifeste à une politique de répression massive par l'augmentation des budgets et des soutiens aux services de police et aux établissements pénitentiaires, s'accompagne d'un discours clivant opposant les citoyens respectueux des lois aux « criminels dangereux », ce qui est préoccupant. Il promet également un soutien juridique aux agents accusés de mauvaise conduite ou de violence policière. Ce décret reflète un changement de priorités au sein de l'exécutif, notamment au ministère de la Justice, qui a suspendu et abandonné les dossiers relatifs aux droits civils, y compris les affaires de réforme policière et les accords de conciliation,

1. <https://www.amnesty.org/en/documents/pol10/8515/2025/en/>

2. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

ce qui indique de manière inquiétante que les abus policiers resteront impunis.¹ Les organisations internationales de défense des droits de l'homme ont déclaré que le décret exécutif du président Trump en matière de pratiques policières représente une menace d'imposition d'une nouvelle ère de criminalisation massive, tout en envoyant aux forces de l'ordre à travers le pays le message que la surveillance fédérale n'existera pas et que les violations de droits resteront sans conséquence. Les actions de Trump, consistant à mobiliser les forces militaires dans des rôles de maintien de l'ordre intérieur et à poursuivre en justice les responsables locaux opposés à ses politiques, favorisent les abus et l'impunité plutôt que de garantir une sécurité publique accrue.²

Ces évolutions, combinées à la forte diminution des affaires civiles et à la suspension des accords de conciliation au ministère de la Justice, signalent un retour aux politiques de criminalisation généralisée et d'impunité policière, avec des répercussions profondes et négatives sur la structure des droits de l'homme et la sécurité publique.

4. Déploiement de la Garde nationale

Au cours des derniers mois, le gouvernement des États-Unis a considéré le déploiement des forces de la Garde nationale à Washington D.C. comme une réponse à ce qu'il qualifie de « montée de la violence et de l'insécurité » dans la capitale. Cette mesure intervient alors que le président américain désigne les métropoles dirigées par des élus démocrates comme des « villes sans loi » et des « échecs ». De telles déclarations et

1. <https://www.hrw.org/news/2025/05/27/trumps-policing-policies-threaten-human-rights>

2. <https://www.hrw.org/news/2025/05/01/trumps-order-policing-recipe-abuse>

initiatives, au-delà de leur portée politique, soulèvent des enjeux juridiques et des implications en matière de droits de l'homme qui méritent une attention particulière. Les rapports font état d'un mécontentement marqué quant à la présence des forces de la Garde nationale à Washington D.C. ; les critiques soulignent que ces unités sont déployées dans des zones touristiques plutôt que dans les quartiers à forte criminalité.

Le 11 août 2025, le président des États-Unis a annoncé le déploiement de forces de la Garde nationale à Washington D.C., affirmant que la montée de la violence dans la capitale mettait désormais en danger immédiat les fonctionnaires, les citoyens et les touristes, perturbait le bon fonctionnement des transports sécurisés et de l'administration fédérale, et détournait des ressources publiques essentielles vers des mesures d'urgence et de sécurité. Cette décision intervient alors que, selon des organisations internationales de défense des droits de l'homme, le taux de criminalité à Washington est en baisse depuis plusieurs années, et que le gouvernement local n'a pas sollicité d'intervention militaire. L'implication de l'armée dans l'application du droit civil est jugée dangereuse et injustifiable. Les initiatives de l'administration Trump visant à déployer des forces militaires dans des villes à majorité racisée, telles que Los Angeles en juin dernier et désormais Washington D.C., risquent d'aggraver les tensions et la violence. Elles engendrent par ailleurs des coûts de plusieurs millions de dollars, qui auraient pu être alloués à des services essentiels comme l'alimentation et le logement abordable, dont de nombreux citoyens ont un besoin urgent.

En outre, des rapports indiquent que Donald Trump, président des États-Unis, a autorisé le déploiement de 300 membres de la Garde nationale à Chicago. L'ordre du président américain a été donné quelques heures après que les responsables de l'Immigration and Customs Enforcement (ICE) aient signalé des affrontements avec des manifestants dans cette ville contrôlée par les Démocrates. De hauts responsables de l'État de l'Illinois et des dirigeants locaux critiquent depuis des semaines les projets de M. Trump de déployer les forces de la Garde nationale, qualifiant cela d'abus de pouvoir. Le gouverneur Démocrate de l'Illinois, où se situe Chicago, a déclaré que Donald Trump « essaie de créer une crise. » L'utilisation de forces militaires pour exercer des fonctions de police et civiles est contraire aux principes fondamentaux des droits humains, notamment le droit à la sécurité personnelle, la liberté de réunion et le droit de manifester pacifiquement. Ce type de déploiement augmente le risque de violation des droits fondamentaux tels que la liberté d'expression, la liberté de réunion et la prévention des abus par les forces militaires contre des citoyens non armés.

Le recours à des forces militaires pour des missions de maintien de l'ordre et de gestion civile contrevient aux principes fondamentaux des droits de l'homme, notamment le droit à la sécurité personnelle, la liberté de réunion et le droit à des manifestations pacifiques. Ce type de déploiement augmente le risque de violations des droits fondamentaux tels que la liberté d'expression, le droit de rassemblement et la protection contre les abus des forces armées envers des civils non armés.

Du point de vue du droit interne relatif aux droits de l'homme, l'intervention militaire dans les affaires de police locale est incompatible avec le principe de séparation des pouvoirs et le respect de l'État de droit. Elle peut être interprétée comme un signe préoccupant de la « militarisation » croissante de la politique intérieure et de la suspension effective des droits civils.

5. Peine de mort

La peine de mort est reconnue en droit international et son application relève de la souveraineté des États, conformément au droit international. Cependant, l'application de cette peine aux États-Unis démontre une utilisation inappropriée et incorrecte de cette mesure dans ce pays. De nombreux rapports font état de l'impact disproportionné de cette peine sur les minorités ethniques et raciales ; les groupes minoritaires sont exposés de manière injuste à des condamnations à mort, et de multiples cas d'exécution d'individus ont été signalés malgré des doutes sérieux et documentés sur l'équité de la procédure judiciaire et de graves lacunes dans le système judiciaire.

Entre-temps, la méthode d'exécution des prisonniers est également un autre sujet controversé dans les prisons des États-Unis, car la manière dont certains détenus sont exécutés leur inflige des souffrances excessives. Par exemple, récemment, deux exécutions ont été réalisées dans l'État de l'Alabama en utilisant le gaz azote, une méthode non testée et inhumaine.¹ Selon les dernières statistiques publiées par le Centre d'information sur la peine de mort aux États-Unis, du début de l'année 2025 jusqu'au 5 août 2025, 28 personnes

1. www.hrw.org/sites/default/files/media_2025

ont été exécutées dans seulement 10 des 50 États américains.¹ Ce chiffre non seulement dépasse le total des exécutions des deux années précédentes (25 cas par an en 2023 et 2024), mais représente également le taux d'exécutions annuelles le plus élevé dans ce pays depuis 2015.

Chapitre II : Situation des prisons et des centres de détention

1. Conditions inhumaines de détention

Les États-Unis possèdent l'un des systèmes pénitentiaires les plus vastes et complexes au monde, comprenant des établissements fédéraux, étatiques et locaux. L'examen de la situation des prisons et centres de détention en 2025 révèle de profondes lacunes structurelles dans le respect des engagements internationaux en matière de droits de l'homme.

Les conditions de détention inhumaines, le recours fréquent et étendu à l'isolement cellulaire, ainsi que la poursuite des détentions illimitées à Guantanamo constituent des exemples flagrants de violations systématiques des droits de l'homme. Ces pratiques traduisent un système axé sur la punition et le contrôle politique, qui privilégie la répression et les intérêts stratégiques au détriment de la dignité humaine, de la justice et de la légalité.

Selon les rapports publiés, le système de santé dans les prisons américaines souffre de graves insuffisances structurelles. Les conditions actuelles sont jugées dangereuses et inhumaines, et leur dégradation continue entraîne des souffrances physiques et psychologiques croissantes chez les détenus.

1. deathpenaltyinfo.org/executions/2025#issues

Des rapports indiquent que les soins médicaux, dentaires et psychologiques sont gravement insuffisants pour des milliers de détenus en Alaska, soulignant l'urgence de réformes fondamentales dans le système de santé du Département de la correction (DOC) de cet État.¹ Ces carences constituent une violation manifeste des obligations en matière de droits de l'homme et des normes internationales relatives aux droits des détenus, notamment le droit à des soins de santé humains et appropriés.

Un rapport officiel du Bureau de l'Inspecteur général du Département de la Justice des États-Unis, intitulé « Inspections simultanées des opérations de services alimentaires du Bureau fédéral des prisons (BOP) » et publié le 17 juin 2025, révèle la détérioration de la situation alimentaire dans certaines prisons du Bureau fédéral des prisons des États-Unis. Le rapport indique que : « Le point le plus préoccupant est que lors de notre inspection de l'établissement correctionnel de Tallahassee, nous avons observé du pain moisi servi aux détenus, des légumes avariés dans les réfrigérateurs de préparation des aliments, des zones de stockage d'aliments avec des insectes à l'intérieur et sur la nourriture, ainsi que des ustensiles de cuisine endommagés et déformés. De plus, à l'établissement de Tallahassee et lors d'inspections précédentes d'autres établissements, nous avons identifié une variété de problèmes entravant la gestion des services alimentaires. »²

1. <https://www.aclu.org/press-releases/class-action-suit-filed-against-alaska-doc-after-decades-of-inadequate-health-care-for-incarcerated-alaskans>

2. www.bop.gov/resources/pdfs/legal_guide

En 2025, les prisons de Los Angeles ont enregistré la mort de 26 détenus, soit le deuxième taux de mortalité le plus élevé jamais enregistré dans ce système, révélant une crise grave des droits de l'homme dans le plus grand réseau carcéral des États-Unis. Ces décès sont directement liés aux politiques et aux conditions structurelles du système pénitentiaire, marqué par une surpopulation extrême, une négligence systématique de la santé et du bien-être des détenus, des abus généralisés et un manque d'accès à des soins médicaux et psychologiques conformes aux standards. La surpopulation au-delà des capacités prévues engendre des conditions de vie inhumaines, telles qu'une ventilation insuffisante et la propagation de maladies infectieuses, violant gravement les droits fondamentaux des détenus, notamment le droit à la vie, à la santé et à des conditions de détention dignes.

2. Détention préventive

La détention préventive et la fragmentation du système judiciaire pénal aux États-Unis aggravent la crise des droits légaux des détenus. La majorité des personnes incarcérées sont juridiquement présumées innocentes, car elles sont détenues avant leur procès et ne sont pas encore reconnues coupables. Les États-Unis ne disposent pas d'un système judiciaire unique, mais de milliers de systèmes distincts à l'échelle fédérale, étatique, locale, etc. Ces systèmes détiennent près de 2 millions de personnes dans divers types d'établissements¹

Des rapports crédibles ont révélé des faits préoccupants concernant la situation de 34 000 jeunes incarcérés aux États-Unis, mettant en évidence des violations généralisées des

1. <https://www.prisonpolicy.org/reports/pie2025.html>

droits des enfants et des adolescents dans le système pénal de ce pays. Une part importante de ces jeunes est détenue pour des « infractions graves » qui, selon la loi, ne constituent même pas des délits. Par exemple, environ 3 000 jeunes sont emprisonnés pour avoir enfreint les conditions de leur liberté conditionnelle, sans avoir commis de nouvelle infraction.

En outre, près de 800 jeunes sont détenus pour des « infractions de statut », c'est-à-dire des comportements qui ne sont pas considérés comme des délits pour les adultes, tels que la fugue, l'abandon scolaire ou des conduites qualifiées d'indisciplinées. Environ un jeune sur douze arrêté pour une infraction ou un délit est placé dans une prison ou un centre de détention pour adultes, tandis que la majorité des autres sont envoyés dans des établissements pour mineurs qui ressemblent fortement à des prisons pour adultes. La plupart des adolescents incarcérés le sont pour des infractions sans lien avec la violence, et un sur quatre est détenu pour des actes qui, légalement, ne relèvent même pas du droit pénal. Environ 3 800 jeunes sont incarcérés pour des infractions qui ne constituent pas des crimes, et 4 100 autres sont des mineurs demandeurs d'asile en attente de transfert vers des proches ou des membres de leur famille.¹ Cette situation critique constitue une violation manifeste des engagements des États-Unis en matière de droits de l'homme, notamment du droit à la liberté et du droit à un procès équitable. Elle appelle à des réformes urgentes et structurelles dans les politiques pénales et sociales du pays. Elle illustre une utilisation disproportionnée du système pénal à l'encontre des mineurs, et l'imposition de

1. <https://www.prisonpolicy.org/reports/pie2025.html>

sanctions pénales pour des comportements qui devraient être traités par des approches correctionnelles et de soutien.

3. Recours à l'isolement cellulaire

Le recours généralisé et systématique à l'isolement cellulaire comme outil de punition et de torture psychologique dans les prisons et centres de détention américains constitue une crise persistante des droits de l'homme. Des rapports documentés indiquent qu'au cours des trois dernières décennies, ces établissements sont devenus les principaux lieux d'internement pour les personnes atteintes de troubles mentaux graves. Des milliers de détenus souffrant de pathologies psychiatriques sévères sont maintenus dans des conditions inadaptées, sans les soins spécialisés nécessaires. Le nombre de personnes atteintes de troubles mentaux dans les prisons est environ dix fois supérieur à celui des patients hospitalisés dans les établissements psychiatriques spécialisés des États. Cette situation constitue une violation répétée des normes internationales relatives aux droits de l'homme, notamment les conventions interdisant la torture et les traitements cruels, inhumains ou dégradants. Elle reflète également l'échec du système pénal à fournir des soins médicaux et psychologiques appropriés à une population carcérale vulnérable.

Ce processus, en particulier pour les personnes atteintes de troubles mentaux qui se retrouvent en isolement et sous forte pression psychologique au lieu de recevoir des soins appropriés, entraîne des conséquences irréversibles sur leur santé mentale et physique. Il souligne la nécessité urgente d'une révision des pratiques et l'adoption de politiques alternatives fondées sur

l'humanité et le soin au sein du système de réinsertion et de correction des États-Unis.

Des dizaines de milliers de détenus sont placés en isolement cellulaire dans les prisons et centres de détention aux États-Unis ; il s'agit de cellules exigües où les personnes sont enfermées entre 22 et 24 heures par jour, avec un contact humain minimal. La majorité de ces établissements souffrent d'un manque de personnel spécialisé en santé mentale, et les équipes en place sont souvent confrontées à des contraintes structurelles qui limitent leur capacité à fournir des soins appropriés. Dans certains centres, le suivi des personnes en isolement se limite à des évaluations hebdomadaires ou mensuelles de leur état psychologique, réalisées à travers les trappes d'alimentation des portes de cellule.

Les détenus souffrant de troubles mentaux préexistants et placés en isolement sont exposés à un risque élevé d'automutilation et de suicide. Une source d'inquiétude majeure réside dans le fait que les personnes ayant commis des actes d'automutilation sont souvent transférées en isolement à titre de sanction, au lieu de recevoir un soutien thérapeutique. De plus, les individus identifiés comme présentant un risque suicidaire sont généralement placés dans des « cellules vides », des espaces totalement dépourvus d'aménagements, ce qui équivaut dans les faits à une forme extrême d'isolement et de torture psychologique.¹

Selon des rapports documentés, les détenus noirs aux États-Unis sont exposés de manière disproportionnée et inéquitable à des peines prolongées en isolement cellulaire ; certains

1. <https://solitarywatch.org/facts/faq/>

d'entre eux passent plus de dix ans de leur incarcération dans des cellules exigües d'environ 3 mètres sur 2,5.

Cette situation reflète l'existence d'une discrimination systémique et d'inégalités structurelles au sein du système carcéral américain, constituant non seulement une violation des principes de justice pénale et d'égalité devant la loi, mais aussi une transgression des normes internationales relatives aux droits de l'homme, notamment l'interdiction des traitements dégradants et discriminatoires. Des réformes fondamentales et le respect de mécanismes de contrôle indépendants sont indispensables pour éliminer ces discriminations et garantir l'égalité des droits pour l'ensemble des personnes détenues sont primordiaux.

4. Prison de Guantanamo

L'utilisation continue par les États-Unis de la prison de Guantanamo comme centre de détention extraterritoriale constitue un exemple manifeste de violation grave et systématique des droits de l'homme. Cette pratique a suscité de vives critiques de la part des institutions internationales, des organisations de défense des droits de l'homme et des mécanismes de surveillance des Nations Unies. De nombreux détenus y ont été maintenus pendant des années dans un état d'incertitude, sans accusation formelle ni accès à un procès équitable, en violation des principes fondamentaux du droit à une procédure régulière, du droit à la liberté et de l'interdiction de la détention arbitraire, tels que consacrés par le Pacte international relatif aux droits civils et politiques.

Des rapports indépendants, notamment ceux des rapporteurs spéciaux de l'ONU, ont documenté des actes de torture,

des mauvais traitements systématiques et des conditions de détention inhumaines et dégradantes dans ce centre. Parmi les pratiques recensées figurent : interrogatoires violents, isolement prolongé, privation de sommeil, détention dans des températures extrêmes, et négligence des besoins médicaux physiques et psychologiques.

Selon le Comité pour l'élimination de la discrimination raciale, les détentions arbitraires de personnes non citoyennes se poursuivent à Guantanamo, sans accès équitable au système judiciaire ordinaire. Des rapports font également état d'un manque de soins médicaux adéquats. Le rapporteur spécial sur la promotion et la protection des droits de l'homme dans la lutte contre le terrorisme a souligné des lacunes structurelles majeures en matière d'accès à la justice, de droits sanitaires et de droits familiaux. L'illégalité généralisée du fonctionnement de Guantanamo expose les détenus à des abus et perpétue des pratiques de détention arbitraire. Aucun ancien détenu n'a reçu de compensation pour les violations systématiques subies, telles que les transferts illégaux, la torture, les traitements cruels, inhumains et dégradants, ou les détentions prolongées. Les effets cumulatifs de ces pratiques ont eu des conséquences graves et durables sur la santé mentale et physique des personnes concernées.¹

L'utilisation de Guantanamo pour la détention de migrants — qui devrait être de nature civile et non punitive — suscite de vives inquiétudes parmi les défenseurs des droits de l'homme. Depuis deux décennies, ce site est au cœur de controverses liées à la détention illimitée de prisonniers dans le cadre de la

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

« guerre contre le terrorisme », dont certains ont été victimes de torture.

Les soins médicaux y sont insuffisants, et l'état de santé des détenus s'est détérioré en raison de la durée excessive de leur détention. Actuellement, le président des États-Unis utilise la base militaire de Guantanamo pour détenir des ressortissants de 26 pays différents, dont certains sont condamnés pour des infractions pénales graves. La liste des nationalités publiée par le Département de la sécurité intérieure montre que Guantanamo héberge des détenus originaires de tous les continents, sauf l'Antarctique, soulignant la portée mondiale et transnationale de ce centre. Les militants des droits de l'homme dénoncent cette pratique comme punitive, arbitraire et contraire aux droits fondamentaux. Ils rappellent que, selon le droit fédéral américain, le gouvernement n'a pas le droit de détenir hors du territoire national des personnes en attente de déportation, surtout lorsque ces détentions se font sans accès à une procédure équitable et dans des conditions de privation sévère.¹

Le 29 janvier 2025, le président des États-Unis a signé un décret ordonnant la construction d'un nouveau centre de détention de 30 000 lits sur la base navale de Guantanamo, destiné à accueillir massivement des migrants. Cette décision, inscrite dans une politique migratoire particulièrement répressive, a suscité une vague de critiques aux niveaux national et international. Selon les organisations internationales de défense des droits de l'homme, « le nom de Guantanamo

1. <https://www.cbsnews.com/news/trump-guantanamo-detain-foreigners-from-26-countries>

est synonyme de honte — un lieu gravé dans la mémoire mondiale comme symbole de torture, de détention illimitée et de déni de justice. Le réemploi de ce site pour la détention de migrants risque de reproduire les mêmes schémas de répression et de violations flagrantes des droits de l'homme. »¹

1. <https://www.hrw.org/news/2025/01/30/us-dont-send-migrants-black-hole-guantanamo>

Chapitre III : Liberté d'expression et de réunion pacifique

Atteintes à la liberté d'expression

Les États-Unis font l'objet d'accusations récurrentes de violations de la liberté d'expression, notamment en raison de mesures répressives à l'encontre des voix dissidentes, de pressions exercées sur les médias et d'interventions dans les politiques de modération des contenus au sein des entreprises technologiques. Ces pratiques s'inscrivent dans une stratégie structurée de contrôle du discours public, visant à encadrer les opinions critiques, à gérer les narratifs en ligne et à maintenir une domination stratégique sur les débats relatifs aux questions politiques et sécuritaires majeures, telles que les conflits armés, les interventions militaires et les relations internationales.

Au cours des derniers mois, des mouvements de protestation étudiantins ont émergé dans plusieurs universités américaines, dénonçant la guerre et les actes de génocide commis par le régime sioniste à Gaza. Ces manifestations ont été violemment réprimées par les forces de l'ordre, qui ont eu recours à des gaz lacrymogènes et à des matraques pour disperser les rassemblements, entraînant des centaines d'arrestations et de blessures parmi les étudiants et les enseignants. Les chefs d'accusation retenus contre les personnes interpellées — tels que « intrusion », « trouble à l'ordre public » ou « agression contre agents de police » — ont été jugés juridiquement infondés par plusieurs organisations internationales de défense des droits de l'homme, et constituent dans de nombreux cas une atteinte manifeste aux droits fondamentaux individuels.

En plus, des éléments probants indiquent que les arrestations et les expulsions ciblées de chercheurs et d'étudiants étrangers

ont été orchestrées dans le cadre d'une politique de répression des militants pro-palestiniens dans les établissements universitaires. Le Département de la sécurité intérieure (DHS)¹ a affirmé, sans fournir de preuves tangibles, que les activités contestataires de ces individus portaient atteinte aux intérêts et à la politique étrangère des États-Unis — une allégation vivement contestée par les observateurs indépendants et les défenseurs des droits fondamentaux.

Le Rapporteur spécial sur le droit à l'éducation a exprimé sa vive préoccupation face à la répression violente des manifestations étudiantes, notamment les violences policières, les arrestations, les mesures disciplinaires et la surveillance exercée à l'encontre des protestataires pacifiques. Il a dénoncé le traitement inégal des étudiants, en particulier ceux qui soutiennent la cause palestinienne, et a mis en garde contre l'érosion des libertés intellectuelles et des principes démocratiques au sein des institutions académiques.²

L'annulation de centaines de visas d'études dans le cadre de cette répression témoigne d'une volonté systématique de dissuader et de restreindre l'exercice de la liberté d'expression et de manifestation dans les milieux universitaires. Ces mesures sont contraires aux engagements internationaux des États-Unis en matière de protection des libertés civiles et de la liberté d'expression.

Exemples représentatifs de ciblage des étudiants:

Mahmoud Khalil, étudiant diplômé de l'université Columbia et résident permanent aux États-Unis, arrêté le 8 mars 2025

1. Department of Homeland Security

2. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

pour son rôle de porte-parole des manifestants. Son arrestation a été qualifiée de « première d'une série » dans le cadre d'une campagne de répression contre les soutiens à la cause palestinienne.¹

Rumeysa Ozturk, doctorante turque à l'université Tufts, arrêtée à proximité de son domicile par six agents en civil de l'ICE, uniquement pour avoir publié une note critique sur le silence de son université face aux revendications étudiantes. Le DHS a allégué, sans preuve, son implication dans des activités de soutien au Hamas. Ces cas illustrent une tendance ciblée à l'encontre des étudiants issus de milieux africains, arabes, asiatiques, moyen-orientaux et musulmans.

Selon les rapports disponibles, de nombreux étudiants ont vu leur visa annulé depuis janvier 2025, alors même qu'ils n'avaient jamais participé à des manifestations et n'avaient reçu aucune notification officielle concernant cette annulation. Par ailleurs, l'université Columbia a sanctionné plus de 70 étudiants pour leur participation à des manifestations en soutien à la Palestine, par des mesures telles que la suspension, l'expulsion, voire l'annulation de leur diplôme. Selon les sources, environ deux tiers de ces étudiants ont été suspendus pour une durée de deux ans, tandis que d'autres ont été empêchés de poursuivre leurs études. Ces mesures ont été prises à la suite des rassemblements de mai dans la bibliothèque Butler, au cours desquels au moins 80 personnes ont été arrêtées. L'université a déclaré que ces rassemblements avaient perturbé l'ordre sur le campus et contrevenaient à ses politiques internes.

1. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2025/06/usa-mahmoud-khalil-released/>

En réaction, les rapporteurs spéciaux des Nations Unies ont exprimé une vive inquiétude, estimant que l'expulsion d'étudiants est devenue un outil de censure des voix critiques, portant atteinte à la liberté d'expression et au droit de réunion. Ils ont appelé les États-Unis à cesser immédiatement les mesures de représailles contre les étudiants soutenant les droits des Palestiniens et à respecter les libertés d'expression et de rassemblement pacifique.¹

En outre, à la suite de la réduction de plusieurs centaines de millions de dollars du budget fédéral de la recherche universitaire par le gouvernement Trump, certaines institutions, dont Columbia, ont adopté des mesures de sécurité plus strictes. L'université a renforcé ses effectifs de sécurité et réagi de manière particulièrement sévère aux manifestations étudiantes. Les organisations internationales de défense des droits de l'homme ont dénoncé ces pratiques, affirmant que les arrestations et expulsions d'étudiants et de chercheurs non citoyens en raison de leurs opinions politiques ont instauré un climat de peur et d'anxiété dans les universités à travers les États-Unis. Ces mesures constituent une attaque manifeste contre la liberté d'expression et une menace sérieuse pour les fondements d'une société démocratique et libre.

Par ailleurs, les interventions sécuritaires à l'encontre des journalistes couvrant ces manifestations sont également préoccupantes. De nombreux rapports indiquent que des journalistes ont été confrontés à des entraves graves dans l'exercice de leurs fonctions, notamment des arrestations arbitraires et même des violences physiques de la part des

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

forces de l'ordre. Selon le Comité pour la protection des journalistes (CPJ), au moins sept cas d'arrestation ou de menace d'arrestation de journalistes couvrant des manifestations dans des lieux publics ont été recensés.¹

En parallèle, le gouvernement des États-Unis, dans le cadre de sa répression continue jugée illégale, a eu recours à des outils de surveillance automatisée fondés sur l'intelligence artificielle. Ces technologies sont spécifiquement utilisées pour surveiller et évaluer les personnes engagées dans la défense des droits des Palestiniens. Les organisations internationales de défense des droits de l'homme ont qualifié cette pratique de profondément préoccupante, soulignant que les États-Unis utilisent des technologies intrusives d'intelligence artificielle dans le cadre d'un programme de répression collective et de censure des opinions pro-palestiniennes, ce qui constitue une violation des droits de l'homme. Ces technologies permettent aux autorités de cibler et de suivre, à une vitesse et une échelle sans précédent, les étudiants internationaux et autres groupes migrants marginalisés. Les rapports indiquent que les outils développés par les entreprises Palantir et Babel Street, notamment dans le cadre d'initiatives répressives liées aux arrestations et à l'annulation de visas², contribuent à des violations massives des droits de l'homme. Ces outils, en instaurant un environnement de surveillance généralisée, ont engendré un climat de peur et d'intimidation au sein des communautés migrantes et universitaires, facilitant les arrestations arbitraires et les expulsions collectives. Ces pratiques

1. <https://cpj.org/2025/06/get-ready-la-journalists-warn-of-potential-violence-against-press-ahead-of-nationwide-protests/>

2. Catch and Revoke

ont donné lieu à un schéma récurrent de détentions illégales et d'expulsions massives, exerçant un « effet dissuasif »¹ profond sur les communautés migrantes et les étudiants internationaux dans l'ensemble des établissements universitaires du pays.²

Ces pratiques répressives, tant dans la limitation de la liberté d'expression des étudiants et chercheurs que dans l'entrave au travail des médias indépendants, constituent une violation manifeste des normes internationales relatives aux droits de l'homme et des engagements des États-Unis en matière de libertés civiles. Elles traduisent une tendance inquiétante à la restriction de l'espace d'expression libre.

Répression des rassemblements pacifiques

En 2025, le droit fondamental de rassemblement pacifique aux États-Unis a été confronté à une vague de restrictions juridiques et administratives. Les législatures aux niveaux fédéral, étatique et local ont adopté et mis en œuvre de nombreuses lois qui restreignent sévèrement le champ des activités protestataires. Ces lois comprennent de nouvelles réglementations sur la délivrance de permis de rassemblement, l'aggravation des infractions liées à l'organisation de manifestations non autorisées, ainsi que l'imposition de sanctions plus sévères à l'encontre des manifestants. Au cours de cette année, les forces de l'ordre ont eu recours à des méthodes répressives et violentes, fortement condamnées par les instances internationales de défense des droits de l'homme. L'usage de moyens tels que les gaz lacrymogènes, les matraques et les arrestations massives contre les manifestants a suscité de vives

1. chilling effect

2. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2025/08/usa-global-tech-made-by-palantir-and-babel-street-pose-surveillance-threats-to-pro-palestine-student-protestors-migrants>

inquiétudes quant à la violation du droit à la liberté d'expression et de réunion, tant au niveau national qu'international.

En 2025, les forces de l'ordre aux États-Unis, à l'échelle municipale, étatique et fédérale, ont été à plusieurs reprises accusées de recours à une violence disproportionnée, d'arrestations massives et de pratiques d'intimidation à l'encontre des manifestants. Ces interventions répressives ont notamment visé des mobilisations portant sur des sujets sensibles et d'intérêt international tels que la dénonciation du génocide à Gaza, la critique des politiques migratoires, la politique étrangère des États-Unis et les revendications environnementales. Les organisations de défense des droits de l'homme, tant nationales qu'internationales, ont qualifié ces comportements de violations flagrantes du droit à la liberté d'expression et de réunion, exprimant leur vive inquiétude face à la persistance d'un schéma de répression sécuritaire intense contre les protestataires. Le recours répété à des moyens tels que les gaz lacrymogènes, les matraques et les arrestations de masse, en dehors des normes juridiques établies, a instauré un climat de peur au sein de la société civile, entravant la participation démocratique et le droit à la protestation pacifique.

Durant la période couverte par le rapport, des étudiants et membres du personnel universitaire à travers les États-Unis ont organisé des rassemblements pacifiques pour dénoncer le génocide commis par Israël à Gaza et le soutien apporté par le gouvernement américain dans cette crise. Les revendications des manifestants comprenaient la publication de déclarations officielles par les établissements d'enseignement appelant

à un cessez-le-feu immédiat, l'exercice de pressions sur le gouvernement pour qu'il cesse l'envoi d'armes à Israël, ainsi que la rupture des partenariats et des investissements universitaires dans les entreprises tirant profit de ce conflit. Cependant, ces manifestations pacifiques ont suscité une réaction sévère de la part des autorités universitaires et des forces de l'ordre. Les rapports font état d'un usage répété d'équipements anti-émeutes par la police, notamment de matraques, de balles en caoutchouc, de gaz au poivre et de gaz lacrymogène pour disperser les rassemblements et procéder à des arrestations. Au moins 3100 étudiants, membres du personnel et sympathisants ont été arrêtés ou interpellés.¹ Dans ce contexte, des experts des Nations Unies ont critiqué le recours aux forces de l'ordre pour disperser ces manifestations, soulignant que cette pratique porte atteinte aux droits fondamentaux à la liberté d'expression et de réunion pacifique. Parallèlement, le Congrès des États-Unis ainsi que les législatures de 19 États ont présenté 52 projets de loi visant à restreindre le droit de manifester, dont sept ont été adoptés et promulgués dans quatre États.

Selon les rapports, plus de 40 personnes protestant contre la guerre et l'aggravation de la crise humanitaire à Gaza ont été arrêtées devant l'hôtel Trump à New York. Des centaines de manifestants s'étaient rassemblés pour exiger la fin du conflit à Gaza et appeler le gouvernement américain à faire pression sur le régime israélien afin de permettre l'acheminement accru de l'aide humanitaire vers la région.² Quelques minutes après le

1. <https://www.amnesty.org/en/documents/pol10/8515/2025/en/>

2. <https://www.theguardian.com/us-news/2025/aug/04/gaza-protest-trump-hotel-new-york>

début de la manifestation, des agents du NYPD ont procédé à des arrestations sous prétexte d'entrave à la circulation.

Outre les mobilisations étudiantes contre le génocide à Gaza, les rapports font état d'une détérioration significative de la situation des manifestations de grande ampleur contre les politiques migratoires aux États-Unis. En 2025, à la suite des déclarations du gouvernement et des autorités judiciaires promettant une répression sévère des protestations, le déploiement de la Garde nationale à Los Angeles a suscité de vives réactions et des critiques virulentes de la part des organisations de défense des droits de l'homme. Les témoignages indiquent que le recours massif à des méthodes répressives et à une stratégie dite de « poigne de fer » par les forces de l'ordre à Los Angeles n'a pas dissuadé les manifestants, mais a au contraire contribué à l'extension du mouvement jusqu'à New York.

Selon les rapports des organisations de défense des droits de l'homme, Donald Trump revendique le droit de sanctionner et d'expulser les opposants non citoyens sans fournir de justification recevable. Ces mesures violent non seulement les droits des personnes directement visées, mais constituent également une menace plus large pour la liberté d'expression, en instaurant un climat de peur et en contraignant d'autres individus à se taire.¹

Restrictions imposées aux médias

Les restrictions médiatiques sous le nouveau gouvernement des États-Unis ont été largement dénoncées comme une violation de la liberté de la presse et de la liberté d'expression.

1. <https://www.hrw.org/news/2025/04/03/us-end-campaign-draconian-campus-arrests>

L'administration a ciblé spécifiquement les médias publics et les institutions couvrant les affaires fédérales, notamment la Maison-Blanche et le Pentagone. Parmi les premières mesures figure un décret exécutif signé en février excluant l'agence Associated Press des conférences de presse à la Maison-Blanche, suscitant de vives critiques. Cette démarche s'inscrit dans une stratégie visant à affaiblir la presse indépendante, illustrée par une réduction de 1,1 milliard de dollars du budget alloué aux diffuseurs publics tels que NPR et PBS, ainsi qu'une plainte en diffamation de 10 milliards de dollars contre le Wall Street Journal. Le décret accuse les médias de ne pas fournir des informations « équitables, précises ou impartiales », en contradiction manifeste avec le Premier Amendement de la Constitution américaine. En outre, la suppression des financements, notamment dans les zones rurales, menace l'accès de millions d'Américains à l'information locale et au contenu éducatif.¹ Ces mesures constituent une menace grave pour l'indépendance des médias et ont suscité l'inquiétude des journalistes, des défenseurs des droits de l'homme et d'une large partie de la communauté internationale.²

1. <https://www.aclu.org/news/free-speech/trumps-attacks-on-press-freedom-escalate-npr-pbs-funding-cuts-explained>

2. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2025/08/usa-global-tech-made-by-palantir-and-babel-street-poses-surveillance-threats-to-pro-palestine-student-protestors-migrants/>

Chapitre IV : Discrimination et racisme structurel

1. Discrimination et fracture économique

La discrimination et l'inégalité constituent des défis historiques et profondément enracinés aux États-Unis, qui se sont intensifiés au cours des deux dernières années. Les inégalités subies par les citoyens afro-américains, latino-américains et autres minorités racisées ne relèvent pas d'événements isolés ou accidentels, mais s'inscrivent dans une structure systémique et institutionnelle héritée de l'histoire de l'esclavage, du racisme et de politiques gouvernementales ciblées. En 2025, ces blessures historiques ne se sont pas résorbées ; au contraire, elles se sont aggravées, alors que des courants politiques influents mettent en œuvre des politiques globales visant à institutionnaliser et accentuer les inégalités raciales et sociales, représentant une menace sérieuse pour la réalisation de la justice sociale et de l'égalité des droits.

La fracture flagrante de richesse entre les communautés noires et blanches aux États-Unis témoigne de la conception injuste des structures économiques et sociales, incapables de garantir une égalité réelle. Ces systèmes, en renforçant les cycles vicieux de pauvreté et de discrimination, limitent sévèrement les opportunités de développement individuel et collectif pour les minorités raciales, en particulier les Afro-Américains.

En 2025, les inégalités économiques ont eu un impact particulièrement négatif sur les communautés afro-américaines et autres minorités, tandis que l'écart de richesse entre les Noirs et les Blancs demeure largement inchangé. Cette stagnation reflète l'échec des politiques publiques à réduire des disparités profondes et persistantes, menaçant la justice sociale et

perpétuant la discrimination structurelle dans tous les aspects de la vie quotidienne.

Aux États-Unis, de nombreux travailleurs, en particulier dans les secteurs des services, de l'agriculture et les emplois à faible revenu, sont confrontés à des salaires insuffisants, à l'absence de sécurité de l'emploi et à un accès limité aux avantages sociaux. Les travailleurs immigrés et les minorités raciales sont souvent victimes de discrimination systémique en matière d'embauche, de promotion et de conditions de travail injustes. Ces défis non seulement violent les droits fondamentaux de la main-d'œuvre dans ce pays, mais approfondissent également les fossés sociaux et économiques de la société américaine.

Selon des rapports fiables, les Afro-Américains continuent de faire face à des taux de chômage plus élevés et à des salaires plus faibles que leurs homologues blancs, indépendamment du niveau d'éducation ou de l'âge. Bien que depuis 1963 un nombre significatif d'Afro-Américains ait obtenu des diplômes universitaires et des formations supérieures, un fossé marqué subsiste en matière d'accès équitable à l'emploi et à une rémunération juste. Les statistiques indiquent qu'en moyenne, les personnes noires gagnent environ 20 % de moins que leurs homologues blancs, illustrant une discrimination systémique persistante sur le marché du travail et dans les structures économiques américaines, freinant ainsi leur progrès économique et social.

De plus, les politiques et structures économiques fédérales aux États-Unis affectent de manière disproportionnée les travailleurs afro-américains et jouent un rôle central dans la perpétuation et l'aggravation des inégalités économiques. L'écart significatif de

rémunération entre les emplois majoritairement occupés par des personnes noires et ceux occupés par des personnes blanches, combiné à des salaires minimums insuffisants, constitue l'un des facteurs clés du maintien et de l'approfondissement de la fracture de richesse entre ces deux groupes. Par ailleurs, l'endettement étudiant plus élevé parmi les Afro-Américains, associé à des opportunités plus limitées d'obtenir des revenus adéquats, rend le remboursement des dettes difficile et réduit les perspectives de création de richesse et de progrès financier. Ces conditions combinées renforcent les inégalités économiques et restreignent davantage l'accès équitable aux opportunités économiques pour les communautés noires.¹

Le racisme systémique et les inégalités structurelles sur le marché du travail aux États-Unis font que toute faiblesse ou fluctuation dans la performance globale de l'économie affecte en premier lieu les travailleurs afro-américains. Les ralentissements économiques se manifestent d'abord dans la vie de ces travailleurs, non pas en raison de lacunes individuelles, mais à cause d'une discrimination institutionnalisée qui répartit les opportunités professionnelles de manière inéquitable. Les données disponibles révèlent une tendance préoccupante : le taux de chômage chez les hommes noirs est passé de 5,2 % en mai à 6,9 % ces derniers mois, illustrant la vulnérabilité de ce groupe face aux périodes de récession ou aux politiques d'austérité. Parallèlement, la réduction significative des emplois publics — source majeure d'emploi pour les femmes afro-américaines — a aggravé la situation.

1. <https://www.fpwa.org/resource-center/blogs/new-2024-data-highlights-ongoing-economic-disparities-faced-by-black-people-due-to-systemic-discrimination/>

En s'appuyant sur les rapports, l'annulation du décret exécutif 11246 par Donald Trump risque d'intensifier la discrimination raciale sur le lieu de travail aux États-Unis, et ce, à plusieurs égards. Premièrement, l'annulation du décret exécutif 11246 réduit l'accès à l'emploi pour les communautés noires et latino-américaines de ce pays. Historiquement, les travailleurs noirs et latino-américains ont été confrontés à la discrimination à l'embauche, et des études montrent que les CV portant des noms « ethniques ou raciaux » sont moins considérés que ceux portant des noms de Blancs. Sans l'action positive (affirmative action) prévue par le décret exécutif 11246, de tels préjugés peuvent se poursuivre sans aucune responsabilité. Deuxièmement, l'annulation de ce décret réduit les opportunités de promotion pour les minorités raciales, y compris les Noirs et les Latino-américains, sur le marché du travail américain. Ce décret pourrait avoir un impact disproportionné sur les professionnels noirs et latino-américains qui tentent d'accéder à des rôles de leadership, car les programmes de recrutement et de promotion axés sur la diversité seront probablement abandonnés. Enfin, l'annulation du décret exécutif 11246 par Trump réduit également les opportunités commerciales pour les communautés noires et latino-américaines des États-Unis. Avant l'annulation de ce décret, de nombreuses entreprises appartenant à des Noirs et à des Latino-américains bénéficiaient de programmes de diversité des fournisseurs fédéraux qui accordaient la priorité aux contrats pour les entreprises appartenant à des minorités. Sans ces considérations, ces entreprises pourraient avoir du mal à concourir pour des contrats fédéraux.¹

1. https://racism.org/index.php?option=com_content&view=article&id=12465:executive-order-14173&catid=476&utm_source=newsletter_291&utm_medium=email&utm_campaign=march-2025-race-

Entre février et mars 2025, période marquée par une vague de licenciements sous l'impulsion du nouveau ministère de la « Productivité gouvernementale » (DOGE), environ 266 000 femmes noires ont été exclues du marché du travail, soit 2,52 % de l'ensemble de l'emploi dans ce groupe. Ces chiffres reflètent des politiques adoptées sans considération pour leurs conséquences sociales et raciales, contribuant ainsi à l'approfondissement des fractures existantes au sein de la société américaine.¹

2. discrimination et à la fracture judiciaire

Le système judiciaire et les forces de l'ordre aux États-Unis ont toujours constitué l'un des principaux vecteurs de la discrimination systémique. Les événements des dernières années, prolongés en 2025, révèlent la profondeur de cette crise. Les minorités racisées, confrontées à des taux de pauvreté nettement plus élevés, sont surreprésentées dans les prisons et les centres de détention. Ces inégalités raciales sont particulièrement marquées pour les Afro-Américains, qui représentent 41 % de la population carcérale alors qu'ils ne constituent que 14 % de la population totale du pays.²

Des données constantes et fiables indiquent que les citoyens noirs américains sont exposés de manière disproportionnée — et bien plus que les Blancs — à la violence policière mortelle. Ce constat alarmant demeure inchangé malgré les vastes mouvements sociaux et les mobilisations civiques, notamment le mouvement « Black Lives Matter », qui réclament une réforme structurelle des institutions policières. Or, les

1. <https://19thnews.org/2025/07/black-women-unemployment-jobs-warning-sign/#:~:text=Economists%20say%20it's%20a%20warning,of%20strain%20in%20the%20economy.>

2. <https://www.prisonpolicy.org/reports/pie2025.html>

orientations politiques récentes vont à contre-courant de ces revendications. Des projets d'envergure comme « Project 2025 » privilégient l'augmentation des budgets alloués aux forces de l'ordre et l'expansion du système carcéral, tout en réduisant les financements essentiels destinés aux programmes sociaux, à la prévention de la criminalité et à l'autonomisation des communautés vulnérables. Ces politiques inégalitaires et centrées sur la répression ne font qu'aggraver la défiance des minorités racisées envers le système pénal, tout en alimentant un cycle de violence, d'injustice et d'inégalités structurelles. Elles mettent en lumière la nature profonde de la crise liée à la discrimination et à la fracture judiciaire aux États-Unis.

Par ailleurs, de nombreux rapports documentés révèlent que les détenus afro-américains et latino-américains représentent de manière disproportionnée une part importante de la population carcérale aux États-Unis. Ce schéma racial dans les arrestations et les condamnations est le résultat direct de décennies de politiques discriminatoires, notamment celles liées à la « guerre contre la drogue », qui ont systématiquement et délibérément ciblé les communautés racisées.

Les études juridiques et sociologiques montrent que, pour des infractions identiques, les personnes noires sont non seulement plus susceptibles d'être arrêtées, mais également confrontées à des peines plus lourdes que leurs homologues blancs au cours des procédures judiciaires. Cette disparité dans les condamnations est particulièrement visible dans les affaires liées aux stupéfiants, à la possession d'armes et aux délits non violents, et reflète l'approfondissement de la fracture judiciaire au sein du système américain.

Ce phénomène est le reflet du racisme structurel enraciné dans les institutions judiciaires et policières des États-Unis — une réalité qui compromet la justice pénale et alimente la persistance des inégalités sociales, le cycle de la pauvreté, l'instabilité familiale et la vulnérabilité chronique des communautés racisées.

À titre d'exemple, l'impunité persistante face aux crimes historiques, notamment le massacre racial de Tulsa en 1921, illustre l'incapacité et le manque de volonté du système judiciaire américain à répondre aux injustices structurelles. En rejetant la plainte des survivants de cette tragédie humaine, la Cour suprême de l'Oklahoma a une fois de plus envoyé un message amer à la communauté noire : que la justice et la réparation pour les victimes de violences raciales, en particulier lorsqu'elles touchent les communautés racisées, restent inaccessibles et irréalisables.¹

Ce jugement constitue non seulement une violation des droits fondamentaux des victimes et des survivants, mais il symbolise également la persistance du racisme systémique et le déni de l'histoire de la répression et de la violence raciale aux États-Unis. L'impunité face à de tels crimes renforce le sentiment de méfiance envers le système judiciaire, accentue les inégalités et contribue au maintien d'un climat de discrimination et d'injustice au sein de la société.

3. Augmentation des crimes motivés par la haine

L'augmentation des infractions motivées par la haine aux États-Unis représente un défi majeur en matière de droits fondamentaux. Ce phénomène reflète non seulement la

1. <https://www.hrw.org/world-report/2025/country-chapters/united-states>

persistance d'une discrimination structurelle et systémique, mais engendre également des conséquences délétères sur la sécurité psychologique et physique de nombreux groupes, notamment les communautés racisées, religieuses et migrantes. Selon les données du FBI, plus de 11 600 incidents de crimes haineux impliquant plus de 14 000 victimes ont été enregistrés en 2024, marquant une tendance inquiétante.

Le Comité des droits de l'homme et le Comité pour l'élimination de la discrimination raciale ont exprimé leur vive préoccupation face à la persistance de ces actes, incluant des fusillades de masse et la propagation de discours haineux ciblant les personnes d'origine africaine, asiatique, les peuples autochtones, les musulmans, les personnes d'origine latino-américaine, les migrants et les réfugiés. Ces manifestations de haine sont observées à divers niveaux, y compris chez des responsables politiques, des figures publiques, dans les médias traditionnels et sur les plateformes numériques. Le Rapporteur spécial sur les minorités a également souligné la recrudescence des propos anti-asiatiques, de l'islamophobie et des discours dénigrants envers les communautés arabes et autres groupes minoritaires. Il a mis en garde contre le rôle des algorithmes de certaines plateformes sociales qui, en favorisant la viralité de contenus discriminatoires, amplifient les préjugés, le racisme et la désinformation. Cette dynamique algorithmique contribue à la normalisation de la haine et à l'érosion des principes démocratiques et égalitaires.¹

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

4. Discrimination et droits des peuples autochtones

Le racisme systémique aux États-Unis continue de porter atteinte aux droits fondamentaux des peuples autochtones de manière persistante et institutionnalisée. Malgré leur riche héritage culturel et leur droit à l'autodétermination, ces communautés sont confrontées à des formes structurelles de discrimination dans des domaines essentiels tels que l'éducation, la santé, l'emploi et l'accès à un logement décent.

Les droits des femmes autochtones aux États-Unis sont largement bafoués. Ces violations incluent des violences physiques et sexuelles, des meurtres injustifiés, des disparitions suspectes, ainsi qu'un manque criant de soutien juridique et social. L'absence de données complètes et de ressources adéquates pour assurer un suivi et une enquête efficace dans ces affaires contribue à la persistance de cette situation préoccupante. La discrimination systémique, conjuguée à l'inaccessibilité à la justice, aux soins de santé et aux services de soutien, expose les femmes autochtones à des préjudices graves et durables, constituant une atteinte manifeste à leurs droits de l'homme. Dans ce contexte, le Comité des droits de l'homme a exprimé son inquiétude face à la persistance des violences à l'encontre des femmes et à l'impact disproportionné de ces agressions, meurtres et disparitions sur les femmes et les filles autochtones. Le Comité a également souligné l'absence de données exhaustives sur les femmes autochtones assassinées ou disparues, ainsi que le manque de ressources suffisantes pour mener des enquêtes efficaces et culturellement adaptées dans ces dossiers.¹

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

Le manque d'accès à une éducation de qualité, les taux élevés d'abandon scolaire, l'insuffisance de soins de santé adaptés aux besoins culturels et géographiques, et le chômage élevé parmi les populations autochtones sont autant d'exemples flagrants de cette discrimination systémique. De plus, les conditions de logement précaires et l'accès limité aux services de base perpétuent une situation critique, empêchant les peuples autochtones de jouir pleinement de leurs droits fondamentaux.

À titre d'exemple, la décision du gouvernement des États-Unis d'autoriser la société Lithium Americas à exploiter une mine à Thacker Pass, dans le Nevada, constitue une violation des droits des peuples autochtones, dans la mesure où leur consentement libre, préalable et éclairé n'a pas été obtenu. Ce projet illustre comment les lois minières américaines et les procédures d'octroi de permis ignorent les droits des communautés autochtones, lesquelles expriment également leur inquiétude quant aux menaces que représente cette mine pour leur droit à la santé, à un environnement sain et à l'eau.¹

Dans ce contexte, le Comité pour l'élimination de la discrimination raciale a exprimé ses préoccupations concernant les allégations selon lesquelles les États-Unis ne respecteraient pas les traités bilatéraux conclus avec les peuples autochtones, entraveraient leur reconnaissance officielle, interpréteraient de manière restrictive le principe de consentement libre, préalable et éclairé, et omettraient de mener des consultations opportunes et significatives avec ces communautés. Le Comité a également fait part de son inquiétude quant aux effets négatifs

1. <https://www.hrw.org/news/2025/02/06/us-lithium-mine-permit-violates-indigenous-peoples-rights>

des industries extractives et des projets d'infrastructure sur les droits et les modes de vie des peuples autochtones.¹

Selon des rapports publiés, le Congrès américain examine actuellement une proposition visant à réduire de plus d'un milliard de dollars le budget de la Corporation for Public Broadcasting (CPB). Cette mesure, présentée comme une tentative du gouvernement fédéral de maîtriser la dette nationale de 37 000 milliards de dollars, aurait des conséquences graves et préoccupantes pour les communautés autochtones des États-Unis. D'après les prévisions, si cette réduction budgétaire est adoptée, jusqu'à 90 % des 59 stations de radio tribales bénéficiant de ce financement seraient contraintes de fermer. Ces stations représentent des ressources vitales pour les peuples autochtones, jouant un rôle essentiel dans la garantie du droit à l'information, la diffusion d'alertes d'urgence, les actualités locales, les programmes éducatifs et la préservation des langues et cultures autochtones. Priver soudainement ces communautés de l'accès aux médias autochtones constitue non seulement une atteinte au droit fondamental à l'information et à la liberté d'expression, mais aussi une menace pour leur droit à la participation politique, à la santé publique et à la culture. Une telle décision pourrait entraîner une mise sous silence prolongée des voix autochtones dans les médias, alors même que nombre de ces communautés sont déjà confrontées à l'isolement, à la discrimination et à l'absence d'infrastructures de communication adéquates.

De plus, l'idée de rouvrir la prison d'Alcatraz en tant que centre de détention pour migrants et criminels violents a

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

suscité de vives réactions parmi les peuples autochtones de la région de la baie de San Francisco ainsi que chez les défenseurs des droits des autochtones. Cette île, fermée en tant que prison en 1963, est devenue un symbole historique de la résistance autochtone et occupe une place particulière dans la mémoire collective et l'identité culturelle de ces communautés. En novembre 1969, un groupe d'activistes autochtones a occupé Alcatraz pendant 19 mois, réclamant la reconnaissance des droits des peuples autochtones et la restitution des ressources ; une action considérée comme l'un des mouvements les plus marquants de la résistance autochtone moderne aux États-Unis. Réutiliser ce lieu comme centre de détention pour migrants constitue non seulement une offense profonde à l'histoire et à l'identité des peuples autochtones, mais aussi une réactivation symbolique des violences et répressions historiques perpétrées par l'État à leur encontre.¹

1. <https://www.theguardian.com/us-news/2025/aug/02/trump-alcatraz-indigenous-people>

Chapitre V : Droits des migrants et des demandeurs d'asile

1. Militarisation de la politique migratoire

Au cours de la période couverte par le rapport, la crise humanitaire liée aux migrants aux États-Unis a atteint un niveau alarmant et sans précédent de violations des droits de l'homme. Les migrants, en particulier les enfants et les familles, sont confrontés dans les zones frontalières à des conditions considérées comme inhumaines et dégradantes au regard des normes internationales en matière de droits de l'homme. Cette situation inclut des détentions prolongées dans des centres ne répondant pas aux standards requis, des comportements violents, ainsi qu'un déni d'accès à des droits fondamentaux tels que les soins de santé, l'éducation et les soutiens psychologiques et sociaux.

Les organisations de défense des droits de l'homme affirment que le recours aux bases militaires pour la détention de migrants est profondément préoccupant et comporte le risque de normaliser l'utilisation d'infrastructures militaires dans l'application du droit civil. Des membres de l'Union américaine pour les libertés civiles (ACLU) dans le New Jersey ont déclaré : « Ce que nous observons est un excès, et nous ne devons en aucun cas banaliser l'usage des installations ou des ressources militaires pour la détention des migrants. »

Le jour de son investiture, le nouveau gouvernement des États-Unis a déclaré l'état d'urgence nationale à la frontière sud, invoquant à tort l'existence d'une invasion. Cette déclaration a entraîné une augmentation significative du déploiement de la Garde nationale fédéralisée sous le régime

du Title 10. Depuis lors, des véhicules blindés ont été envoyés dans les communautés frontalières. Ces forces ont participé à la construction et au transport de matériaux pour le mur frontalier, à des opérations de surveillance et de détection, ainsi qu'au soutien logistique d'agences civiles telles que l'Immigration and Customs Enforcement (ICE) et la Customs and Border Protection (CBP). Cependant, ces mesures ont détérioré les conditions de vie des populations civiles vivant le long de la frontière. Environ 19 millions de personnes résident dans cette région, en plus des citoyens et des commerçants qui franchissent quotidiennement la frontière. Ces dernières années, les habitants — qu'ils soient américains ou résidents frontaliers — ont été confrontés à une surveillance policière étendue, à une présence agressive des forces fédérales, à des postes de contrôle frontaliers entravant l'accès aux soins médicaux et aux activités quotidiennes, ainsi qu'à une dégradation environnementale causée par la construction du mur frontalier.

De plus, le 11 avril 2025, le président des États-Unis a publié un mémorandum autorisant le Département de la Défense à utiliser et superviser des terres publiques civiles le long de la frontière, notamment la « réserve Roosevelt » au Nouveau-Mexique, à l'exception des territoires tribaux fédéraux, pour des activités militaires. Ce décret confère au secrétaire à la Défense le pouvoir de définir les « activités militaires raisonnablement nécessaires et appropriées », incluant des mesures visant à « protéger et sécuriser les installations militaires » et à interdire l'accès aux nouvelles « zones de défense nationale » désignées.

Autrement dit, Donald Trump ouvre la voie à une expansion du rôle de l'armée au-delà du simple soutien logistique, avec un champ d'action potentiellement étendu au-delà des zones initialement définies. Cette politique a des répercussions sérieuses pour les résidents des régions frontalières désormais militarisées, incluant des villes densément peuplées et économiquement dynamiques telles que San Diego (Californie), Nogales (Arizona), El Paso (Texas), et d'autres communautés. Les habitants de ces zones risquent désormais des poursuites fédérales en cas d'entrée involontaire dans les « zones de défense nationale » nouvellement établies.¹

D'autre part, le déploiement de forces armées le long des frontières sud-ouest des États-Unis suscite de vives inquiétudes quant à la militarisation de la réponse au phénomène migratoire et à la menace qu'elle représente pour les droits fondamentaux des personnes. Les politiques officielles encadrant l'usage de la force dans ces zones accordent la priorité à la « protection de la sécurité du personnel du Département de la sécurité intérieure et des forces militaires », ce qui, selon les observateurs des droits de l'homme, risque d'aboutir à une tolérance accrue dans l'usage d'armes létales contre les migrants.² Les données officielles de l'Immigration and Customs Enforcement (ICE) indiquent qu'en juin 2025, environ 57 200 personnes étaient détenues en moyenne. Toutefois, des estimations indépendantes et plus exhaustives révèlent que le nombre réel de personnes en détention, dans le cadre du système dit

1. <https://www.aclu.org/news/national-security/trumps-expanded-domestic-military-use-should-worry-us-all>

2. <https://www.hrw.org/news/2025/02/20/ten-harmful-trump-administration-immigration-and-refugee-policies>

de « crimmigration » — qui fusionne les logiques de contrôle migratoire et de criminalisation — serait environ 45 % plus élevé, atteignant près de 83 400 individus. Ce chiffre, bien qu'issu d'une estimation prudente, suggère que le nombre de migrants détenus est probablement bien supérieur à ce que les statistiques officielles laissent entendre.

Au cours des cinq premiers mois de l'année 2025, des dizaines de milliers de migrants arrêtés par l'Immigration and Customs Enforcement (ICE) ou d'autres agences fédérales ont été transférés vers le système de détention pénale fédérale en raison d'accusations criminelles douteuses ou fabriquées liées à l'immigration. Selon des documents obtenus auprès de la division des opérations carcérales du United States Marshals Service, environ 20 000 personnes ont été enregistrées en détention préliminaire fédérale entre janvier et fin mai 2025 pour des infractions liées à l'immigration. Ces chiffres révèlent que le nombre réel de migrants détenus dépasse largement ce que reflètent les données officielles de l'ICE.¹ Cette tendance témoigne d'une expansion préoccupante du recours aux mécanismes pénaux pour gérer les flux migratoires — une approche qui affaiblit les droits fondamentaux des migrants et transforme les dossiers migratoires en affaires criminelles, entraînant une augmentation sans précédent de la population carcérale et une violation manifeste des principes d'un procès équitable.

Le Rapporteur spécial sur le racisme a exprimé ses préoccupations quant à la présence de racisme systémique au sein de l'administration de l'immigration des États-Unis,

1. https://www.prisonpolicy.org/reports/jails_immigration.html

notamment à travers les politiques de sous-traitance et de militarisation des frontières mises en œuvre pour freiner les flux migratoires, accompagnées d'un recours croissant aux technologies de surveillance et aux outils numériques. Il a souligné que ces politiques dissuasives tendent à ignorer les obligations de l'État envers les demandeurs d'asile. Le rapporteur a également attiré l'attention sur des cas de détention forcée de personnes non citoyennes, opérée sans respect des procédures légales et sans accès à une représentation juridique, dans des centres de rétention dont les conditions sont insuffisantes et parfois dangereuses.¹

Une part significative de ces personnes est maintenue en détention en raison d'accusations pénales liées à l'immigration, et non simplement pour des infractions administratives en matière migratoire. Or, ces cas ne sont pas comptabilisés dans les statistiques officielles de l'ICE. Ce mode de classification contribue à dissimuler l'ampleur réelle de la détention des migrants, entravant ainsi la transparence publique et la responsabilité institutionnelle. Par ailleurs, cette approche engendre des conséquences graves et préjudiciables pour les individus pris dans cet engrenage, affectant durablement leurs droits fondamentaux et leur accès à une procédure équitable.

L'un des aspects les plus préoccupants réside dans l'usage des instruments judiciaires comme moyen de pression contre les migrants détenus. Les procureurs fédéraux disposent du pouvoir de poursuivre ces personnes sur la base d'accusations pénales fédérales — des chefs d'inculpation susceptibles d'entraîner de lourdes peines d'emprisonnement et des

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

amendes considérables. Cette menace dissuade effectivement de nombreux individus de poursuivre leurs demandes d'asile ou de faire valoir leurs droits légaux, les contraignant ainsi à renoncer aux voies juridiques et à accepter leur expulsion.

Ce schéma présente une similitude frappante avec le phénomène bien connu du « plea bargain »¹ dans le système de justice pénale — une situation dans laquelle les individus, pour éviter des condamnations plus lourdes, se voient contraints de plaider coupable aux accusations portées contre eux, même dans des affaires où une victoire au tribunal serait envisageable. Dans le domaine migratoire, ce mécanisme affaiblit non seulement le droit à une procédure équitable, mais devient également un outil de facilitation et d'accélération des expulsions, reléguant au second plan les droits fondamentaux des personnes concernées.

2. Conditions inhumaines dans les centres de détention pour migrants

De nombreux rapports documentés en 2025 ont révélé des conditions de détention inhumaines dans les centres pour migrants aux États-Unis. Selon ces sources, les personnes détenues sont exposées à une surpopulation extrême, à des températures insupportables — qu'elles soient excessivement élevées ou basses — et à un accès insuffisant aux besoins fondamentaux tels que la nourriture, l'eau potable, les soins médicaux et les produits d'hygiène.

Entre janvier et juin 2025, des milliers de migrants ont été détenus dans trois centres de rétention majeurs situés dans l'État de Floride : le Centre de traitement des services

1. trial penalty

de Krome Nord (Krome North Service Processing Center)¹, le Centre de transition de Broward (Broward Transitional Center)² et le Centre de détention fédéral (Federal Detention Center)³. Ces établissements ont constitué des points névralgiques du système de détention migratoire dans le sud-est des États-Unis durant cette période.

Selon les données enregistrées, jusqu'en mars 2025, la population détenue au Centre de traitement des services de Krome a connu une augmentation de 249 % par rapport à la période précédant l'entrée en fonction du nouveau gouvernement. Certains jours du mois de mars, le centre hébergeait plus de trois fois sa capacité légale. Par ailleurs, au 20 juin 2025, le nombre total de personnes détenues dans les trois centres principaux de Floride affichait une hausse de 111 % par rapport au jour de l'investiture présidentielle.⁴ Les personnes incarcérées dans ces établissements sont confrontées à des conditions de détention extrêmement surpeuplées, insalubres et inhumaines. Des rapports de terrain et de nombreux témoignages font état de traitements dégradants infligés aux détenus, d'un accès insuffisant à des soins médicaux urgents et appropriés, ainsi que de graves atteintes physiques et psychologiques résultant de ces conditions. Ce constat soulève des préoccupations majeures en matière de respect des droits de l'homme et de conformité aux normes juridiques nationales et internationales.

1. Krome North Service Processing Center

2. Broward Transitional Center (BTC)

3. Federal Detention Center (FDC)

4. <https://www.hrw.org/report/2025/07/21/you-feel-like-your-life-is-over/abusive-practices-at-three-florida-immigration>

Le président des États-Unis a récemment qualifié le camp de détention pour migrants situé dans les Everglades, en Floride, d'« Alcatraz des alligators » — une appellation qui, selon des experts en droits de l'homme, évoque un lieu assimilable à un camp de travail forcé. Ce centre de détention, censé pouvoir accueillir jusqu'à 5 000 migrants arrêtés par l'Immigration and Customs Enforcement (ICE) en attente d'expulsion, héberge actuellement environ 700 personnes. Les conditions observées dans ce camp soulèvent de graves préoccupations quant au respect des droits fondamentaux des détenus, notamment en ce qui concerne la dignité des conditions de rétention et l'accès aux services essentiels.¹ Les migrants sont enfermés dans des cages métalliques surpeuplées, parfois plusieurs dizaines par unité, et logés dans de vastes tentes lourdes exposées à une chaleur extrême. De nombreux rapports font état de violations graves : nourriture infestée de vers, négligence médicale, systèmes de climatisation défectueux, et un nombre insuffisant de toilettes, souvent débordantes. Ces éléments témoignent d'un environnement de détention potentiellement dangereux, contraire aux normes internationales relatives au traitement des personnes privées de liberté.

3. Expulsions forcées vers des pays tiers

La disparition forcée et la torture de migrants par un pays tiers sur ordre d'un pays expulseur est la dernière évolution choquante de l'externalisation du contrôle de l'immigration, par laquelle les mesures de sécurité aux frontières d'un pays d'accueil de migrants sont déléguées à un autre pays. Selon les rapports, les États-Unis auraient secrètement négocié la

1. <https://edition.cnn.com/2025/07/01/us/what-is-alligator-alcatraz-florida>

torture avec le Salvador. Le Salvador et les États-Unis auraient secrètement finalisé un accord en vertu duquel le Salvador transférerait des individus depuis les États-Unis vers une détention illimitée et sans contact avec l'extérieur dans ses prisons, y compris le Centre de confinement du terrorisme (CECOT)¹. Ce rapport fournit au Rapporteur spécial des Nations Unies sur les droits humains des migrants des documents montrant comment le Salvador a transféré environ 288 détenus des États-Unis vers son pays et les a incarcérés à la prison du CECOT². Ces individus avaient été arrêtés aux États-Unis en vertu de la « Loi sur les ennemis étrangers »³ (Alien Enemies Act, une loi américaine du XVIII^e siècle utilisée pour expulser des personnes sans procès, uniquement sur l'accusation d'appartenance à des gangs criminels).⁴

Par ailleurs, dans le cadre d'une nouvelle politique controversée de l'administration Trump, les États-Unis ont expulsé cinq ressortissants étrangers vers le Royaume d'Eswatini, situé en Afrique australe, sans qu'aucun lien significatif ne les rattache à ce pays. Cette mesure s'inscrit dans une stratégie plus large d'expulsion de migrants vers des États tiers. Les personnes concernées — originaires du Viêt Nam, de Cuba, de la Jamaïque, du Yémen et du Laos — ont été transférées par avion vers Eswatini, selon les autorités américaines, en raison du refus des pays d'origine de les réadmettre. Eswatini, petit pays comptant environ 1,2 million d'habitants, ne dispose d'aucun accord officiel en la matière avec les États-Unis.⁵

1. Centro de Confinamiento del Terrorismo (CECOT)

2. Robert F. Kennedy Human Rights, 2025

3. Alien Enemies Act

4. Robert F. Kennedy Human Rights, 2025

5. <https://www.bbc.com/news/articles/clyze8mvzdgo>

Selon les rapports, le Rwanda a signé un accord avec le gouvernement des États-Unis dans le cadre de la nouvelle politique controversée de l'administration Trump, visant à intensifier les efforts pour expulser des millions de migrants. Le gouvernement américain avait auparavant signé des accords pour expulser des migrants vers le Soudan du Sud et l'Eswatini (deux pays situés au sud du Sahara en Afrique). Le Rwanda a conclu un accord avec le gouvernement Trump pour accepter des migrants expulsés des États-Unis, devenant ainsi le troisième pays africain à le faire, alors que des plaintes ont été formulées selon lesquelles les gouvernements de ce continent auraient été soumis à des pressions de la part de la Maison-Blanche pour les accepter. Les expulsés étrangers américains, originaires d'autres pays, avaient déjà été envoyés vers le Soudan du Sud et l'Eswatini. Ce pays d'Afrique de l'Est « a accepté avec les États-Unis d'accueillir jusqu'à 250 migrants », dans le cadre d'un accord qui permet au gouvernement d'« approuver chaque personne proposée pour une relocalisation ».

Dans l'un des actes les plus controversés récemment, le gouvernement des États-Unis a invoqué la loi dite des « ennemis étrangers », adoptée en 1798 — une législation de temps de guerre rarement utilisée — afin d'accélérer le processus d'expulsion des ressortissants vénézuéliens. Le recours à cette loi vieille de 227 ans, fondée sur des pouvoirs de guerre, soulève d'importantes préoccupations constitutionnelles quant au respect du droit à une procédure équitable garanti par le cinquième amendement. La Cour suprême a été contrainte d'intervenir, exigeant que les personnes concernées soient

informées et disposent d'une possibilité individuelle de contester leur expulsion, bien que la mise en œuvre de ces garanties demeure inégale.¹

Dans ce contexte, plusieurs rapporteurs spéciaux du Conseil des droits de l'homme ont exprimé leur inquiétude quant à l'usage abusif par le gouvernement des États-Unis de la loi sur les « ennemis étrangers » (Alien Enemies Act), estimant qu'elle a été invoquée de manière inappropriée pour porter atteinte au droit à un procès équitable et faciliter des expulsions arbitraires, incluant des disparitions forcées de personnes, y compris de celles non impliquées dans des activités criminelles. Le Haut-Commissaire des Nations Unies aux droits de l'homme a appelé le gouvernement américain à garantir le respect du droit à une procédure régulière, à appliquer les décisions judiciaires, à protéger les droits des enfants et à suspendre les expulsions dans les cas où il existe un risque de torture.²

Parmi l'ensemble des décrets exécutifs relatifs à la politique migratoire qui ont marqué le second mandat présidentiel de Donald Trump, le décret exécutif n°14159 se distingue par l'instauration d'une politique de détention systématique des personnes soupçonnées d'avoir enfreint les lois sur l'immigration, et ce « dans les limites permises par la loi » jusqu'à la finalisation de leur procédure d'expulsion. Selon plusieurs rapports, le gouvernement américain a procédé à l'expulsion de migrants et de demandeurs d'asile après les avoir maintenus dans des conditions de détention inhumaines pendant des semaines, tout en les privant de l'accès à une procédure judiciaire équitable et

1. <https://www.npr.org/2025/04/30/g-s1-63415/top-5-immigration-changes-trump-first-100-days>

2. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

du droit de solliciter l'asile. Des organisations internationales de défense des droits de l'homme ont dénoncé cette pratique comme étant inacceptable, soulignant qu'il est inadmissible que des familles soient renvoyées vers des pays qu'elles n'ont jamais choisis, sans procédure légale préalable ni considération pour leur sécurité.

De plus, l'administration Trump a revendiqué le droit d'annuler le statut légal de certains migrants en s'appuyant sur une disposition de la loi sur l'immigration et la nationalité de 1952, qui autorise le secrétaire d'État à déterminer si la présence d'un individu dans le pays « porte atteinte aux intérêts vitaux de la politique étrangère des États-Unis ». Cet argument est généralement invoqué sans justification substantielle ni évaluation individuelle, et repose principalement sur la participation à des activités de protestation ou l'expression de positions politiques par les personnes ciblées. Cette revendication d'un pouvoir discrétionnaire illimité s'inscrit dans un schéma récemment illustré par l'expulsion de 137 ressortissants vénézuéliens résidant aux États-Unis vers une prison au Salvador, sans audience judiciaire préalable, et sur la base d'une interprétation controversée de la loi sur les « ennemis étrangers » de 1798. Le gouvernement affirme que, conformément à cette loi, il peut expulser tout citoyen vénézuélien affilié à un groupe nommé « Tren de Aragua », qu'il considère comme lié au gouvernement vénézuélien.

Il convient de noter que, par décret migratoire, le président des États-Unis a interdit l'entrée sur le territoire américain aux ressortissants de douze pays, dont l'Iran. Ce décret constitue

une violation manifeste des engagements internationaux des États-Unis en matière de droits de l'homme, notamment des principes de non-expulsion et de non-discrimination fondée sur la race ou la nationalité. La Déclaration universelle des droits de l'homme reconnaît le droit d'entrer et de résider légalement dans tout pays comme l'un des droits fondamentaux de chaque être humain.

4. Détention et violation des droits des immigrants iraniens résidant aux États-Unis

La situation des Iraniens résidant aux États-Unis a connu des hauts et des bas au cours des dernières années, dont la complexité et l'intensité se sont accrues après l'arrivée au pouvoir de Donald Trump et l'adoption de ses politiques anti-immigration. De plus, suite à la guerre imposée par le régime israélien contre l'Iran et à l'attaque illégale des États-Unis contre les installations nucléaires iraniennes, la pression sur la communauté iranienne résidant dans ce pays a augmenté de manière exponentielle, imposant davantage de restrictions aux immigrants iraniens dans ce pays.

Le Département de la Sécurité intérieure des États-Unis (DHS)¹, dans une nouvelle publiée sur son site officiel le 24 juin 2025, a annoncé avoir arrêté 11 ressortissants iraniens pour présence illégale sur le sol américain lors d'une vaste opération les 22 et 23 juin 2025. Cette nouvelle affirme que « les immigrants illégaux criminels arrêtés comprennent un individu ayant des liens avoués avec le Hezbollah, un terroriste connu ou présumé, et un ancien tireur d'élite de l'armée iranienne. »²

1. U.S. Department of Homeland Security (DHS)

2. <https://www.dhs.gov/news/2025/06/24/ice-arrests-11-iranian-nationals-illegally-us-over-weekend>

Le traitement des Iraniens résidant aux États-Unis par le service de l'immigration, qui conduit parfois à la violation des droits des migrants iraniens, trouve son origine dans une combinaison de facteurs politiques, sécuritaires et sociaux. Dans un contexte de fortes tensions politiques entre l'Iran et les États-Unis, les ressortissants iraniens, même ceux qui résident légalement dans le pays, sont parfois soumis à une surveillance accrue en raison de leur nationalité et s'exposent à des accusations ou à des détentions arbitraires pour des motifs fallacieux. De tels traitements violant les droits fondamentaux des migrants se sont intensifiés, en particulier après la guerre du régime sioniste contre l'Iran et l'attaque américaine contre les installations nucléaires iraniennes. Il est évident que cette approche, centrée sur la nationalité des individus, peut entraîner une discrimination systémique et la violation des droits humains et migratoires fondamentaux des Iraniens résidant dans ce pays. Une approche selon laquelle les individus, simplement en raison de leur identité iranienne, sont confrontés à des défis accrus en matière de résidence, d'emploi et de sécurité.

Chapitre VI : Droits des femmes

1. Violences sexistes et sexuelles

Les données officielles de l'année 2025 indiquent que les violences sexuelles et sexistes demeurent l'un des défis sociaux majeurs aux États-Unis. Au total, 204 055 infractions sexuelles ont été signalées cette année-là, soit en moyenne 559 par jour, ou une toutes les 2,57 minutes. Parmi ces infractions, 41 % concernaient des attouchements ou agressions sexuelles, et 37 % des viols. Environ 86 % des victimes étaient des femmes. Près de 48 % des victimes appartenaient à la tranche d'âge de 11 à 20 ans, et 18 % étaient des enfants de moins de 10 ans. Les États de l'Alaska, du Dakota du Sud et de l'Arkansas ont enregistré les taux de viol les plus élevés, tandis que le Montana et l'Utah ont signalé les taux les plus élevés d'attouchements et d'agressions sexuelles.

Ces chiffres illustrent l'ampleur et la gravité des violences sexistes et sexuelles aux États-Unis en 2025, et révèlent que les femmes et les adolescentes en sont les principales victimes.¹ Environ 35,6 % des femmes américaines déclarent avoir été victimes, au cours de leur vie, de violences physiques, de viols, d'agressions sexuelles ou de harcèlement de la part d'un partenaire intime. Chaque année, près de 10 millions de femmes sont victimes de violences domestiques. Au premier semestre 2025, le taux de violences domestiques a augmenté en moyenne de 3 % dans les neuf plus grandes villes du pays par rapport à la même période en 2024.

1. <https://www.johnfitch.com/research/sex-offense-study-2025-worst-states-and-statistics/>

2. Violences domestiques

La violence domestique demeure l'un des défis majeurs en matière de droits des femmes aux États-Unis. Les statistiques montrent qu'environ 22 % des femmes ont été victimes de violences de la part d'un partenaire intime au cours de leur vie.¹ Environ 81 % des femmes ont subi des agressions ou des violences sexuelles.

Malgré les récentes réformes législatives et politiques, de nombreuses mesures gouvernementales de lutte contre les violences domestiques demeurent inaccessibles ou inefficaces pour les victimes, privant ainsi un grand nombre de personnes affectées des rares ressources disponibles.² Ce phénomène reste un problème grave, dépourvu de solutions durables et efficaces pour venir en aide à l'ensemble des femmes touchées. Il convient de souligner que l'étude des violences domestiques est limitée, notamment en raison de l'écart significatif entre les cas effectivement signalés aux autorités judiciaires ou médicales et la réalité des faits. Il est à noter qu'aux États-Unis, « moins de 40 % des femmes victimes de violences sollicitent une aide ».³

Au premier semestre 2025, la violence domestique a été le seul type de violence à avoir augmenté (+3 %) par rapport à la même période en 2024.⁴ Les zones urbaines ont connu

1. Margaret Stranka, "Amending the Justice Reinvestment Act to Protect Victims of Domestic Violence," *University of Maryland Law Journal of Race, Religion, Gender & Class* 19, no. 1 (Spring 2019): 185–200.

2. Jacqueline G. Lee and Bethany L. Backes, "Civil Legal Aid and Domestic Violence: A Review of the Literature and Promising Directions," *Journal of Family Violence* 33, no. 6 (2018): 421–433.

3. Jennifer L. Truman and Rachel E. Morgan, "Nonfatal Domestic Violence," Washington, DC: US Department of Justice, Bureau of Justice Statistics (2014).

4. <https://counciloncj.org/crime-trends-in-u-s-cities-mid-year-2025-update/>

une hausse des cas (par exemple, +1,9 % dans les villes californiennes entre 2021 et 2023), tandis que les zones suburbaines et rurales ont enregistré des baisses significatives (respectivement -18,6 % et -12 %).¹

Les données sur la violence domestique sont souvent incomplètes et varient considérablement selon les régions. En 2025, seules 9 des 42 villes étudiées (moins de 25 %) ont collecté régulièrement des données sur ce phénomène.²

Chaque minute, 20 personnes sont victimes de violences physiques infligées par leur partenaire intime,³ ce qui représente plus de 10 millions de victimes par an. Une femme sur trois et un homme sur dix subissent, au cours de leur vie, des violences de la part de leur partenaire.⁴ Les femmes âgées de 18 à 24 ans sont les plus vulnérables face aux violences domestiques.⁵ Dans 42 % des homicides liés à la violence domestique, une arme à feu est utilisée.⁶ Dans l'État de Washington, 43 % des femmes déclarent avoir été victimes de violences conjugales au cours de leur vie. Par ailleurs, 30 % des femmes assassinées le sont par leur partenaire intime ou un membre de leur famille.⁷ Les jeunes femmes se trouvent dans la tranche d'âge la plus critique pour subir des violences domestiques. L'accessibilité aux armes

1. <https://www.ppic.org/blog/reports-of-domestic-violence-have-dropped-but-their-severity-has-gone-up/>

2. <https://www.cdc.gov/intimate-partner-violence/about/index.html>

3. <https://www.cdc.gov/nisvs/about/index.html>

4. <https://www.kff.org/womens-health-policy/issue-brief/womens-experiences-with-intimate-partner-violence/>

5. <https://fdfamilylaw.com/shocking-statistics-about-domestic-abuse-infogra/>

6. https://www.aap.org/en/patient-care/intimate-partner-violence/intimate-partner-violence-infographic-series/?srsltid=AfmBOoc73P67wnCdtK3Ai8gHDRvT7573aGTV-JU7At9yOj3LH-vVi_tD

7. <https://www.solid-ground.org/unveiling-the-many-forms-of-domestic-intimate-partner-gender-based-violence/>

à feu accroît considérablement le risque que ces violences se transforment en homicides. La violence domestique constitue l'une des principales causes de meurtre de femmes aux États-Unis. Ces statistiques montrent que la violence domestique n'est pas seulement un problème répandu, mais qu'elle peut facilement dégénérer en une tragédie irréversible.

De plus, la violence domestique constitue l'un des principaux facteurs de l'itinérance chez les femmes aux États-Unis. Selon les rapports, entre 20 % et 50 % des femmes sans-abri dans le pays le sont directement en raison de leur fuite face à des situations de violence conjugale. Ces chiffres révèlent l'urgence de mettre en place des refuges sécurisés et des dispositifs de soutien social pour les femmes victimes de violences domestiques, afin de prévenir leur basculement dans la précarité et l'exclusion.

3. Inégalités économiques entre les femmes et les hommes

Les femmes américaines continuent de faire face à des obstacles majeurs en matière d'accès équitable aux revenus, à la richesse, à l'emploi et aux postes de direction. Ces inégalités se manifestent dans les écarts de salaires, de patrimoine, d'opportunités professionnelles et de taux de pauvreté. En 2025, les disparités économiques entre les sexes restent un problème structurel aux États-Unis, avec des répercussions profondes sur la vie professionnelle, financière et sociale des femmes — en particulier pour les femmes racisées, les mères salariées et dans certains États.

Selon les données disponibles, les femmes occupant des emplois à temps plein ou partiel gagnaient en 2024 en moyenne 85 % du revenu des hommes.¹ En incluant tous les

1. <https://www.pewresearch.org/short-reads/2025/03/04/gender-pay-gap-in-us-has-narrowed-slightly-over-2-decades/>

types d'emplois, ce chiffre tombe à 75 %, ce qui reflète l'impact négatif du travail précaire et saisonnier.¹

Les études montrent que l'écart salarial persiste même entre femmes et hommes ayant un niveau d'éducation et une expérience équivalents, et ce, dans tous les groupes raciaux. Par exemple, les femmes américaines d'origine asiatique gagnent en moyenne moins que leurs homologues masculins, et les écarts sont encore plus marqués pour les femmes afro-américaines, latino-américaines et autochtones. Le phénomène dit de la « pénalité de maternité »² affecte également les revenus des femmes. Il s'agit notamment de l'impossibilité de faire des heures supplémentaires ou de l'interruption de carrière liée à la garde des enfants. En moyenne, les mères salariées perçoivent un salaire inférieur à celui des femmes sans enfant, en particulier avant l'âge de 35 ans, ce qui peut avoir des conséquences durables sur leur parcours professionnelle et financière.³

Par ailleurs, 67,9 % des travailleurs rémunérés au salaire minimum sont des femmes.⁴ Seuls 10,4 % des postes de direction dans les grandes entreprises sont occupés par des femmes. Celles-ci sont surreprésentées dans les emplois faiblement rémunérés, notamment dans les secteurs des soins aux enfants et aux personnes âgées.⁵ L'écart de richesse entre les chefs de famille blancs et les femmes afro-américaines ou latino-américaines est particulièrement marqué.⁶

1. https://www.aauw.org/app/uploads/2025/03/The_Simple_Truth_Gender_Pay_Gap_2025.pdf

2. Motherhood Penalty

3. [Feminist.com/resources/art-speech/family/motherhood.html](https://feminist.com/resources/art-speech/family/motherhood.html)

4. <https://inequality.org/facts/gender-inequality/>

5. <https://www.weforum.org/publications/global-gender-gap-report-2025/digest/>

6. <https://inequality.org/facts/gender-inequality/>

Chapitre VII : Droits de l'enfant

1. Impact des politiques migratoires sur les enfants

Les rapports des institutions internationales publiés en 2025¹ indiquent que les politiques migratoires restrictives, notamment le décret présidentiel de juin 2024, ont exposé les enfants migrants à des risques prolongés de violence et à des conditions inhumaines, notamment au Mexique.

Les rapports internationaux crédibles en 2025² soulignent les conditions de détention inadaptées dans les centres frontaliers américains, affectant particulièrement les enfants.

Les politiques migratoires de l'administration actuelle des États-Unis (deuxième mandat du président Donald Trump), telles que les expulsions massives et la révocation du statut de protection temporaire pour certains groupes, ont entraîné la séparation des enfants de leurs familles et leur détention dans des conditions contraires à la dignité humaine. Les rapports dénoncent la privation d'accès aux soins médicaux et les conditions de vie dégradantes dans ces centres. Les enfants migrants non accompagnés sont particulièrement vulnérables à des expulsions accélérées sans examen approfondi de leur situation, en violation de leur droit à la protection et à l'asile.

2. Détention des enfants dans les centres frontaliers

Les rapports internationaux de 2025³ documentent les conditions inhumaines dans lesquelles les enfants migrants sont détenus dans les centres frontaliers des États-Unis. À El

1. <https://www.amnestyusa.org/wp-content/uploads/2025/04/The-State-of-the-Worlds-Human-Rights-April-2025.pdf>

2. https://www.hrw.org/sites/default/files/media_2025/01/World%20Report%202025.pdf

3. <https://www.amnestyusa.org/wp-content/uploads/2025/05/Dehumanized-by-Design-Human-Rights-Violations-in-El-Paso.pdf>

Paso (Texas) et dans d'autres zones frontalières, les enfants sont confrontés à une surpopulation extrême, à un accès insuffisant aux soins médicaux et à des violations de leurs droits fondamentaux.

Les centres de détention gérés par la Customs and Border Protection (CBP) sont particulièrement mis en cause. Les enfants, y compris les mineurs non accompagnés, y sont privés de nourriture adéquate, d'eau potable et d'installations sanitaires. Ces conditions constituent une violation des articles 3, 19 et 24 de la Convention relative aux droits de l'enfant, qui garantissent la protection contre la violence et le droit à la santé et au bien-être.

3. Fusillades dans les établissements scolaires

Les rapports internationaux de 2025 soulignent la persistance de la violence armée aux États-Unis et rappellent que le Congrès n'a pas adopté de législation fédérale sur le contrôle des armes en 2024. Bien que les données spécifiques sur les fusillades scolaires en 2025 soient limitées, des sources nationales telles que le Gun Violence Archive ont recensé des incidents graves, notamment la fusillade au lycée Alapachi en Géorgie (4 morts, 9 blessés).

Les rapports internationaux considèrent la violence armée comme une violation des droits de l'homme, en particulier des droits des enfants à la vie et à la sécurité. Les fusillades de masse, y compris dans les écoles, sont dénoncées comme des atteintes graves aux droits fondamentaux.

4. Travail dissimulé des enfants

Les rapports internationaux de 2025¹ dénoncent la discrimination à l'égard des enfants migrants et issus de minorités dans le monde du travail. Des enfants migrants ont été identifiés dans des emplois dangereux, notamment dans l'industrie de la viande en Iowa et en Arkansas. En 2024, une entreprise de l'Iowa a été sanctionnée pour avoir employé illégalement 50 enfants, et cette pratique s'est poursuivie en 2025.

Dix États ont adopté entre 2023 et 2024 des lois assouplissant les restrictions sur le travail des enfants, autorisant notamment le travail de nuit et dans des secteurs à haut risque. En Floride, une loi permet désormais aux enfants de 16 ans de travailler de nuit, en violation des normes fédérales.

Les organisations internationales de défense des droits de l'homme ont critiqué l'affaiblissement des lois de protection des enfants dans des secteurs tels que l'agriculture et l'industrie, qualifiant ces pratiques d'exploitation et de violation du droit à la sécurité et à l'éducation.

5. Discrimination raciale à l'égard des enfants

La discrimination structurelle à l'encontre des enfants afro-américains, autochtones et issus d'autres minorités est présente dans les systèmes éducatifs et judiciaires des États-Unis. Selon Human Rights Watch, ces enfants sont confrontés à des sanctions plus sévères et à un traitement discriminatoire dans le système judiciaire, en violation de leur droit à l'égalité et à la justice.

1. Economic Policy Institute. 2025. "Child labor standards: State solutions to the U.S. worker rights crisis," by Nina Mast, July 30, 2025, <https://www.epi.org/publication/child-labor-standards-state-solutions/>. [(<https://www.epi.org/publications/>)]

Le Legal Defense Fund (LDF) a alerté sur les effets du projet « Project 2025 » sur l'éducation des enfants afro-américains.¹ Ce projet propose la suppression des programmes de diversité et d'équité dans les écoles, ce qui risque de limiter les opportunités éducatives pour ces enfants. Il prévoit également la suppression des données raciales dans les systèmes éducatifs fédéraux, entravant l'identification et la correction des discriminations.

Le projet recommande en outre une réduction des aides financières fédérales pour les étudiants issus de minorités, ce qui affecterait directement les enfants et adolescents afro-américains et autochtones souhaitant poursuivre leurs études.

Le Comité pour l'élimination de la discrimination raciale a exprimé son inquiétude quant au nombre disproportionné d'enfants issus de minorités raciales et ethniques séparés de leurs familles et placés dans le système de protection de l'enfance.²

6. Poursuites pénales contre les enfants

Selon les rapports des organisations de défense des droits de l'homme en 2025, dans les 50 États américains, les enfants (moins de 18 ans) peuvent être poursuivis comme des adultes devant les juridictions pénales. Cela signifie qu'un mineur peut être condamné à des peines lourdes, sans considération pour son âge ou son développement.

Les États-Unis sont le seul pays au monde à condamner des enfants à la prison à perpétuité sans possibilité de libération conditionnelle. Cette peine implique qu'un mineur peut

1. Legal Defense Fund (LDF) "Attack on Our Power and Dignity: What Project 2025 Means for Black Communities" Thurgood Marshall Institute: <https://tminstituteldf.org/wp-content/uploads/2024/10/Attack-on-Our-Power-and-Dignity.pdf>

2. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

passer sa vie entière en détention, sans réexamen ni espoir de réinsertion, même en cas de réhabilitation.

Cette politique est en contradiction avec les normes internationales en matière de droits de l'homme, notamment la Convention relative aux droits de l'enfant des Nations Unies,¹ qui insiste sur la réinsertion et la réhabilitation des mineurs dans la société.

1. Les États-Unis sont le seul État membre des Nations Unies à n'avoir jamais ratifié la Convention internationale relative aux droits de l'enfant de 1989.

Chapitre VIII : Inégalités et répartition injuste de la richesse

Fracture économique structurelle

Aux États-Unis d'Amérique, la discrimination structurelle et la fracture économique sont considérées comme des enjeux fondamentaux en matière de droits de l'homme. Cette fracture profonde se manifeste notamment par une répartition inégalitaire des richesses et des revenus, un accès restreint aux opportunités éducatives et professionnelles, ainsi que par des écarts significatifs en matière d'espérance de vie. La part des personnes aisées dans la richesse nationale ne cesse de croître, tandis que les couches à faibles revenus voient leur part diminuer, une dynamique qui accentue la polarisation sociale et aggrave les inégalités de classe.

Au cours de l'année passée, un total de 365 milliards de dollars a été ajouté à la fortune des dix personnes les plus riches des États-Unis. Selon le nouveau projet de loi budgétaire et fiscale du gouvernement, ce groupe bénéficiera également d'importantes réductions d'impôts. Pour saisir l'ampleur de cette inégalité, il faut savoir que dix travailleurs américains percevant un revenu moyen auraient besoin de 726 000 années cumulées pour atteindre un tel niveau de richesse. Alors que la fortune des milliardaires connaît une croissance astronomique, une grande partie de la population ordinaire est confrontée à de sérieuses difficultés de subsistance.

Selon une analyse récente du Bureau du budget du Congrès des États-Unis (CBO), le projet de loi connu sous le nom de « Big Beautiful Bill » entraînera en moyenne une augmentation

des ressources financières des ménages américains, mais ces bénéfices seront répartis de manière inégale. D'après les conclusions du CBO, les ressources des 10 % de ménages les plus modestes devraient diminuer de 4 % d'ici 2033, tandis que les 10 % les plus aisés verront leurs ressources augmenter d'environ 2 % sur la même période, en raison de baisses d'impôts. Cette analyse révèle que les avantages de ce projet de loi profiteront de manière disproportionnée aux couches les plus riches de la société, puisque les 10 % les plus fortunés recevront près des deux tiers (65 %) de la valeur économique totale générée par la loi. En revanche, les ménages appartenant aux 20 % les plus pauvres perdront en moyenne environ 1 035 dollars en 2026, en raison de la réduction de la couverture Medicaid, des bons alimentaires et d'autres modifications.¹ Cette dynamique inégalitaire suscite de vives inquiétudes quant à l'aggravation des fractures économiques et à la violation des principes de justice sociale et des droits de l'homme aux États.

La crise de la pauvreté et du sans-abrisme

La pauvreté et le sans-abrisme aux États-Unis d'Amérique constituent l'une des crises les plus profondes et structurelles, privant des millions de personnes de la jouissance pleine et égale de leurs droits de l'homme fondamentaux. Les inégalités systémiques, la répartition injuste des richesses et l'accès inégal au logement adéquat sont les principaux facteurs de perpétuation de la pauvreté et du sans-abrisme dans le pays. Ces fractures économiques et sociales étendues ont conduit des millions d'Américains à vivre sous le seuil de pauvreté,

1. <https://edition.cnn.com/2025/05/21/business/billionaire-tax-cut-trump>

tandis que de nombreux citoyens ordinaires sont confrontés à des niveaux d'endettement exceptionnellement élevés, mettant gravement en péril leur stabilité économique et leur sécurité. Une telle situation constitue une violation manifeste des droits de l'homme, notamment du droit au logement et à une vie digne, et pose des défis profonds à la justice sociale et au bien-être collectif aux États-Unis.

En 2025, le salaire minimum fédéral est officiellement considéré comme un « salaire de pauvreté ». Le revenu annuel d'une personne seule travaillant à temps plein toute l'année au taux horaire de 7,25 dollars est désormais inférieur au seuil de pauvreté fixé à 15 650 dollars, selon les directives du Département de la santé et des services sociaux. Les méthodes de calcul de la pauvreté utilisées par le gouvernement fédéral ne reflètent pas l'écart réel entre le salaire minimum et les conditions nécessaires à la sécurité économique des travailleurs et de leurs familles.

En 2025, le salaire minimum fédéral place officiellement chaque foyer en dessous du seuil de pauvreté. Dans les vingt États qui appliquent encore ce salaire minimum fédéral, 11,8 millions de travailleurs gagnent moins de 17 dollars de l'heure, soit plus d'un travailleur sur cinq dans ces États. Ces États sont majoritairement situés dans la région sud des États-Unis. La stagnation du salaire minimum fédéral permet aux décideurs politiques du Sud de maintenir des niveaux de rémunération faibles dans leurs économies locales. Même en tenant compte des disparités du coût de la vie entre les régions, les salaires des travailleurs du Sud restent inférieurs. Cette situation résulte

en partie de politiques qui perpétuent la faiblesse des salaires, telles que le maintien d'un salaire minimum bas, exposant ainsi les travailleurs du Sud à des niveaux de pauvreté plus élevés que dans les autres régions du pays.¹

Les rapports indiquent qu'en 2025, les propositions budgétaires du Parti républicain affaibliront plusieurs composantes du réseau de protection sociale et restreindront considérablement l'accès à ces services essentiels. Ces propositions incluent une réduction du financement du programme Medicaid ainsi que l'imposition de conditions d'éligibilité plus strictes pour bénéficier des programmes Medicaid et SNAP. De telles mesures porteront directement atteinte aux travailleurs à faibles revenus et à leurs familles, dans la mesure où ces dispositifs de soutien jouent un rôle fondamental dans l'amélioration des conditions de vie de millions de travailleurs et de personnes vulnérables dont les revenus ne suffisent pas à couvrir leurs besoins fondamentaux. Si ces politiques sont mises en œuvre, la combinaison entre les réductions d'impôts pour les plus riches et la diminution des aides sociales, notamment Medicaid, entraînera une baisse du revenu réel pour les 40 % de la population se situant dans les tranches inférieures de distribution des revenus, tandis que le 1 % le plus riche en tirera des bénéfices substantiels. Cette réduction des protections sociales aura des conséquences particulièrement lourdes pour les communautés racisées et leurs enfants, qui dépendent davantage de Medicaid que les autres groupes sociaux, les exposant ainsi à un risque accru

1. <https://www.epi.org/blog/the-federal-minimum-wage-is-officially-a-poverty-wage-in-2025/>

d'aggravation des inégalités structurelles et de violation de leurs droits économiques et sociaux.¹

Les Républicains présentent la réduction des prestations et le durcissement des conditions d'accès aux programmes d'aide sociale comme un moyen d'inciter les individus à rejoindre le marché du travail. Ils soutiennent que les avantages étendus des programmes Medicaid et SNAP peuvent engendrer une dépendance à l'égard de l'aide publique et réduire la motivation à chercher un emploi. Toutefois, cette approche ignore des réalités concrètes : selon les données disponibles, près des deux tiers des bénéficiaires de Medicaid qui ne sont pas âgés, ainsi que plus de 85 % des adultes en âge de travailler bénéficiant du programme SNAP, sont effectivement actifs professionnellement. Ces chiffres révèlent que de nombreux bénéficiaires de ces aides vivent dans des conditions économiques précaires et font face à une instabilité professionnelle, et que les aides publiques jouent un rôle essentiel dans la satisfaction de leurs besoins vitaux.²

Dans le domaine du logement, selon des rapports fiables, le nouveau projet du gouvernement des États-Unis visant à limiter à deux ans la durée d'attribution des aides fédérales au logement constitue une menace sérieuse pour la stabilité résidentielle et la sécurité de près de 1,4 million de familles à faibles revenus. Une étude de l'Université de New York alerte sur le fait qu'environ 70 % de ces ménages dépendent depuis plus de deux ans du soutien du Département du logement et

1. <https://www.epi.org/blog/the-federal-minimum-wage-is-officially-a-poverty-wage-in-2025/>

2. <https://www.epi.org/blog/the-federal-minimum-wage-is-officially-a-poverty-wage-in-2025/>

du développement urbain (HUD). Actuellement, le HUD fournit des services à près de 4,9 millions de foyers par le biais de bons de location et de programmes de logement public. Le rapport souligne que l'imposition généralisée d'une limite temporelle entraînerait des « perturbations et déplacements significatifs » et rappelle que cette politique n'a jamais été testée à grande échelle, plusieurs projets pilotes ayant été abandonnés auparavant. Une telle mesure s'éloigne de la mission fondamentale du HUD, qui est de garantir un soutien durable aux familles vulnérables, et pourrait également compromettre les contrats conclus entre le ministère et les propriétaires privés. Les critiques expriment leur inquiétude quant au fait que cette limitation temporelle risque de compromettre les efforts d'autonomisation des familles et d'entraver les objectifs déclarés par les partisans de cette réforme.¹

Les experts en logement prévoient que la mise en œuvre de cette politique entraînera une augmentation significative du sans-abrisme, des déplacements forcés de familles et une instabilité accrue sur le marché locatif. Actuellement, environ 25 millions de personnes aux États-Unis sont confrontées à une crise du logement abordable, et plus de 580 000 personnes ont été recensées comme sans-abri au cours de la seule année écoulée.

Réduction du budget de la santé et des aides sociales

Le gouvernement des États-Unis, par l'adoption et la mise en œuvre d'un projet de loi intitulé « Big Beautiful Bill »², a entraîné une réduction significative des crédits alloués aux programmes

1. <https://apnews.com/article/hud-section-8-vouchers-trump-budget-cuts>

2. The Big Beautiful Bill

publics d'assurance santé. Cette mesure expose des millions de citoyens américains au risque de perdre leur couverture médicale essentielle, avec des conséquences graves sur la santé publique, en particulier parmi les populations vulnérables et à faibles revenus.

Selon les estimations officielles, l'adoption du paquet de réformes de politique intérieure proposé par les Républicains pourrait priver près de 11,8 millions de citoyens américains — adultes et enfants — de leur couverture d'assurance santé. Cette réduction s'opérerait progressivement sur une période de dix ans, affectant substantiellement les acquis des programmes fédéraux de soins de santé tels que Medicaid, la Loi sur les soins abordables (Obamacare), ainsi que le programme d'assurance santé pour les enfants.

Ce projet de loi, conçu dans le but de réaliser environ mille milliards de dollars d'économies dans le budget fédéral, prévoit une diminution des inscriptions aux programmes susmentionnés et risque d'inverser la tendance à la hausse du taux de couverture médicale observée ces dernières années. Actuellement, près de 78 millions d'adultes et d'enfants sont inscrits au programme Medicaid, et 24 millions de personnes sont assurées via les marchés de l'assurance santé instaurés par la Loi sur les soins abordables (ACA).¹

Selon les rapports, le gouvernement des États-Unis a bloqué le financement d'un ensemble de programmes de santé relevant des Centres pour le contrôle et la prévention des maladies (CDC). Cela inclut notamment la suspension

1. <https://apnews.com/article/gop-bill-trump-medicaid-cuts-coverage-health-bb4f090d2706ffb3d5652e70f246a10e>

des budgets alloués aux programmes de prévention de la violence chez les jeunes, aux recherches sur la prévention des blessures et des décès liés aux armes à feu, ainsi qu'aux efforts portant sur le diabète, les maladies rénales chroniques et la consommation de tabac. Le montant exact des fonds bloqués n'est pas précisé, mais il pourrait atteindre jusqu'à 200 millions de dollars. Par ailleurs, la Maison-Blanche avait précédemment indiqué son intention de réduire de plus de 25 % le budget de la santé publique des États-Unis pour l'année prochaine, ce qui entraînerait une baisse de plusieurs milliards de dollars pour les Instituts nationaux de la santé (NIH) et les CDC.¹

De plus, un document interne du gouvernement Trump révèle un projet visant à réduire d'environ un tiers le budget fédéral consacré à la santé, ce qui pourrait entraîner la suppression de dizaines de milliards de dollars de crédits chaque année. Ce plan, transmis au département américain de la Santé et des Services sociaux (HHS) le 10 avril 2025, propose des réductions substantielles dans les programmes et agences sanitaires, notamment une diminution de 40 % du budget des Centres pour le contrôle et la prévention des maladies (CDC). Il prévoit également la suppression des programmes du CDC axés sur la prévention des maladies chroniques, la lutte contre le VIH/sida et la violence armée. Par ailleurs, les Instituts nationaux de la santé (NIH) seraient confrontés à une réduction budgétaire de 40 %, et le nombre de leurs instituts de recherche passerait de 27 à seulement huit.²

1. <https://www.timeslive.co.za/news/world/2025-08-04-trump-administration-blocks-cdc-health-programmes-funding-wsj/>

2. <https://edition.cnn.com/2025/04/16/politics/trump-rfk-jr-budget-cut-health>

Il convient de noter que la nouvelle initiative fiscale de Donald Trump, récemment adoptée, a suscité de vives inquiétudes parmi les défenseurs des droits de l'homme, les acteurs de la société civile et plusieurs responsables politiques. Ce dispositif prévoit une réduction de 4,5 milliards de dollars des impôts, accompagnée simultanément d'une diminution de 1,2 milliard de dollars du financement des programmes essentiels de services sociaux. Selon le rapport du Bureau du budget du Congrès, la mise en œuvre de cette loi, adoptée juste avant les congés du 4 juillet, expose environ 11 millions d'Américains au risque de perdre leur couverture santé, et prive des millions d'autres de l'accès aux aides alimentaires. Les enquêtes d'opinion indiquent qu'à peine un tiers de la population américaine est informée des détails de ce projet, tandis que la dette nationale atteint un niveau sans précédent de 36 milliards de dollars. Il est en outre prévu que cette législation ajoute plus de 3,3 milliards de dollars supplémentaires à la dette publique. Ces politiques compromettent gravement la santé, la sécurité et le bien-être des populations vulnérables, et dessinent un avenir préoccupant pour des millions de citoyens américains.

Un autre exemple de la restriction d'accès à l'alimentation est la réduction massive et sans précédent des aides du programme fédéral SNAP, initialement conçu pour soutenir plus de 40 millions d'Américains dans la couverture de leurs besoins alimentaires. Cette nouvelle politique, qui constitue la plus grande diminution jamais enregistrée dans l'histoire du programme, a conduit les analystes à prévoir que près de 2,4 millions de personnes pourraient être privées de bons

alimentaires, et que certains ménages pourraient perdre jusqu'à 231 dollars par mois de prestations essentielles. Ces réductions portent un coup sévère aux familles à faibles revenus ainsi qu'aux petits commerces indépendants, tandis qu'il semble que les géants de la distribution comme Walmart — qui représente actuellement 24 % de l'ensemble des achats effectués avec les cartes SNAP — pourraient tirer profit de cette situation. Avec la baisse du pouvoir d'achat, on s'attend à ce que davantage de consommateurs se tournent vers ces enseignes pour bénéficier de prix plus abordables, ce qui alimente les inquiétudes quant à une concentration accrue du marché et à l'aggravation des inégalités économiques.

Partie II :

**Violations des droits de l'homme au
niveau international**

Chapitre I : Soutien militaire des États-Unis à Israël dans le cadre du conflit à Gaza

Soutien militaire au régime sioniste dans le génocide à Gaza

Les États-Unis d'Amérique, en tant que principal fournisseur d'armement militaire à l'État d'Israël, ont joué pendant de nombreuses années un rôle déterminant dans le renforcement de ses capacités militaires et défensives, à travers une assistance financière et logistique étendue. Ce soutien comprend la vente et le transfert de divers armements avancés, tels que des missiles, des avions de combat et des équipements militaires sophistiqués, qui ont directement contribué à l'accroissement des capacités opérationnelles de l'armée israélienne.

Du point de vue des droits de l'homme, cette coopération militaire — incluant la fourniture de systèmes de défense antimissile tels que le Dôme de fer, de bombes guidées de précision, d'hélicoptères lourds CH-53 et Apache AH-64, d'obus d'artillerie de 155 mm, de bombes anti-bunker et de véhicules blindés avancés — illustre clairement le rôle des États-Unis dans la perpétuation du cycle de violences et ses conséquences désastreuses pour les civils, ainsi que dans les violations des droits de l'homme dans les territoires palestiniens occupés. Le soutien militaire étendu des États-Unis, en renforçant les capacités militaires de la puissance occupante, crée de facto les conditions propices à la survenue et à l'aggravation de violations répétées des droits de l'homme et du droit international humanitaire

à l'encontre des populations civiles. Dans le cadre des opérations militaires menées par Israël à Gaza, qualifiées par certains comme un génocide, l'appui armé américain s'est révélé être un facteur déterminant dans le renforcement de la puissance militaire israélienne, contribuant à l'intensification des offensives ayant causé la mort et la blessure de milliers de civils palestiniens. À plusieurs reprises, des organisations internationales et de défense des droits de l'homme ont mis en garde contre l'usage par Israël de ces armements dans des attaques massives visant des zones résidentielles et des infrastructures vitales à Gaza, qualifiant ces actes de violations du droit international relatif aux droits de l'homme et du droit humanitaire international.

Selon le rapport de l'Institut international de recherche sur la paix de Stockholm (SIPRI), les États-Unis ont fourni environ 66 % des importations majeures d'armement d'Israël entre 2020 et 2024. Cette donnée souligne le rôle central des exportations d'armes américaines dans l'équipement et le renforcement des capacités militaires des forces armées israéliennes.¹

Exemples représentatifs de ventes d'armes des États-Unis à Israël en 2025 :

- Contrat d'armement de 8 milliards de dollars (janvier 2025) :

Ce paquet d'assistance comprend des missiles air-air AIM-120C-8, des obus d'artillerie de 155 mm, des missiles AGM-114 Hellfire, des bombes et explosifs, ainsi que des

1. <https://www.sipri.org/media/press-release/2025/ukraine-worlds-biggest-arms-importer-united-states-dominance-global-arms-exports-grows>.

systèmes de guidage et autres équipements militaires connexes.¹

- Vente de munitions de précision pour un montant de 7,4 milliards de dollars (février 2025) :

La vente comprend la livraison de 3 000 missiles AGM-114 Hellfire pour une valeur de 660 millions de dollars, ainsi que la fourniture de bombes, de munitions, de kits de guidage, de missiles et d'équipements de soutien connexes pour un montant total de 6,75 milliards de dollars à l'État d'Israël.

- Vente d'urgence d'armement pour un montant de 3 milliards de dollars (mars 2025) :

- La vente d'urgence d'un montant proche de 3 milliards de dollars à Israël comprend la livraison de 35 529 bombes polyvalentes d'un poids approximatif d'une tonne chacune, ainsi que 4 000 bombes anti-bunker.

- Approbation de la vente de kits de guidage de bombes et de soutiens connexes pour un montant de 510 millions de dollars

Outre les cas susmentionnés, l'occupation prolongée des territoires palestiniens et l'exécution répétée d'opérations militaires ont créé un terrain permettant au régime sioniste de tester et d'optimiser des technologies militaires avancées dans des conditions réelles de champ de bataille. Ces technologies comprennent des systèmes de défense aérienne sophistiqués, des drones de pointe, des outils de ciblage basés sur l'intelligence artificielle et le programme

1. <https://www.reuters.com/business/aerospace-defense/us-plans-8-billion-arms-sale-israel-axios-reports-2025-01-04/>

de développement des chasseurs de cinquième génération F-35, qui est mis en œuvre sous la direction et la gestion des États-Unis d'Amérique.

Ces armes et technologies, après avoir été testées sur le terrain, sont introduites et promues sur les marchés mondiaux comme des équipements « éprouvés en situation de combat ».¹ Israël bénéficie actuellement de l'un des plus vastes programmes d'achat et de développement d'équipements de défense de son histoire, dont le programme de production des chasseurs de cinquième génération F-35, géré par la société Lockheed Martin basée aux États-Unis, avec la participation de plus de 1 650 autres entreprises sous-traitantes, en est un exemple manifeste.

2. Soutien technologique au régime sioniste dans le génocide à Gaza

Les grandes entreprises technologiques américaines ont joué un rôle notable dans le soutien technologique au régime sioniste. Ces coopérations ont eu lieu dans divers domaines, notamment la cybersécurité, la surveillance avancée, le traitement de données, l'intelligence artificielle et le développement d'infrastructures militaires. Des entreprises telles que Microsoft, Google, Amazon et Oracle, en établissant des centres de recherche et développement en Israël, en transférant des technologies et en fournissant des services cloud aux institutions militaires et de sécurité israéliennes, ont contribué au renforcement des capacités techniques de ce régime. Ces soutiens, en particulier dans

1. <https://www.ohchr.org/sites/default/files/documents/hrbodies/hrcouncil/sessions-regular/session59/advance-version/a-hrc-59-23-aev.pdf>

les domaines de la surveillance étendue, du contrôle de la population et du développement d'outils militaires intelligents, ont joué un rôle significatif dans la poursuite des politiques répressives et d'occupation d'Israël contre le peuple palestinien.

La société Palantir joue un rôle dans l'efficacité du massacre de masse grâce à l'outil d'intelligence artificielle appelé « Lavender ». Microsoft, par ses services cloud Azure, ainsi que les sociétés Google et Amazon, en participant au Projet Nimbus, fournissent les infrastructures technologiques nécessaires à l'armée israélienne. Cette situation a transformé les crimes de guerre du 21^e siècle en un partenariat public-privé entre le régime sioniste et les États-Unis.¹

Depuis plusieurs décennies, la société Caterpillar fournit au régime sioniste, via le programme américain de financement militaire étranger (Foreign Military Financing) ainsi qu'un représentant exclusif cédé à la force militaire de ce pays conformément aux lois israéliennes, des équipements utilisés pour la destruction des maisons et infrastructures palestiniennes. En collaboration avec des entreprises telles que les Industries Aérospatiales du régime sioniste, Elbit Systems et Rada Electronic Industries (appartenant à Leonardo DRS), le régime sioniste a développé le bulldozer Caterpillar modèle D9 comme une arme autonome et télécommandée, qui est utilisé dans de nombreuses opérations militaires depuis l'an 2000 et a joué un rôle dans le dégagement des lignes d'infiltration, la

1. <https://www.aljazeera.com/opinions/2025/9/4/how-to-stop-israel-from-starving-gaza>

« neutralisation » de zones et l'homicide de Palestiniens. ¹

Outre cela, Microsoft est actif dans le régime sioniste depuis 1991 et y a développé son plus grand centre en dehors des États-Unis. Les technologies de cette entreprise sont utilisées dans des institutions telles que l'Administration pénitentiaire, la police, les universités et les écoles – y compris dans les colonies illégales. Depuis 2003, Microsoft a procédé à l'intégration de ses systèmes et technologies civils dans la structure militaire du régime sioniste et, dans ce cadre, a acquis des start-ups du régime sioniste actives dans le domaine de la cybersécurité et de la surveillance.

3. Soutien politique au régime sioniste dans le génocide à Gaza

Israël, avec le soutien et l'accompagnement des États-Unis, a commis des crimes de génocide dans la bande de Gaza ; ces actions comprennent le blocus et l'affamement collectif des résidents, l'exécution de massacres à grande échelle et la destruction physique des infrastructures vitales de Gaza. Dans ce processus, Israël est responsable de l'exécution directe de ces actions, tandis que le gouvernement américain a joué le rôle de financement de ces opérations et, en utilisant son droit de veto aux Nations Unies, a fourni le soutien diplomatique nécessaire à la pérennité de ces politiques.

Les États-Unis, en utilisant leur pouvoir, notamment leur droit de veto au Conseil de sécurité des Nations Unies

1. <https://www.ohchr.org/sites/default/files/documents/hrbodies/hrcouncil/sessions-regular/session59/advance-version/a-hrc-59-23-aev.pdf>

(CSNU), ont joué un rôle actif et déterminant en étant complices du régime sioniste dans la commission du génocide contre les Palestiniens, et ont même bloqué les mesures humanitaires les plus élémentaires. En décembre dernier, l'Assemblée générale des Nations Unies, par le vote positif de 172 pays représentant plus de 90 % de la population mondiale, a reconnu le droit des Palestiniens à l'autodétermination. En revanche, Israël et les États-Unis se sont retrouvés de facto en isolement diplomatique. Ces majorités écrasantes ont, à plusieurs reprises et de manière récurrente aux niveaux internationaux, exprimé leur opposition sérieuse aux actions d'occupation et aux violations continues des droits de l'homme par le régime israélien, agissant au nom des droits des Palestiniens.

Les sondages montrent que 58 % des citoyens américains souhaitent la reconnaissance de l'État de Palestine par l'Organisation des Nations Unies, tandis que seulement 33 % s'y opposent. De plus, 60 % des Américains ont exprimé leur opposition aux actions militaires d'Israël à Gaza, ce qui témoigne d'un changement notable dans l'opinion publique concernant les politiques américaines vis-à-vis de la Palestine.¹

En plus des éléments susmentionnés, 19 rapporteurs spéciaux de l'ONU, ainsi que 4 groupes de travail et 2 experts indépendants du Conseil des droits de l'homme des Nations Unies, ont demandé la dissolution immédiate de la Fondation humanitaire de Gaza (GHF), créée en février 2025 par le régime sioniste avec le soutien américain pour

1. <https://www.aljazeera.com/opinions/2025/9/4/how-to-stop-israel-from-starving-gaza>

la distribution apparente d'aide à Gaza. Ces experts ont souligné que la Fondation humanitaire de Gaza est un exemple extrêmement préoccupant de la manière dont l'assistance humanitaire est détournée à des fins militaires et géopolitiques secrètes, et constitue une violation grave du droit international. L'implication des agences de renseignement israéliennes, des contractants américains et d'organisations non gouvernementales non identifiées, démontre le besoin urgent d'une surveillance et d'une action internationale sous l'égide de l'ONU. Depuis la création de la GHF, qui a repris des responsabilités d'entités telles que l'Office de secours et de travaux des Nations Unies pour les réfugiés de Palestine dans le Proche-Orient (UNRWA), les forces israéliennes et les contractants militaires étrangers ont continué de tirer sans discernement sur des personnes présentes dans les « centres de distribution d'aide ». Ces développements catastrophiques se produisent alors que plus de 90 % de la population de Gaza est déplacée et que le nombre de victimes a maintenant dépassé les 60 000 personnes. Rien qu'au cours des dernières semaines, le ministère de la Santé de Gaza a signalé que 180 personnes – dont 93 enfants – sont décédées des suites de la malnutrition.¹

Sanctions contre les juges de la Cour pénale internationale

En novembre 2024, la Cour pénale internationale (CPI) a émis des mandats d'arrêt, dans le cadre du conflit à Gaza, contre Benjamin Netanyahu², le Premier ministre israélien, et Yoav

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/08/un-experts-call-immediate-dismantling-gaza-humanitarian-foundation>

2. Benjamin Netanyahu

Gallant¹, l'ancien ministre de la Défense, ainsi que contre un ancien commandant du Hamas, en se fondant sur des accusations de crimes de guerre et de crimes contre l'humanité.

En réaction à cette action de la CPI, Donald Trump, le Président des États-Unis, a imposé de lourdes sanctions contre les juges et fonctionnaires de la CPI par le décret exécutif 14203, daté du 6 février 2025.

Le préambule de ce décret stipule : « Moi, Donald J. Trump, Président des États-Unis d'Amérique, je constate que la Cour pénale internationale (CPI), établie par le Statut de Rome, s'est engagée dans des actions illégitimes et sans fondement contre les États-Unis et notre proche allié Israël. La CPI a, sans aucune base légitime, exercé sa compétence sur le personnel des États-Unis et de certains de ses alliés, y compris Israël, et a ouvert des enquêtes préliminaires à leur sujet. Elle a abusé davantage de son autorité en émettant des mandats d'arrêt sans fondement contre Benyamin Netanyahou, Premier ministre d'Israël, et Yoav Gallant, ancien ministre de la Défense. La CPI n'a aucune compétence sur les États-Unis ou Israël, car aucun de ces deux pays n'est partie au Statut de Rome ou membre de la CPI. Aucun de ces deux pays n'a jamais reconnu la compétence de la CPI et les deux sont des démocraties florissantes dotées d'armées qui respectent pleinement les lois de la guerre. Les actions récentes de la CPI contre Israël et les États-Unis créent un dangereux précédent et mettent directement en péril le personnel actuel et ancien des États-Unis, y compris les membres actifs des forces armées, en les exposant à d'éventuels harcèlements, abus et arrestations. Ce comportement malveillant, à son tour, menace

1. Yoav Gallant

la souveraineté des États-Unis et affaiblit les actions cruciales de sécurité nationale et de politique étrangère du gouvernement des États-Unis et de nos alliés, y compris Israël...»¹ Le décret exécutif poursuit en déclarant : « Les États-Unis s'opposent explicitement à toute action de la CPI contre les États-Unis, Israël ou tout autre allié des États-Unis qui n'a pas consenti à la compétence de la CPI, et s'attendent à ce que leurs alliés s'y opposent également. Les États-Unis restent attachés à la responsabilité et à l'établissement pacifique de l'ordre international, mais la CPI et les États parties au Statut de Rome doivent respecter les décisions des États-Unis et d'autres pays de ne pas soumettre à la compétence de la CPI, conformément à leurs droits souverains respectifs. Les États-Unis imposeront des conséquences concrètes et significatives aux responsables des violations de la CPI, dont certaines pourraient inclure le blocage de biens et d'actifs, ainsi que la suspension de l'entrée aux États-Unis des fonctionnaires, employés et agents de la CPI, ainsi que des membres de leur famille immédiate, car leur entrée dans notre pays serait préjudiciable aux intérêts des États-Unis. »

L'Organisation des Nations Unies (ONU) a réagi à ce décret exécutif le 20 août 2025, dans un communiqué intitulé « Cour pénale internationale : les nouvelles sanctions américaines sont une «attaque flagrante» contre l'indépendance judiciaire », déclarant que le tribunal, qui opère avec le soutien des Nations Unies, a condamné les sanctions comme une attaque flagrante contre l'indépendance d'une institution judiciaire impartiale.

1. <https://www.whitehouse.gov/presidential-actions/2025/02/imposing-sanctions-on-the-international-criminal-court>

Ces actions constituent également une insulte aux États parties de la Cour, à l'ordre international fondé sur des règles, et, plus important encore, aux millions de victimes innocentes dans le monde.

La Cour a réitéré son soutien ferme à son personnel et aux victimes d'atrocités inimaginables, et a affirmé qu'elle continuerait à exercer ses fonctions, sans se laisser décourager et en pleine conformité avec son cadre juridique accepté par les États parties, et sans égard à aucune restriction, pression ou menace.

La Cour pénale internationale a appelé les États parties et tous ceux qui chérissent les valeurs de l'humanité et de l'État de droit à apporter un soutien ferme et continu à la Cour et à ses activités, qui sont menées uniquement dans l'intérêt des victimes de crimes internationaux.

L'ONU a souligné le rôle clé de la CPI dans la justice pénale internationale et a exprimé sa préoccupation quant à l'imposition de sanctions supplémentaires. Stéphane Dujarric¹, porte-parole de l'ONU, a déclaré aux journalistes à New York que cette décision crée de sérieux obstacles au fonctionnement du Bureau du Procureur et au respect de toutes les affaires actuellement devant la Cour. L'indépendance judiciaire est un principe fondamental qui doit être respecté, et de telles actions sapent les fondements de la justice internationale.²

De plus, dans une déclaration publiée le 10 février 2025, les experts des Nations Unies ont condamné cette action des États-Unis, qualifiant ce décret exécutif d'attaque contre l'État de droit

1. Stéphane Dujarric

2. <https://news.un.org/en/story/>

mondial et la justice pénale internationale. De leur point de vue, les restrictions financières qu'impose cette mesure affaiblissent la Cour pénale internationale et ses enquêtes sur les crimes de guerre et les crimes contre l'humanité dans le monde entier, y compris les crimes contre les femmes et les enfants, et se moquent des efforts de plusieurs décennies visant à placer le droit au-dessus de la force et de la sauvagerie. Selon les experts des Nations Unies, la justice doit s'appliquer de manière égale à tous, sans exception. Le respect du droit international n'est pas un processus facultatif, mais une responsabilité partagée qui renforce la sécurité mondiale, y compris celle des États-Unis, au lieu de la menacer. Les experts ont salué l'expression de solidarité et de soutien à la CPI de la part d'autres États membres de l'ONU, soulignant la reconnaissance par la communauté internationale du rôle vital de cette Cour. Enfin, les experts ont déclaré : « L'imposition de sanctions au personnel de la Cour pour l'accomplissement de ses fonctions professionnelles constitue une violation flagrante des droits humains et sape les principes d'indépendance judiciaire et d'État de droit. » Selon les experts de l'ONU, les sanctions américaines contre la CPI constituent des crimes contre l'administration de la justice en vertu de l'article 70 du Statut de Rome. L'article 70 criminalise la tentative d'entraver ou d'intimider un fonctionnaire de la Cour ou les représailles contre un fonctionnaire de la Cour en raison des fonctions exercées par ce fonctionnaire.¹

Sanctions contre la Rapporteuse spéciale du Conseil des droits de l'homme des Nations Unies sur la situation des droits de l'homme dans les territoires palestiniens occupés

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases>

Le Département d'État des États-Unis a imposé des sanctions contre Mme Francesca Albanese¹, « Rapporteuse spéciale du Conseil des droits de l'homme des Nations Unies sur la situation des droits de l'homme dans les territoires palestiniens occupés depuis 1967 »², par un communiqué de presse daté du 9 juillet 2025. Cette déclaration souligne qu'Albanese, Rapporteuse spéciale de l'ONU, a été vivement critiquée par les États-Unis pour avoir coopéré directement avec la Cour pénale internationale (CPI) dans la poursuite de ressortissants américains et israéliens sans le consentement de ces pays. Parmi les allégations figurent la recommandation faite par Albanese à la CPI d'émettre des mandats d'arrêt contre Benjamin Netanyahu, Premier ministre d'Israël, et Yoav Gallant, ancien ministre de la Défense du régime, ainsi que l'envoi de lettres menaçantes à des entreprises internationales.³

Les experts des Nations Unies, dans une déclaration du 8 août 2025, ont condamné les sanctions américaines contre la Rapporteuse spéciale des Nations Unies sur la situation des droits de l'homme dans les Territoires palestiniens occupés, Francesca Albanese. La déclaration indique : « Nous condamnons sans réserve la décision des États-Unis d'imposer des sanctions à la Rapporteuse spéciale des Nations Unies sur les droits de l'homme dans les Territoires palestiniens occupés et réaffirmons notre engagement à défendre les principes fondamentaux des droits de l'homme contre les tentatives de les saper et d'intimider ou de réduire au silence ceux qui

1. Francesca Paola Albanese

2. Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in the Palestinian Territories Occupied since 1967

3. <https://www.state.gov/releases/office-of-the-spokesperson>

s'efforcent de les défendre. Nous exprimons notre entière solidarité avec Francesca Albanese, dont la mission et les rapports sont essentiels pour le maintien des normes juridiques internationales et de la responsabilité. » La déclaration ajoute dans une autre partie : « Sanctionner la Rapporteuse spéciale pour l'exercice de ce mandat, qui lui a été confié par le Conseil des droits de l'homme, est une attaque directe contre l'intégrité du système des droits de l'homme des Nations Unies. Ces actions violent le droit international, y compris la Convention de 1946 sur les privilèges et immunités des Nations Unies. La Convention de 1946 accorde aux experts des Nations Unies les privilèges et immunités nécessaires à l'exercice indépendant de leurs fonctions. La violation de ce cadre envoie un message dangereux, menace l'indépendance du système des Procédures spéciales et a un impact négatif sur la protection mondiale des droits de l'homme. Les États qui sont en désaccord avec les observations des experts des Nations Unies devraient dialoguer de manière constructive avec eux par le biais des processus de dialogue diplomatique établis. » Enfin, la déclaration souligne : « Le ciblage de la Rapporteuse spéciale ne peut être séparé des crimes internationaux flagrants et des violations des droits de l'homme commis contre les Palestiniens, et des tentatives de longue date visant à délégitimer ceux qui défendent leurs droits. Les préjugés et les menaces auxquels sont confrontés les défenseurs des droits de l'homme, qu'il s'agisse de chercheurs, de militants de la société civile, de représentants des Nations Unies, de fonctionnaires ou d'experts, reflètent une stratégie plus large visant à étouffer la dissidence et à

protéger les structures de pouvoir abusives de tout examen. Nous appelons tous les États à condamner explicitement ces sanctions et à s'abstenir de coopérer à leur mise en œuvre, et à réaffirmer leur engagement envers les rapporteurs spéciaux, les groupes de travail et les experts indépendants des Nations Unies, y compris la Rapporteuse spéciale sur la situation des droits de l'homme dans les territoires palestiniens occupés depuis 1967. »¹

Sanction et répression des défenseurs des droits de l'homme palestiniens

Le gouvernement américain, dans la poursuite de sa politique de sanctions et de répression, a sanctionné plusieurs organisations de défense des droits de l'homme, notamment le groupe Al-Haq, le Centre Palestinien pour les Droits de l'Homme (PCHR), le Centre Al-Mizan pour les Droits de l'Homme et Addameer, en raison de leur soutien aux activités de la Cour pénale internationale (CPI) concernant la situation dans les Territoires palestiniens occupés. Ces institutions sont parmi les sources les plus fiables de documentation des violations des droits de l'homme dans les Territoires occupés et ont fourni à la CPI des documents importants concernant les attaques israéliennes contre des civils à Gaza. Cette action est un exemple regrettable de la répression continue des défenseurs palestiniens des droits de l'homme et des partisans de la Palestine aux États-Unis et ailleurs dans le monde. Ces sanctions rendent plus difficiles les opérations

1. <https://www.ohchr.org/en/statements/2025/08/us-sanctions-special-rapporteur-frances-ca-albanese-threaten-human-rights-system>

quotidiennes de ces organisations de défense des droits de l'homme et auront un impact négatif sur leur personnel, les communautés qu'elles soutiennent et leurs prestataires de services.¹

La sanction de ces organisations, en vertu du décret présidentiel (Executive Order) 14203, intervient dans un contexte où de nombreux pays ont condamné les actions d'Israël à Gaza, notamment le massacre de civils, le ciblage de journalistes et de personnel médical, et la création d'une famine. Les experts ont déclaré que ces sanctions constituent une violation flagrante de la liberté d'expression et d'association et font partie des efforts des États-Unis pour affaiblir la reddition de comptes internationale et réduire au silence la voix des partisans de la Palestine. Ils ont souligné : ces organisations, en raison de leur travail efficace de documentation des crimes de guerre, devraient être soutenues et financées, et non sanctionnées. L'action américaine dans ce domaine est regrettable et préoccupante.²

En réaction aux sanctions contre ces organisations de défense des droits de l'homme, le Haut-Commissaire des Nations Unies aux droits de l'homme a jugé les sanctions des États-Unis contre ces groupes palestiniens de défense des droits de l'homme « inacceptables » et a demandé leur abrogation à la suite de l'indignation mondiale suscitée par cette action américaine. Le Haut-Commissaire aux

1. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2025/07/us-lift-sanctions-on-leading-palestinian-human-rights-organization/>

2. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/09/un-experts-dismayed-us-sanctions-against-palestinian-human-rights>

droits de l'homme a déclaré : « Ces organisations non gouvernementales ont joué, au fil des décennies, un rôle essentiel dans le domaine des droits de l'homme, notamment pour assurer la reddition de comptes en cas de violations des droits de l'homme. » Il a précisé : « Cela revêt une importance accrue lorsque le droit international humanitaire et les droits de l'homme sont délibérément violés à Gaza et en Cisjordanie, y compris à Jérusalem-Est (Est de Bayt al-Maqdis/Jérusalem). » « Ces actions contre des organisations qui s'efforcent de promouvoir le respect des droits de l'homme sont totalement contraires aux principes de l'État de droit et aux valeurs que les États-Unis ont soutenues et défendues pendant des années. » Il a instamment demandé au gouvernement des États-Unis d'abroger immédiatement ces sanctions, ainsi que les sanctions précédentes imposées contre la Rapporteuse spéciale des Nations Unies sur la situation des droits de l'homme dans les Territoires palestiniens occupés depuis 1967, et les sanctions appliquées contre certains juges et procureurs de la Cour pénale internationale.¹

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/09/turk-calls-us-withdraw-sanctions-against-palestinian-rights-groups>

Chapitre II : Opérations militaires transfrontalières et pertes civiles

1. Attaque contre les installations nucléaires iraniennes

Le 22 juin 2025, les États-Unis, sur ordre direct de Donald Trump, ont mené une attaque militaire contre les installations nucléaires de Fordo, ainsi que deux autres sites à Natanz et Isfahan.

L'attaque américaine contre les installations nucléaires iraniennes n'est pas seulement une violation flagrante du droit international et de la souveraineté nationale de la République islamique d'Iran, mais elle constitue également un exemple clair de violation des droits humains. Les États-Unis, qui possèdent le plus grand arsenal nucléaire au monde et sont le seul pays à avoir utilisé l'arme atomique pour une destruction de masse, se permettent aujourd'hui de bombarder les installations pacifiques d'un État partie au TNP et sous la surveillance de l'Agence internationale de l'énergie atomique ; cela, dans un contexte où l'utilisation de la technologie nucléaire par l'Iran a été déclarée à plusieurs reprises et explicitement pacifique, et où aucune preuve de déviation de son programme nucléaire n'a été fournie.

Cette attaque ne représente pas seulement une violation de la Charte des Nations Unies et des principes fondamentaux du droit international, elle a également mis en danger la vie de milliers de personnels techniques, scientifiques et civils, et porté un coup sérieux au droit légitime et incontestable de la nation iranienne à atteindre le développement et le progrès; un droit reconnu par les principes fondamentaux du droit

international, la Charte des Nations Unies et les obligations internationales de l'Iran dans le cadre du Traité de non-prolifération (TNP), et que cette action agressive a clairement violé. Les États-Unis qualifient cette atrocité, avec une audace totale, d'« opération réussie dans le but de maintenir la paix », alors qu'ils représentent eux-mêmes la plus grande menace à la paix mondiale.

Coopération avec le régime israélien dans l'agression militaire contre l'Iran

Malgré l'existence de nombreuses lois et réglementations internationales interdisant l'agression et la guerre entre États, le régime israélien a attaqué illégalement l'Iran le 13 juin 2025. Cette guerre imposée a duré 12 jours. Cette guerre cruelle a entraîné de nombreux dommages, causant la mort d'un grand nombre de citoyens iraniens, y compris des hauts responsables militaires, des scientifiques et des professeurs d'université, des femmes, des enfants et des civils. Outre les pertes humaines, cette agression cruelle a endommagé un nombre considérable d'infrastructures militaires et civiles ainsi que des zones résidentielles en Iran.

La participation et l'intervention directes des États-Unis dans l'agression militaire du régime sioniste contre l'Iran, qui s'est déroulée du 13 au 24 juin 2025, constituent l'une des violations les plus graves du droit international humanitaire et des principes des droits humains depuis l'établissement de l'ordre juridique post-Seconde Guerre mondiale.

Au cours de l'agression de 12 jours menée par le régime sioniste en collaboration avec les États-Unis, les infrastructures

nucléaires de la République islamique d'Iran, notamment les sites nucléaires pacifiques de Natanz, Fordo, l'eau lourde d'Arak et Ispahan, ont été directement visées par des attaques. Compte tenu de la sensibilité et du risque potentiel de fuite de matières radioactives, ces actions constituent une menace grave et sans précédent pour la santé du peuple iranien et la sécurité environnementale de la région.

De plus, ces attaques constituent une violation flagrante du droit à la santé et même du droit à la vie du peuple iranien. La fuite potentielle de matières radioactives et toxiques résultant de ces attaques peut gravement contaminer la santé publique, les ressources en eau, l'air et le sol, et engendrer de nombreux risques pour les populations vulnérables telles que les enfants, les personnes âgées et les malades.

L'obligation des États de prévenir les risques transfrontaliers résultant de la pollution environnementale et radioactive est reconnue comme une obligation internationale contraignante dans les Principes de Stockholm de 1972, de Rio de 1992, et dans l'avis consultatif de la Cour internationale de Justice de 2025. Le non-respect de ces obligations lors de ces attaques pourrait entraîner une responsabilité internationale étendue pour le régime sioniste et ses collaborateurs.

Ciblage des civils sous prétexte de lutte contre le terrorisme

Les États-Unis, poursuivant leurs actions transfrontalières, ont attaqué plusieurs bateaux vénézuéliens, une action qui a provoqué une vive réaction des experts des droits de l'homme ; ils ont qualifié ces attaques de violation flagrante du droit à la vie et du droit international, et ont exigé

une enquête indépendante et la reddition de comptes des responsables concernés. Les experts des droits de l'homme des Nations Unies ont averti que les attaques meurtrières des États-Unis dans le cadre de la « Guerre contre le Narcoterrorisme » (terrorisme lié à la drogue), y compris la récente attaque contre un navire suspect, violent le droit fondamental à la vie. Ces experts ont souligné que l'utilisation de la force létale sans respecter les principes du droit international et des droits de l'homme, y compris les exigences de transparence, de reddition de comptes et d'évaluation de la légitimité de l'objectif, pourrait équivaloir à une exécution extrajudiciaire. Ils ont demandé une enquête indépendante, transparente et impartiale sur cette attaque et ont mis en garde contre l'expansion de pratiques militaires dépourvues de surveillance légale.

Les experts des droits de l'homme des Nations Unies ont qualifié l'attaque meurtrière des États-Unis contre deux bateaux civils dans les eaux des Caraïbes en septembre 2025, qui a entraîné la mort de 14 personnes, d'exécution extrajudiciaire et de violation grave du droit international. Ils ont souligné que le droit international n'autorise pas l'assassinat ciblé de personnes soupçonnées de trafic de drogue et que les actions criminelles doivent être poursuivies par les voies légales et dans le respect du principe de l'État de droit. Selon ces experts, l'utilisation de la force létale dans les eaux internationales n'est permise que dans des situations de légitime défense ou de défense d'autrui contre une menace imminente pour la vie. De plus, ces

attaques ont été menées en violation du droit international de la mer et de la Charte des Nations Unies et peuvent être considérées comme une violation de la souveraineté des États et un usage illégal de la force. Ils ont exhorté les États-Unis à se retirer de leur guerre illégale contre le « narcoterrorisme », à poursuivre les auteurs de ces actes en justice et à indemniser les familles des victimes. Les États-Unis avaient précédemment accusé le Tren de Aragua de mener une « invasion » ou une « incursion prédatrice » contre les États-Unis, sous l'ordre du gouvernement vénézuélien. Les experts ont déclaré : « Il n'existe aucune preuve que ce groupe menait une attaque armée contre les États-Unis qui autoriserait les États-Unis à utiliser la force militaire en légitime défense nationale contre celui-ci. »¹

De plus, le Comité des droits de l'homme des Nations Unies a exprimé sa profonde préoccupation concernant l'utilisation par les États-Unis d'Amérique de drones armés dans les opérations antiterroristes transnationales pour effectuer des assassinats ciblés. Le Comité était particulièrement préoccupé par le manque de transparence dans les critères juridiques et les politiques relatifs aux frappes de drones, le risque que ces critères puissent être modifiés sur la base de programmes secrets, et l'absence de reddition de comptes pour les pertes en vies humaines et les blessures graves infligées aux civils.²

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/09/us-war-narco-terrorists-violates-right-life-warn-un-experts-after-deadly>

2. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

Chapitre III : Mesures coercitives unilatérales

Imposition de sanctions globales contre l'Iran

Les sanctions globales imposées par les États-Unis contre l'Iran, bien plus qu'un simple outil de pression politique, constituent une violation systématique et généralisée des droits du peuple iranien. Ces sanctions, qui affectent les secteurs économique, financier et bancaire, le commerce international, la santé et les médicaments, ainsi que de nombreux autres aspects de la vie des Iraniens, ont gravement réduit le revenu national et exacerbé l'inflation et le chômage dans le pays, violant ainsi le droit à la subsistance, au bien-être et au développement de millions de citoyens iraniens. L'impact de ces restrictions sur la sécurité alimentaire et l'accès aux biens essentiels et aux médicaments a été négatif, et est clairement en contradiction avec les principes du droit international et les normes des droits humains.

Le dernier rapport publié par le Congrès des États-Unis sur les sanctions américaines contre l'Iran, daté du 19 août 2025, a également souligné les effets négatifs de ces sanctions sur l'économie et les moyens de subsistance des Iraniens. Ce rapport indique que depuis la révolution iranienne en 1979, les États-Unis ont eu recours à divers types de sanctions comme instruments clés de leur politique envers le gouvernement iranien. Les sanctions économiques, en tant qu'un des principaux outils de la politique étrangère américaine envers l'Iran, ont joué un rôle majeur et déterminant. Depuis le début de l'imposition de sanctions étendues contre l'Iran, ces mesures ont eu des répercussions profondes non seulement

sur l'économie du pays, mais aussi sur la vie quotidienne des citoyens, les relations internationales et les perspectives de développement de l'Iran.

Dans ce rapport, concernant la nature des sanctions imposées par les États-Unis contre l'Iran, il est déclaré : « Les sanctions primaires imposent des restrictions sur les comportements et les personnes qui y sont directement impliqués, et les sanctions secondaires visent à dissuader les tiers d'interagir avec les cibles primaires. Les sanctions primaires et secondaires peuvent inclure le blocage des actifs basés aux États-Unis, l'interdiction de transactions avec des personnes américaines, la restriction de l'utilisation des instruments financiers américains, le refus d'entrée aux États-Unis et la poursuite des violations et du contournement des sanctions. Les sanctions américaines contre l'Iran sont probablement l'ensemble de sanctions le plus large et le plus complet que les États-Unis appliquent contre un pays. Des milliers de personnes (Iraniennes et non-Iraniennes) ont été placées sur la liste des sanctions en raison de leurs liens avec l'Iran. »

La loi américaine autorise des sanctions qui ciblent : le secteur énergétique iranien, y compris les entreprises étrangères qui y investissent et les entités qui achètent, vendent ou transportent du pétrole iranien ; le secteur financier iranien, y compris sa banque centrale ; des secteurs supplémentaires de l'économie iranienne, y compris les transports, la construction, les mines, les textiles, l'automobile et la fabrication, ainsi que les entités qui effectuent des transactions avec ces secteurs ou les soutiennent de toute autre manière ; et de nombreuses

composantes du gouvernement iranien, y compris les entités qui effectuent des transactions avec elles ou les soutiennent de toute autre manière.

Dans le présent rapport, nous nous contenterons uniquement des noms des sanctions imposées par les États-Unis d'Amérique en 2025, officiellement annoncées par le Département d'État de ce pays le 21 août 2025, et qui incluent à elles seules les 19 sanctions décrites ci-dessous :

- * 24 février 2025 : Sanctions contre des entités impliquées dans le commerce de pétrole iranien.

- * 24 février 2025 : Sanctions sur le commerce de pétrole iranien pour rétablir une pression maximale.

- * 13 mars 2025 : Sanctions contre le ministre iranien du Pétrole et la « flotte fantôme » pour l'application d'une pression maximale.

- * 13 mars 2025 : Sanctions contre les fournisseurs de services qui facilitent le commerce de pétrole brut iranien.

- * 20 mars 2025 : Sanctions contre des entités supplémentaires impliquées dans le commerce de pétrole iranien.

- * 10 avril 2025 : Sanctions contre le réseau pétrolier iranien pour l'application d'une pression maximale accrue.

- * 16 avril 2025 : Sanctions contre une raffinerie chinoise (Teapot) pour augmenter la pression sur l'Iran.

- * 22 avril 2025 : Sanctions contre le réseau de transport de gaz de pétrole liquéfié (GPL) pour augmenter la pression sur l'Iran.

- * 30 avril 2025 : Imposition de sanctions à pression maximale contre les négociants illégaux de produits pétroliers et pétrochimiques iraniens.

* 8 mai 2025 : Sanctions contre la troisième raffinerie chinoise (Teapot) pour violation des sanctions contre l'Iran.

* 3 juillet 2025 : Ciblage de divers réseaux qui facilitent le commerce de pétrole iranien.

* 30 juillet 2025 : Sanctions contre les facilitateurs du commerce de pétrole et de produits pétrochimiques iraniens.

* 21 août 2025 : Sanctions contre le réseau pétrolier iranien pour l'application d'une pression maximale accrue

Les sanctions mentionnées ci-dessus, imposées en 2025, ne représentent qu'une fraction des centaines de sanctions que les États-Unis ont promulguées contre la République islamique d'Iran depuis le début de la Révolution islamique. Les sanctions unilatérales de ce pays ont eu des impacts dévastateurs et étendus sur les droits fondamentaux des citoyens iraniens. En ciblant systématiquement les secteurs vitaux du pays, notamment l'énergie, la banque et le commerce, ces sanctions ont directement restreint l'accès de la population aux médicaments, aux équipements médicaux, à la nourriture et à d'autres nécessités vitales de la vie. Du point de vue du droit international, ces mesures constituent une violation flagrante de l'article 25 de la Déclaration universelle des droits de l'homme (droit à un niveau de vie suffisant, comprenant la nourriture, le logement, les soins médicaux et les services sociaux nécessaires) et du Pacte international relatif aux droits économiques, sociaux et culturels. La réduction du revenu national, l'augmentation de l'inflation et du chômage, ainsi que la privation de services de santé, ne sont que de petits exemples de la punition collective que les États-Unis imposent aux Iraniens.

Ces sanctions entraînent non seulement des crises humanitaires dans les domaines de la santé et de la sécurité alimentaire, mais elles violent également le droit au développement et au progrès socio-économique de la République islamique d'Iran. Les conséquences négatives de ces sanctions cruelles, notamment la restriction de l'accès à la technologie, aux investissements étrangers et aux marchés mondiaux, ont entravé la croissance durable et l'amélioration du niveau de vie en Iran. Les effets à long terme de ces politiques sur les groupes les plus vulnérables de la société, y compris les enfants, les malades et les personnes âgées, sont indéniables. De telles actions non seulement n'ont aucune légitimité juridique, mais elles sont en contradiction flagrante avec les principes humanitaires et les obligations internationales de prévenir les souffrances des civils.

2. Imposition de sanctions contre d'autres pays

Les sanctions économiques et financières sont considérées comme un outil clé de la politique étrangère des États-Unis pour influencer le comportement des gouvernements étrangers. Cet instrument, au-delà des restrictions imposées à la République islamique d'Iran, a également ciblé un large éventail de pays, notamment la Russie, la Corée du Nord, le Venezuela, et d'autres.

L'Office of Foreign Assets Control (OFAC) des États-Unis, chargé de la mise en œuvre de divers programmes de sanctions, poursuit les objectifs de politique étrangère et de sécurité nationale des États-Unis. Ces sanctions peuvent être globales ou sélectives et sont mises en œuvre par le blocage

des avoirs et l'imposition de restrictions commerciales. L'OFAC gère de nombreux programmes de sanctions à l'échelle mondiale, notamment des sanctions liées à la Russie, à l'Iran, à la Corée du Nord, à Cuba, à la lutte contre le trafic de drogue et des sanctions liées au cyberspace. De plus, les sanctions liées au Venezuela font partie des programmes importants de cet Office. Ces mesures sont considérées comme un outil puissant d'exercice de l'influence américaine au niveau international.

Chapitre 4 : retrait des organisations internationales

Retrait de l'Organisation des Nations Unies pour l'éducation, la science et la culture (UNESCO)

Les États-Unis d'Amérique se sont officiellement retirés de l'Organisation des Nations Unies pour l'éducation, la science et la culture (UNESCO)¹ le 22 juillet 2025. Dans un communiqué de presse du Département d'État des États-Unis, la raison du retrait des États-Unis de cette organisation est énoncée comme suit : « L'UNESCO s'efforce de promouvoir des objectifs sociaux et culturels qui suscitent la division, et son orientation excessive sur les objectifs de développement durable de l'ONU, qui représentent un programme mondial et idéologique pour le développement international, est en contradiction avec notre politique étrangère de «l'Amérique d'abord». La décision de l'UNESCO d'accepter l'«État de Palestine» comme État membre a été une mesure problématique, contraire à la politique des États-Unis, et un facteur d'amplification du discours anti-israélien au sein de l'organisation. Désormais, la participation des États-Unis aux organisations internationales se concentrera sur la promotion explicite et ferme des intérêts américains. »² De manière générale, le retrait des États-Unis de l'UNESCO peut être interprété dans le cadre du soutien total de ce pays aux politiques du régime sioniste. Cette action américaine démontre une approche où Washington s'oppose aux actions internationales contraires aux intérêts d'Israël et s'est concrètement transformé en partenaire stratégique de

1. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

2. <https://www.state.gov/releases/office-of-the-spokesperson/2025/07/the-united-states-withdraws-from-the-united-nations-educational-scientific-and-cultural-organization-unesco>

ce régime dans la commission de crimes de guerre contre les Palestiniens.

La Directrice générale de l'Organisation des Nations Unies pour l'éducation, la science et la culture (UNESCO), Audrey Azoulay¹, a exprimé son regret face à cette décision dans une déclaration, un jour après le retrait des États-Unis, et en a exposé les conséquences comme suit : « Cette décision va à l'encontre des principes fondamentaux du multilatéralisme et pourrait affecter en premier lieu beaucoup de nos partenaires aux États-Unis (les communautés qui cherchent à inscrire des sites sur la Liste du patrimoine mondial, le statut de Ville créative et les chaires universitaires)... Les raisons invoquées par les États-Unis pour se retirer de l'organisation sont les mêmes qu'il y a sept ans, bien que la situation ait profondément changé, que les tensions politiques se soient apaisées, et que l'UNESCO soit aujourd'hui une tribune rare pour le consensus sur un multilatéralisme concret et axé sur l'action. ... L'UNESCO continuera à remplir ces missions, malgré la réduction inévitable de ses ressources. »² Le retrait des États-Unis des institutions internationales, y compris l'UNESCO, témoigne de l'approche instrumentale des États-Unis à l'égard des institutions internationales. Ce pays ne coopère avec ces institutions que tant qu'elles servent ses intérêts, et a recours au retrait ou à la menace de couper les contributions financières si elles adoptent des positions indépendantes ou critiques.

1. Audrey Azoulay

2. <https://www.state.gov/releases/office-of-the-spokesperson/2025/07/the-united-states-withdraws-from-the-united-nations-educational-scientific-and-cultural-organization-unesco>

Retrait de l'Organisation mondiale de la Santé

Le 20 janvier 2025, Donald Trump, président des États-Unis d'Amérique, a retiré les États-Unis de l'Organisation mondiale de la Santé (OMS) par un décret exécutif.¹

Selon le bulletin de la « Fédération mondiale des associations de santé publique »², la décision du gouvernement des États-Unis de couper les ponts avec l'Organisation mondiale de la Santé (OMS) a des répercussions considérables sur la santé publique aux États-Unis et dans le monde. Le retrait des États-Unis de l'OMS met en péril des initiatives de santé vitales, affaiblit la coopération internationale et compromet les efforts visant à relever les défis mondiaux urgents.

Étant donné que les États-Unis ont toujours été le plus grand contributeur de l'OMS, fournissant 15 % de son budget, cette mesure crée un écart financier important qui aura un impact sur les programmes de l'organisation dans le monde entier. Le retrait des États-Unis de l'OMS a également des effets secondaires. Par exemple, des organisations non gouvernementales fournissant des médicaments vitaux contre le SIDA dans plusieurs pays africains sont désormais contraintes de rationner leurs ressources en raison du manque de financement. En Afrique subsaharienne, où vivent 67 % des personnes atteintes du SIDA, cela pourrait annuler des décennies de progrès dans la lutte contre cette pandémie.³

1. <https://www.whitehouse.gov/presidential-actions/2025/01/withdrawing-the-united-states-from-the-worldhealth-organization/> (accessed on 3 August 2025)

2. World Federation of Public Health Association

3. <https://www.wfpha.org/us-withdrawl-from-who/>

Retrait du Conseil des droits de l'homme des Nations Unies

Le 4 février 2025, Donald Trump, président des États-Unis d'Amérique, a retiré les États-Unis du Conseil des droits de l'homme des Nations Unies¹ par un décret exécutif intitulé « Retrait des États-Unis de certaines organisations des Nations Unies et fin de leur financement, et examen du soutien des États-Unis à toutes les organisations internationales ». Dans ce décret, Trump a justifié sa décision en déclarant : « Le Conseil des droits de l'homme des Nations Unies a protégé les auteurs de violations des droits humains en leur permettant d'utiliser cette organisation pour se protéger de tout examen minutieux... »

Le décret exécutif de Donald Trump concernant le retrait des États-Unis du Conseil des droits de l'homme des Nations Unies est non seulement un pas en arrière sur la voie de la préservation des valeurs universelles des droits humains, mais il reflète également la tentative de ce pays d'échapper à la responsabilité de ses propres comportements violant les droits humains à l'intérieur et à l'extérieur de ses frontières. Cette décision intervient alors que les États-Unis ont largement démontré leur soutien inconditionnel au régime sioniste au cours des dernières années, notamment avec les atrocités d'Israël à Gaza, et qu'ils ont à plusieurs reprises abusé des mécanismes internationaux pour empêcher ce régime d'être tenu responsable.

L'argument avancé dans ce décret – selon lequel le Conseil des droits de l'homme est devenu un refuge pour les auteurs de violations des droits humains – est davantage une tentative de

1. United Nations Human Rights Council

projection et de mépris des dures réalités des comportements des États-Unis sur les scènes intérieure et internationale. Ce que Trump appelle le « dysfonctionnement du Conseil » est en réalité une réaction à la montée des pressions et des critiques internationales concernant les pratiques discriminatoires, violentes et parfois mortelles des institutions nationales américaines, notamment à l'égard des Noirs, des migrants, des peuples autochtones et d'autres minorités raciales et religieuses.

Il convient de noter que, dans un geste contraire aux exigences de coopération des mécanismes internationaux des droits humains, les États-Unis d'Amérique ont informé le Conseil des droits de l'homme des Nations Unies, par une lettre officielle, qu'ils s'abstiendraient de présenter leur rapport national dans le cadre du mécanisme d'Examen périodique universel (EPU).

Le retrait du Conseil des droits de l'homme ne témoigne pas seulement de la réticence des États-Unis à corriger leur propre conduite, mais il révèle également le mépris structurel de ce pays pour les règles et principes internationaux dans le domaine des droits humains. Cette action équivaut concrètement à réduire la transparence, à interrompre la coopération avec les organes de surveillance et à renforcer le terrain propice à la poursuite et à l'intensification des violations des droits humains sur le sol américain.

Arrêt de l'aide financière des États-Unis d'Amérique

Le 4 février 2025, Donald Trump, président des États-Unis d'Amérique, a coupé l'aide financière à l'Office de secours et de travaux des Nations Unies pour les réfugiés de Palestine dans le Proche-Orient¹ (UNRWA) par un décret exécutif intitulé « Retrait des États-Unis de certaines organisations des Nations Unies et fin de leur financement, et examen du soutien des États-Unis à toutes les organisations internationales ». Dans ce décret, Trump justifie sa décision en déclarant : « L'UNRWA aurait été infiltré par des membres de groupes désignés depuis longtemps par le Secrétaire d'État (le Secrétaire) comme des organisations terroristes étrangères, et des employés de l'UNRWA auraient été impliqués dans l'attaque du Hamas contre Israël le 7 octobre 2023... »²

Le récent décret exécutif de Donald Trump, daté du 4 février 2025, sur l'arrêt total de l'aide financière des États-Unis à l'Office de secours et de travaux des Nations Unies pour les réfugiés de Palestine (UNRWA), est non seulement une mesure contraire aux principes fondamentaux des droits humains et du droit international humanitaire, mais il exprime clairement le soutien structurel et systématique de Washington aux atrocités du régime sioniste contre le peuple palestinien opprimé.

Cette mesure est prise alors que des millions de réfugiés palestiniens dépendent des services de l'UNRWA pour leurs besoins fondamentaux, notamment la nourriture, l'éducation, la santé et le logement. Couper cette aide signifie priver

1. United Nations Relief and Works Agency for Palestine Refugees in the Near East

2. <https://www.whitehouse.gov/presidential-actions/2025/02/withdrawing-the-united-states-from-and-ending-funding-to-certain-united-nations-organizations-and-reviewing-united-states-support-to-all-international-organizations>

délibérément une nation souffrante de ses droits humains fondamentaux et est en contradiction totale et manifeste avec les objectifs humanitaires que les États-Unis prétendent défendre.

Comme l'ont souligné plus de 30 experts indépendants des Nations Unies dans une lettre envoyée aux États-Unis plus tôt cette année, les décisions américaines de suspendre l'aide étrangère « ont été accompagnées d'un manque de transparence et de clarté, d'une absence de consultation, notamment avec les organisations de la société civile nationales et d'autres associations affectées... et d'actions apparemment arbitraires et générales, qui ont été adoptées au lieu d'approches légales, nécessaires, proportionnées et mesurées qui respectent la procédure légale et l'État de droit. » Selon l'avis de ces experts indépendants, les actions des autorités américaines « affectent profondément l'exercice de la liberté d'association et d'autres droits » et pourraient facilement entraîner la dissolution d'un large éventail d'organisations de la société civile, et par conséquent la réduction de l'espace civique dans plusieurs pays plus petits.

Depuis la signature du décret exécutif n° 14169 par le président des États-Unis le 20 janvier 2025, suspendant l'aide étrangère jusqu'à la fin d'un examen, près de 100 personnes meurent toutes les heures. Ces experts ont appelé le gouvernement américain à une réaction immédiate dans une lettre. Les estimations font état de plus de 350 000 décès résultant de la suspension de l'aide, dont plus de 200 000 enfants. Selon ces experts, la décision regrettable du gouvernement américain de

suspendre l'aide étrangère est une urgence humanitaire, et non un simple changement de politique. Les nouvelles statistiques fournies aux experts montrent l'impact dévastateur de l'arrêt de l'aide américaine et de la réduction du financement des agences des Nations Unies. Le Fonds des Nations Unies pour la population (FNUAP) a estimé qu'au moins 32 millions de personnes perdront l'accès à leurs services de santé sexuelle et reproductive. Le Haut-Commissariat des Nations Unies pour les réfugiés (HCR) a déclaré que 12,8 millions de personnes déplacées pourraient perdre des services de santé vitaux, et l'Organisation internationale pour les migrations (OIM) affirme que 10 millions de personnes pourraient être privées d'aide d'urgence.

Selon le rapport du Rapporteur spécial sur la liberté de réunion pacifique, la réduction sans précédent de l'aide internationale a plongé l'architecture mondiale des droits humains et du développement dans une profonde incertitude, créant une menace existentielle pour l'ensemble de l'écosystème de l'espace civique, menaçant des décennies d'acquis, et compromettant les efforts en matière de droits humains et d'aide humanitaire. Par conséquent, des millions de personnes qui dépendent de l'aide humanitaire sont mises en danger, entraînant des millions de décès évitables.

La crise de l'aide mondiale s'est intensifiée après que les États-Unis d'Amérique ont arbitrairement et soudainement bloqué ou coupé l'aide étrangère, et démantelé l'Agence des États-Unis pour le développement international (USAID) (et plus récemment le Bureau de la Démocratie, des Droits

de l'Homme et du Travail), suite à l'émission de plusieurs décrets exécutifs par le président américain depuis janvier 2025.¹ En attisant la stigmatisation de l'aide étrangère pour justifier sa coupure, le gouvernement américain a provoqué une augmentation des campagnes de dénigrement contre le principe même de l'aide, le personnel et les organismes d'aide, ainsi que les bénéficiaires de l'aide, y compris les organisations de la société civile à travers le monde. Cette tendance a renforcé et encouragé les acteurs qui menacent la société civile. En conséquence, les organisations de la société civile sont la cible de restrictions légales, de criminalisation et d'enquêtes intrusives, et sont confrontées à une érosion de la confiance publique. Cette situation est souvent soutenue par des narratifs gouvernementaux et médiatiques qui présentent les ONG et les défenseurs des droits humains comme des « agents étrangers », des « criminels » ou des « menaces à la sécurité ». Les accusations sans fondement du gouvernement américain et des politiciens de haut rang liant l'aide étrangère au blanchiment d'argent et au financement du terrorisme ont placé les militants de la société civile sous une menace, des enquêtes et une surveillance généralisées.²

L'Organisation des Nations Unies a annoncé dans un rapport choquant qu'avec l'interruption de l'aide américaine de 4 milliards de dollars destinée à la lutte contre le VIH, le monde est confronté au risque de la mort de plus de 4 millions de personnes et de l'infection de 6 millions d'autres par cette

1. Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, A/80/219

2. Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, A/80/219

maladie d'ici 2029. Le programme PEPFAR, qui a joué un rôle vital en sauvant la vie de plus de 20 millions de personnes au cours des dernières années, a été soudainement stoppé suite à l'ordre du président américain de suspendre l'aide étrangère. Ce programme était le fournisseur de 99,9 % des médicaments de prévention du VIH dans des pays comme le Nigeria. Les conséquences de cette décision sont désormais visibles dans les régions vulnérables du monde. Des cliniques de traitement en Afrique et en Asie, qui enregistrent le plus grand nombre d'infections par le VIH, sont en train de fermer, et des milliers de patients ont été privés d'accès aux services de santé. Le Directeur du programme ONUSIDA des Nations Unies (ONUSIDA) a exprimé sa profonde inquiétude face à cette situation, déclarant : « Alors que nous étions proches de mettre fin à la crise du SIDA grâce à des médicaments innovants comme le Sunlenca, malheureusement, les États-Unis sont en train de se retirer de cette lutte mondiale. »

Il est à noter que des enquêtes mondiales sur l'impact de la suspension de l'aide au développement des États-Unis ont constamment montré que les organisations qui étaient auparavant financées directement ou indirectement par l'Agence des États-Unis pour le développement international (USAID) luttent désormais pour leur survie et que leurs programmes ont été largement perturbés. Ces organisations ont signalé qu'elles disposent de ressources financières très limitées pour poursuivre leurs activités et qu'elles risquent une fermeture permanente. Beaucoup ont été contraintes d'arrêter immédiatement leurs activités, de licencier leur personnel

(dans certains cas, plus de 80 % des employés des ONG ont été touchés) et de réduire considérablement leurs opérations, ce qui a privé les communautés locales de services vitaux et de sauvetage. Les ONG nationales et locales, en particulier celles opérant dans des espaces civiques restreints et des zones de conflit, sont les plus durement touchées.¹

Selon un sondage mené le 18 février 2025, le gouvernement des États-Unis est redevable de millions de dollars aux organisations non gouvernementales (ONG), ce qui a eu un impact direct sur leur liquidité et leur capacité financière. 55 % des ONG ont signalé que cette situation avait eu un impact négatif sur leurs ressources humaines, et 67 % ont déclaré avoir réduit ou complètement interrompu leurs services vitaux, affectant des millions d'individus et de communautés vulnérables. L'une des principales conclusions de ce sondage a été que les acquis de la dernière décennie en matière de responsabilité, de coordination et de productivité sont en train d'être perdus. Ces résultats démontrent les conséquences graves et systématiques de la suspension soudaine de l'aide américaine, qui a touché non seulement les ONG, mais aussi la vie de millions de personnes à travers le monde.

La situation s'est aggravée car les mécanismes multilatéraux sont confrontés à des réductions de financement intentionnelles et à un affaiblissement systématique. L'Organisation des Nations Unies (ONU) est confrontée à une réduction de budget sans précédent, car les pays n'ont pas réussi à payer leurs contributions pour l'année 2025 et ont à plusieurs reprises

1. Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, A/80/219

été en retard dans leurs paiements. Les États-Unis, en tant que plus grand débiteur, ont refusé de verser leur quote-part financière à l'ONU, ce qui a eu un impact négatif significatif sur le fonctionnement et la stabilité financière de cette institution internationale.

Un sondage auprès des organisations de la société civile actives dans la lutte contre la corruption, qui a été mené par la Coalition des Amis de la Société Civile de la Convention des Nations Unies contre la Corruption au premier trimestre de 2025, a révélé que l'arrêt soudain du financement par les États-Unis avait eu des répercussions considérables et immédiates sur les organisations non gouvernementales actives dans la lutte contre la corruption.¹

1. Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, A/80/219

Conclusion

Une analyse exhaustive des actions des États-Unis d'Amérique dans le domaine des droits de l'homme, tant au niveau national qu'international, révèle que les prétentions de ce pays à défendre les droits de l'homme sont confrontées à de sérieux défis au regard du droit international et des principes universels des droits de l'homme. De nombreuses preuves indiquent que les États-Unis adoptent, de manière systématique et continue, une approche sélective, utilitariste et à double standard vis-à-vis des concepts et des mécanismes des droits de l'homme, s'en servant comme un outil politique et géopolitique dans le but de servir leurs intérêts nationaux et hégémoniques.

Dans le domaine intérieur, les violations étendues et documentées des droits de l'homme, comprenant l'inégalité raciale structurelle, la violence policière systémique contre les minorités, la violation des droits des migrants, des prisonniers, des femmes, des enfants, des populations autochtones et des couches défavorisées, ainsi que la restriction des libertés fondamentales, notamment la liberté d'expression et le droit de réunion pacifique, témoignent toutes de la grave situation du respect des droits de l'homme à l'intérieur de ce pays. Un grand nombre de ces cas sont confirmés par des rapports d'organismes internationaux de défense des droits de l'homme, y compris le Conseil des droits de l'homme des Nations Unies, les rapporteurs spéciaux des Nations Unies, et autres.

Sur le plan international également, les interventions militaires, l'imposition de sanctions unilatérales et les actions de déstabilisation dans des pays souverains, ainsi que le soutien inconditionnel au régime israélien dans la commission de violations flagrantes des droits de l'homme contre le peuple palestinien, notamment à Gaza, indiquent clairement que les États-Unis n'utilisent les mécanismes des droits de l'homme que lorsque cela sert leurs intérêts politiques et stratégiques. Cette approche est non seulement en contradiction avec les principes fondamentaux de la Charte des Nations Unies, de la Déclaration universelle des droits de l'homme et des Pactes internationaux relatifs aux droits civils et politiques, et aux droits économiques, sociaux et culturels, mais elle porte également atteinte à la crédibilité et au fonctionnement des institutions internationales.

